
۱۶
علم مفاهیم شناسی
در قرآن
نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد شانزدهم – حرف ص

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد شانزدهم - حرف ص/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴/آ۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶– دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)– صفحه ۹۱ تا ۹۳– پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیـدار کنیـد. تـدریس قرآن در هر رشـته ای از آن را محط نظر و مقصـد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسـته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نـازل گردیـده اسـت ، آن است که مسائـل مهم حیـاتی را چه در معنویـات و چه در نظـام ملکی زنـده نگه دارد و بفهمانـد که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سـخن اسـتفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارنـد که انسان نخست می اندیشـند سـپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بـدون اسـتعمال الفـاظ امکان پـذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سـخن فروبسـته و به انـدیشه فرورفته باشـد، بـاز در واقع بـا یک سلسـله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

صابئان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صابئان

آثار ایمان صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۲

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، شرط دور ماندن مسلمانان ، یهودیان ، نصارا و صابئان از هرگونه ترس و اندوه

إن الذین ءامنوا . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

ایمان صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صائبی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری . .. و لا هم یحزنون

<صابئی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ; با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصبئون> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الذین ءامنوا و الذین هادوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

پاداش صابئان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ -

۱۱ – مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف علیهم . ..> قیامت است.

دین صابئان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۲ – ۶

۶ – آیین یهود ، نصارا و صابئان ، از ادیان الهی و آسمانی است .

إن الذین ءامنوا . .. و الصبئین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۹ – ۳

۳ آیین یهود ، نصارا و صابئین ، از ادیان رسمی و الهی

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری . .. فلاخوف علیهم

درباره آیین صابئیها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئی آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

رسمیت دین صابئان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۲ – ۸

۸ – دین یهود ، نصارا و صابئان از آیین های به رسمیت شناخته شده در قرآن

إن الذین ءامنوا و الذین هادوا و النصری و الصبئین

از نکته هایی که می تواند توجیه کننده آوردن عناوین مذکور باشد، اعلام رسمیت آیینهای یاد شده است.

عقیده صابئان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۹ – ۷

۷ صابئی ها نسبت

به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری

مرفوع بودن کلمه <الصبئون>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <انّ> در مورد صابئیها وجود ندارد.

مسؤولیت صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۴

۴ - مسلمانان ، یهودیان ، مسیحیان و صابئی ها سزاوارترین امت ها برای برخوردار شدن از ایمان راستین و انجام عمل صالح

إن الذین ءامنوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً

نام بردن از ملتهای مذکور - با وجود این که ایمان راستین چنانچه گذشت از هر فرد و ملتی پذیرفته است - می تواند اشاره به این نکته باشد که: پیروان آیینهای یاد شده دارای زمینه بیشتری برای ایمان حقیقی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۴

۴ ایمان به خدا و قیامت و رسالت انبیا ، از اصول مشترک ادیان آسمانی

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون . .. من ءامن باللّه و الیوم الاخر

ایمان به رسولان الهی، از عناوین مذکور در آیه (الذین ءامنوا . .. النصری) استفاده شده است.

صائبیت

تاریخ صائبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۳

۳ - ظهور آیین صابئی ، در حد فاصل میان یهودیت و مسیحیت

و الذين هادوا و الصبئين و النصری

ذکر <صابئين> بين <يهود> و <نصارا>، اشعار به برداشت فوق دارد.

صابران از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

صابران

{صابران}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳

- آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۱۷

۱۷ خداوند ، حافظ صابران تقواپیشه ، از حیله ها و کینه های دشمنان دین

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرّکم کیدهم شیئاً انّ اللّه بما یعملون محیط

از اینکه جمله <انّ اللّه . .. > علت برای <لا یضرّکم> است، معلوم می شود که خداونـد با احاطه کامل به اعمال و کیدهای دشمنان، مانع ضرررسانی آنان خواهد شد. در نتیجه، حافظِ مؤمنان است; به شرط اینکه آنها صبر و تقوا را پیشه خود سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی در دوران حکومت فرعون ، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبرپیشگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر ناملایمات صبور و شکیبا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۶

۶ آنان که بر اطاعت فرمان های خدا صبوری کنند ، از محسنانند .

واصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶،۱۸

صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۱۸ توکل کنندگان بر خداوند ، انسانهایی صبور و مقاومند .

فصبر جمیل والله المستعان علی ما تصفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۶

۱۶ امیدواران به امداد های الهی ، انسانهایی صبور و مقاومند .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۲ – ۱

۱– مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

و الذین هاجروا فی الله . .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۷ – ۱۴

۱۴– پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر . .. و لاتحزن علیهم و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیـامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداونـد میسـر می شـد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد – نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۵ – ۱

۱– اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۷

۷– مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

آثار ذکر صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – به یاد آوردن بندگان خالص ، شکیبا ، نیرومند و پرمراجعه به خداوند ، سازنده و درس آموز است .

اصبر . .. و اذکر عبدنا داود ذاالأید إنّه أوّاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۱

۱۱– توجّه به اسوه های صبر و خداجویی ، تقویت کننده روحیه شکیبایی در انسان

فاصبر کما صبر أولوا العزم من الرسل

توصیه خداوند به پیامبر(ص) در شکیبا بودن همچون پیامبران اولواالعزم و بازگویی آن توصیه برای انسان ها; می تواند پیامدار این نکته باشد که اسوه های مقاومت و دینداری، خود وسیله ای برای تقویت صبر در راستای پایبندی به دین و ارزش ها است.

آمرزش صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۹

۹ صبرپیشگان دارای اعمال صالح ، از مغفرت الهی بهره مند شده و گناهشان آمرزیده می شود .

أُولئك لهم

مغفره

احتضار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۴

۱۴ - < فی المجمع فی قوله تعالی < تتنزّل علیهم الملائکه > یعنی عند الموت . . . و روی ذالک عن أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <تتنزّل علیهم الملائکه> آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام مرگ است . .. و این مطلب از امام صادق(ع) روایت شده است>.

اقتدار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقواپیشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یأیها العزیز . .. قد منّ الله علینا

مصداق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

الگوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۵

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبراسلام(ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود(ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

امداد به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۵

۵ - خداوند یاور صبرپیشگان و مقاومان راه ایمان است .

إن اللّه مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۳

۱۳ زمان یاری و امداد الهی به مؤمنان صبور و مقاوم در برابر گرفتاری ها ، نزدیک است .

الا انّ

نصر اللّه قریب

به قرینه جملات سابق (مستهم البأساء . ..) به دست می آید که زمان نصرت الهی به مؤمنان صبور نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۹

۹- هجرت کنندگان رنج دیده ، جهادگر و مقاوم ، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او *

ثمّ إن ربّک للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <ربّک> اسم <إن> بوده و لام حرف جر و <الذین> متعلق به خبر محذوفی مانند <هو ناصر لهم> باشد.

امنیت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۸

۸ - فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تتنزّل علیهم الملئکه ألاّتخافوا و لاتحزنوا

امیدواری صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

ایمان صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

برگزیدگی

صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵ – ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

بشارت به صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۵ – ۱۳،۱۴

۱۳ – پیامبر (ص) وظیفه دار اعلام بشارت های الهی به صبر پیشگان

و بشر الصبرین

۱۴ – رهبران دینی باید صبرپیشگان را به بهره مند شدن از رحمت های الهی بشارت دهند .

و بشر الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۷ – ۷

۷ – نیل به هدایت و دستیابی به رحمت و الطاف الهی ، بشارت و مژده خداوند به صبرپیشگان راه ایمان

و بشر الصبرین . .. أولئک ... هم المهتدون

جمله <أولئک علیهم . ..> می تواند بیانگر بشارت و مژده ای باشد که <و بشر الصابرین> بدان اشاره داشت; یعنی: بشرهم بأن علیهم صلوات و ...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۰ – ۱۰

۱۰- هجرت کنندگان مجاهد و صابر ، بشارت داده شده به مغفرت و رحمت گسترده الهی

ثمّ إن ربّک للذین هاجروا . .. إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - فرشتگان ، بشارت دهنده موحدان پایدار بر حق ، به بهشت موعود

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

<الإبشار> (مصدر <أبشروا>) به معنای مسرور بودن است. بنابراین <أبشروا بالجنّه>;

یعنی، به بهشت مسرور و خوشنود باشید.

پاداش اخروی صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۱

۱ – مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است; یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائرون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنّهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

یجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

پاداش بی شمار صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی ، تنها از آنِ صابران است .

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

برداشت بالا از کلمه <إنّما> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

پاداش صابران

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۱۳

۱۳ محبّت خدا ، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۷ – ۴

۴ ثابت قدمان در ایمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشدّ تثبیتاً. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

در برداشت فوق، <اذاً لأَتیناهم . .. >، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۳

۳– خداوند ، به هر یک از اعمال نیک صابران ، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۹ – ۱

۱ – پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا ، بسی ستوده و نیکو است .

نعم أجر العملين . الذين صبروا و على ربّهم يتوكّلون

<الذین> بدل برای <العاملین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۳،۲۲،۱۶

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی

شمار

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

<توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت کامل است.

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) إذا نشرت الدواوین و نصبت الموازین لم ینصب لأهل البلاء میزان و لم ینشر لهم دیوان ثمّ تلا هذه الأیه < إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب>.

۲۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . قال اللّه عزّوجلّ . . . إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب ، فما أعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام علی(ع) روایت شده: . ..خدای عزّوجلّ فرمود: <إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد>.

تفضل به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۵

۵- صابران ، برخوردار از عنایت و فضل ویژه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

حامی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و

آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

حامی دنیوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

حتمیت پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) إذا نشرت الدواوین و نصبت الموازین لم ینصب لأهل البلاء میزان و لم ینشر لهم دیوان ثمّ تلا هذه الأیه < إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای

سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده انـد] میزانی برپا نشـده و نامه عملی گشوده نخواهد شد.
آن گاه این آیه را تلاوت

فرمود: إنّما يوفّى الصابرون أجرهم بغير حساب>.

حسن فرجام صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۲ – ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آنِ صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا . .. و یدرءون بالحسنه السیئه أُولئک لهم عقبی الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعم عقبی الدار

حمایت از صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۴ – ۹

۹ – اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إن اللّه مع الصبرین. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت

خوش اخلاقی صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۵ – ۱

۱ – پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا

ذکر دائمی صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور

شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

رستگاری صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنّهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

زمینه تشخیص صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۲

۲- تکلیف جهاد ، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

با توجه به واژه <المجاهدین> معلوم می شود که موضوع اصلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصلی این آیات فرمان قتال با کافران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال ...).

سرور صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۸

۸ - فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تتنزّل علیهم الملئکه ألاّتخافوا و لاتحزنوا

شرح صدر صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا

۲ - آزمودگان میدان صبر ، برخوردار از سعه صدر و توان تحمل مخالفان

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا

فعل ماضی <صبروا> می رساند که افرادی می توانند به بدگویی و بدرفتاری مخالفان پاسخ نیک دهند که قبلاً اهل صبر و

بردباری بوده و در آن میدان موفق شده اند.

شکرگزاری صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

صابران از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۷

۷– صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

کلّ من الصبرین . إنّهم من الصلحین

خداوند، در آیه قبل که در توصیف برخی از پیامبران بود آنان را از صابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

صابران در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

یجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۲ – ۱

۱ – یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. نزلاً من غفور رحیم

<نُزُل> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

صابران

در فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خداماًیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنّهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

صابران و ایام الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۴

۱۴- ایام الله و رویداد های آن ، دربردارنده نشانه ها و آیات الهی برای مردمان صبرپیشه و شکرگزار

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

مشارالیه <ذلک>، <ذکر> و متعلق <ذکر>، <أیام الله> است و این حکایت از آن دارد که <أیام الله> حاوی آیات خداوندی است.

صابران و تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالـح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشـی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران و تکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ،

هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرِح فخور. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران و سرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرِح فخور. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران و قصه قوم سبا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۱۲

۱۲ – قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

صابران هنگام آسایش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران هنگام رفاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالـح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشـی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلّا الذین صبروا و عملوا الصلحت

صابران هنگام سلب نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱

۱

صبر پیشگانِ دارای اعمال صالـح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خداماًیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

عزت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقواپیشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یأیها العزیز . .. قد منّ الله علینا

مصداق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

عفوهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۴

۴ - تنها انسان های صابر و شکیبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد; آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

عقیده صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۳۴

عمل پسندیده صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۳

۳- خداوند ، به هر یک از اعمال نیک صابران ، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

فرجام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقواپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

فضایل اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. نزلاً من غفور رحیم

<نُزُل> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

فضایل صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۹

۲۹ خداوند ، همراه و یاور شکیبایان

و اللّه مع الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۹

۹- هجرت کنندگان رنج دیده ، جهادگر و مقاوم ، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او *

ثمّ إن ربّک للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثمّ جهدوا و صبروا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <ربّک> اسم <إن> بوده و لام حرف جر و <الذین> متعلق به خبر محذوفی مانند <هو ناصر لهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۴

۴- ارزش مندی صبر و جایگاه

والای صابران ، در پیشگاه خداوند

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۷

۷– صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

کلّ من الصبرین . إنّهم من الصلحین

خداونـد، در آیه قبـل که در توصـیف برخی از پیـامبران بود آنـان را از صـابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۲۶

۲۶ – صبر ، صفتی بس ارزشمند و صابران ، دارای جایگاهی رفیع در پیشگاه خداوند

ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

این سـخن اسماعیل(ع) که: <مرا از زمره صابران خواهی یافت> گویای ارزش والای صبر و رفعت مقام صابران است; زیرا او که از بزرگان و پیامبر زادگان است خود را در زمره صابران یافته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۶

۶ – یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان ، برخوردار از جایگاهی ویژه در پیشگاه خداوند

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا تتنزّل علیهم الملئکه

نزول پیـاپی فرشـتگان که از فعل مضارع <تتنزّل> فهمیـده می شود نشانگر عنایت ویژه خداونـد به موحـدان پایـدار بر توحید است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۵ – ۱،۲

۱ – پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان

صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلّا الذین صبروا

۲ – آزمودگان میدان صبر ، برخوردار از سعه صدر و توان تحمل مخالفان

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلّا الذین صبروا

فعل ماضی <صبروا> می رساند که افرادی می توانند به بدگویی و بدرفتاری مخالفان پاسخ نیک دهند که قبلاً اهل صبر و بردباری بوده و در آن میدان موفق شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۳ – ۶

۶ – انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که لام در <لکلّ صبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۳ – ۴،۵

۴ – تنها انسان های صابر و شکیبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد; آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

۵ – انسان های برخوردار از اراده قوی و خویشتن دار و اهل گذشت ارزشی والا دارند .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

فهم صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۱۲

۱۲

- تنها صبرپیشگان ، زمینه دار فهم و دریافت سخنان اهل معرفت اند .

و قال الذین أُوتوا العلم . .. و لایلقّیها إلّاالصبرون

ضمیر <یلقّاها> به سخنان فرزانگان بازمی گردد; یعنی، <و لایلقّی هذه المقاله إلّاالصابرون>.

مراد از صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول اللّه (ص) : . . . یابن مسعود قول اللّه . . . < و لنبلونکم بشیء من الخوف . . . و بشر الصابرین > قلنا یا رسول اللّه فمن الصابرون ؟ قال : الذین یصبرون علی طاعه اللّه واجتنبوا معصیه ، الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلا فافلحوا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده . .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرین>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

مقام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ پیکارگران

شکیبا و نیایشگران به درگاه خدا ، نیکوکار و محبوب خداوند هستند .

و کایّن من نبیّ قاتل . .. ربّنا ... و اللّه یحبّ المحسنین

مقامات صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۵

۵- صابران ، برخوردار از عنایت و فضل ویژه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۶

۶ – ارزش والای صبر و مؤمنان شکیبا ، در نزد خداوند

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

از آن جایی که خداونـد، خود پاداش مؤمنان صابر را متکفل شده است، ارجمندی صبر و مؤمنان شـکیبا در نزد خدا، به دسـت می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۲۰

۲۰ – صابران ، برخوردار از جایگاهی والا و ویژه در پیشگاه خداوند

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

اعطای پاداش بی شمار به صابران و منحصر دانستن این پاداش به آنان، گویای برداشت یاد شده است.

نزول ملائکه بر صابران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۷،۱۴

۷ – نزول فرشتگان الهی ، بر غیر پیامبران (اهل ایمان و پایداری)

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه . .. تتنزّل علیهم الملئکه

۱۴ – < فی المجمع فی قوله تعالی < تتنزّل علیهم الملائکه > یعنی عند الموت . . . و روی ذالک عن أبی عبداللّه (ع) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <تتنزّل علیهم الملائکه> آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام

مرگ است . .. و این مطلب از امام صادق(ع) روایت شده است>.

نعمتهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقواپیشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یأیها العزیز . .. قد منّ الله علینا

مصداق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

وعده به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

ویژگیهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۳

۳ - صابران کسانی هستند که به هنگام مواجه شدن با مشکلات ، تسلیم قضای الهی بوده و همه شؤون خویش را از خدا دانسته و آن را ابراز می کنند .

و بشر الصبرین. الذین ... قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خداأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور.

إلّا الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

۳ صابرانِ دارای اعمال صالـح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشـی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلّا الذین صبروا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی ، تنها از آنِ صابران است .

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

برداشت بالا از کلمه <إنّما> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

هدایت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۸

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

صادقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صادقان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۲

۲ عیسی (ع) از زمره راستگویان و درست کرداران

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای <الصدقین> به قرینه آیات گذشته حضرت مسیح(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۶،۱۲

۶ مؤمنان با تقوا ، مؤمنان راستین و صادق در ایمانند .

یأیها الذین ءامنوا اتقوا اللّه و کونوا مع الصدقین

ذکر <صادقین>، پس

از امر به رعایت تقوا، می تواند برای بیان مصداق مؤمنان متقی باشد.

۱۲ < عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عز و جل : < اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین > قال : محمد و علی علیهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقین> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۵

۵ - پیامبران الهی ، گویندگانی صادق و راستگو برای مردمان

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

اطاعت از صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ < روی المعلی بن خنیس عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله : < کونوا مع الصادقین > : بطاعتهم ;

معلی بن خنیس از امام صادق (ع) درباره قول خدا که فرموده <با صادقان باشید> روایت کرده: بودن با صادقان به معنای اطاعت از آنان است>.

برگزیدگی صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ < صادقین > گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با<صادقین> فرمان داده است، احتمال می رود که <صادقین> گروهی خاصِ باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

پاداش صادقان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

۱۳ - اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

لیجزی اللّه الصدقین . .. إنّ اللّه کان غفورًا رحیمًا

پیروزی صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

رستگاری صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

رضایت صادقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۸

۸ خداوند ، خشنود از راستگویان و راستکرداران و آنان ، خشنود از خداوند .

رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

زمینه تشخیص صادقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۹

۹– لحظه عمل به تکالیف دشوار دین ، لحظه جدا شدن صف صادقان از مدعیان صداقت

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

از آیه شریفه استفاده

می شود که پس از قطعیت یافتن فرمان های الهی به تکالیف دشواری چون جهاد، صادقان راستین از مدعیان دروغین صداقت متمایز می شوند و بدین جهت خداوند فرموده است: <فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لهم>.

صادقان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

صادقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

عصمت صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ < صادقین > گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداونـد به طـور مطلـق به همراه و همگـام بـودن بـا<صـادقین> فرمـان داده است، احتمـال می رود که <صـادقین> گروهی خاصِ باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت

مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

فضایل صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

مقامات صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۸،۱۱

۸ مرتبه < صادقین > برترین مرتبه ایمان و دینداری

اتقوا اللّه و کونوا مع الصدقین

دستور خدا به همراهی و همگامی با صادقان پس از توصیه به تقواپیشگی بیانگر این حقیقت است که <مرتبه صادقین> مرتبه ای فراتر از مرتبه کسانی است که در راه تقوا گام می نهند و به تعبیر دیگر <صادقین> کسانی هستند که در اوج رعایت تقوایند.

۱۱ < صادقین > گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با<صادقین> فرمان داده است، احتمال می رود که <صادقین> گروهی خاصِ باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

مؤمنان و مقامات صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۹

۹ دستیابی به مرتبه صادقین ، آرمانی ارزشمند برای مؤمنان

اتقوا اللّه و کونوا مع الصدقین

صاعقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صاعقه

ابتلا به صاعقه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ گرفتار شدن به صاعقه ها برخاسته از مشیّت خداوند

است .

یرسل الصوعق فیصیب بها من یشاء

<اصابه> (مصدر یصیب) به معانی رسیدن، فرو ریختن و نیز مصیبت وارد کردن آمده است. بنابر معنای اول و دوم حرف <باء> در <بها> برای تعدیه است و بنابر معنای سوم حرف <باء> برای بیان آلت و وسیله است. و جمله <یصیب بها من یشاء> بر اساس معانی مذکور چنین معنا می شود: <خداوند صاعقه ها را به هر کسی که بخواهد می رساند>، <خداوند صاعقه هارا بر هر کس که بخواهد فرو می ریزد> و <خداوند به وسیله صاعقه ها به هر کس که بخواهد مصیبت وارد می سازد>.

سرعت صاعقه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۲

۲ - سرعت و شدت صاعقه ، از بین برنده توان تصمیم گیری ثمودیان

فأخذتهم الصعقه . .. فما استطعوا من قیام

صاعقه زدگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۵

۵ - نزول < منّ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم . .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله <ظللنا . ..> بر <بعثناکم ...> اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول <منّ> و <سلوی> پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

صاعقه زدگی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۴،۵

۴ - صاعقه فراگیر و نیرومند

، عامل نابودی قوم ثمود

فأخذتهم الصعقه

۵ - فراگیری صاعقه بر قوم ثمود ، در عین هشیاری و در مقابل چشمان آنان

فأخذتهم الصعقه و هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۱،۲

۱ - ناتوانی و بی پناهی کامل قوم ثمود ، در برابر صاعقه عذاب

فما استطعوا من قیام و ما کانوا منتصرین

۲ - سرعت و شدت صاعقه ، از بین برنده توان تصمیم گیری ثمودیان

فأخذتهم الصعقه . .. فما استطعوا من قیام

صاعقه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۶،۱۳،۱۴

۶ - صاعقه آسمانی ، موجب به هلاکت رسیدن قوم موسی شد .

فأخذتکم الصعقه

صاعقه آتشی است از آسمان که به هنگام رعد شدید پدید می آید.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتکم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

۱۴ - داستان تقاضای رؤیت خدا و اظهار ناباوری بنی اسرائیل به سخنان موسی (ع) و فرود آمدن صاعقه بر آنان ، داستانی

آموزنده و شایسته به خاطر داشتن

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک . .. و أنتم تنظرون

<إذ قلتم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قلتم . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۱،۳

۱ - خداوند ، قوم موسی را پس از هلاکتشان با صاعقه ، حیاتی دوباره بخشید و آنان را زنده کرد .

ثم بعثنکم من بعد موتکم

۳ - زنده

شدن قوم موسی پس از هلاکتشان با صاعقه ، از نعمت های خداوند به آنان

اذکروا نعمتی التی أنعمت . .. ثم بعثنکم من بعد موتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۴،۵

۴ - صاعقه فراگیر و نیرومند ، عامل نابودی قوم ثمود

فأخذتهم الصعقه

۵ - فراگیری صاعقه بر قوم ثمود ، در عین هشیاری و در مقابل چشمان آنان

فأخذتهم الصعقه و هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۱

۱ - ناتوانی و بی پناهی کامل قوم ثمود ، در برابر صاعقه عذاب

فما استطعوا من قیام و ما کانوا منتصرین

عذاب با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۳

۳ - عذاب قوم ثمود ، همراه با صاعقه ای عظیم و کشنده *

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

با توجه به این که خشک شدن بدن قوم ثمود، بیش از آن که متأثر از صدای مهیب باشد، معلول صاعقه است; احتمال می رود صیحه در این آیه، بدان جهت آمده باشد که همواره پس از صاعقه صدایی شنیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵ - ۱

۱ - قوم ثمود ، به وسیله صاعقه کوبنده و سرکش به هلاکت رسیدند .

فأمّا ثمود فأُهلکوا بالطاغیه

<طاغیه> در اصل، به معنای سرکش و متجاوز از حد و مرز است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه برابر نظر مفسران صاعقه است. البته در آیه ۱۳ سوره

<فصلت> بدان تصریح شده است.

عذاب صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۵

۵ درخواست دیدن خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا اللّه جهره فأخذتهم الصعقه بظلمهم

عوامل مصونیت از صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) انه قال : لاتملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها فی نوافله لم یصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم یمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشوید ; زیرا کسی که آن را در نافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند>.

کیفر با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳،۵،۶

۳ - صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنّکم لتکفرون بالّذی . .. فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلّف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و

ثمود

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

محدوده صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ < عن أبی جعفرالباقر (ع) : ان الصواعق تصیب المسلم و غیر المسلم و لاتصیب ذاکراً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: صاعقه ها [ممکن است] به مسلمان و یا غیر مسلمان اصابت کند ; ولی به کسی که مشغول ذکر خداست اصابت نمی کند>.

منشأ صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ خداوند فرستنده صاعقه های آسمانی است .

هو الذی یریکم . .. و یرسل الصوعق

<صواعق> جمع صاعقه است و صاعقه را برخی از اهل لغت به آتشی که از رعد پدید می آید معنا کرده اند و برخی گفته اند: صدای شدیدی است که از جو شنیده می شود و برخی آن را به غرشی از رعد که آتشی همراه آن فرو ریزد ، تفسیر کرده اند.

هلاکت با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۶

۶ بنی اسرائیل در پی تقاضای آشکارا دیدن خداوند ، با صاعقه به هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۷

۷ - هلاکت قوم ثمود ، با صاعقه خوارکننده و خفت آور

فأخذتهم صعقه العذاب الهون

صاعقه آسمانی

ابتلا به صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ گرفتار شدن به صاعقه ها برخاسته از مشیّت خداوند است .

یرسل الصوعق فیصیب بها من یشاء

<اصابه> (مصدر یصیب) به معانی رسیدن، فرو ریختن و نیز مصیبت وارد کردن آمده است. بنابر معنای اول و دوم حرف <باء> در <بها> برای تعدیه است و بنابر معنای سوم حرف <باء> برای بیان آلت و وسیله است. و جمله <یصیب بها من یشاء> بر اساس معانی مذکور چنین معنا می شود: <خداوند صاعقه ها را به هر کسی که بخواهد می رساند>، <خداوند صاعقه هارا بر هر کس که بخواهد فرو می ریزد> و <خداوند به وسیله صاعقه ها به هر کس که بخواهد مصیبت وارد می سازد>.

عوامل مصونیت از صاعقه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۲۳

۲۳ < عن أبی عبدالله (ع) انه قال : لاتملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من کانت قراءته بها فی نوافله لم یصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم یمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشوید ; زیرا کسی که آن را در نافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند>.

محدوده صاعقه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۲۲

۲۲ < عن أبی جعفرالباقر (ع) : ان الصواعق تصیب

المسلم و غیر المسلم و لاتصیب ذاکراً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: صاعقه ها [ممکن است] به مسلمان و یا غیر مسلمان اصابت کند ; ولی به کسی که مشغول ذکر خداست اصابت نمی کند>.

منشأ صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ خداوند فرستنده صاعقه های آسمانی است .

هو الذی یریکم . .. و یرسل الصوعق

<صواعق> جمع صاعقه است و صاعقه را برخی از اهل لغت به آتشی که از رعد پدید می آید معنا کرده اند و برخی گفته اند: صدای شدیدی است که از جو شنیده می شود و برخی آن را به غرشی از رعد که آتشی همراه آن فرو ریزد ، تفسیر کرده اند.

صالح از دیدگاه قرآن در تفسیرراهنما

صالح(ع)

آب آشامیدنی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۴

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم; نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۳

۳ – اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسّوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه

بالاـ با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسّوها> هشداری به این موضع گیری است.

آب دهی شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۳ – ۵

۵ – بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَقْی> و <سُقْیا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سُقْیا> اسم مصدر برای <سَقْی> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجّهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

آثار اذیت شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۴ – ۶

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

آثار ایمان به صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۴ – ۹

۹ – قبول پیامبری صالح (ع) ، مایه تیره بختی در نگاه قوم ثمود

إنّا إذًا لفی . .. سعر

در صورتی که <سعر> جمع <سعیر> (آتش افروخته) باشد، مراد از آن در آیه شریفه، گرفتار شدن در آتش حسرت و تیره

بختی خواهد بود.

آثار بشر بودن صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳

- ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلاّ بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱

۱ - بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

آثار تقوای پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۲

۲ - پایبندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و کانوا یتّقون

جمله <کانوا یتّقون> ماضی استمراری است; یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

آثار تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ – باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فکذّبوه فعقروها

آثار دعوتهای صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۳

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بد یُمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون . .. قالوا اطّیّرنا بک

احتمالاً ـ آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که درپی دعوت صالح(ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

آثار عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، پس از پی کردن ناقه صالح

فتعاطی فعقر . .. إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده

آثار قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۲،۳

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمين

<فاء> در <فأصبحوا> فصيحه و بيانگر حذف جمله ای است كه به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدير آن چنين است:

<فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمین; ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

آثار نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

آثار نبوغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۳

۳ قوم ثمود ، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش ، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند .

قد کنت فینا مرجوًّا

آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۹

۹ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء

تهدید شدن قوم ثمود به عذاب در صورت بازداری ناقه از چریدن، نشان می دهد که سلامتی ناقه ازسوی آنان، درخطر بود وآنها آزادی ناقه را برای چرا، به سودخویش نمی دیدند.

اتمام حجت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۵

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

اجابت دعای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

- ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی . .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بَعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است; یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصباح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیرورت و شدن است.

احتجاج صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۵

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه اللّه . .. فذروها تأکل فی أرض اللّه

انتساب زمین به خداوند (أرض اللّه) پس از انتساب ناقه به او (ناقه اللّه) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه اللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۸

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود; یعنی ، چون ناقه از آنِ خداست و زمین نیز از آنِ اوست

، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

اخلاص صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۵ – ۱

۱ – تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. إلاّ علی ربّ العلمین

استعدادهای صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۲ – ۲

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

استمداد صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۹ – ۲

۲ – فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۰ – ۱

۱ – استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی . .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بَعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است; یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصباح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیرورت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۱

۱ - نزول عذابی فراگیر بر نخستین جامعه پس از نوح ، در پی استمداد پیامبر آنان از خداوند

قال ربّ

انصرنی . .. فأخذتهم الصیحه

اشراف قوم ثمود و صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۲،۵

۲ گروهی از اشـراف و بزرگان قوم صالـح رسالت وی را پذیرفتنـد و به وی ایمان آوردنـد و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الـذین . .. > وصـفی احترازی باشـد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

اصلاح طلبی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۶

۶ - اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطیعون . و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض و لایصلحون

اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۱

۲۱ صالح (ع) برحذردارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

اطمینان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۷

۱۷ افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران ثمود ، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است

که <تخسیر> به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل <تخسیر> حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله <فما تزیدوننی ...> چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی ببینم.

اظهار بی اطلاعی از قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۷

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولیّ دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

اظهار خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

اعتماد به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمين> می تواند

از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>; (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آفرینش ناقه صالح ، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود .

ناقه اللّه

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه <ناقه> به نام جلاله <اللّه>، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در پیدایش آن حکایت دارد.

اعجاز شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه اللّه و سقیها . .. فعقروها

اعراض از انذارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

التجای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱،۴

۱ - التجاى پيامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از نااميدى از تأثير تبليغاتش در مردم

قال ربّ انصرنى بما كذّبون

ظرف <قال> محذوف است; يعنى، <قال بعد ما ايس من إيمانهم>. <باء> در <بما كذّبون> سببيه و <ما> مصدريه (موصول حرفى

) است. بنابراین <بما كذّبون> به تأويل <بتكذيبهم إيّاى> مى باشد.

۴ - التجاى فرستادهء الهى پس از نوح به درگاه پروردگار ، براى نزول عذاب استيصال

قال ربّ انصرنى بما كذّبون

<باء> در<بماكذّبون> مى تواند براى آليت باشد. در اين صورت <ما> اسم موصول و به معناى <الذى> بوده و عايد آن محذوف است; يعنى، <ربّ انصرنى بالذى كذّبونى به> (پرودگارا! مرا با همان چيزى كه[دروغش پنداشتند و] تكذيبم كردند، يارى فرما).

امانتدارى صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۳،۶

۳ - تأكيد صالح (ع) بر امانت دارى خويش در ابلاغ پيام الهى

إنّى لكم رسول أمين

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه كلمه <أمين> از ريشه <أمانه> (مقابل <خيانه>) مشتق شده باشد.

۶ - صالح (ع) ، شخصيتى خوشنام و امانت دار در ميان ثموديان

إنّى لكم رسول أمين

تأكيد صالح(ع) بر امين بودن خود، در صورتى ثمربخش است كه وى از پيشينه اى همراه با خوشنامى و امانت دارى برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثموديان از او به دليل آشكار بودن صداقت و امانت دارى وى

إنّى لكم رسول أمين . فاتّقوا اللّه و أطيعون

تفريع <اتّقوا اللّه> بر<إنّى لكم رسول أمين> مى تواند مفيد اين مطلب باشد.

امتحان با شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۱

۱ – فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إنّا مرسلوا الناقه

فتنه لهم

انبیای بعد از صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱

۱ - تاریخ ، شاهد بعثت پیاپی پیامبران ، پس از نابودی قوم ثمود

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرونًا ءاخرین . .. ثمّ أرسلنا رسلنا تترا

<تترا> به معنای پیاپی آمدن است. گفتنی است که <تترا> در این آیه، مصدر به معنای فاعل است که در محل نصب و حال است برای <أرسلنا> می باشد. بنابراین تقدیر آن چنین است: <ثمّ أرسلنا جائین واحداً بعد واحد> (پس فرستادگان خود را یکی پس از دیگری، روانه کردیم).

انذارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۶

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز

<عقر> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - پیامبر پس از نوح (هود یا صالح) ، قوم خود را به عواقب شوم شرکورزی هشدار داد .

ما لکم من إله غیره أفلاتتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۲

۲ - انذار پیوسته مردم به معاد ، از سوی پیامبر جامعه پس از نوح

هیهات هیهات لما توعدون

به کارگیری فعل مضارع، بیانگر این نکته است که پیامبران جامعه پس از نوح، مردم را مستمراً نسبت به مسأله قیامت و معاد، بیم می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۵

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی پیامبرِ پس از نوح

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء . .. یوم عظیم

<مس> (مصدر <لاـتمسّوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند; یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هر گونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

اهانت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۸

۸ – تحقیر پیامبر پس از نوح و توهین به او ، از سوی اشراف و سران قومش

ما هذا إلّا بشر مثلکم

به کارگیری <هذا> که برای اشاره به نزدیک است بیانگر نوعی توهین و تحقیر نسبت به پیامبر و مقام رسالت او است.

اهداف صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۲ – ۶

۶ – اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطیعون . و لاتطیعوا أمر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض و لایصلحون

اهمیت شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۱۷

۱۷ ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

اضافه <ناقه> به <اللّه> بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت معجزه صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۱۷

۱۷ ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

اضافه <ناقه> به <اللّه> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۲

۲ ناقه صالح ، آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لکم ءایه

اضافه <ناقه> به <الله> علاوه بر اینکه اشاره به پیـدایش ناقه صالـح بـدون جریان علل عادی دارد ، گویای عظمت و بزرگی ناقه نیز می باشد.

ایمان به صالح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۲،۴،۶،۸

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین . .. > وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۴ گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

للذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <منهم> به <الذین> در <للذین استضعفوا> برگردد، نه به <قومه>. در این صورت <لمن ءامن> بدل بعض از کل برای <للذین استضعفوا> است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملأ . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون . .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۴

۴ - اشراف جامعه پس از نوح ، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیهات هیهات لما توعدون

تأکیدهای مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از

نوح، حکـایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده های مردم، تحت تأثیر سـخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

ایمان خانواده صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۵

۵ – خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبیّتنّه و أهله

برادری صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۵ – ۴

۴ – موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشـته باشد یا نداشـته باشد، در هر صورت عطوفت و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

بشارت به صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۰ – ۲

۲ – نزدیک بودن زمان نزول عذاب ، نوید خداوند به نخستین پیامبرِ پس از نوح

قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

بشر بودن صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۵

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۲

۲ - حضرت صالح (ع) چونان دیگر مردمان ، دارای تمامی خصوصیات بشری

ما أنت إلاّ بشر مثلنا

بی اعتنایی به هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فکذّبوه فعقروها

بی تأثیری انذارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسّوها بسوء . .. فعقروها

<عَقْر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

بینات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال یقوم أرءیتم إن كنت علی بیّنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۹ – ۱۱

۱۱– رسولان الهی با دلایل و براهین روشن در میان اقوام مختلف و از جمله قوم نوح ، عاد و ثمود ، مبعوث شدند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت

بینش صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۹،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام كرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترك

دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

پشیمانی مکذبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۳

۳ - پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

تاریخ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۹

۹ فاصله زمانی میان عصر شعیب با عصر نوح ، هود و صالح (ع) زیاد بوده است .

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صلح و ما قوم لوط منکم ببعید

از اینکه شعیب(ع) از میان اقوام یاد شده تنها قوم لوط را به نزدیک بودن با مردم مدین (عصر خویش) توصیف کرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

تبلیغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۴

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این

راه تلاش بسیار نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۳

۳ - تأکید صالح (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

تشکل مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نُه گروه

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون فی الأرض

تشویقهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۵

۵ - تشویق قوم ثمود از سوی صالح (ع) به استغفار و آمرزش خواهی از خداوند ، به جای شتابورزی در بدی ها

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه . .. لولا تستغفرون اللّه

تطیر به پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن.

بنابراین <اطیّرنا بکَ و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تطیر به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بکَ و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیّرنا بکَ و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تعالیم صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۵،۲۰

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۲۰ طلب بخشایش گناهان از خدا ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال یقوم . .. فاستغفروه ثم توبوا إلیه

تکذیب برتری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ثمود ، هرگونه امتیاز صالح (ع) ، بر ایشان را منکر بودند .

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

برداشت بالا در صورتی است که تعبیر <منّا> نه برای بیان هم خونی و نژادی; بلکه در مقام تأکید بشر بودن و معمولی بودن و امتیاز نداشتن باشد، مضافاً بر این که قید <واحداً> نیز می تواند

تأكيد دوباره ای بر عدم امتياز باشد.

تكذيب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباورى قوم ثمود نسبت به انتخاب فردى چون < صالح (ع) > ، از ميان همه قوم ، براى دريافت وحى

أءلقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۱

۱ - دلجويى خداوند از صالح پيامبر (ع) ، در قبال تكذيب ها و اتهام هاى قومش نسبت به ايشان

سيعلمون غدًا من الكذّاب الأشر

تلاش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بيوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خويش

مما تدعونا إليه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد كه از آن به تلاش مستمر تعبير شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) براى بازداشتن قوم خويش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لاتطيعوا أمر المسرفين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۶ – ۸

۸ – تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال یقوم لم تستعجلون . .. لولا تستغفرون اللّه لعلّکم ترحمون

توطئه علیه صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۴

۴ – مبارزه با صالح پیامبر و از میان

بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

نُه گـانه بودن گروه هـای مزبور، خود دلیـل تمـایزات و وجود نقطه هـای افتراق میان آنان است; با این حال برای از میان بردن صالح باهم متّحد شدند.

توطئه قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

<تقـاسم> (مصـدر <تقاسـموا>) به مشـارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصـدر <نبیّتنّ>) به سوء قصـد شـبانه گفته می شود.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

نُه گـانه بودن گروه هـای مزبور، خود دلیـل تمـایزات و وجود نقطه هـای افتراق میان آنان است; با این حال برای از میان بردن صالح باهم متّحد شدند.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلك أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولیّ دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

تهدیدهای صالح(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهدید های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا . .. فأخذتهم الرجفه

از حقایقی که در آیه قبل مطرح شده و می تواند <أخذتهم الرجفه> بر آن مترتب باشد، ناباوری قوم ثمود به تهدیدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آید.

تهمت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - دلجویی خداوند از صالح پیامبر (ع) ، در قبال تکذیب ها و اتهام های قومش نسبت به ایشان

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

۴ - متهم کنندگان صالح (ع) به دروغ گویی و خودخواهی ، خود دروغ گویان و خودخواهان واقعی اند .

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

تهمت تکبر به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت جادوزدگی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به كسى گفته مى شود كه به شدت افسون شده باشد.

تهمت جنون به صالح(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرین>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

تهمت دروغگویی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملأ من قومه . .. إن هو إلاّ رجل افترى ... و ما نحن له بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو كذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت شومی به پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و

بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیّرنا بک و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تهمت شومی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱،۳

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیّرنا بک و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بد یُمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون . .. قالوا اطّیّرنا بک

احتمالاً ـ آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که درپی دعوت صالح(ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

تهمت قدرت طلبی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذّاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

چرای شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲۵،۲۳،۲۲،۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذراند .

فذروها

تأکل فی أرض اللّه

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رسانـدن به نـاقه پس از فرمـان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه اللّه . .. فذروها تأکل فی أرض اللّه

انتساب زمین به خداونـد (أرض اللّه) پس از انتساب ناقه به او (ناقه اللّه) اسـتدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشـته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه اللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۴ – ۴۸

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . .. فذروها تأکل فی

أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود; یعنی ، چون ناقه از آنِ خداست و زمین نیز از آنِ اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

حامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع) ، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

حیات شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه اللّه و سقیها . .. فعقروها

خاستگاه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پیامبر (ع) ، برخاسته از میان قوم ثمود و دارای پیوند نژادی با آنان

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا

احتمال دارد تعبیر <منّا>، نظر به هم خونی و پیوند قومی و نژادی داشته باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خواسته های صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذراند .

فذروها تأكل فی أرض اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۳

۳ صالح (

ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

خوشنامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۶

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إنّی لکم رسول أمین

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خویشاوندان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۳

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ –

نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطوفت است; لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطوفت داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحًا

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطوفت است; لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطوفت داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره

به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خیرخواهی صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۹ – ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۵ – ۴

۴ – موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطوفت و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

درخواست اطاعت از صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۴ – ۲

۲ – صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

درخواست معجزه از صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۴ – ۶

۶ – ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بئایه إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۲

۲ – قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله <إنّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده

و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

دروغگویی مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۹

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبيّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لوليّه ما شهدنا مهلك أهله

دشمنان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۲

۲ - پیشگامی سران و اشراف جامعه پس از نوح ، در مخالفت با پیامبرشان

و قال الملأ من قومه

دشمنی با خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبيّتنّه و أهله

دشمنی با شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۲

۲ - ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسّوها بسوء

دشمنی با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۱

۱ - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا . .. لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۱

۱ - بدبخت ترین فرد قوم ثمود ، به طغیان در برابر رسول الهی تحریک شد .

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

<بعث>، به معنای برانگیختن چیزی و جهت دادن به آن است (مفردات). <انبعاث> مطاوعه

آن و به معنای تحریک شدن و ارسال و روانه شدن است. <شقاوه> نقطه مقابل <سعاده> است و مانند آن به <اخروی و دنیوی> و <نفسانی و بدنی و خارجی> تقسیم می شود. (مفردات)

دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۵،۶،۱۳

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال یقوم اعبدوا اللّه

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره قد جاءتکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۴،۱۲

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء اللّه

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

دعوتهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۵

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ –

۶۲ - ۷،۱۰،۱۳،۱۵

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤُنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد . ..> استفهام توبیخی است.

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید ویکتاپرستی

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <يعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إليه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع) ، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إنّنا لفى شك مما تدعونا إليه مريب

<مريب> (تردیدافکن) صفت برای <شك> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد كنت فينا مرجوّاً> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إنّنا لفى ...>; یعنی، ما در درستی تعالیم تو شک داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردیدکنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّى لكم رسول أمين

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>; (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید

دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱ - فراخوانی مجدّد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه و أطیعون

دلایل آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۸

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود; یعنی ، چون ناقه از آنِ خداست و زمین نیز از آنِ اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

دلایل نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۸،۱۶،۱۵

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق

العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءتکم بینه من ربکم

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاءتکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاءتکم> برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال یقوم أرءیتم إن کنت علی بیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱

۱ پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و یقوم هذه ناقه الله لکم ءایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول اللّه ناقه اللّه

اضافه <ناقه> به <اللّه> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

دلداری به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۶ – ۱

۱ – دلجویی خداوند از صالح پیامبر (ع) ، در قبال تکذیب ها و اتهام های قومش نسبت به ایشان

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

دلسوزی صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۴

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۹ – ۲،۶

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۲ – ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثموديان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهيز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

وجود لحن مشفقانه در تعبير <ألا تتّقون> (آيا نمى خواهيد تقوا پيشه كنيد)، بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۸

۸ -

تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال یقوم لم تستعجلون . .. لولا تستغفرون اللّه لعلّکم ترحمون

رحمت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند ، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

رسالت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إلیه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۸

۸ صالح (ع) ، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود .

إن کنت علی بیّنه من ربی . .. فمن ینصرنی من الله إن عصیته

جمله <إن عصیته> (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند <و أمرنی بإبلاغ رسالاته> قبل از <فمن ینصرنی> در تقدیر است. بر این اساس، حاصل معنای <إن کنت ...> چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالتهایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالتهای الهی همّت نگمارم، چه کسی

مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ - تأکید صالح (ع) بر رسالت الهی خویش برای قومش

إنّی لکم رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۲

۲ - فرستادگان الهی (هود و صالح) ، مبلغ توحید در میان قوم عاد و ثمود

إذ جاءتهم الرّسل . .. ألاّ تعبدوا إلاّ اللّه

روش برخورد صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

یقوم أرءیتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطوفت و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

روش برخورد مخالفان صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۹

۹ – دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبيّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لوليّه ما شهدنا مهلك أهله

روش تبلیغ صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۵

۵ توجه دادن مردم به نعمت های الهی و

سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء . .. فاذكروا ءالاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و يقوم هذه ناقه الله

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطوفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتّقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱

۱ - بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

زیان به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۴

۴ – قطعی شدن عذاب بر ثمودیان ، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

و فی ثمود إذ قیل لهم تمتّعوا حتّی حین

سختی عقر شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۹ – ۵

۵ – عملی ساختن قتل ناقه صالح ، امری دشوار برای قوم ثمود

فنادوا صاحبهم

فتعاطى فعقر

از این که قوم ثمود، برای عملی ساختن توطئه خویش، به فرد خاصی مراجعه کردند; استفاده می شود که آنان یا بیم داشتند که شخصاً وارد عمل شوند و یا توان جسمی آن کار را نداشتند.

سرزنش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۷

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد . ..> استفهام توبیخی است.

سرزنشهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ - ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۵

۵ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپایدار بودن امکانات دنیایی

أتترکون فی ما ههنا ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در<أتترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده

و به تقدیر <أو تنحتون. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۱

۱ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدکرداری آنان

قال یقوم لم تستعجلون بالسیّئه قبل الحسنه

استفهام در <لم تستعجلون. ..> و <لولا تستغفرون> استفهام توبیخی است.

سهم آب شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱،۳،۴،۶،۷

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و نبّئهم أنّ الماء قسمه بینهم

۳ - اختصاص یافتن سهمی از آب سرزمین ثمود به ناقه صالح ، برای ایشان دشوار بود و مایه امتحان برای آنان

إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم . .. أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد تدارک زمینه امتحانی است که در آیه قبل با تعبیر <فتنه> آمده است.

۴ - اختصاص یافتن نیمی از آب سرزمین ثمود ، به ناقه صالح (ع) *

أنّ الماء قسمه بینهم

ظاهر این است که عبارت <قسمه بینهم> نظر به قسمت مساوی داشته باشد; زیرا در غیر آن صورت باید سهم، مشخص می شد.

۶ - قوم ثمود ، موظف به رعایت قانون و تجاوز نکردن به سهم ناقه از آب

کلّ شرب محتضر

۷ – مجاز نبودن قوم ثمود ، برای حضور در کناره های آب در زمان اختصاص یافته به ناقه صالح

قسمه بینهم کلّ شرب محتضر

ظاهراً واژه <محتضر> علاوه بر دخالت نکردن هر یک در سهم دیگری، این معنا را نیز افاده می کند که حتی

حضور یافتن هر کدام در کنار نهر یا چشمه، محدود به زمان خاص خودشان بود.

شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءتکم بینه من ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۴ – ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : إن رسول الله (ص) سأل جبرئیل (ع) : . . . فقال : یا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلی قومه . . . قالوا : یا صالح ادع لنا ربک یخرج لنا من هذا الجبل الساعه ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بین جنبیها میل . . . فسأل الله تعالی صالح ذلک فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلک الجبل . . . ثم لم یفجأهم إلاّ رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه علی الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . .. جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه

که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۹ – ۱۱،۱۳

۱۱– تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقه = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقه

۱۳– قوم ثمود ، نسبت به معجزه الهی (ناقه) عکس العمل ناروا داشته و با آن ظالمانه برخورد کردند .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره فظلموا بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۵ – ۳

۳ – ناقه (شتر ماده) ، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۲

۲ – قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله <إنّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۳ – ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال

لهم رسول اللّه ناقه اللّه

اضافه <ناقه> به <اللّه> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

شترصالح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . .. و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

شرک ستیزی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۷،۸

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد . ..> استفهام توبیخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

شک در صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۴ – ۷

۷ – ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن کنت

من الصدقين

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شک در نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن کنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

صالح(ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوّت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قدکنت . ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع)و اعلام توحید ولزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

صالح(ع) و خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۹،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

صالح(ع) و قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۴،۱۳

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره قد جاءتکم بینه من ربکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۱۲،۱۶

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء اللّه

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عثی یعثی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۲

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۳،۴،۲۰،۲۵

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوّت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

۲۰ طلب بخشایش گناهان از خدا ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال یقوم . .. فاستغفروه ثم توبوا إلیه

۲۵ < جاء رجل من أهل الشام إلی علی بن الحسین (ع) فقال : أنت علی بن الحسین ؟ قال : نعم ، قال : أبوک الذی قتل المؤمنین ؟ . . . فقال : ویلک کیف قطعت علی أبی أنه قتل المؤمنین ؟ قال : قوله : إخواننا قد بغوا علینا فقاتلناهم علی

بغيهم . فقال : ويلك أما تقرأ القرآن ؟ قال : بلى . قال : فقد قال الله تعالى . . . < و إلى ثمود أخاهم صالحاً > أفكانوا إخوانهم فى دينهم أو فى عشيرتهم ؟ قال له الرجل : لا بل فى عشيرتهم . قال (ع) : فهؤلاء إخوانهم فى عشيرتهم و ليسوا إخوانهم فى دينهم . . . ;

مردی از اهل شام نزد علی بن الحسین(ع) آمد و گفت: تو علی بن الحسین هستی؟ فرمود: آری. او گفت: پدرت کسی است که مؤمنین را کشت ...، فرمود: وای بر تو چگونه حکم قطعی کردی که پدرم مؤمنین را کشت؟ آن شخص گفت: سخن او (أميرالمؤمنين(ع)) که گفت:برادران ما علیه ما سرکشی کردند، پس ما هم به خاطر این سرکشی باآنان جنگ کردیم؟فرمود: وای بر تو! آیا قرآن نمی خوانی؟ گفت: چرا، فرمود: خداوند می فرماید: <... و إلى ثمود أخاهم صالحاً> آیا صالح برادر دینی قوم ثمود بود یا برادر فامیلی آنان؟ گفت: برادر فامیلی آنان بود. فرمود: اینان نیز برادران فامیلی بودند نه برادران دینی ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أرءيتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳،۴،۵،۸

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و

يقوم هذه ناقه الله

تعبير <يا قوم> (ای مردم من) حكايت از مهربانى و عطوفت دارد.

۴ صالح (ع) از قوم خويش خواست تا ناقه را براى چريدن آزاد بگذارند .

فذروها تأكل فى أرض الله

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ايجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانى به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۸ مالكيت خداوند بر چراگاهها ، دليل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه براى چريدن در هر كجاى زمين

هذه ناقه الله . .. فذروها تأكل فى أرض الله

تعبيرهاى <ناقه خدا> و <زمين خدا> در حقيقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذارى ناقه براى چريدن بود; يعنى ، چون ناقه از آنِ خداست و زمين نيز از آنِ اوست ، روا نيست ناقه را از چريدن باز داريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پيامبر (ع) ، برخاسته از ميان قوم ثمود و داراى پيوند نژادى با آنان

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا

احتمال دارد تعبير <منّا>، نظر به هم خونى و پيوند قومى و نژادى داشته باشد. برداشت ياد شده بر پايه اين احتمال است.

صالح(ع) و كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشركان و كافران ، برخوردى ترحم آميز و مشفقانه بود .

يقوم أرءيتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صالح(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹

۹ صالح (

ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پـذیرش خواسـته آنان (ترک دعوت به توحیـد) گنه کار و مسـتحق عـذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

صالح(ع) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

یقوم أرءیتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صبر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه . .. فارتقبهم و اصطبر

صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدقين

صفات جسمانی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

۵

- ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

عاقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۴،۶،۸،۹

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فعقر> با <فاء>، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

۹ - < عن أصبغ بن نباته ، قال : سمعت أمیرالمؤمنین (ع) . . . یقول : إنّما یجمع الناس الرضا و الغضب ، أیّها الناس إنّما عقر ناقه ثمود واحد فأصابهم اللّه بعذابه بالرضا و آیه ذلک قوله جلّوعزّ < فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر > . . . ;

اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمؤمنین(ع) شنیدم. .. که می فرمود: رضایت و غضب مردم [به امری که انجام می گیرد] سبب می شود [که ثواب و عقاب آن] همه را فراگیرد. ای مردم! ناقه ثمود را یک نفر پی کرد; ولی خداوند همه آن قوم را گرفتار عذاب کرد; زیرا همه راضی

بودند و نشانه این مطلب قول خدای جلّوعزّ است که می فرماید: فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۱ – ۵

۵ – همدستان کشنده ناقه صالح ، شریک جرم او و مبتلا به عذابی همسان

فتعاطی فعقر . .. فکانوا کهشیم المحتظر

مفرد بودن <فقعر> می رساند که کشنده ناقه یک نفر بود; ولی تعبیر <أرسلنا علهیم> افاده می کند که عذاب الهی علاوه بر کشنده ناقه شامل همه کسانی بود که به صورت غیر مستقیم، نوعی هم فکری و هماهنگی با وی داشته اند.

عظمت شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۵ – ۵

۵ – ناقه صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۳ – ۳

۳ – ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه اللّه

استناد <ناقه> به <اللّه> و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱،۲،۴

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْر> به جراحتی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا یصلح ائتنا بما تعدنا إن کنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فیأخذکم عذاب ألیم) بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و . .. .

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۱

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فعقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۱،۳،۴،۶،۸

۱ - توطئه قوم ثمود ، برای از میان بردن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

۳ - تصمیم بدون اندیشه و به دور از تدبیر قوم ثمود ، در از میان بردن معجزه الهی (ناقه) *

فنادوا صاحبهم

به کار رفتن <فاء> در <فنادوا> به جای <ثمّ> یا حرف دیگر احتمال دارد بیانگر بی تأملی قوم ثمود در کشتن ناقه باشد.

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فعقر> با <فاء>، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شـرکت داشـتند، اما اجرای آن به وسـیله فردی واحد صورت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۷

۷ - < عن عبد اللّه بن زَمعَه قال : خطب رسول اللّه (ص

) فذكر الناقه و ذكر الذى عقرها فقال : < إذ انبعث أشقاها > قال : انبعث لها رجل عارم عزيز منيع فى رهطه ;

عبداللّه بن زَمعه روایت کرده که رسول خدا(ص) خطبه خواند و از ناقه [ثمود]و کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: [خداوند فرموده] <إذ انبعث أشقاها> مردی برای پی کردن ناقه [صالح] تحریك شد که زشت خو و مردم آزار و در قبیله خود عزیز و مورد حمایت بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲

۲ - قوم ثمود ، ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فعقروها

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: <عَقَرْتُ> (صحاح اللغه). گاهی فعل <عقر> در موردی به کار می رود که آن را <نحر> کرده باشند. (مصباح)

عمل به تکلیف صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إلیه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

عوامل تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - انکار بُعد معنوی انسان و منحصر پنداشتن او در بعد حیوانی (چون خوردن و آشامیدن) ، عامل تکذیب رسالت پیامبرِ پس از نوح ، از سوی اشراف

ما هذا إلّا بشر مثلكم يأكل ممّا تأكلون منه و يشرب ممّا تشربون

تکیه اشراف

برخوردن و آشامیدن برای انکار رسالت پیامبرشان، نشانگر این حقیقت است که آنان، انسان را موجودی در حد حیوان می پنداشتند و منکر بعد معنوی او بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۸

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < کذّبت ثمود بطغواها > یقول الطغیان حملها علی التکذیب ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <کذّبت ثمود بطغواها> روایت شده که [خداوند]می فرماید: طغیان و سرکشی، قوم ثمود را به تکذیب [صالح] کشاند>.

عوامل نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۲

۲ - پایبندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و کانوا یتّقون

جمله <کانوا یتّقون> ماضی استمراری است; یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

فضایل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۴

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوّت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱،۲

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قدکنت . ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع)و اعلام توحید ولزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۶

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إنّی لکم رسول أمین

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

فلسفه تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۵

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های

بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳،۴

۳ - ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد; بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنّا إذًا لفی ضلل و سعر

قوم ثمود با گفتن <إنّا إذًا. ..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

فلسفه معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان

به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . .. و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

قبول هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>; (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۷

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۷ < عن أبی عبدالله (ع) (فی حدیث قوم صالح) . . . قالوا : اعقروا هذه الناقه . . . ثم قالوا : من الذی یلی قتلها و نجعل له جعلاً ـ ما أحب ، فجائهم رجل . . . شقی من الأشقیاء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها فی طریقها فضربها بالسیف ضربه فلم تعمل شیئاً فضربها ضربه اُخری فقتلها . . . و أقبل قوم صالح فلم یبق أحد منهم إلاّ

شرکه فی ضربته . . . فأوحی الله تبارك و تعالی إلی صالح (ع) . . . قل لهم : إنی مرسل علیكم عذابی إلی ثلاثه أیام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صددت عنهم . . . فأتاهم صالح (ع) فقال لهم : . . . یا قوم إنكم تصبحون غداً و وجوهكم مصفرّه والیوم الثانی وجوهكم محمرّه والیوم الثالث وجوهكم مسودّه . . . ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او]گفتند: این شتر را از پای درآورید . .. سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب]آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

- ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح ، از ستمگری های قوم ثمود بود .

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود ، معلوم می شود ظلم در <الذین ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسّوها بسوء . .. فعقروها

<عَقْر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - < عن علی (ع) : . . . إنّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمّهم اللّه بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه < فعقروها فأصبحوا نادمین > . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است:. .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود; در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد; چون آنان به عمل آن

يک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فعقروها فأصبحوا نادمين>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتيجه بخش نبودن پشيمانی ثموديان ، پس از كشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمين . فأخذهم العذاب

قداست شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۳

۳ - ناقه صالح ، حيوانی با عظمت و دارای حرمتی ويژه در پيشگاه خداوند

ناقه اللّه

استناد <ناقه> به <اللّه> و عنايت ويژه به آزار نديدن آن و توصيه به دستبرد نزدن مردم به سهميه آب آن، بيانگر احترام و ارج مندی خاص آن حيوان، در نزد خداوند است.

قصه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱،۳،۵،۶،۱۳،۱۵،۱۸،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۵

۱ صالح (ع) ، از انبيا و فرستادگان الهی

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

<إلی ثمود> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آيه ۵۹ است، يعنی: أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً.

۳ وجود رابطه خويشاوندی ميان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم ، دعوت خویش را آغاز کرد .

قال یقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا ، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال یقوم اعبدوا اللّه

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره قد جاءتکم بینه من ربکم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و

علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه اللّه لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاءتکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاءتکم> برای توقع باشد.

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذراند .

فذروها تأکل فی أرض اللّه

۲۱ صالح (ع) برحذردارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه اللّه .. فذروها تأکل فی أرض اللّه

انتساب زمین به خداوند (أرض اللّه) پس از انتساب ناقه به او (ناقه اللّه) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزادگذاری آن

برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه اللّه> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳،۴،۱۲،۱۶

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء اللّه

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عثی یعثی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱،۲،۵،۱۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین .

.. > وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۶ – ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۷ – ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْر> به جراحتی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۹ – ۱،۲،۴،۵

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف

بر <فعقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۱۳

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إلیه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۴،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار

و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی . ..> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهنا ...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴،۵،۶،۸،۱۰

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله . .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین

خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود; یعنی ، چون ناقه از آنِ خداست و زمین نیز از آنِ اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : إن رسول الله (ص) سأل جبرئیل (ع) : . . . فقال : یا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلی قومه . . . قالوا : یا صالح ادع لنا ربک یخرج لنا من هذا الجبل الساعه ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بین جنبیها میل . . . فسأل الله تعالی صالح ذلک فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلک الجبل . . . ثم لم یفجأهم إلاّ رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه علی الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . .. جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۶۵ - ۱،۲،۳،۷

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

۷ < عن أبی عبدالله (ع) (فی حدیث قوم صالح) . . . قالوا : اعقروا هذه الناقه . . . ثم قالوا : من الذی یلی قتلها و نجعل له جعلاً ـ ما أحب ، فجائهم رجل . . . شقی من الأشقیاء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها فی طریقها فضربها بالسیف ضربه فلم تعمل شیئاً فضربها ضربه أُخری فقتلها . . . و أقبل قوم صالح فلم یبق أحد منهم إلاّ شرکه فی ضربته . . . فأوحی الله تبارک و تعالی إلی صالح (ع) . . . قل لهم : إنی مرسل علیکم عذابی إلی ثلاثه أیام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صددت عنهم . . . فأتاهم صالح (ع) فقال لهم : . . . یا قوم إنکم تصبحون غداً و

وجوهكم مصفرّه واليوم الثانى وجوهكم محمرّه واليوم الثالث وجوهكم مسودّه . . . ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او]گفتند: این شتر را از پای درآورید . .. سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب]آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲،۳،۵،۶

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

۳ عذاب نازل شده بر قوم

ثمود ، عذابی ذلت آور و خوار کننده بود .

نجّینا صلحًا . .. و من خزی یومئذ

۵ گروهی از قوم ثمود ، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع) ایمان آوردند .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه . .. و من خزی یومئذ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۸ – ۱

۱ – فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملأ من قومه . .. إن هو إلاّ رجل افتری ... و ما نحن له بمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۹ – ۱،۲،۴،۵،۶

۱ – التجای پیامبرِ پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

ظرف <قال> محذوف است; یعنی، <قال بعد ما ایس من إیمانهم>. <باء> در <بما کذّبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذّبون> به تأویل <بتکذیبهم إیّای> می باشد.

۲ – فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۴ – التجای فرستادهء الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

<باء> در<بماكذّبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای

<الـذی> بـوده و عایـد آن محـذوف است; یعنی، <ربّ انصـرنی بالـذی کـذّبونی بـه> (پرودگـارا! مرا بـا همـان چیزی که[دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی پیامبرِ پس از نوح

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

۶ - مردمِ جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال ربّ انصرنی بما کذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبرِ پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی . .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بَعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است; یعنی، <بعـد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصـبحنّ> و <إصـباح> (مصـدر یصـبحنّ) به معنای صـیرورت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

کذّبت ثمود المرسلین

عده ای مفسران برآنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ – ثموديان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون

استفهام در جمله <ألا تتّقون> می تواند برای توبیخ و سرزنش

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲،۵

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألاتتّقون . إنّی لکم رسول أمین

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>; (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألاتتّقون . .. فاتّقوا اللّه

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . .. إلّا على ربّ العلمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در<أتترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) برای بازداشتن قوم خویش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لاتطیعوا أمر المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱،۲،۳،۵

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> (مفرد <مسحّرین>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

۲ - موضع گیری خصمانه ثمودیان در برابر نصیحت های صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

چنان که گفته شد، <مسحّر> به کسی گفته می شود که به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. این تهمت سخت، بیانگر عمق دشمنی ثمودیان با صالح(ع)است.

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

بیان رفاه منـدی، اسـراف گری و فسـادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالـح(ع)، می توانـد نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را،

کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند; این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالواإنّما أنت من المسحّرین

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شُش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شُش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴،۵،۶،۷

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد; بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

۶ - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۴

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه . .. قال هذه ناقه ... شرب یوم معلوم

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم; نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء . .. یوم عظیم

<مس> (مصدر <لا-تمسّوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند; یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

۲ - ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسّوها بسوء

۳ - اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسّوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسّوها> هشداری به این موضع گیری است.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع)

، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۲،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لاتمسّوها بسوء . .. فعقروها

<عَقْر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمین; ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - < عن علی (ع) : . . . إنّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمّهم اللّه بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه < فعقروها فأصحبوا نادمین > . . . ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است:. .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود; در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد; چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فعقروها فأصبحوا نادمین>...>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۶ – ۱،۸

۱ – سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدکرداری آنان

قال یقوم لم تستعجلون بالسّیّئه قبل الحسنه

استفهام در <لم تستعجلون. ..> و <لولا تستغفرون> استفهام توبیخی است.

۸ – تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال یقوم لم تستعجلون . .. لولا تستغفرون اللّه لعلّکم ترحمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۷ – ۱،۳،۴،۱۰

۱ – اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک

<تطیّر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است; یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطّیّرنا بک و بمن معک>; یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳ – پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بد یُمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون . .. قالوا اطّیّرنا بک

احتمالاً ـ آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که درپی دعوت صالح(ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

۴ – مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طئرکم عند اللّه بل أنتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم. ..>; یعنی، آنچه که

باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد; بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل أنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است; یعنی، این سخنان از خود شما نیست; بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نُه گروه

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نُه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و کان فی المدینه تسعه رهط یفسدون . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <نبیّتنّ>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۲ - فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

یفسدون فی الأرض

. .. قالوا تقاسموا باللّه

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

نُه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است; با این حال برای از میان بردن صالح باهم متّحد شدند.

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبیّتنّه و أهله

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولیّ دم، نشانگر نگرانی آنان است.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله و إنّا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولیّ دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و

أهله . .. و مكروا مكرًا

متعلق <مكروا> حذف شده و تقدير آن با توجه به آيه قبل چنين است: <و مكروا به و بأهله مكراً; آنان عليه او و خانواده اش خدعه كردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - كيفر الهى براى توطئه گران عليه صالح ، دامنگير تمامى كافران ثمود

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نجات يافتن مؤمنان پيرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثموديان به اراده الهى

و أنجينا الذين ءامنوا

۲ - پايبندى مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهيز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهى

و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتّقون

جمله <كانوا يتّقون> ماضى استمرارى است; يعنى، راز نجات مؤمنان در تقواى مستمر آنان نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأكيد قوم ثمود بر دروغ گويى ، قدرت طلبى و خودخواهى صالح (ع) ، در ادعاى پيامبرى

بل هو كذّاب أشر

<أشر> به معناى متكبر و خودخواه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله <إنّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و نبّئهم أنّ الماء قسمه بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَقْی> و <سُقْیا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سُقْیا> اسم مصدر برای <سَقْی> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجّهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - < عن ابن نُباته قال : سمعت أمیرالمؤمنین (ع) علی منبر الکوفه یقول : . . .أیّها الناس إنّما عَقَر ناقهَ صالح واحد فأصابهم اللّه بعذابه بالرضا و آیه ذلک قوله عزّوجلّ < . . .فعقروها فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم فسوّیها . . . > ;

اَصْبَغ بن نُباتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: <. ..ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود]پی کرد; ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد; چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است <...فعقروها فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم فسوّاها...>».

قوم ثمود و تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۶ – ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

قوم ثمود و شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲۱

۲۱ صالح (ع) برحذردارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۵ – ۱،۲

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است; به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۶ – ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (

ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶،۷،۸

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر

و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه . .. فارتقبهم و اصطبر

۷ - تذکر خداوند به صالح (ع) ، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فارتقبهم و اصطبر

امر <فارتقبهم و اصطبر> در حقیقت تذکر به صالح(ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند; بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

۸ - اخبار الهی از برخورد های توطئه آمیز و مخفیانه قوم ثمود ، در برابر معجزه الهی *

فارتقبهم

با توجه به این که در واژه <فارتقب> ریزنگری و نظارت دقیق نهفته است، احتمال می رود این فرمان، در مقام بیان حرکت های مرموز قوم ثمود در برابر معجزه ای باشد که برای آنان عطا خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۲

۲ - نارضایتی قوم ثمود ، از وجود ناقه و سهمیه بندی آب

أنّ الماء قسمه بینهم . .. فنادوا صاحبهم

<فاء> در <فنادوا> تصمیم قتل ناقه را متفرع بر <أنّ الماء قسمه> کرده است; یعنی، چون چنین قانونی وضع شد، آنان بر آشفتند و کمر به قتل ناقه بستند.

قوم ثمود و صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

٨

- هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱،۲،۳،۷،۸،۹،۱۵

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قدکنت . ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع)و اعلام توحید ولزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

۳ قوم ثمود ، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش ، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند .

قد کنت فینا مرجوًّا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد . ..> استفهام توبیخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

۹ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان ، از انگیزه های مخالفت قوم ثمود با صالح (ع) و تعالیم او

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

مراد از <ما>

بتها و معبودهای پنداری مشرکان است. توصیف آنها با جمله <یعبد ءاباؤُنا> اشاره به علت حکم قبل (نعبد) دارد; یعنی ، ما بتها را می پرستیم ، چون پدرانمان آنها را می پرستند.

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع) ، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إنّنا لفی شک مما تدعونا إلیه مریب

<مریب> (تردیدافکن) صفت برای <شک> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد کنت فینا مرجوّاً> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إنّنا لفی ...>; یعنی، ما در درستی تعالیم تو شک داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردیدکنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فاء> در <فما تزیدوننی . ..> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهنا ...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۱

۱ - ثمودیان ، منکر هرگونه امتیاز و شایستگی صالح (ع) ، برای رسالت الهی

قالوا . .. ما أنت إلاّ بشر مثلنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۲

۲ - قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان ، پیوسته با دعوت پیامبران خود به مخالفت برمی خاستند .

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ثمود ، هرگونه امتیاز صالح (ع) ، بر ایشان را منکر بودند .

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا نتّبعه

برداشت بالا در صورتی است که تعبیر <منّا> نه برای بیان هم خونی و نژادی; بلکه در مقام تأکید بشر بودن و معمولی بودن و امتیاز نداشتن باشد، مضافاً بر این که قید <واحداً> نیز می تواند تأکید دوباره ای بر عدم امتیاز باشد.

قوم ثمود و نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

کفر به نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن کنت من المرسلین

کفر به نوبت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند

.

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

کیفر اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناك ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب ألیم

کیفر توطئه علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین

کیفر عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۴ – ۱۷

۱۷ – < عن ابن نُباته قال : سـمعت أميرالمؤمنين (ع) على منبر الكوفه يقول : . . .أيّها الناس إنّما عَقَر ناقةَ صالح واحد فأصابهم اللّه بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله عزّوجلّ < . . .فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّيها . . . > ;

اَصْبَغ بن نُباتَه گويـد: شـنيدم از اميرالمؤمنين(ع) كه بر منبر كوفه مى فرمود: <. ..اى مردم! همانا ناقه صالح را يک نفر [از قوم ثمود]پى كرد;

ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد; چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است <...فعقروها فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم فسوّاها...>».

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها . .. فأخذهم العذاب

کیفر هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه ، عذابی فراگیر نازل کرده ، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

اطلاق <دمدمه> که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقاییس). جمله <دمدمت الشیء> که گاهی با حرف <علی> و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس) زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

گناه عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

مبارزه با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵

مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۴

۴ – مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینه تسعه رهط . .. تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله

نُه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متّحد شدند.

مبارزه با مکر مخالفان صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۰ – ۲

۲ – مقابله خداوند با حیله و نیرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرًا

محافظت از شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۳ – ۷

۷ – لزوم حفاظت از ناقه صالح و رعایت برنامه شرب آن ، دستوری از جانب خداوند بود .

فقال لهم رسول اللّه ناقه اللّه و سقیها

وصف <رسول اللّه>، نشانگر الهی بودن دستور است.

محدوده رسالت صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲

۲ رسالت صالح (ع) در محدوده قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۲

۲ رسالت صالح (ع)

، محدود به قوم ثمود بود .

و إلى ثمود أخاهم صلحًا

مخاطبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید ویکتاپرستی

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

فعل مضارع <یعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم نوح ، عاد و ثمود با پیامبرانشان (نوح ، هود و صالح)

و ان یکذّبوک فقد کذّبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

مخالفت با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مردمداری صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۴

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

مزد رسالت صالح(ع)

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . .. إلاّ على ربّ العلمين

مسؤولیت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ مبارزه با شرک ، از وظایف اصلی صالح (ع)

قال يقوم اعبدوا اللّه ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه . .. فارتقبهم و اصطبر

معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۳،۱۵،۱۶،۱۸

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا اللّه ما لكم من إله غيره قد جاءتكم بينه من ربكم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه اللّه لكم ءايه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءتکم بینه من ربکم

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای

اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاءتكم بينه من ربكم

برداشت فوق بر اين اساس است كه <قد> در <قد جاءتكم> براى توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵ مبارزه اشراف كفرپيشه ثمود با صالح (ع) ، على رغم مشاهده معجزه و دليل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذين استكبروا من قومه . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دليلى روشن بر پيامبرى خويش

قال يقوم أرءيتم إن كنت على بيّنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱،۱۰

۱ پيدايش شترى به اراده خداوند و بدون جريان اسباب و علل عادى ، معجزه صالح (ع) براى اثبات رسالت خويش

و يقوم هذه ناقه الله لكم ءايه

۱۰ < عن أبى جعفر (ع) قال : إن رسول الله (ص) سأل جبرئيل (ع) : . . . فقال : يا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلى قومه . . . قالوا : يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعه ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . . فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . . ثم لم يفجأهم إلاّ رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على

الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . .. جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن کنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه . .. قال هذه ناقه ... شرب یوم معلوم

۳ - ناقه (شتر ماده) ، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش

در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه . .. فارتقبهم و اصطبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول اللّه ناقه اللّه

اضافه <ناقه> به <اللّه> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

مقامات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران و رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا . .. و إلی ثمود أخاهم صلحًا

<إلی ثمود> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه بیست و پنجم است; یعنی: لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند ، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

مکذبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۳

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت حضرت صالح (ع) را مورد تکذیب قرار دادند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلين

برداشت فوق بنابراین احتمال است که مراد از <المرسلین> حضرت صالح(ع) باشد که پیامبر قوم ثمود بود و جمع آورده شدن <المرسلین> می تواند به این دلیل باشد که آن قوم با تکذیب صالح(ع)

در حقیقت همه انبیای الهی را مورد تکذیب قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

کذّبت ثمود المرسلین

عده ای مفسران برآنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۱،۳

۱ - ثمودیان ، منکر هرگونه امتیاز و شایستگی صالح (ع) ، برای رسالت الهی

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

۳ - ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۴

۴ - دو قوم عاد و ثمود ، پیامبرانی داشتند و آنان را تکذیب کردند .

و إلی مدین أخاهم شعیبًا . .. فکذّبوه فأخذتهم الرجفه...و عادًا و ثمودًا و قد تبیّ

به قرینه سیاق، احتمال دارد که جمله، حذف به ایجاز داشته باشد; یعنی، چنین باشد: <و لقد أرسلنا إلی عاد و ثمود رسلهم فکذّبوهم فأخذتهم الرجفه>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۳ - ۴

۴ - < عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه (ع) قال : قلت له : < كذّبت ثمود بالنّذر . . . > قال هذا كان بما كذّبوا صالحاً . . . ;

ابی

بصیر از امام صادق(ع) درباره آیه <کذّبت ثمود بالنّذر. ..> سؤال نمود... امام فرمود: این زمانی بود که صالح(ع) را تکذیب کردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قوم صالح ، رسالت او را تکذیب کرده ، فرمان رعایت ناقه و شرب آن را دروغ انگاشتند .

فکذّبوه

مکر علیه خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً; آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند>.

مکر علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً; آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند>.

مکر علیه مخالفان صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۰ – ۲

۲ – مقابله خداوند با حیله و نیرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرًا

مکر مخالفان صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ – تلاش در جهت کشتن

انبیا و محو پیام آنان ، بارزترین نمود فسادگری در زمین

یفسدون فی الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه

از این که خداونـد از میان همه فسادگری های گروه های مورد بحث، تصـمیم ایشان به قتل پیامبر را مطرح ساخته است، معلوم می شود که این تصمیم، خطرناک ترین و خائنانه ترین برنامه ای است که می تواند از سوی مفسدان عملی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا

متعلق <مکروا> حـذف شـده و تقـدیر آن بـا توجه به آیه قبـل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً; آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند>.

ممانعت از ایمان به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۳

۳ - اشراف جامعه پس از نوح ، مردم را از گرویدن به فرستاده الهی برحذر می داشتند .

و ما نحن له بمؤمنین

اعلام اشـراف مبنی بر این که به این مرد (فرسـتاده الهی) ایمان ندارند، می تواند دستوری ضمنی به مردم باشد که باید از آنان پیروی کنند و به فرستاده الهی گرایش نداشته باشند.

منشأ دشمنی با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل أنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه

و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است; یعنی، این سخنان از خود شما نیست; بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

منشأ نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

منشأ هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فکذّبوه فعقروها

مواعظ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۲

۲ - موضع گیری خصمانه ثمودیان در برابر نصیحت های صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

چنان که گفته شد، <مسحّر> به کسی گفته می شود که به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. این تهمت سخت، بیانگر عمق دشمنی ثمودیان با صالح(ع)است.

موانع درک تعالیم صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالواإنّما أنت من المسحّرین

بیان رفاه مندی، اسراف گری و

فسـادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالـح(ع)، می توانـد نشان دهنـده این حقیقت باشـد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند; این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

موقعیت اجتماعی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا . .. ما أنت إلّا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد; بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۵

۵ - صالح پیامبر (ع) ، فاقد پایگاه اجتماعی از نظر قوم ثمود

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا

برداشت یاد شـده بـدان احتمال است که تعبیر <واحـداً>، نظر به عدم برخورداری صالح(ع) از عِدّه و عُدّه و قدرت اجتماعی، داشته باشد.

مؤمنان به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۸

۸ مستضـعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون . .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۶ – ۱

۱ مجادله

کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن . .. مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۶ – ۵

۵ گروهی از قوم ثمود ، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع) ایمان آوردند .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۵

۵ – خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبیّتنّه و أهله

مهربانی صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوّت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

یقوم أرءیتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و یقوم هذه ناقه الله

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطوفت دارد.

مهمترین تعالیم

صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۳

۳ - وعده معاد و حیات دوباره انسان ها در قیامت ، یکی دیگر از مهم ترین پیام های پیامبر جامعه پس از نوح

أیعدکم . .. و کنتم ترابًا و عظمًا انّکم مخرجون

مهمترین دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أن اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

<أن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

مهمترین رسالت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری صالح پیامبر

إذ قال لهم أخوهم صلح . .. ألاتتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۵

۵ - دعوت به پرستش خدای یگانه ، مهم ترین و نخستین پیام صالح برای ثمودیان

و لقد أرسلنا إلى ثمود . .. أن اعبدوا اللّه

اهمیت پیام و نخستین بودن آن از این جهت استفاده می شود که آیه شریفه دعوت به خداپرستی را در رأس همه پیام ها و قبل از هر پیام دیگر آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نیکی

ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه قبل الحسنه

نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

<إلی ثمود> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱،۶،۸

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملأ . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون . .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسى

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستانشان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱

۱ صالح (ع) ، از

پیامبران و رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا . .. و إلی ثمود أخاهم صلحًا

<إلی ثمود> عطف بر <إلی قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه بیست و پنجم است; یعنی: لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صالحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند ، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۴

۴ - نوح ، هود و صالح (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذّبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۱

۱ - صالح (ع) ، رسول و فرستاده خدا به سوی قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود . .. صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۳

۳ - قوم ثمود ، براساس ملاک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

أءلقی الذکر علیه من بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۱

۱ - حضرت صالح (ع) ، رسول خدا و پیامبر قوم ثمود بود .

فقال لهم رسول اللّه

ذکر وصف <رسالت> به جای نام صالح(ع) تأکید بر الهی بودن گفته های

آن حضرت است.

نبوغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قدکنت . ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع)و اعلام توحید ولزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه . .. و من خزی یومئذ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه برحمه منا

نجات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نجّینا صلحًا و الذین ءامنوا معه . .. و من خزی یومئذ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند

بر آنان بود .

نجّينا صلحًا و الذين ءامنوا معه برحمه منا

نژاد صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ - صالح (ع) ، پيامبرى از نژاد ثموديان و داراى پيوند خويشاوندى با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قيد <أخوهم> مى تواند براى بيان پيوند خويشاوندى صالح(ع) با قومش و نيز تعبيرى كنايى از شفقت و دلسوزى آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پيامبر (ع) ، برخاسته از ميان قوم ثمود و داراى پيوند نژادى با آنان

فقالوا أبشرًا منّا وحدًا

احتمال دارد تعبير <منّا>، نظر به هم خونى و پيوند قومى و نژادى داشته باشد. برداشت ياد شده بر پايه اين احتمال است.

نقش شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۲،۱۶

۱۲- < ناقه > معجزه اى روشنگر و اثبات كننده حق براى قوم ثمود بود .

و ءاتينا ثمود الناقه مبصره

<مبصره> به صيغه اسم فاعل و متعدى است و معناى آن چنين است: ناقه ثمود براى ايجاد بينش و بصيرت در مردم بود.

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . .. و ما نرسل بالأیت إلّا تخویفًا

نقش صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۷ – ۴

۴ – مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان

بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طئرکم عند اللّه بل أنتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم. ..>; یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد; بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

نقش معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر . إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنّا مرسلوا الناقه> با آیه قبل، استفاده می شود که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است; اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

نگرانی از استقامت پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۶

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولیّ دم، نشانگر نگرانی آنان است.

نواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ صالح (ع) برحذردارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عثی یعثی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۵

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۶

۶ - حضرت صالح (ع) ، قوم ثمود را از بی توجّهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن ، برحذر داشت .

فقال لهم رسول اللّه ناقه اللّه و سقیها

عامل نصب <ناقه اللّه>، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر <احذروا). کلمه <سقیاها> عطف بر آن است و مراد، برحذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

نهی از اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۵

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء . .. یوم

عظیم

<مس> (مصدر <لا-تمسّوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند; یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

نهی از بی اعتنایی به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۶

۶ - حضرت صالح (ع) ، قوم ثمود را از بی توجّهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن ، برحذر داشت .

فقال لهم رسول اللّه ناقه اللّه و سقیها

عامل نصب <ناقه اللّه>، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر <احذروا). کلمه <سقیاها> عطف بر آن است و مراد، برحذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

وحی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

أءلقی الذکر علیه من بیننا

وعده به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

ولایت اولیای مقتول در دوران صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۸

۸ - وجود قانون ولایت اولیای مقتول برای خونخواهی وی ، در عصر صالح پیامبر

لنبیّتنّه و أهله ثمّ لنقولنّ لولیّه ما شهدنا مهلک

أهله

ویژگیهای شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۵ – ۵

۵ – ناقه صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۸ – ۵

۵ – ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

هجرت صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۹ – ۱،۲،۵

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت .

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فعقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم

ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

هدایتگری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۴

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری صالح پیامبر

إذ قال لهم أخوهم صلح . .. ألاتتّقون

هشدار به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۷

۷ - تذکر خداوند به صالح (ع) ، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فارتقبهم و اصطبر

امر <فارتقبهم و اصطبر> در حقیقت تذکر به صالح(ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند; بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

هشدار صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را

به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب ألیم

هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا یصلح ائتنا بما تعدنا إن کنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فیأخذکم عذاب ألیم) بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، درباره پایدار نبودن زندگی دنیوی و نعمت ها و آسایش آن

أتترکون فی ما ههنا ءامنین

استفهام در آیه بالا، انکاری و مفاد آن نفی است; یعنی، <أتترکون فی ما ههنا آمنین; شما در نعمتهای این جا آسوده رها نخواهید شد>. مقصود این است که این برخورداری ها شما را نفریبد و از مرگ غافل نکند; زیرا روزی پنجه های مرگ گریبان تان را خواهد گرفت و شما را از آنها جدا خواهد کرد. همچنین بر فرض که مرگ در نرسد، خود رفاه و امنیت این جا، پایدار نیست و ممکن است ناگهان اوضاع دگرگون شود و همه آنچه که از آن برخوردار هستید، از دستتان برود.

هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲،۴،۷

۲ - قوم ثمود ،

ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فعقروها

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: <عَقَرْتُ> (صحاح اللغه). گاهی فعل <عقر> در موردی به کار می رود که آن را <نحر> کرده باشند. (مصباح)

۴ - قوم ثمود ، برای دستیابی به آب اختصاصیِ ناقه صالح ، آن را هلاک کردند .

و سقیها . .. فعقروها

بیان هشدار به ثمودیان، در مورد آب شربِ ناقه و آن گاه سخن گفتن از تکذیب و عقر، نشانگر آن است که انگیزه قوم ثمود از پی کردن ناقه، چشم داشت آنان به آب مورد نیاز آن بوده است.

۷ - کشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

کذّبت ثمود بطغویها . .. فکذّبوه فعقروها

هماهنگی عاقر شتر صالح(ع) و قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۷

۷ - صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه *

فتعاطی فعقر

با توجه به این که واژه <فتعاطی> در ساختار باب تفاعل بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است; احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی خاص صورت گرفته باشد.

هوشیاری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۵

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع) ، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری

او

و إنّنا لفی شک مما تدعونا إليه مريب

<مريب>

(تردیـدافکن) صـفت برای <شک> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد کنت فینا مرجوّاً> خردمندی و هوشـیاری صالح(ع) می باشـد. بنـابراین جمله <إنّنـا لفی ...>; یعنی، مـا در درستی تعـالیم تو شـک داریم، آن چنان شـکی که باعث شـده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردیدکنیم.

صالحان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صالحان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۸

۸ - ابراهیم (ع) از برگزیدگان خدا در دنیا و از صالحان و شایستگان سرای آخرت

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی ، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان ، به جهت پاکدامنی و عفت ، و پیامبری از تبار صالحان

انّ اللّه یبشرک بیحیی . .. و سیداً و حصورا و نبیاً من الصالحین

<حصور> به کسـی گفته می شود که از زنـان دوری گزینـد، یـا بجهت نـاتوانی جنسـی و یـا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسـی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام سـتایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسیداً و حصوراً> و الحصور الذی یأبی النساء ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۶ - ۵

۵ عیسی (ع) ،

صالحی از نسل صالحان

اسمه المسیح عیسی ابن مریم . .. و من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۷،۱۵

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الکتب امه . .. یؤمنون باللّه ... و اولئک من الصالحین

۱۵ عبداللّه بن سلام و گروهی از اهل کتاب ، به اسلام گرویدند و از زمره صالحان گردیدند .

من اهل الکتب امّه قائمه . .. و اولئک من الصالحین

در شأن نزول آمده است: چون عبداللّه بن سلام و گروهی اسلام آوردند; احبار یهود گفتند تنها اشرار ما به پیامبر(ص) ایمان آوردند. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۸

۸ زندگی با فاسقان ، دشوار و ناخوشایند بر بندگان شایسته خداوند

فافرق بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاً هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۵

۵ پیامبر (ص) از زمره بندگان صالح خدا و برخوردار از حمایت های بی دریغ او

إن ولی اللّه . ..

و هو يتولى الصلحين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۳

۳ – مؤمنان نيكوكار باافرادبدكردار ، از نظر شخصيت و سرنوشت برابر و هم سنگ نيستند .

و ما يستوى . .. و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسىء

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – تحريم – ۶۶ – ۱۰ – ۴

۴ – حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شايسته خداوند

عبدين من عبادنا صلحين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – تحريم – ۶۶ – ۱۲ – ۱۶

۱۶ – از تبار نيكان و خداپرستان بودن ، از فضايل و كمالات آدمى

و كانت من القنتين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – اعلى – ۸۷ – ۱۴ – ۳

۳ – كسانى كه انفاق كرده و زكات مال خود را ادا كنند ، انسان هايى صالح و نجات يافته اند .

قد أفلح من تزكّى

برخى از لغت دانان، فعل <تزكّى> را به معناى <تصدق> مى دانند. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۰ – ۳

۳ - خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر یک ، آگاه است .

و هدینه النجدین

اسناد هدایت به خداوند در <هدینا> با توجّه به <أیحسب أن لم یره أحد> در آیات پیشین بیانگر آن است که چون خداوند راه خیر و شرّ را به دیگران شناسانده است; پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا

مدعیان حقیقیِ انفاق را، از غیر آنهاتشخیص ندهد.

آثار قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

آمرزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۹

۹ صبرپیشگان دارای اعمال صالح ، از مغفرت الهی بهره مند شده و گناهشان آمرزیده می شود .

أُولئک لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۸

۸ - غفران خداوند در باره مؤمنان تائب و نیک کردار ، مغفرتی گسترده و پر دامنه است .

و إنّی لغفّار لمن تاب

<غفّار> صیغه مبالغه است و بر گستردگی غفران خداوند در مورد توبه کنندگان مؤمن و نیک کردار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۵

۵ - مؤمنان دارای عمل صالح ، قطعاً مشمول آمرزش خداوندانند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أُولئک لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

- ۲ - ۱،۱۳

۱ مؤمنان صلاح پیشه و معتقد به حقانیت راه محمد (ص) ، مورد غفران و لطف الهی

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

ابراهیم(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۸،۱۰

۸ - ابراهیم (ع) از برگزیدگان خدا در دنیا و از صالحان و شایستگان سرای آخرت

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

۱۰ - اخلاص ابراهیم (ع) و گزینشش از سوی خداوند و نیز شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت ، دلیل های لزوم پیروی از آیین اوست .

و من یرغب . .. لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جمله های <لقد اصطفیناه> و <إنه فی الأخره . ..> به منزله دلیلی برای <و من یرغب ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۹

۹ - تسلیم بودن ابراهیم (ع) در برابر خدا ، دلیل گزینش وی و شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت

لمن الصلحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

<إذ> در جمله <إذ قال . ..> حرف تعلیل است، بیانگر علت گزینش

ابراهیم و شایستگی او برای وارد شدن به جرگه صالحان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۲

۲- ابراهیم (ع) ، از جمله صالحان در آخرت است .

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند .

و کلاًّ جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۸

۸ - ابراهیم (ع) در آخرت ، در زمره صالحان و شایستگان است .

و إنّه فی الأخره لمن الصلحین

اجابت دعای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱،۳

۱ - خداوند ، دعا ها و خواسته های مؤمنان نیک کردار را اجابت می کند .

و یستجیب الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

احترام اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ

های بهشت با تکریم و اجلال

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

احترام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۳

۴۳- صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۸

۸- برخورد شایسته با فرزندانِ افرادِ صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک

احترام فرزندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۸

۸- برخورد شایسته با فرزندانِ افرادِ صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک

ادریس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۴

۴– اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ، در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

ارزش مقامات صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۹ – ۲۳

۲۳ – شکوه و اقتدار مادی ، رنگ باخته و غیرقابل اتکا در مقایسه با مقام صالحان ، در نزد مردان الهی

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که سلیمان(ع)

با داشتن همه امکانات، باز آرزوی مقام صالحان را داشت.

ارزش همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۶

۱۶ ارزش همنشین شدن با صالحان و جویندگان طهارت ، و تأثیر آن در رشد و کمال معنوی انسان

فیه رجال یحبون أن یتطهروا

<فیه رجال . .. > به منزله دلیلی است برای سزاواری اقامه نماز در مسجد قبا ; یعنی، چون در این مسجد مردم صالح و جویندگان پاکی وجود دارند، شایسته است که دیگران با اینان همنشین شوند، زیرا همنشینی با صالحان و پاکان دارای تأثیر مثبت است.

ارزیابی اخروی عمل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه>; یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

ازدیاد پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس دارای اعمال صالح بیشتری باشد ، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد .

و یؤت کل ذی فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

استمرار پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱

- مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

استهزای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۷

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذین یلمزون المطوّعین

اسحاق(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند .

و کلاًّ جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ - اسحاق (ع) ، مظهر صلاح و مصداق روشن صالحان

و بشّرنه بإسحق نبيًّا من الصلحين

اسماعيل(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلًا هدينا . .. و من ذريته ... كل من الصلحين ... و إسمعيل و اليسع و يونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۴

۴- اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ، در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

اصلاح زندگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

اعراض منافقان از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۷

۷ بخل ورزی منافقان صدر اسلام از پرداخت صدقات ، روی گردانی از تعهد و اعراض از قرار گرفتن در صف صالحان بود .

و منهم من عهد اللّه . ... و تولوا و هم معرضون

الیاس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

اليسع(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلًا هدينا . .. و من ذريته ... كل من الصلحين ... و إسمعيل و اليسع و يونس و لوطا

امداد به

بازماندگان صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۴

۱۴– امدادرسانی به ایتام و بازماندگانِ انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

امداد به صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۶ – ۴

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصلحین

امنیت اخروی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۷ – ۶

۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إلّا من ءامن و عمل صلحًا . .. و هم فی الغرفت ءامنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۹

۹ – مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

امنیت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۴،۲۰

۱۴ – تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا

۲۰ – عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ،

پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

انبیا از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۴،۵

۴ - پیامبران ، انسان های صالح

نبیًّا من الصلحین

۵ - صالح بودن ، برجسته ترین صفت پیامبران الهی

نبیًّا من الصلحین

توصیف اسحاق(ع) به صالح بودن در حالی که پیامبران دارای اوصاف پسندیده دیگری نیز هستند می رساند که صالح بودن مهم ترین و برجسته ترین صفت برای آنان است.

انقیاد صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ - تسلیم در برابر فرمان خداوند ، از نشانه های صالحان

ربّ هب لی من الصلحین . .. فلمّا أسلما و تلّه للجبین

اهمیت تربیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ – پرورش انسان های نیک کردار و رواج کار های شایسته در جامعه ، فلسفه بهره مند شدن از امکانات مادی

و لقد ءاتینا داود مّنا فضلاً . .. و ألنّا له الحدید . أن اعمل سبغت ... و اعملو

توصیه خداوند به انجام عمل صالح پس اعطای نعمت ها و امکانات فراوان به داوود(ع) در واقع جهت دهنده رفتار ایشان و بازگوکننده هدف و فلسفه این عطاها و بهره مندی

ها است.

اهمیت مقامات صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۳ – ۳

۳ – برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی، این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

ایمان صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خداماًیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

ایوب(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

برتری صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۸ – ۴

۴ – مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین فی الأرض

بشارت به صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۵ – ۱۲

۱۲– خداوند نویدبخش انسان های صالح ، به غفران لغزش های ناخواسته

آنان در حقوق والدین

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوّبین غفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱

۱ - فضل و بخشش بی کران الهی در بهشت ، بشارت خداوند به مؤمنان نیک کردار

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک الذی یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و ع

<ذلک> اشاره به بهشت و تفضل الهی دارد که در آیه قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - معاد ، نویدی به مؤمنان صالح و هشداری به کافران بدکردار

من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعلیها ثمّ إلی ربّکم ترجعون

پیام آیه شریفه، نوید به نیکوکاران و هشدار به بدکاران است. تعبیر <ثمّ إلی ربّکم...> نیز که اشاره به معاد دارد در راستای همین معنا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إنّ اللّه يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

واژه <يدخل> و اسناد فعل به خداوند، مى رساند كه مؤمنان با تكريم و اجلال و در سايه لطف و اراده الهى، گام در بهشت مى نهند.

بشارت حاكميت صالحان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۶

۶- بشارت الهی ، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

بصیرت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

بی تأثیری خویشاوندی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عـدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شـمار آید. برداشت فوق بر گرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئك لهم مغفره و أجر كبير

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر كبير> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارٌالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۱

۱ – مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا

الصلحت لهم جنّت

پاداش بزرگ صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان ، از سوی خداوند

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الکتب . .. و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا . .. کل من الصلحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین

، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۴

۴- عمل صالح باقی می ماند و نیکوکاران ، از پاداش آن در پیشگاه خداوند برخوردار می گردند .

والبقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا

<خیر> گرچه اسم تفضیل است; ولی همواره این مفهوم را ندارد که نقطه مقابل هم، اصل وصف را داراست; بلکه در نظایر این آیه تفضیل به معنای حقیقی آن وجود ندارد و گفتن <خیر ثواباً> در مقابل پندار دنیامداران است که به نتیجه کارهایشان دل بسته اند و مراد این است که تنها به ثواب عمل صالح می توان دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۴

عنكبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۱،۱۰

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوّئنّ> دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه . .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۱

۱ - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۴

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنانِ دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذین ءامنوا . .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱،۲

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذين ءامنوا . .. لهم جنّت النعيم

۲ – مؤمنان به آيات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جايگاه شان بهشت است .

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

لهم جنّت النعیم

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱

۱ - باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی نزلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنانِ دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲ – ۱۳

۱۳– آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان

است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۲

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۲ - پاداشِ مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربّهم

پاداش کامل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش مضاعف صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إلّا من ءامن و عمل صلحًا فأُولئک لهم جزاء الضعف

پذیرایی اخروی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۲

۲- باغ های سرسبز آخرت ، وسیله پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است .

کانت لهم جنّت الفردوس نزلاً

یکی از معانی <نزل>، <غذا> و یا <امکانات دیگری است که برای پذیرایی از میهمان آماده می شود. >.

پذیرایی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱

۱ - باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أمّا الذین

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوى نزلاً

پشیمانی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود أَكثِر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسیء ینـدمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلك قوله تعالی : < و لاأُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: . ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت]نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۷،۲۰

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. کما

استخلف الذين من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

تأمین خواسته های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین نیازهای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۷

۷ - فراهم آوردن تسهیلات زندگی و نیاز های طبیعی افراد صالح و درست کار ، از روش های مؤثر در تشویق دیگران به درست کاری و اصلاح خویشتن

و أنكحوا. .. و الصلحين من عبادكم و إمائكم

<الصالحین> به منزله قید برای <عبادکم و إمائکم> است. بی شک اگر تنها افراد صالح و درست کار جامعه، از کمک و تسهیلات زندگی دیگران برخوردار شوند، افراد ناصالح و نادرست نیز، به صلاح و درست کاری تشویق شده و به آن روی خواهند آورد.

تبیین خط مشی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۵،۴

۴ ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف تبیین آیات قرآن

و کذلك نفصل

الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان یکی از دو ضد، مآلاـ بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله <و لتستبین> عطف بر جمله محذوف <لتستبین سبیل المؤمنین> است.

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

تشخیص صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳ – ۳

۳ – آگاهی از صالح یا ناصالح بودن افراد ، برای همگان مقدور نیست .

و مایدریک

<ما> برای استفهام است و جمله <مایدریک. ..> (چه چیز تو را آگاه می سازد)، نشانگر بسته بودن راه آگاهی برای مخاطب است.

تضمین پاداش صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۴ – ۱

۱– پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم وکاست به آنان داده می شود .

فمن یعمل من الصلحت و هو مؤمن فلاکفران لسعیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۴ – ۹

۹ – قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل

۲۷ - ۸۹ - ۳

۳ - آگاهی عمیق خداوند به اعمال بندگان ، پشتوانه پاداش او به نیک کرداران

إنّه خبیر بما تفعلون . من جاء بالحسنه فله خیر منها

از ارتباط <من جاء. ..> با بخش پایانی آیه قبل (إنّه خبیر بما تفعلون) می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

تفاوت صالحان و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب . .. ساء ما یحکمون

تفضل به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۳

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

تقرب صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

از اضافه <عباده> به ضمیر راجع به <اللّه> که اضافه تشریفیه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

تکفیر گناه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۱،۵

۱ -

خداوند ، گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح را نادیده می گیرد .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم

<تکفیر> مصدر فعل <نکفّر> به معنای <پوشاندن> است (لسان العرب) و مراد از آن، نادیده گرفتن گناهان است.

۵ - تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفّرنّ عنهم سیّئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفّرنّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

تنزیه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما>ی مبهمه، بر مبالغه در قلت دلالت دارد.

توبه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- صالحان ، برخوردار از روحیه توبه اند .

إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوّبین غفورًا

در جواب شرط به جای گفتن <إنه کان للصالحین> آمده است: <إنه کان للأوّابین>; یعنی، <الأوّابین> به جای <الصالحین> آمده و دربردارنده معنای آن است.

توحید عبادی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۹

۱۹ – خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من

بعد خوفهم أمنً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

جاودانگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

حامی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

حتمیت پاداش صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۰ – ۱

۱– پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰

- انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غير ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

حسابرسی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

كلّ أمّه تدعى إلى كتبها . .. فأمّا الذين ءامنوا و عملواالصلحت فيدخلهم ربّهم ف

حسن فرجام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت طوبى لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۳

۱۳- بهترین عاقبت ، در انتظار انجام دهندگان عمل صالح است .

و خير مردًّا

<مردّاً> می توانـد اسم مکان و به معنای <مرجع> باشد (البحر المحیط). در این صورت مراد از <خیر مردّاً> بهترین فرجام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا أخّرتنی . .. و أکن من

الصلحين

حکومت جهانی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۱۱

۱۱– حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

حلم صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۱ – ۸،۹

۸ – حلم و بردباری ، برجسته ترین نشانه صالح بودن فرزندان

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابراهیم(ع) از خداوند، فرزندی صالح درخواست کرده بود و خداوند در پاسخ فرمود: به تو فرزندی حلیم و بردبار عطا می کنم. ذکر این خصوصیت در واقع بیانگر ویژگی صالح بودن فرزند است.

۹ – حلم و بردباری ، از ویژگی های انسان های صالح

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

خشیت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۶

۱۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

خضوع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قرئ‌ء علیهم القرءان لایسجدون ... إلاّ الذین ءامنوا

و عملوا الص

خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶،۲۰

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

داود(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم . .. إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

درخواست بهشت برای صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸ – ۱

۱

- وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - دعای سلیمان به درگاه خدا ، برای قرار گرفتن در زمره بندگان صالح

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

دعا برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و أدخلهم جنّت. .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

<مَن> در <و من صلح. ..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أدخلهم...> و یا عطف بر ضمیر<هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السيّئات

الف و لام جنس در

<السیّئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

دعوتهای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۰

۱۰- تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم ، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد .

و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

توصیف امر کننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤولیت است.

ذکر خیر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۱

۲۱ یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان ، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون

ذکر دائمی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

ذوالکفل(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۴

۴– اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ،

در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

رحمت بر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۱،۴،۸

۱ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت پروردگار در قیامت

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم فی رحمته

۴ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <فأمّا الذین. ..> تفریع بر <تری کلّ أمّه جاثیه> باشد.

۸ - شمول رحمت حق در قیامت نسبت به مؤمنان صلاح پیشه ، نمودی از ربوبیت او

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم فی رحمته

به کار رفتن واژه <ربّ> و اضافه آن به <هم>، بیانگر مطلب یاد شده است.

رستگاری اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۴

۴ - فلاح و راستگاری اخروی برای مؤمنان شایسته کردار ، از سوی خداوند تضمین شده است .

من . .. ءامن و عمل صلحًا فعسی أن یکون من المفلحین

برخی از مفسران برآنند که کریمان عادت دارند که وعده هایشان را در قالب <عسی أن یکون. ..> بیان کنند. بنابراین <عسی> در این آیه، برای تحقیق است و نه ترجّی. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

رستگاری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۵

۵ - رستگاری و سعادت جاودانی ، تنها از آنِ دارندگان اعمال صالح و گران وزن

فمن ثقلت موزینه

فأولئک هم المفلحون

رضایت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه>; یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

رضایت از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۱،۱۷

۱۱ - رضایت خداوند ، از مؤمنان شایسته کردار در جهان آخرت

رضی اللّه عنهم

۱۷ - خشیت از خداوند ، شرط رضایت مندی او از مؤمنان دارای عمل صالح

رضی اللّه عنهم . .. ذلک لمن خشی ربّه

رضایت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۸

۸ خداوند ، خشنود از راستگویان و راستکرداران و آنان ، خشنود از خداوند .

رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ - رضایت مؤمنان شایسته کردار ، از خداوند در آخرت

و رضوا عنه

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنانِ صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم . .. رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

رفع ترس از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن

ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

روزی اخروی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۰ – ۱

۱ – مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴ – ۷

۷ – مؤمنان دارای عمل صالح ، قطعاً از روزی کریمانه ای در قیامت برخوردار خواهند بود .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أُولئک لهم . .. رزق کریم

زکریا(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

زمینه آمرزش صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۵ – ۸

۸- صلاح پیشگان و توبه کنندگان از لغزش ها ، دارای زمینه برخورداری از غفران و آمرزش

إن تكونوا صلحين فإنه كان للأوّبين غفورًا

زمینه حکومت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۷ – ۵

۵- تحقق حکومت جهانی صالحان ، در پرتو دین اسلام و رسالت پیامبراکرم (ص) است .

و لقد كتبنا فی الزبور . .. و ما

أرسلنک إلّا رحمه للعلمین

بـا توجه به ارتباط دو آیه که در آیه اوّلی حکومت جهانی و در این آیه رسالت جهانی پیامبر(ص) را مطرح می کنـد برداشـت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه لغزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ . .. ربّکم أعلم ... إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوّبین غفو

زمینه مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۰

۲۰ - قرار گرفتن در زمره صالحان ، منوط به عمل نیک و رحمت ویژه الهی

و أن أعمل صلحًا ترضه وأدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

زندگی دنیوی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۱

۱ مؤمنان به خـدای یکتا ، پیامبر (ص) و قرآن که دارای عمل صالـح باشـند ، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره مندند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم

متعلق <ءامنـوا> به قرینه آیـات گذشـته توحیـد ، پیـامبر(ص) و قرآن است. <طـوبی> اسم تفضـیل مؤنث اطیب و به معنـای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با <مئاب> حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

سرور اخروی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۲

۲ – مؤمنان نیک کردار ، در

بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سلیمان(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

شرایط همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۷

۲۷ فرمانبرداری از خداوند و تسلیم او بودن ، شرط درآمدن به جرگه صالحان است .

توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

شعیب(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۷

۱۷ – شعیب (ع) ، شخصیتی از زمره صالحان

ستجدنی . .. من الصلحین

شکرگزاری صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و

در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إنّه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

صابران از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۷

۷- صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

کلّ من الصبرین . إنّهم من الصلحین

خداونـد، در آیه قبـل که در توصـیف برخی از پیـامبران بود آنـان را از صـابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

صالحان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۷

۷- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا ، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۵

۵- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا ، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

صالحان امت های پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۶

۶ – خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

صالحان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۶،۱۴

۶ گروهی از اهل کتاب که اطاعت خدا نمودند و به هنگام شب آیات الهی را تلاوت کردند و سجده به درگاهش نمودند ، از زمره صالحان هستند .

من اهل الکتب امه قائمه . .. و اولئک من الصالحین

۱۴ صالحان از اهل کتاب ، آسوده از ذلّت و مسکنت و ایمن از غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. لیسوا سواءً من اهل الکتب امّه قائمه ... و اولئک من الصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۲

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الکتب . .. و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ فسق (نادیده گرفتن دستورات خداوند) ، ریشه استهزای دین و شعایر الهی

اتخذوا دینکم هزواً و لعباً . .. و إن اکثرکم فسقون

مصداق جمله <هل تنقمون . ..> همان استهزای نماز و احکام دین است. بنابراین <فسق> که علت برای <تنقمون> گرفته شده است، در حقیقت علت استهزای دین نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب مردانی صالح ، پرهیز کننده از گناه ، و بدور از تجاوز و حرام خواری

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و

اکلهم السحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۶

۱۶ گروهی از اهل کتاب ، مردمانی وارسته از موضعگیری کفرآمیز و خصمانه در برابر قرآن

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

صالحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

صالحان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ برخورداری گروهی از بنی اسرائیل بر اثر پایبندی به توبه خویش ، از بینش ها و نعمت های صحیح دینی

ثم عموا و صموا کثیر منهم

صالحان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ – حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۱ – ۹،۱۰

۹ – تسلیم بودن ابراهیم (ع) در برابر خدا ، دلیل گزینش وی و شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت

لمن الصلحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

<إذ> در جمله <إذ قال . ..> حرف

تعلیل است، بیانگر علت گزینش ابراهیم و شایستگی او برای وارد شدن به جرگه صالحان می باشد.

۱۰ - درآمدن به جرگه صالحان سرای آخرت ، در گرو تسلیم بودن و اطاعت کردن از خداوند است .

و إنه فی الأخره لمن الصلحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۲

۲- ابراهیم (ع) ، از جمله صالحان در آخرت است .

و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - صالحان ، در جهان آخرت ، مردمی ممتاز و برجسته اند .

و إنّه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - رضایت خداوند ، از مؤمنان شایسته کردار در جهان آخرت

رضی اللّه عنهم

۱۲ - رضایت مؤمنان شایسته کردار ، از خداوند در آخرت

و رضوا عنه

صالحان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۴

۴ مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (ص) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از

<یدخلنا> به قرینه مقام و نیز آیه بعد <الجنه> باشد یعنی <نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۸

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین. فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۷

۷ بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۱

۱– استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۸ – ۱

۱– مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جنّت الفردوس نزلاً . خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۶

۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه. ..خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۲

۲ – مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حِبر> درلغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۴

۴ – وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لهم جنّت النعیم خلدین فیها وعد اللّه حقًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۳

۳ – زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۲ – ۹،۱۳

۹ – مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۶- بهره مندی هماره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أُولئک أصحب الجنّه

تعبیر به <أصحاب> اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ اللّه مولی الذین ءامنوا . .. إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلح

صالحان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأُولئک یدخلون الجنّه . .. جنّت عدن

صالحان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد

داد.

صالحان در فقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به

هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خداأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صالحان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف علیهم . ..> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد; زیرا

همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورنـد (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداونـد آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران ، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع یومئذ ءامنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجـات مؤمنـان و صالحان از بـدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسـته از رحمت و لطف الهی است ; نه از اسـتحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یـادآوری و تصـریح فرشـتگان به این که حفـظ مؤمنـان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قـال رسول اللّه (ص) . . . یـابن مسـعود أَکثِر من الصالحـات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسـیء ینـدمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلک قوله تعالی : < و لاأُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: . ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت

]نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه>; یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

صالحان و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنکوننّ من الصلحین

صالحان و صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنکوننّ من الصلحین

صالحان و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ – انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما>ی مبهمه، بر مبالغه در قلت

دلالت دارد.

صالحان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صالحان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صالحان هنگام آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلّا الذين صبروا و عملوا الصلحت

صالحان هنگام رفاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود

- ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنّه لفرح فخور. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صالحان هنگام سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنّه لیئوس کفور . .. إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

صالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود ، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصلحون و منهم دون ذلک

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلک> اشاره است به صالح که از <الصلحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

تمسیک (مصدر <یمسکون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت کتاب آسمانی به این است که انسان معارف آن را باور داشته و به احکان آن پایبند باشد.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر

خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

صبر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی ، از ویژگی های صالحان

ربّ هب لی من الصلحین . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

ظلم به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۵

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما کان ربک لیهلک القری بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از <رب> که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

عبادت کنار قبور صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۸

۳۸- ساختن مسجد بر اقامت گاه صالحان و مزار آنان ، جایز بوده و عبادت در کنار قبر آنان شایسته است .

لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

هرگاه قرآن، از جوامع و ادیان پیشین، سخن و عملی را با لحنی نقل کند که نشانه تمجید و عنایت خاص خداوند باشد، معلوم می شود که قرآن، آن گفته و کردار را صحیح و پسندیده تلقّی کرده است.

عبودیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰- صالحان ، بندگان خاص خداوند

عبادی الصلحون

بنابراین که <الصالحون> قید توضیحی برای <عبادی> باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

یبشّر اللّه عباده الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

از اضافه <عباده> به ضمیر راجع به <اللّه> که اضافه تشریفیه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

عذاب صالحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالح بودند ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید گرفتار ساخت .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ایله از نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

عقلانیت برتری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۵

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. کالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل. ..> به

دست می آید.

عقیده به حاکمیت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۶ – ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین ، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد کتبنا فی الزبور . .. إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

عقیده صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۶ – ۶

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهراسیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلاتنظرون . .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

عمل صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۵ – ۳

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زكات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحين است .

لنصدقنّ و لنكوننّ من الصلحين

عمل ناپسند خويشاوندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۲۸ - ۸

۸- صدور كردار ناروا از فرزندان انسان های

صالح و خویشاوندانِ شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

یأخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

عمل ناپسند فرزندان صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۸ – ۸

۸– صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های صالح و خویشاوندانِ شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

یأخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

عوامل محافظت از منافع صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۰

۱۰– عوامل غیبی الهی ، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان ، دخالت دارد .

فأراد ربّک أن یبلغا أشدّهما و یستخرجا کنزهما رحمه من ربّک

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلّی است و آن این که به مناسبت عمل صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

عوامل محافظت از منافع فرزندان صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۰

۱۰– عوامل غیبی الهی ، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان ، دخالت دارد .

فأراد ربّک أن یبلغا أشدّهما و یستخرجا کنزهما رحمه من ربّک

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلّی است و آن این که به مناسبت عمل

صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

عیسی(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره

– آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

فاسدان و صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۸

۸ – انسان های صالح و پاکدامن ، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط(ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

فرجام اخروی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۱۰ – ۱۸

۱۸ – صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا أخّرتنی . .. و أکن من الصلحین

فرجام صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۷ – ۱

۱– بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کردارانِ مؤمنِ به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا . .. نزلاً

متعلق ایمـان در <آمنوا> به قرینه آیـات قبـل که دربـاره کفر به آیـات و لقـای پروردگـار بود ایمـان به آیـات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سـرسبز>. برخی از زبان شـناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده اسـت (تـاج العروس) کلمه <نزل> در معـانی <منزل> و <وسایـل پـذیرایی> و... اسـتعمال می شود. برداشت یـاد شـده، براساس معنای نخست

است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه ساختن انسان ها را با خوبی و بدی و رساندن خوبان و بدکاران را به فرجام شایسته آنان ، بر خود لازم شمرده است .

إنّ علینا للهدی

<هدی> مصدر و به معنای ارشاد و راهنمایی است (قاموس). مراد از هدایت ممکن است اعم از هدایت فطری و تشریعی و نیز رساندن به مقصد باشد. جملات <سنیسّره للیسری> و <سنیسّره للعسری> (در آیات پیشین) مؤید تعمیم است.

فرزند صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۹

۹ امکان ناصالح شدن فرزندان ، از پدران و مادران خوب و شایسته

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که عبادالرحمان که خود از بهترین ها جامعه اند برای سرنوشت و آینده خوب فرزندانشان دعا می کنند و از خداوند خواستار صلاح و نیکی آنان می شوند.

فضایل اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۹

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۱،۴،۸

۱ -

مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت پروردگار در قیامت

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم فی رحمته

۴ – مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <فأمّا الذین. ..> تفریع بر <تری کلّ أمّه جاثیه> باشد.

۸ – شمول رحمت حق در قیامت نسبت به مؤمنان صلاح پیشه ، نمودی از ربوبیت او

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم فی رحمته

به کار رفتن واژه <ربّ> و اضافه آن به <هم>، بیانگر مطلب یاد شده است.

فضایل صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۳۰

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود : < . . . قالت الملائکه : سبحانک < أتجعل فی ها من یفسد فی ها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک > . . . فاجعله منّا فانا لانفسد فی الأرض و لانسفک الدماء . قال جلّ جلاله . . . < إنی أعلم ما لاتعلمون > انّی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی . . . ;

. .. ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو <آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم>. پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین فساد می کنیم و

نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید; من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۹ – ۴،۵،۷،۸،۱۰،۱۱

۴ پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم . .. و الصالحین

تصریح به اسم جلاله <اللّه> در جمله <انعم اللّه علیهم>، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

۵ پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاصّ

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک مع الذین انعم اللّه

با توجّه به آیه قبل، که اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و . .. قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

۷ پیامبری ، صدّیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ *

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. و الصّالحین

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم اللّه علیهم>، همان مقام نبوّت و . .. باشد.

۸ مقام برتر پیامبران بر صدّیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. و الصّالحین

ترتیب درجات

از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

۱۰ مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک . .. الصالحین

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین و الصدیقین و الشّهداء و الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۳

۳ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضّل خاص الهی

من النبیّین و الصدیقین . .. ذلک الفضل من اللّه

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به انعام مستفاد از جمله <الذین انعم اللّه علیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد; زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند

آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۴

۴- صالحان ، از رحمت خاص الهی ، بهره منداند .

و أدخلنه فی رحمتنا إنّه من الصلحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه من الصالحین> تعلیل برای <أدخلناه. ..> است و تعلیل، موجب تعمیم حکم و شمول دیگر افراد مورد بحث می شود؛ یعنی، هرکس صالح باشد، در رحمت الهی وارد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۲

۲ - تهی گشتن جامعه از تمامی افراد مؤمن و صالح ، زمینه ساز ابتلای آن به عذاب الهی

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین . ثمّ دمّرنا الأخرین

از آن جا که پس از خروج لوط(ع) و خاندان مؤمن وی، عذاب بر قوم او نازل گردید، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران ، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع یومئذ ءامنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

- ۳۴ - ۳۷ - ۶،۷

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إلّا من ءامن و عمل صلحًا . .. و هم فی الغرفت ءامنون

۷ - در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هم فی الغرفت ءامنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنانِ دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۹

۹ - انسان صالح ، انسان کامل و آرمانیِ مکتب وحی

ربّ هب لی من الصلحین

از این که حضرت ابراهیم(ع) فرزند مورد علاقه اش را از میان انسان های صالح خواسته است، می توان استفاده کرد که آنچه برای ابراهیم(ع) مهم و به صورت یک آرمان تلقی می شد; انسان کامل و صالح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۸

۸ - انسان صالح ، انسان کامل و آرمانی در مکتب وحی

نبیًّا من الصلحین

از این که ابراهیم(ع) فرزند مورد علاقه اش را از میان انسان های صالح درخواست کرد (ربّ هب لی من الصالحین) و خداوند هم فرزندی با صفت صالح به ایشان عطا فرمود، می توان استفاده کرد که آنچه برای ابراهیم(ع) مهم و به صورت یک آرمان

تلقّی می شد، انسان کامل و صالح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۹ – ۲

۲ – مؤمنان تائب و صالحان ، مشمول رحمت الهی در قیامت در سایه دعا و درخواست فرشتگان

و قهم السیّئات و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۳

۳ – شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملواالصلحت فیدخلهم ربّهم ف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۱

۱– نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۵۰ – ۶،۷

۶ – صالح بودن ، محور فضیلت ها و اساس ارزش های الهی و انسانی

فجعله من الصلحین

توصیف یونس(ع) به صالح بودن پس از برگزیدگی او می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

۷ – اجتناب صالحان و برگزیدگان الهی ، از ترک اولی

فجعله من الصلحين

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند یونس(ع) را پس از توبه و پشیمانی او از ترک اولی به مقام صالحان رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۷

- ۱،۳

۱ – افراد مؤمن و دارای عمل صالح ، بهترین مردم و برترین موجودات اند .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أُولئک هم خیر البریّه

۳ – مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إنّ الذین کفروا . .. فی نار جهنّم ... إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أُولئک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۶

۱۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

قداست قبور صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۴۳

۴۳– صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

قیاس صالحان با مفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۸ – ۴،۵

۴ – مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین فی الأرض

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواپیشگان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. کالفجّار

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أم نجعل. ..> به دست می آید.

کمی صالحان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ – انسان های دارای عمل صالح زیاد ، اندک هستند .

اعملوا ءال داود شکرًا و قلیل من عبادی الشکور

بنابراین که <شکر> مفعولٌ له <اعملوا> باشد، <قلیل من عبادی الشکور> اشعار به این نکته دارد: کسانی که به منظور ادای شکر عمل صالح انجام دهند، کم هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۱۰

۱۰ – انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما>ی مبهمه، بر مبالغه در قلت دلالت دارد.

لوط(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۶ – ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاً هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۵ – ۲

۲– حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنّه من الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۴

۴ – حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

محافظت از مال بازماندگان صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴

۱۴- امدادرسانی به ایتام و بازماندگانِ انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

محبوبیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۱،۲،۷

۱- ایمان و عمل صالح موجب نفوذ محبوبیت شخص مؤمن در دل های مردم است .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

<ودّ> به معنای میل و محبت است. و مراد از آن، به قرینه <لهم>، محبتی است که خداوند برای مؤمنان در دل های دیگران قرار می دهد.

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

۷- محبوبیت یافتن مؤمنان نیک کردار در دل ها ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند است .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

محدوده حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ; بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

محمد(ص) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۵

۵ پیامبر (ص

) از زمره بندگان صالح خدا و برخوردار از حمایت های بی دریغ او

إن ولی اللّه . .. و هو یتولی الصلحین

مراتب صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲ - ۱۸

۱۸ - خوبی ها و نیکی ها ، دارای درجات گوناگون و نیک کرداران و خوبان ، دارای مراتب مختلف

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

مریم(س) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و کانت من القنتین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <من> در <من القانتین> نشویه باشد; یعنی، مریم(س) برآمده از قانتان بود.

مصونیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۹

۹ - مؤمنان دارای عمل صالح ، از عذاب الهی درامان اند .

و ما نحن بمعذّبین . .. و ما أمولکم ... تقرّبکم عندنا... إلا من ءامن ... و هم ...

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <آمنون> در این آیه، تعریض به <ما نحن بمعذّبین> در آیه ۳۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ; نه از استحقاق آنان .

و من تق السیّئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان

مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند; می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۱

۱ - مؤمنانی که عمل صالح دارند ، از عذاب الهی در امان اند .

فبشّرهم بعذاب أليم . إلاّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<إلاّ> برای استثنای منقطع به کار رفته است و معنای <لکن> را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۴ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان نیکوکار را از گرفتاری به عذاب مصون داشته و با آنان مهربان است .

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و هو الغفور الودود

<غفر> (ریشه <غفور>); یعنی، پوشاندن لباسی که شخص را از آلودگی ها محفوظ دارد و غفران خداوند، ایجاد مصونیت از عذاب برای بندگان است (مفردات راغب). جمله <هو الغفور> در ارتباط با <إنّ بطش...> که تهدید کافران بود نویدی به مؤمنان و بیانگر مصونیت آنان، از گرفتاری به دام عذاب است.

مقامات اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۴

۴- مرتبه و جایگاه صالحان در آخرت ، مرتبه ای ویژه و متعالی

و إنه فی الأخره لمن الصلحين

از اینکه خداوند در مقام امتنان بر حضرت ابراهیم(ع)، ایشان را از زمره صالحان برشمرده است، نشان می دهد که مقام و منزلت صالحان بس بلند و عالی است و افرادی چون ابراهیم(ع) شایسته چنین مقامی اند (و إنه فی الأخره لمن الصالحين).

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۵ – ۱

۱ – مؤمنان دارای عمل صالح ، از درجات و مراتب بلندی در آخرت برخوردارند .

و من یأته مؤمن ا . .. لهم الدرجت العلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۵

۵ – خلود در بهشت عدن ، تبلور درجات عالی مؤمنان دارای عمل صالح در آخرت

لهم الدرجت العلی . جنّت عدن ... خلدین

<جنّات عدن> بدل برای <الدرجات العلی> است; یعنی، آن درجات بلند، همان باغ های بهشت عدن است.

مقامات صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۰ – ۱۲

۱۲ – بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینه فی الدنیا و إنه فی الأخره لمن الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۱ – ۱۰

۱۰ – درآمدن به جرگه صالحان سرای آخرت ، در گرو تسلیم بودن و اطاعت کردن از خداوند است .

و إنه فی الأخره لمن الصلحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۴ – ۶،۷،۸

۶ صالحان دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

۷ ایمان به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) زمینه عروج به درجه صالحان

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق . .. یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <و نطمع . ..> می رساند که حتی پس از اعتراف به

خدای یگانه نمی توان به همنشینی باصالحان یقین داشت بلکه ایمان مذکور تنها می تواند زمینه ساز نیل به درجه صالحان باشد.

۸ رسیدن به درجه و مقام صالحان در پرتو خواست و عنایت الهی است .

نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا . .. کل من الصلحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۶ – ۴

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۴۳

۴۳– صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۵ – ۵

۵ – مؤمنان دارای عمل صالح در پیشگاه پروردگارشان شأن و مقامی رفیع دارند .

و من يأته . .. فأولئك لهم الدرجت

اسم اشاره <أُولئك> كه براى اشاره بعيد به كار مى رود، حاوى تكريم و بزرگداشت مؤمنان از سوى خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰- صالحان ، بندگان خاص خداوند

عبادى الصلحون

بنابراين كه <الصالحون>

قید توضیحی برای <عبادی> باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۱

۲۱ - مقام بندگان صالح ، بالاترین جایگاه کمالی انسان

أن أشکر نعمتک . .. و أن أعمل صلحًا... و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان(ع) مقام <عباد صالح> را به عنوان آخرین و عالی ترین آرزوی خود مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۹ - ۱،۵،۶

۱ - ایمان آورندگانِ دارای عمل صالح ، از سوی خداوند ، در زمره صالحان قرارخواهندگرفت .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

۵ - صالحان ، در پیشگاه خداوند ، مقامی ارجمند دارند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

این که خداوند، به مؤمنانِ شایسته کردار، وعده حتمی داده است که آنان را، وارد زمره صالحان بکند، نکته بالا، فهمیده می شود.

۶ - خداوند ، مؤمنانِ دارای عمل صالح را ، در جایگاه صالحان ، وارد خواهد کرد .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

<لندخلنّهم فی مدخل الصالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

يبشّر اللّه عباده الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

از اضافه <عباده> به ضمير راجع به <اللّه> كه اضافه تشريفيه است برداشت ياد شده استفاده مى شود.

منافقان و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ -

توبه - ۹ - ۷۵ - ۱

۱ پیمان بستن برخی از منافقان صدر اسلام با خدا مبنی بر پرداخت زکات و صدقه و قرار گرفتن در صف صالحان ، در صورت برخورداری از مال و فضل الهی

و منهم من عهد اللّه . .. و لنکوننّ من الصلحین

منشأ آمرزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۸

۱۸- مغفرت و محو کاستی های اعمال و لغزش های صالحان ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و مغفره من ربّهم

از ارتباط غفران با وصف ربوبیت خدا، می توان نتیجه گرفت که خطاپوشی خداوند نسبت به مؤمنان نیک کردار متقی، ناشی از مقام ربوبیت و پروردگاری او است.

منشأ حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

موسی(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

مهمترین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۶

۶ - ایمنی از وحشت روز جزا ، مهم ترین پاداش الهی به نیک کرداران

من جاء بالحسنه فله خیر منها و هم من فزع یومئذ ءامنون

اختصاص به ذکر یافتن <و هم من فزع یومئذ

آمنون> با این که <له خیر منها> دربرگیرنده آن نیز هست نشان می دهد که ایمنی از وحشت روز رستاخیز، مهم ترین لطف و عنایت الهی در حق نیک کرداران است.

نجات اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد; زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات از تنهایی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد; زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان

را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۸

۸ خداونـد ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .
*

و لما جاءنا أمرنا نجّینا هودًا والذین ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، تقواپیشگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصـادیق مورد نظر برای <من نشـاء> علاوه بر پیامبران ، تقواپیشـگان و درسـتکاران است. آیه قبل (أفلم یسـیروا ... و لـدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

نشانه های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنکوننّ من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ - تسلیم در برابر فرمان خداوند ، از نشانه های صالحان

ربّ هب لی من الصلحین . .. فلمّا أسلما و تلّه للجبین

نعمت همنشینی با صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۲۲

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقنی بالصلحین

جمله <ألحقنی> پس از <توفنی مسلماً> می رساند

که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

نعمتهای اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۷

۷ - در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هم فی الغرفت ءامنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۲ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، در انبوه نعمت های وصف ناپذیر آخرت جای خواهند گرفت .

إنّ الأبرار لفی نعیم

از جمله معانی بیان شده برای <برّ>، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است (لسان العرب). <نعیم>; یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب). نکره بودن آن، دلالت دارد که وصف نعمت ها امکان پذیر نیست. مراد از آن به قرینه آیات بعد نعمت های آخرت است.

نقش اجتماعی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۲

۲ - تهی گشتن جامعه از تمامی افراد مؤمن و صالح ، زمینه ساز ابتلای آن به عذاب الهی

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین . ثمّ دمّرنا الأخرین

از آن جا که پس از خروج لوط(ع) و خاندان مؤمن وی، عذاب بر قوم او نازل گردید، مطلب یاد شده به دست می آید.

نقش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۶

۶- صنعت اسلحه سازی و تولید سلاح ، باید در اختیار افراد صالح و تحت نظارت رهبران جامعه دینی قرار

گیرد .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

از این که خداوند برای دفاع مردم از منافع خویش در برابر دشمن، صنعت اسلحه سازی را تنها به داوود(ع) آموخت، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۸

۸ – انسان های صالح و پاکدامن ، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط(ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

نقش صالحان امت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۹ – ۷

۷– وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد; بلکه شهادت عملی باشد; یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان نیز می توانستند صالح باشند.

نگرانی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۶

۱۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به

معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

نوح(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

نهی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۷

۷ - احتمال درستکاری افراد ، کافی در مُجاز نبودن نهی آنان

أرءیت الذی ینهی . .. أرءیت إن کان علی الهدی

وراثت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۷

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد; چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً); ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد; چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸); ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت

بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض يرثها عبادى الصلحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتبؤأ من الجنّه حيث نشاء فنعم أجر العاملين> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وعده به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنى

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنى) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳،۹،۱۰،۱۴،۱۶،۱۹،۲۰

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و ليمكّننّ لهم دينهم الذى ارتض

۱۰ - وعده أکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . .. و ليمكّننّ لهم دينهم الذى ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . ..

و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًَ

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًَ

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد; یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی

کانوا یوعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۴۳

۴۳– وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

وعده پیروزی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۴

۴ – شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده حاکمیت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۲،۴

۲ – خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ – شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده خلافت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه،

از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمرند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وفور نعمت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا . .. فأُولئک یدخلون الجنّه یرزقون فیها بغیر حساب

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

ویژگیهای روزی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۸

۸ - روزی مؤمنان دارای عمل صالح در قیامت ، از هرگونه رنج و منّتی به دور است .

الذین ءامنوا . .. أُولئک لهم ...

رزق کریم

مقصود از رزق کریم چنان که در روح المعانی آمده است روزی بی رنج و بی منّت است؛ زیرا روزی ها یا با تلاش خود انسان ها به دست می آید که همراه با زحمت است و یا از سوی دیگران می رسد که نوعاً توأم با نوعی منّت می باشد؛ ولی روزی خدا چنین نیست.

ویژگیهای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۹

۹ - حلم و بردباری ، از ویژگی های انسان های صالح

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی ، از ویژگی های صالحان

ربّ هب لی من الصلحین . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

هارون(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

هدایت صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا . .. کل من الصلحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و

این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴،۷

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

۷ ربوبیت خداوند ، مقتضی دستگیری و هدایت پیوسته مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا . .. یهدیهم ربهم

همنشینی اخروی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۲،۲۳،۲۴،۲۵

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقنی بالصلحین

جمله <ألحقنی> پس از <توفنی مسلماً> می رساند که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

۲۴ انسان باید برای تسلیم بودن در برابر خدا و عاقبت به خیر شدن و زیستن با صالحان در سرای آخرت ، دعا کرده و به درگاه خدا نیایش کند .

توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

۲۵ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

همنشینی با صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۹ – ۱۲،۹،۶،۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت

از خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول . .. و الصّالحین

<صدّیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

۶ پیروان خدا و رسول (ص) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من یطع اللّه . .. فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین ... و الصّالحین

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و . .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول . .. و حسن اولئک رفیقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۰ – ۱،۲

۱ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. ذلک الفضل من اللّه

بنابر اینکه

<ذلک>، اشاره به معیّت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مبناست که <الفضل> خبر برای <ذلک> باشد.

۲ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، تفضّلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

فاولئک مع الّذین . .. ذلک الفضل من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۱ – ۵

۵ مجاهدان راه خدا ، همنشین با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم . .. یا ایّها الّذین امنوا خذوا حذرکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۴ – ۵

۵ همنشینی و همراهی با صالحان آرمانی مقدس و ارزشمند

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

یحیی(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

یعقوب(ع) از صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۵ – ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند

.

و کلاًّ جعلنا صلحین

یوسف(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . .. کل من الصلحین

یوسف(ع) و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۳

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

یونس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاًّ هدینا . .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۴،۵

۴ - یونس (ع) ، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعله من الصلحین

۵ - برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه . .. فجعله من الصلحین

صبح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صبح

استیذان قبل از نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲

۲ - بردگان ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت صاحبان خود ، در سه وقت اذن بطلبند :

۱ پیش از نماز بامداد ، ۲ به وقت استراحت نیمروزی (ظهر) ، ۳ پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) .

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم

اصحاب الجنه هنگام صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۱ – ۱

۱ – صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح ، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

فتنادوا مصبحین

<مصبح> (مفرد <مصبحین>) به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

اهمیت صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۴ – ۲

۲ – ظهور سپیده صبح ، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای بشر

و الصبح إذا أسفر

اهمیت نافله صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۸ – ۱۳

۱۳– < عن أبی عبدالله (ع) انه سئل عن قول الله عزّوجلّ : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کان مشهوداً > قال : هو الرکعتان قبل صلاه الفجر ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کان مشهوداً> سؤال شد، حضرت در جواب فرمود: آن دو رکعت (نماز نافله)، قبل از نماز صبح است>.

اهمیت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۶،۱۰

۶- اهمیت و جایگاه ویژه نماز صبح نسبت به سایر نمازها

أقم الصلوه . .. و قرءان الفجر إن قرءان الفجر كان

مشهودًا

١٠- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - کهف - ١٨ - ٢٨ - ٣٩

٣٩- < عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهما السّلام فی قوله : < واصبر نفسک مع الذین یدعون ربّهم بالغداه والعشیّ > قال : إنّما عنی بها الصلاه ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در باره این سخن خدا: <. .. یدعون ربّهم بالغداه و العشیّ> روایت شده که فرمود: همانا از تعبیرِ <خواندن خدا در صبح و عصر> نماز، قصد شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - انسان - ٧٦ - ٢٥ - ۶

۶ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنابر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

تسبیح خدا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - مریم - ١٩ - ١١ - ١٢،١۵

١٢- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند بپردازند .

فأوحی إلیهم أن سبّحوا بکره و عشیًّا

<بکره> به فاصله بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان

العرب). <عشیّاً> یا به معنای <ظهر تا غروب> است و یا <آخر روز> و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

۱۵- سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أن سبّحوا بکره و عشیًّا

تسبیح خدا قبل از صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

تسبیح در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۰،۱۳

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع . .. یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال

۱۳ - صبح و شب ، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال

قید <بالغدوّ و الأصال> برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۳،۴

۳ - تسبیح و تنزیه خداوند ، در هر صبح و شام ، لازم است .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که <سبحان> بدل از فعل امر باشد.

۴ - صبح گاهان

و شام گاهان ، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است .

فسبحن اللّه حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - مؤمنان ، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام اند .

یأیّها الذین ءامنوا . .. و سبّحوه بکره و أصیلاً

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا اللّه . .. و سبّحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۶

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

۶ - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّك بالعشيّ و الإبكر

۱۶ - شبان گاهان و

بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

تشبیه به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

کأنّهم . .. لم یلبثوا إلاّ عشیّه أو ضحها

مراد از <لَبث> در <لم یلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشیّه> معانی متفاوتی ذکر شده است; از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا> (مصباح). <ضحی>; یعنی، گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشیّه>، برای بیان این نکته است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

۲ - فاصله قیامت و دنیا هرچند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

کأنّهم . .. لم یلبثوا إلاّ عشیّه أو ضحیها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد; یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

تشریع نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۴،۵

۴- دستور نماز مغرب ، عشا و صبح ، به پیامبر (ص) *

و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من الّیل>، نظر به نماز مغرب و عشا و <إدبار النجوم> نظر به نماز صبح داشته باشد، چه این که <حین تقوم> در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

۵ - < عن زراره ، عن أبی جعفر (ع) قال : قلت له . . . < و إدبار النجوم > قال : رکعتان قبل الصبح . . . ;

از زراره روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: . ..[مراد از تسبیح در] <إدبار النجوم> چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز قبل از صبح است>.

تظاهر به نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر کان مشهودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

چرای چهارپایان در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۱،۳

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز

، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکری معمولاً ـ مناسب با ترتیب خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

حمد در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۱۶،۱۲

۱۲ – توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

۱۶ – شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

خضوع سایه در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع

اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هااز قوانین الهی است.

دعا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۷،۸،۱۱،۲۹

۷- گروهی از مؤمنان عصر بعثت ، با وجود محرومیّت های مادّی ، همواره و در صبح و پسین ، بر دعا و نیایش خود به درگاه خداوند مراقبت داشتند .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ

<غداه> براساس یکی از معانی ذکر شده در <قاموس> به فاصله زمانی بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود و <عشیّ> را، برخی، <میان ظهر تا غروب> و برخی، <فاصله ظهر تا صبح فردا> معنی کرده اند. (ر.ک: المصباح المنیر).

۸- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوه و العشیّ

مراد از <غداه و عشیّ> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

۱۱- خو گرفتن به دعا و نیایش در صبح و پسین ، مایه ارجمندی نزد خداوند و شایستگی برای همنشینی با پیامبر (ص) است .

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ

فعل <یدعون> مضارع و برای استمرار است.

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین

یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . .. و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

ذکر خدا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۹

۹ - قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

ذکر در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵،۸

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک . .. بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <آصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند ; یعنی هر صبح و عصر.

۸ یاد کردن خدا در هر صبح و عصر ، انسان را از زمره غافلان بیرون می کند .

و اذکر ربک . .. بالغدو و الاصال و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۳

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا اللّه . .. و سبّحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده

فهمیده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۱۶

۱۶ – شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۵ – ۱،۵

۱ – ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

<بکره>، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب). <اصیلاً> به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). <ذکر> هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

۵ – سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم ربّک بکره و$ أصیلاً

أصیلاً

زیبایی صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۸ – ۳

۳ – هنگام دمیدن صبح ، لحظه ای جالب و رضایت بخش

و الصبح إذا تنفّس

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن یاد می شود. عظمت صبحدم در رابطه با انسان ها، فرحناك و به کام بودن آن است.

سوگند به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

- مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحیط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به بامداد ; زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفّس

<تنفّس روز> به معنای توسّع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ - سوگند خداوند به سپیده دم ; زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفّس

از معانی <تنفّس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است; به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلاأُقسم بالخنّس . .. و الّیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

صبح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

طلوع صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۶ –

۱ خداوند شکافنده صبح از دل تیره شب است.

فالق الإصباح

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

عبادت در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۱ – ۳

۳- زکریا (ع) ، در مدت سکوت سه روزه ، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر ، با اشاره به مردم اعلام می کرد .

فخرج علی قومه من المحراب فأوحی إلیهم أن سبّحوا بکره و عشیًّا

احتمال می رود جمله <فخرج . ..> در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، <بکره و عشیّاً> ظرف برای فعل های <خرج> و <أوحی> خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور <سبّحوا> را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

عذاب در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۲۳،۲۸

۲۳ صبحگاهِ ورود فرشتگان به دیار قوم لوط ، زمان مقرر شده برای نزول عذاب بر آن قوم

إن موعدهم الصبح

<ال> در <الصبح> جانشین مضاف الیه است. بنابراین <إن موعدهم الصبح>; یعنی: پگاه امشب ، زمان عذاب موعود قوم لوط می باشد.

٢٨ < عن أبى بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام : . . . لما قال جبرئيل : < إنا رسل ربك > قال له لوط :

یـا جبرئیـل عجّـل ، قـال : نعم ، قال : یا جبرئیل عجّل ، قال : < إن موعـدهم الصـبح ألیس الصـبح بقریب > . . . فأدخل جناحه تحتها حتّی إذا استعلت قلّبها علیهم و رمی جدران المدینه بحجار من سجّیل و سمعت إمرأه لوط الهَدّه فهلکت منها ;

ابوبصـیر و غیر او از امـام بـاقر یـا امـام صـادق علیهمـا السـلام روایت کرده انـد که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرسـتادگان پروردگـار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیـل گفت: باشـد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعد هلاکت آنها صـبح است، آیا صـبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شـهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۴

۴- عذاب و هلاکت قوم لوط ، در صبحگاهان تحقق پذیرفت .

أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳ - ۱

۱- قوم لوط ، در پی اصرار بر تداوم انحراف جنسی خود ، صبحگاهان گرفتار صدایی وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

قال هؤلاء بناتی . .. فأخذتهم الصیحه مشرقین

<صیحه> به معنای صدا بلند کردن و فریاد است و چون این صدا همراه با فزع و ترس است، از این رو به صدای وحشتناک و

غرش سهمگین تعبیر شده است. <شرق> (مصدر مشرقین) به معنای طلوع خورشید است. وزن فاعلی آن به معنای آنان داخل صبح شدند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناك و غرش سهمگین شدند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلين . و ءاتينهم ءايتنا ... معرضين ... فأخذتهم الصى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط ، در صبحگاهان

و لقد صبّحهم بكره عذاب مستقرّ

۲ - وزش طوفان شن بر قوم لوط ، در نخستین ساعات روز

إنّا أرسلنا عليهم حاصبًا . .. و لقد صبّحهم بكره عذاب

عظمت صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۲

۲ - ظهور سپیده صبح ، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای بشر

و الصبح إذا أسفر

غار اصحاب کهف هنگام صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱

۱- غار اصحاب کهف ، به گونه ای بود که خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابید .

و تری الشمس إذا طلعت تزور عن کهفهم ذات الیمین و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

<تزاوُر> به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت <إذا طلعت تزاور عن کهفهم ...> این است

که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. <قرض> به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله <و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال> یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

فضیلت نماز صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۲۷

۲۷ – < عن النبی (ص) فی قوله : < و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها > قال : < قبل طلوع الشمس > صلاه الصبح < و قبل غروبها > صلاه العصر ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده که در باره قول خدا: <و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها> فرمود: قبل طلوع الشمس> [وقت] نماز صبح است و <قبل غروبها> [وقت] نماز عصر است>.

گواهان نماز صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۸ – ۱۵

۱۵– < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبی عبدالله (ع) : أخبرنی بأفضل المواقیت فی صلاه الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ یقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کان مشهوداً > یعنی صلاه الفجر تشهده ملائکه اللیل و ملائکه النهار فإذا صلّی العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرّتین اثبت ها ملائکه اللیل و ملائکه النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزّوجلّ

می فرمایـد:< و قرآن الفجر إن قرآن الفجر کـان مشـهوداً> مقصود نماز طلوع فجر است که فرشـتگان مأمور شب و فرشـتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشـتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسـیله]فرشتگان مأمور روز>.

مناجات در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۲ – ۵،۹

۵ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر(ص) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ

نظارت بر نماز صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۸ – ۹

۹– نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر کان مشهودًا

چنان که از روایات اسـتفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نمازگزارند.

نماز صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۱۰

۱۰ - < عن النبی (ص) فی قوله < و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب > قال : قبل طلوع الشمس صلاه الصبح ، و قبل الغروب صلاه العصر ;

از رسول خدا(ص) درباره

سخن خداوند <و سبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس. ..> روايت شده است كه فرمود: [مراد از تسبيح] قبل از طلوع خورشيد <نماز صبح> و [مراد از تسبيح] قبل از غروب <نماز عصر> است>.

نماز صبح با جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

احتمال دارد كه ذكر صفت <مشهود> براى نماز صبح، نوعى تشويق به اين باشد كه شايسته است انجام آن در معرض شهود و ديد همگان باشد. لازم به ذكر است كه فعل <كان> در آيه براى تثبيت است.

وقت فضيلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸- مطلوبيت و فضيلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرءان الفجر

با اينكه وقت نماز صبح نيز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به <فجر> اهميت و فضيلت اول وقت را مى رساند.

۱۵- < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبى عبدالله (ع) : أخبرنى بأفضل المواقيت فى صلاه الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ يقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > يعنى صلاه الفجر تشهده ملائكه الليل و ملائكه النهار فإذا صلّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرّتين اثبت ها ملائكه الليل و ملائكه النهار ;

اسحاق بن عمار گويد: به امام صادق(ع) عرض كردم: مرا از با

فضيلت ترين اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازى است كه همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزّوجلّ مى فرمايد:< و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً> مقصود نماز طلوع فجر است كه فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگى با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت مى دهند. پس زمانى كه بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا مى آورد، نماز صبح او دو بار ثبت مى شود: يك بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار ديگر [به وسيله]فرشتگان مأمور روز>.

وقت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۷

۳۷ - < عن على بن مهزيار قال : كتب ابوالحسن بن الحصين إلى أبى جعفر الثانى (ع) معى جعلت فداك ، قد اختلفت موالوك فى صلاه الفجر فمنهم من يصلى إذا طلع الفجر الأول المستطيل فى السماء و منهم من يصلى إذا اعترض فى أسفل الأفق و استبان . . . فكتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - يرحمك اللّه - هو الخيط الأبيض المتعرض ليس هو الأبيض صعداً . . . فقال : كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر . . . ;

على بن مهزيار مى گويد: ابوالحسن بن حصين در نامه اى كه توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدايت شوم، دوستان و شيعيان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند; گروهى از آنان، وقتى سپيده اول (فجر كاذب) كه در آسمان كشيده مى شود

طلوع نمود، نماز صبح می خوانند و بعضی نیز وقتی سپیده در پایین افق پخش و آشکار شد نماز می خوانند. امام (ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم که فجر همان نوار سفیدی است که در عرض افق ظاهر می شود و آن سفیدی که به طرف بالا می رود نیست; خداوند فرموده: کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۴ – ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفًا من الّیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلَف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ < عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارک و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاه العشاء الأخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . .. خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود]<زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...>.

هجوم در صبح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۲۰

عاديات - ۱۰۰ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان كه هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگير كرده اند .

فالمغيرت صبحًا

<اغاره> (مصدر <مغيرات>)، به معناى تاختن سريع اسب براى غارت كردن يا غير آن است (قاموس). <صبحاً> ظرف و تاختن در صبحگاه، كنايه از غافلگير كردن دشمن است.

۲ - هجوم غافلگيرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حركت سريع سپاهيان در شب ، شيوه اى كارساز در جهاد

فالمغيرت صبحًا

هلاكت در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ كفرپيشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاكت رسيدند . *

فأصبحوا فى ديرهم جثمين

چنان چه <أصبحوا> به معناى <دخلوا فى الصباح> باشد دلالت مى كند كه هلاكت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتيجه صيحه و غرش به قرينه فاء در <فأصبحوا> پيش از صبح; يعنى در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ كفرپيشگان قوم شعيب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاكت رسيدند .

فأصبحوا فى ديرهم جثمين

<أصبحوا> مى تواند به معناى <دخلوا فى الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نيز مى تواند به معناى <صاروا> (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معناى نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت مى كند كه هلاكت قوم شعيب در آغاز صبحدم بوده است و صيحه و غرش به قرينه <فاء> در <فأصبحوا> پيش از صبح; يعنى، در

شب تحقق یافته است.

صبحگاهان

سوگند به صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

عظمت صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

مدبر صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۳،۵

۳ - خداوند ، تدبیرکننده صبحدم و صاحب اختیار طلوع فجر است .

بربّ الفلق

<فلق>، به معنـای صـبح یـا فجر است (قـاموس). تنـاسب این کلمه بـا معنای <فَلْق> (شـکافتن)، از این جهت است که طلوع فجر، تاریکی را می شکافد.

۵ - توصیف خداوند به < تدبیرکننده صبحدم > ، از آداب استعاذه به خداوند

قل أعوذ بربّ الفلق

صبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صبر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا ، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲،۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ

و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۵ ناشکیبایی در برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کایّن من نبیّ قاتل . .. فما وهنوا ... و اللّه یحبّ الصّابرین

آثار بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۸

۸ - ناشکیبایی در برابر دشمن ، زمینه خفیف و خوار شدن است . *

فاصبر . .. و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

احتمال دارد مراد از <إستخفاف> خفیف کردن و موهون کردن باشد، چنان چه در لسان العرب آمده است: <واستخفّه: طَلَبَ خِفَّتَه>. ذکر <و لایستخفّنّک> پس از دستور به صبر، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که عدم صبر، خفت می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۴

۴ - زر اندوزی و انباشتن ثروت ، برخاسته از روح ناشکیبایی و آزمندی انسان

و جمع فأوعی . إنّ الإنسن خلق هلوعًا

جمله <إنّ االإنسان. ..>، می تواند در مقام تعلیل برای جمله قبلی (و جمع فأوعی) باشد. برداشت یاد شده، براساس این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۳

۳ - بی صبری و ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها ، نشانه وجود خصلت حرص و آزمندی در انسان است .

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . إذا مسّه الشرّ جزوعًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که عبارت <إذا مسّه الشرّ جزوعاً>، می تواند توضیح صفت <هلوع> و نیز

بیان نشانه های آن باشد; زیرا حریص، فزون طلب است و چون شرور، مانع نیل به این خواسته است، قهراً در برابر آن ناشکیبا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

آثار ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج حق و صبر ، زیان کاری است .

لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار ترک صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۳

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات ، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرز های کشور اسلامی ، بی تقوایی است .

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

آثار صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۳،۴،۵

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، طریق های موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات

و استعینوا بالصبر و

الصلوه

۴ - صبر و نماز وسایلی کارساز برای موفقیت در انجام دستور های خدا (ایمان به قرآن ، وفا به عهد های الهی و . . .)

أوفوا بعهدی . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

بـا توجه به آیه هـای قبل می توان گفت: متعلق <استعینوا> فرامینی است که در آن آیه ها بیان شـد; یعنی: واسـتعینوا علی ما امرتکم به و نهیتکم عنه بالصبر و الصلاه.

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۳،۴،۶،۷

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، دو طریق کارساز برای موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات راه ایمان

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

۴ - صبر و نماز ، عامل جلب حمایت های الهی است .

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

۶ - صبر و نماز ، مددکار مؤمنان برای به یاد خدا بودن و زدودن غفلت ایشان از یاد خداوند است . *

فاذکرونی أذکرکم . .. یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

برداشـت فـوق و نیز برداشـت بعـدی، بیـانگر وجـه ارتبـاط میـان آیه مـورد بحث و آیه پیشـین است; یعنی، آیه مـورد بحث در حقیقت رهنمودی است برای اینکه، چگونه می توان غفلت از یاد خـدا را، از دلها زدود و روحیه سپاسـگزاری در برابر خداوند را، در قلبها گنجانید.

۷ - صبر و نماز دو عامل

کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

و اشکروا لی و لاتکفرون. یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۶

۶ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز ، دو وسیله کارساز برای تحمل ترس ها ، گرسنگی ها ، زیان های مالی و جانی و کمبود های به وجود آمده برای سالکان راه ایمان

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر والصلوه . .. و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۳۱

۳۱ پیکارگران صابر و استوار ، از سوی خداوند مأذون به پیروزی و غلبه بر دشمنانند . *

کم من فئه . .. باذن اللّه و اللّه مع الصّابرین

جمله <واللّه مع الصّابرین> می تواند بیانی باشد برای <باذن اللّه>; یعنی شکیبایان در نبرد، عامل جلب اذن الهی برای پیروزی و غلبه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربّنا افرغ علینا صبراً . .. فهزموهم باذن اللّه

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و . ..) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۶۸

۶ صبر و تقوای اهل ایمان ، موجب ایمن شدن آنان در

برابر توطئه ها و دسیسه دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرّکم کیدهم شیئاً

۸ صبر و پایداری در برابر ناگواری های ناشی از قطع رابطه دوستی با دشمنان دین ، عامل مصون ماندن جامعه ایمانی از کید و خیانت آنان

لا تتخذوا بطانه من دونکم . .. و ان تصبروا و تتقوا لایضرّکم کیدهم شیئاً

در برداشت فوق، متعلق <تتقوا> به قرینه صدر آیه، پرهیز از دوستی با دشمنان گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۵ – ۲،۳،۱۳

۲ صبر و تقوای مؤمنان ، دو عامل اساسی فرود آمدن فرشتگان امدادگر ، به هنگام یورش شتابان دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم

۳ در هنگام ضرورت (همانند یورش شتابان دشمنان دین) ، صبر و تقوا ، تضمین کننده نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم بخسمه الاف

۱۳ مشکلات و اضطرار ، زمینه امداد های ویژه غیبی برای مؤمنان صابر و تقواپیشه

ان تصبروا و تتّقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم

جمله <و یأتوکم من فورهم هذا>، می تواند اشاره به موارد اضطرار باشد و شرطی برای امداد خداوند به وسیله فرشتگانی که به نفع مسلمانان به پیکار برخیزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۱۲

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به

آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۱۴

۱۴ جهاد ، صبر ، دعا ، استغفار و بینش خدامحوری ، از عوامل جلب محبّت الهی

قاتل معه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین ... ربّنا اغفر لنا ... و انصرنا ... و اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۳ – ۱۳

۱۳ دستیابی به صفت توکّل و اعتماد کامل به کفایت خداوند ، در گرو اطاعت از خدا و رسول ، پیشه ساختن صبر و تقوا و نیکوکاری است .

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا ... و قالوا حسبنا اللّه و

به نظر می رسد صفات یاد شده در آیه قبل، رهنمودی باشد برای رسیدن آدمی به مقامی که خداوند را وکیل خود دانسته و به کفایت او مطمئن گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۴ – ۱۴

۱۴ ایمان به خدا و پیامبر (ص) و اطاعت از آنان ، صبر و جهاد ، تقوا و احسان و توکّل ، موجب رضایت کامل الهی و برخورداری از فضل بزرگ وی

المؤمنین. الّذین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه و اللّه ذو فضل عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۶ – ۲۰،۲۲

۲۰ صبر توأم با تقوا ، شرط موفقیّت در آزمایش های الهی

لتبلونّ . .. و ان تصبروا و

تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

۲۲ صبر توأم با تقوا ، دژ مستحکم مؤمنان در برابر آزار های دشمنان

و لتسمعنّ . .. و ان تصبروا و تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

در برداشت فوق، <عزم> به معنای محکم گرفته شده، چنانچه مجمع البیان نقل کرده است که: قیل من محکم الامور.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۶،۱۰،۱۱،۱۸

۶ صبر در برابر مشکلات ، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکری <اصبروا> بر <صابروا>، می تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردی صبور نباشید، نمی توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۰ صبر و شکیبایی ، زمینه ای برای استحکام پیوند های اجتماعی

اصبروا و صابروا و رابطوا

بیان لزوم ارتباط و هماهنگی افراد با یکدیگر، پس از طرح ضرورت صبر و شکیبایی، می تواند اشاره به نفس صبر در ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد جامعه ایمانی داشته باشد.

۱۱ حفاظت از مرز های کشور اسلامی ، در گرو صبر و شکیبایی مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

بر این مبنا که <رابطوا>، به معنای لزوم مرزبانی باشد، تقدّم صبر بر آن حکایت از نقش صبر در حفاظت از مرزها دارد.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۶،۷،۱۰،۱۲،۱۶

۶ پیروزی، پایانی شیرین برای صبر انبیا در برابر تکذیب و آزار مخالفان بود.

فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا

۷ نوید خداوند به یاری پیامبر اکرم(ص) در صورت پایداری و مقاومت

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا . .. حتی أتهم نصرنا

۱۰ نوید الهی به نصرت مؤمنان در سایه صبر و مقاومت

و لقد کذبت . .. فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا

۱۲ تحقق اهداف و رسالت انبیا و پیمودن راه حق، مستلزم تحمل مشکلات است.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون . .. لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا ... حتی أتهم نصر

۱۶ پیروزی در سایه صبر و مقاومت، سنت تغییرناپذیر خداوند است.

فصبروا علی ما کذبوا و أذوا حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۷ – ۴

۴ صبر در راه ایمان ، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۸ – ۸

۸ حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۷ – ۱۲،۱۳

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک . .. بما صبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۶،۷

۶ انجام کار های شایسته و پیشه ساختن صبر ، آدمی را از روحیه ای مقاوم بهره مند خواهد ساخت و از تزلزل روحی و روانی نجات خواهد داد .

إنّه لیئوس کفور . .. إنّه لفرح فخور. إلّا الذین صبروا و عملوا الصلحت

آیه نهم و دهم ، بیانگر این بود که: انسانها تحت تأثیر کمترین رفاه و محنت متزلزل شده و خود باخته می شوند و آیه مورد بحث ، صابرانی را که اعمال شایسته انجام می دهند ، از این خصلت استثنا کرده است.

۷ موفقیت در آزمون های الهی ، در گرو صبرپیشگی و انجام کار های شایسته است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً . .. لئن أذقنا الإنسن ... إلّا الذین صبروا و عملوا ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه

للمتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۱۳

۱۳ تقواپیشگی و صبوری موجب بهره مند شدن از پاداش های الهی است .

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جواب شرط (من یتّق . ..) محذوف است و جمله <فإن الله ...> جانشین و گویای آن محذوف است ; یعنی: من یتق و یصبر فهو من المحسنین و لایضیع الله أجره لأن الله لایضیع أجر المحسنین.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵ – ۱۵

۱۵– صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۳ – ۱۲

۱۲– توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران ، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و علی الله فلیتوکل المؤمنون . .. و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... فأوحی إلیهم ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۲ – ۳

۳– صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله . .. لنبوّئنّهم فی الدنیا ... و لأجر الأخره أکبر ... الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۹،۸،۷

۷- گذشتن از ماديات به اميد رسيدن به پاداش

های جاودان الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملو

تذکر به فناپذیری مادیات و جاودانگی معنویات و سپس مطرح ساختن صبر و شکیبایی، می رساند که گذشتن از مادیات و دل بستن به نعمتهای اخروی، نیازمند صبر است.

۸- عمل همراه با سختی ، مرارت ، صبر و مقاومت ، دارای ارزش برتر

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

۹- صبر و مقاومت ، دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

ذکر صفت صبر و مقاومت به صورت اختصاصی از میان دیگر اوصاف خوب و ارزشمند مؤمنان، جهت پاداش و نیل به مقام معنوی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۱،۱۵،۱۶

۱۱- هجرت ، جهاد و صبر ، موجب جلب بخشش و رحمت گسترده الهی

ثمّ إن ربّک للذین هاجروا . .. إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

۱۵- مرتدان ، در صورت توبه ، هجرت و جهاد در راه خدا و صبر و مقاومت در برابر کافران ، مورد غفران و رحمت الهی قرار می گیرند .

من کفر بالله من بعد إیمنه . .. ثمّ ... إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله . .. إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن ...

إن ربّك للذين هاجروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۱۹

۱۹ – پذیرش مقدرات الهی با دیده رضایت و خشنودی ، بازتاب شکیبایی و بی عیب و نقص خواندن خداوند در ساعات شبانه روز

و لولا کلمه سبقت من ربّک . .. و سبّح بحمد ربّک ... لعلّک ترضی

متعلق کلمه <ترضی> به قرینه آیه قبل سنت امهال کافران است و مفاد آیه این است که به وسیله صبر و تسبیح و مداومت بر ثنای خداوند، محبت کارهای او در نفس انسان رسوخ می کند. در نتیجه مهلتی که به کافران داده می شود و نیز دیگر سنت های الهی را خواهد پسندید. حرف <لعلّ> نیز بیانگر به وجود آمدن زمینه رضایت، پس از تسبیح مکرر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۳

۳- صبر ، زمینه بهره مندی انسان از رحمت خاص الهی است .

من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۲،۵

۲ – صبر و شکیبایی در راه دین ، در پی دارنده پاداش حتمی خداوند

إنّى جزيتهم اليوم

بما صبروا أنّهم هم الفائزون

۵ - دستیابی به پیروزی واقعی و رستگاری اخروی ، در گرو صبر و تحمل مشکلات در راه دین

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۸

۸ صبر ، رمز موفقیت انسان در برابر آزمایش الهی

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است; یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر اظهار شده است; از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

.

أُولئك يؤتون أجرهم مرّتين بما صبروا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۳،۱۴

۱۳ - چشم پوشی از زخارف دنیا ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلاّ الصبرون

مفاد سخنان فرزانگان بنی اسرائیل این است که مردم نباید فریفته دنیا شوند; بلکه باید به ثواب اخروی خداوند دل ببندند. البته این امر نیاز به صبر و شکیبایی دارد تا بتوان با خواهش های نفسانی مبارزه کرد و بر انجام اعمال صالح توفیق یافت.

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلاّالصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۸

۸ - استفاده از آیات الهی ، در سایه بردبار بودن بر دشواری های راه بهرهوری از آنها است .

لیریکم من ءایته إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

تعلیل ذیل آیه، احتمال دارد به این معنا باشد که استفاده از آیات الهی، دارای رنج و سختی است و تنها کسانی به خوبی می توانند از آن آیات بهره ببرند که آن سختی ها را بر خود هموار سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی ، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسراییل بود .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لمّا> معنای جزا باشد; یعنی، آنان به رهبری

انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۸

۱۸ – شکیبایی و فروتنی ، زمینه آمرزش را فراهم می آورد .

و الصبرین . .. و الخشعین ... أعدّ اللّه لهم مغفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۱۵

۱۵ – بهرهوری از آیات الهی برای کسانی میسر است که در سختی فهم آنها ، صبر پیشه کنند .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار

این که در این آیه، آیات متعدد ماجرای اهل سبأ، برای صبرپیشگان و شکرگزاران دانسته شده است؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که قبول آیت بودن آنها، نیاز به فهم و معرفتی درخور دارد. به تناسب ذکر صفت صبر، استفاده می شود که فهم و قبول آیات خداوندی، احتیاج به صبر دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۲۵

۲۵ – صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۱۸

۱۸ – نقش ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۸

۸ - صبر و شکیبایی در

برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۷،۹

۷ - ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

۹ - مطالعه در اسرار آفرینش ، نیازمند صبر و شکیبایی و برخورداری از روحیه سپاس و قدردانی

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲ - دستیابی به اهداف دینی ، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است .

اللّه الذی سخّر لکم . .. و سخّر لکم ما فی السموت ... قل للذین ءامنوا یغفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۵،۶

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی ، ملاک امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است .

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان ، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

برداشت یاد شده بدان

احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاًتوضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد; بلکه ملاک دوم به شمار آید; یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - آرامش و بردباری ، سلاحی کارآمد و سازنده در رویارویی با خشم و تعصب جاهلانه

فی قلوبهم الحمیّه . .. فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از این که خداوند، در قبال لجاجت و خشم جاهلانه مشرکان، پیامبر(ص) و مؤمنان را به سلاح آرامش و طمأنینه مجهز ساخته است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۳

۳ - صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار

گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۵،۶

۵ – نقش اساسی و محوری صبر در راه خدا ، در رسیدن انسان به مقام ابرار

إنّ الأبرار . .. جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

۶ – صبر در راه خدا ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۳ – ۱،۲،۸

۱ – تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إنّ الإنسن لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصو

۲ – ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی ، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است .

لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

۸ – < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند; زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

آثار صبر ابرار

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۲

۲ – صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا ، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

آثار صبر ادریس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۲

۲– مقام صبر در اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۲

۲– مقام صبر در اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر بر ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۱۳

۱۳ پایداری در طریق ایمان ، زمینه جلب رأفت و رحمت الهی

اتبعوه فی ساعه العسره . .. إنه بهم رءوف رحیم

آثار صبر بر حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۷

۷ صبر در مسیر حق ، وسیله جلب حمایت الهی است .

و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

آثار صبر بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۲،۳،۴

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ،

عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أُولئک یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أُول

آثار صبر در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۵

۵ صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و

درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا ... و الذین لایشهدو

آثار صبر در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

آثار صبر ذوالکفل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۲

۲– مقام صبر در اسماعیل ، ادریس و ذاالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۲۲

۲۲ – نیل پیامبر (ص) به مقام رضا ، درگرو صبر ، تسبیح و حمد مداوم پروردگار

فاصبر . .. و سبّح ... لعلّک ترضی

اخلاص در صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۲ – ۲،۳

۲ ارجمندی صبر و شکیبایی در گرو جهت خدایی داشتن آن است .

والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم

۳ صبر و استقامت برای کسب رضایت خدا ، از ویژگی های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم

ارزش صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۶

۶ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفارِ در سحرگاهان

، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجّه اسلام

الصابرین . .. و المستغفرین بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۸

۱۸ ارزش کامل صبر و استقامت در راه خدا ، در گرو احسان و تقوا

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح للّذین احسنوا منهم و اتّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲۱،۲۳

۲۱ ارزش والای صبر توأم با تقوا

و ان تصبروا و تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

کلمه <عزم> مصدر و به معنای مفعول است و <عزم الامور>، اضافه صفت به موصوف است ; یعنی <الامور المعزومه>، و معزوم، به هدف و مقصود ارجمندی گویند که باید به سوی آن حرکت کرد. بنابراین، معنای آیه چنین می شود که صبر و تقوا از اموری است که باید به خاطر کمال و شرف آن، به سویش حرکت کرد. و از اینکه اسم اشاره مفرد <ذلک> برای اشاره به صبر و تقوا به کار برده شده، لزوم توأم بودن آن دو استفاده می شود.

۲۳ پرداخت زکات ، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر ، آزمایش در انفس است .

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: <لتبلونّ فی اموالکم> باخراج الزکاه و <فی انفسکم> بتوطین الانفس علی الصبر.

عیون اخبار الرّضا (ع)، ج ۲، ص ۸۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۷۴.

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵ – ۱۶

۱۶– صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۸

۸– عمل همراه با سختی ، مرارت ، صبر و مقاومت ، دارای ارزش برتر

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۵

۵– صبر و شکیبایی ، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقتبم فعاقبوا . .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۶

۶ – ارزش والای صبر و مؤمنان شکیبا ، در نزد خداوند

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

از آن جایی که خداونـد، خود پاداش مؤمنان صابر را متکفل شده است، ارجمندی صبر و مؤمنان شـکیبا در نزد خدا، به دسـت می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۶

۶ صبر و شکیبایی ، رمز سعادت و دارای جایگاهی ویژه در میان

مجموعه ارزش های الهی

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق از آن جا است که خداوند پس از برشمردن بیش از ده صفت ارزشمند برای عبادالرحمان، هیچ کدام آنها را سبب برخوردار شدن ایشان از نعمت های بهشت جاودان نمی داند و بلکه صبر و شکیبایی را علت آن می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۲،۳

۲ - صبر پیشه کردن و به خداوند توکل کردن ، اموری ارزش مند و مهم است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربّهم یتوکّلون

۳ - صبر پیشگی و توکّل ، دو مظهر عمل صالح اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از زیربنایی ترین ارزش ها است .

إنّ ذلک من عزم الأُمور

بنابراین که <ذلک> اشاره به کلّ محتوای سخن لقمان در این آیه باشد، مشارالیه <ذلک>، جملات <أقم . .. و أمُر ... و انْهَ...> است و <عَزْم> مصدر و به معنای مفعولی، و <عزم الأُمور> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <الأُمور المعزوم>. امر معزوم به هدف شایسته ای گویند که لازم است بر آن دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - روحیه بردباری و سپاسگزاری دائم از خدا ، روحیه

ای ارزش مند و ستودنی است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۲۵،۲۶

۲۵ – صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

۲۶ – صبر ، صفتی بس ارزشمند و صابران ، دارای جایگاهی رفیع در پیشگاه خداوند

ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

این سخن اسماعیل(ع) که: <مرا از زمره صابران خواهی یافت> گویای ارزش والای صبر و رفعت مقام صابران است; زیرا او که از بزرگان و پیامبر زادگان است خود را در زمره صابران یافته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۵ – ۴

۴ – < صبر و شکیبایی > ، از برجسته ترین ارزش ها و کمالات وجودی انسان است .

و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا و ما یلقّیها إلاّ ذوحظّ عظیم

در قسمت اول آیه گفته شده که تنها صابران توانایی برخورد شایسته با بدرفتاران را دارند و در قسمت نهایی آیه مطرح شده که تنها بهرهوران از ارزش های انسانی قادر بدان رفتار هستند. از این مطلب به دست می آید که صابران همان بهره مندان از کمالات والای انسانی اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۳ – ۱،۵

۱ – شکیبایی و بخشش خطاکار ، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

اضافه <عزم> به <أمور>، از باب اضافه صفت

به موصوف است؛ یعنی، <من الأـمور المعزومه> معنـای این ترکیب در آیه چنـان که مفسـران گفته انـد این است که صـبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

۵ - انسان های برخوردار از اراده قوی و خویشتن دار و اهل گذشت ارزشی والا دارند .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

ارزش صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

ارزش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

استمداد از صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۸،۱۰

۸ - استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <إنها> به <استعانت> بر گردد.

۱۰ - > عن أبى عبداللّه (ع) فى قول اللّه عز و جل > و استعينوا بالصبر و الصلوه <

قال : الصبر الصوم إذا نزلت بالرجل النازله و الشديده ، فليصم فان اللّه عز و جل يقول : استعينوا بالصبر يعنی الصيام ;

از امام صادق(ع) درباره قول خـدای عز و جل <و اسـتعينو ابالصبر و الصـلاه> روايت شده كه فرمود: مراد از صبر روزه اسـت هنگامی كه سـختی با گرفتاری شديـد به شـخص وارد شـد روزه بگيرد; زيرا خـدا عز و جل می فرمايـد: از صبر ياری بجوييد، يعنی از روزه>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پيكار در راه خـدا و مصيبت های آن ، از مشـكلات راه ايمان ، كه بايد با اسـتعانت از صبر و نماز آن را تحمل كرده و بر ايمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعينوا بالصبر والصلوه . .. و لاتقولوا لمن يقتل فی سبيل اللّه

اقسام صبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نيكو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبرًا جميلًا

صبر دربـاره هر چيزی، ممكن است به جـا و نـابه جـا و نيكو و يا ناشايست باشـد. آمـدن <جميلًا> ممكن است به همين نكته اشاره داشته باشد.

اندوه و صبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ گريه و اندوه ، با بردباری و شكيبايی منافاتی ندارد .

فصبر جميل . .. و قال يأسفی علی يوسف وابيضت عيناه من الحزن

اهتمام یعقوب(ع) به صبر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

اهمیت تشویق به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۳

۳ - ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحّم ، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثمّ کان من الذین

حرف <ثمّ> برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای والاتر از کارهای قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳

۳ - گروه سمت راست در آخرت ، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترّحم ترغیب کرده اند .

و ما أدریک ما العقبه . .. أُولئک أصحب المیمنه

<أیْمَن> و <میمنه>، نقطه مقابل <أیْسَر> و <مَیْسَره> (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أصحاب المشأمه> با توجه به این که <مشأمه> در یک احتمال به معنای <مَیْسَره> است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

اهمیت توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ – آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در

صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولئک أصحب المیمنه

<یُمْن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

اهمیت صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۱،۵

۱ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز ، سفارش و توصیه خداوند

و استعینوا بالصبر و الصلوه

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۱

۱ - صبرپیشگی و برپایی نماز ، توصیه و فرمان خدا به مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر والصلوه . .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۶

۱۶ - صبر و استقامت ، دارای جایگاهی ویژه و اهمیتی خاص در میان دیگر فضیلتها

و الصبرین فی البأساء و الضراء و

حين البأس

سیاق کلام اقتضا می کرد که <الصابرین> همانند <الموفون> مرفوع باشد. منصوب آوردن آن بیانگر تقدیر فعل <امدح> (ستایس می کنم) است; یعنی: و الصابرون امدح الصابرین. چنین تقدیری در کلام عرب گویای اهتمام متکلم به موردی است که برای آن، فعل <امدح> را در تقدیر گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۵

۱۵ لزوم تحمّل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۱

۱ صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لمّا برزوا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۷

۷ نبرد احد ، نمونه ای از بی صبری و بی تقوایی دو گروه از مسلمانان و زیان دیدن از توطئه های دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرّکم کیدهم شیئاً . .. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۶۸

۶ تعلق نصرت الهی به اهل ایمان ، در گرو همّت آنان (پیشه ساختن صبر و تقوا) است .

ان تصبروا و تتّقوا . .. یمددکم ربّکم

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد ، در صورت صابر بودن و تقوا

داشتن

ان تصبروا و تتّقوا . .. یمددکم ربّکم بخسمه الاف من الملئکه

برخی مفسّران به قرینه جمله <یأتوکم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان پس از غلبه در احد و انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۲،۵

۲ پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

۵ بدون مجاهده و صبر ، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۷،۱۸

۱۷ لزوم پیشه کردن صبر و تقوا در برابر آزمایش های الهی و آزار های دشمنان

لتبلونّ . .. و لتسمعنّ ... و ان تصبروا و تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

۱۸ صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۴،۹

لزوم بردباری و تحمّل متقابل ، در بین مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

جمله <صابروا>، می توانـد به این معنا باشـد که مؤمنان موظّفنـد مشـکلات به وجود آمـده از ناحیه یکدیگر را تحمّل کنند و نسبت به هم شکیبا و بردبار باشند.

۹ لزوم پیشه ساختن صبر و شکیبایی ، قبل از دعوت دیگران به صبر و استقامت *

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

برداشت فوق مبتنی بر این معناست که مراد از <صابروا>، دعوت یکدیگر به صبر و استقامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۲

۲ شعیب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

در اینکه مخـاطب <فـاصبروا> چه کسـانی هسـتند سه احتمـال وجود دارد: خصوص مؤمنـان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اسـاس احتمـال اول است. در این صورت متعلق صـبر، آزارهـا و اذیتهـای کـافران است. یعنی: فـاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۵۸

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از

جانب خداوند

إن يكن منكم عشرون صبرون يغلبوا مائتين و إن يكن منكم مائه يغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومیدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ خداوند یاور مؤمنانی است که در انجام کار ها و فعالیت ها صبور و مقاومند .

و اللّه مع الصبرین

<ال> در <الصبرین> هم می تواند عهد ذکری و اشاره به صابران در میدان نبرد باشد و هم می تواند <ال> برای استغراق باشد. در این صورت مراد از <الصبرین>، بر خلاف احتمال اول، خصوص صابران در جنگ نخواهد بود، بلکه شامل هر مسلمانی است که در انجام کارهای اجتماعی و غیر آن صبور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود : < ما احسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول اللّه عز و جل : < . . . فانتظروا إنی معکم من المنتظرین > فعلیکم بالصبر فانه انما یجیء الفرج علی الیأس . . . ;

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج. آیا نشنیده ای سخن خدای عز و جل را [که به پیغمبر خود دستور می دهد بگو]<پس منتظر باشید من نیز همراه شما از منتظرانم>؟ پس بر شما

باد شکیبایی ; زیرا فرج بعد از نومیدی فرامی رسد ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلك من أنباء الغیب نوحیها إلیك . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر. ..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست; بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ خداوند ، پیامبرش را به صبرپیشگی و شکیبایی فرا خواند .

واصبر

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم کما أُمرت . .. واصبر

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم کما أُمرت . .. و لاترکنوا إلی الذین ظلموا ... واصبر

۴ برپا کردن نماز در اوقات مقرر آن ، نیازمند صبرپیشگی است .

و أقم الصلوه طرفی النهار . .. واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ پیشه کردن تقوا و شکیبا بودن بر راه تقواپیشگی ، از مصداق های بارز احسان و نیکوکاری است .

إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۲ – ۹

۹- توکل بر خدا و صبرپیشگی ، دو ابزار لازم برای ابلاغ رسالت الهی

و ما لنا ألّا نتوکّل علی الله . .. و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ – اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از فرمان های بس مهم خداوند است .

أقم الصلوه . .. إنّ ذلک من عزم الأُمور

<عَزْم> ممکن است به معنای <تصمیم قطعی و جزمی> باشد که در این صورت، <عزم> به خداوند اسناد داده می شود. صاحب کشاف، چنین معنایی را اختیار کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۴ – ۷

۷ – برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

<لمّا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسراییل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین

مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۴

۴ – مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۰ – ۷

۷ – ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر . .. و اهجرهم هجرًا جمیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۵

۵ – نقش اساسی و محوری صبر در راه خدا ، در رسیدن انسان به مقام ابرار

إنّ الأبرار . .. جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

اهمیت صبر در آسایش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إلاّ الذین صبروا

اهمیت صبر در اطاعت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۷

۷- لزوم شکیبایی و پایداری در عبادت و اطاعتِ خداوند یگانه و پرهیز از هرگونه شرک

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سميًّا

<اصطبار> نوعاً با <علی> متعدّی می شود. تعدیه آن به <لام> دراین آیه، به جهت تضمین معنای <ثبات> است. جمله <هل تعلم> نیز قرینه است براین که مراد از <واصطبر...>، صبر بر توحید

در عبادت و اجتناب از پرستش غیر او است.

اهمیت صبر در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۲

۲ - مؤمنان ، تنها در صورتی دشوارترین راه های انفاق را می پیمایند که یکدیگر را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنند .

ثمّ کان من الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

<مرحمه>، مصدر میمی و به معنای <رحمت> (رقّت، مغفرت و عطوفت داشتن) است (قاموس). تکرار <تواصوا> برای تأکید بوده و ممکن است اشاره به این نکته باشد که سفارش به صبر و توصیه به محبت، دو وظیفه مستقل و در عرض هم است و با ترک یکی، زمینه دیگری از بین نرفته و تکلیف ساقط نمی شود.

اهمیت صبر در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۵

۵ - لزوم صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، برای مبلغان و رهبران جامعه اسلامی

قم فأنذر . .. و لربّک فاصبر

اهمیت صبر در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت صبر در تحصیل علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۵

۵- دستیابی به گوشه ای از دانش خضر و بندگان

خاص خداوند ، نیازمند صبر و تحمّل فراوان است .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

هشدار خضر به موسی(ع) در حقیقت، بیان این نکته نیز هست که برای همراه شدن با خضر و کسب معارف از او، صبر پولادین مورد نیاز است.

اهمیت صبر در توحید عبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۵ – ۷

۷- لزوم شکیبایی و پایداری در عبادت و اطاعتِ خداوند یگانه و پرهیز از هرگونه شرک

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمیًّا

<اصطبار> نوعاً با <علی> متعدّی می شود. تعدیه آن به <لام> دراین آیه، به جهت تضمین معنای <ثبات> است. جمله <هل تعلم> نیز قرینه است براین که مراد از <واصطبر...>، صبر بر توحید در عبادت و اجتناب از پرستش غیر او است.

اهمیت صبر در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۰ – ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسیر هجرت و جهاد

للذین هاجروا . .. ثمّ جهدوا و صبروا

از آن جایی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشکلات است و صبر و مقاومت بسیاری را می طلبد، در عین حال خداوند به صبر و مقاومت توصیه فرموده است; می توان گفت: این توصیه گویای نقش ویژه صبر در میدان هجرت و جهاد است.

اهمیت صبر در دینداری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۴

۴ – دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی ، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جنّه و

حریرًا

اهمیت صبر در رفاه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إلاّ الذین صبروا

اهمیت صبر در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۵ – ۱۲

۱۲ – مؤمنانی که بر دشواری ها و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیاوردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . .. إلاّ الذین صبروا

اهمیت صبر در عبادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۵ – ۹

۹– عبادت و پایداری بر آن ، توصیه فرشتگان به پیامبر (ص)

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّك . .. فاعبده واصطبر لعبدته

آیه مورد بحث بر حسب ظاهر، در ادامه سخنان فرشتگان با پیامبر(ص) در آیه پیش است.

اهمیت صبر در نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - >

قـال رسول اللّه (ص) . . . يـابن مسـعود ! دع نعيم الـدنيا و أكلهـا و حلاوت ها و حارّها و باردها و لينها و طيّبها و ألزم نفسـك الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلک کلّه قال اللّه تعالی : < ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم > ;

رسول خدا(ص) [به عبداللّه بن مسـعود] فرمود: ای پسـر مسـعود! رها کن نعمت های دنيا و خوردنی های آن و شيرينی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پيشه کنـد زيرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شـد. خدای تعالی فرموده: <ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم>.

اهميت صبر در هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسير هجرت و جهاد

للذين هاجروا . .. ثمّ جهدوا و صبروا

از آن جايی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشـکلات است و صبر و مقاومت بسياری را می طلبد، در عين حال خداوند به صبر و مقاومت توصيه فرموده است; می توان گفت: اين توصيه گويای نقش ويژه صبر در ميدان هجرت و جهاد است.

اهميت صبر درباره عمل اولياء الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۴

۲۴- پرهيز از ناشکيبايی و قضاوت عجولانه در زمينه کار های شگفت اوليای الهی ، لازم است .

ذلک تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

از مجموعه داستان موسی و خضر(ع) استفاده می شود که نبايد کار اوليای الهی را با کار

خود قیاس کرد، بلکه باید شکیبایی ورزید و سخنی ناسنجیده بر زبان نراند; زیرا، آگاهی بر اسرار آن، مقدور همه نیست.

اهمیت صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

اهمیت صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان است .

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا . .. فاصبر

اهمیت صبر مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۱

۱ - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران ، در برابر فشار ها و آزار های مشرکان و پرهیز از انتقام گیری ، امری مهم ، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکّه به مدینه)

و الذین هاجروا . .. و إنّ اللّه لعلیم حلیم . ذلک

<ذلک> خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر فشارها و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتنی است که در چنین مواردی معمولاً از کلمه <هذا> استفاده

می کنند. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به دور است بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد; مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

بی ثمری صبر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- < النبی (ص) . . . فی قوله : < سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > قال : یقول أهل النار : هلّموا ، فلنصبر ، فیصبرون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا : هلّموا فلنجزع . . . فیبکون خمسمائه عام فلمّا رأوا ذلک لاینفعهم قالوا < سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص > ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علینا أجزعنا. ..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم; پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص>.

بی ثمری صبر رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- رهبران مستکبر ، در قیامت ، درمی یابند که صبر و نیز جزع ، عذاب الهی را از آنان برطرف نخواهد کرد .

قالوا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا

پاداش صبر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱،۲

۱ بهشت ، از آنِ کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و جزاهم بما صبروا جنّه و حریراً > قال : بما صبروا علی الفقر و مصائب الدنیا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنّه و حریرًا> روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند>.

پاداش صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ -

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

پاداش صبر بر حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۷ – ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

پاداش صبر در سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۵ – ۱۵

۱۵ – از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . من صبر کرهاً . . . نصیبه ما قال اللّه عز و جل : < و بشر الصابرین > ای بالجنه و المغفره . . . ;

. .. کسی که در مشکلات صبر کند پاداش وی همان بهشت و مغفرت الهی است که در سخن خدای عز و جل <و بشر الصابرین> به آن بشارت داده شده است ... >.

تشویق به صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۵

۵ مؤمنان ، موظّفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا>، برای متعدّی کردن <صَبَرَ> به کار رفته باشد ; بنابراین <صابروا>، یعنی

دیگران را به صبر وادارید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۵

۵ ترغیب و دعوت پیامبر(ص) و مؤمنان از جانب خداوند به صبر و پایداری در برابر مخالفان

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا . .. حتی أتهم نصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلک من أنباء الغیب نوحیها إلیک . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

خداوند، با تفریع جمله <إصبر. ..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست; بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۵

۵ تشویق پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، به صبر و پایداری در برابر دشمنان تبه کارشان همچون انبیای گذشته

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۵

۵ - ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن یکذّبوک فقد کذّبت رسل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۵ – ۵

۵ – ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن یکذّبوک فقد کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۲۱

۲۱ – تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض اللّه وسعه إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

توصیه به صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۷

۷ – صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران ، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فاتّخذتموهم سخریًّا . .. و کنتم منهم تضحکون . إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکیبا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام؛ که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۱

۱ – خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۷،۹

۷– رهنمود الهی به پیـامبر (ص) ، برای شـکیبا بودن و عجله نورزیـدن در گرایش کـافران به ایمـان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر .

.. و لاتستعجل لهم

۹- پیامبر (ص) ، در معرض دشمنی عمیق کافران و نیازمند دل جویی و رهنمود به صبر از سوی خداوند

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۱

۱ – دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۵ – ۲

۲ – صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزاآمیز شرک پیشگان صدراسلام ، توصیه خداوند به پیامبراکرم (ص)

سأل سائل بعذاب واقع . .. فاصبر صبرًا جمیلاً

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۰ – ۱

۱ – سعه صدر ، صبر و خویشتن داری در برابر سخنان ناشایست ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اصبر علی ما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۷ – ۲

۲ – مؤمنان ، تنها در صورتی دشوارترین راه های انفاق را می پیمایند که یکدیگر را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنند .

ثمّ كان من الذين ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

<مرحمه>، مصـدر میمی و به معنـای <رحمت> (رقّت، مغفرت و عطوفت داشـتن) است (قـاموس). تکرار <تواصوا> برای تأکید بوده و ممکن است اشاره به این نکته باشد که

سفارش به صبر و توصیه به محبت، دو وظیفه مستقل و در عرض هم است و با ترک یکی، زمینه دیگری از بین نرفته و تکلیف ساقط نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۵،۸

۱ - تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إنّ الإنسن لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصو

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن ، مصداق بارز عمل صالح است .

عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند; زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

درخواست صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علینا صبراً

و توفنا مسلمين

درخواست صبر از خانواده موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسى (ع) از خانواده اش خواست كه تا بازگشت وى از وادى طور درنگ كنند .

قال لأهله امكثوا . .. لعلّى ءاتيكم منها بخبر أو جذوه من النار

دعوت به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۹

۹ لزوم پيشه ساختن صبر و شكيبايى ، قبل از دعوت ديگران به صبر و استقامت *

يا ايّها الّذين امنوا اصبروا و صابروا

برداشت فوق مبتنى بر اين معناست كه مراد از <صابروا>، دعوت يكديگر به صبر و استقامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسى (ع) پس از تصميم فرعون به سركوبى بنى اسرائيل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار هاى فرعونيان فراخواند .

قال موسى لقومه استعينوا باللّه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان پيامبر (ص) به صبر و شكيبايى در امر رسالت و مقاومت در برابر مشركان و آزار هاى آنان

فاصبر

بیـان سـر گذشت نوح(ع) و سـپس دعوت کردن پیـامبر(ص) به صبر و مقاومت ، گویای این است که: مصـداق مورد نظر برای <صبر> تحمل مشکلات و مشقتهای تبلیغ رسالت و مقاومت در برابر آزارها و کارشکنیهای مخالفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۱

۱ خداوند ، پیامبرش را به صبرپیشگی و شکیبایی فرا خواند .

واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلا ها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

یبنیّ أقم الصلوه . .. و اصبر علی ما أصابک

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... یبنیّ أقم الصلوه

زمینه تأثیر صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۸

۸ کارآیی صبر ، در گرو انجام اعمال صالح است .

إلاّ الذین صبروا و عملوا الصلحت

زمینه صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۶

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه

تحقق مسائل مطرح شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۶ – ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۸ – ۵

۵- آگاهی و شناخت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی است .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۱۵

۱۵ – توجه به رازقیت خداوند و مکلف نبودن با تأمین خواروبار ، زمینه سازانجام وظیفه عبادت و نماز و پایداری بر آن

وأمر أهلك بالصلوه . .. لانسَلكَ رزقًا نحن نرزقك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ توجه و اعتقاد به بصیرت و بینا بودن خداوند (به احوال بندگان) ، برانگیزنده آدمی به صبر و شکیبایی

و جعلنا بعضكم لبعض فتنه أتصبرون و كان ربّک بصیرًا

جمله <و کان ربّک بصیراً> درصدد تحریک و تشویق مردم به صبر و شکیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به

وعده الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

یادآوری <إنّ وعد اللّه حقّ> که به منزله تعلیل برای فرمان به صبر است، می تواند برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳ - تدبر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا أیوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

ابتلای ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۱

۱ - شکیبایی و بخشش خطاکار ، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

اضافه <عزم> به <أمور>، از باب اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <من الأمور المعزومه> معنای این ترکیب در آیه چنان که مفسران گفته اند این است که صبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجّه به اسوه های صبر

و خداجویی ، تقویت کننده روحیه شکیبایی در انسان

فاصبر کما صبر أولوا العزم من الرسل

توصیه خداوند به پیامبر(ص) در شکیبا بودن همچون پیامبران اولواالعزم و بازگویی آن توصیه برای انسان ها; می تواند پیامدار این نکته باشد که اسوه های مقاومت و دینداری، خود وسیله ای برای تقویت صبر در راستای پایبندی به دین و ارزش ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۶

۶ - تسبیح و ستایش (عبادت) پروردگار ، زمینه استواری روح و دستیابی به صبر در برابر ناگواری ها *

فاصبر علی ما یقولون و سبّح بحمد ربّک

از ارتباط <سبّح بحمد ربّک> با <فاصبر. ..>، می توان تأثیر عبادت در تکامل روح و استواری اراده را نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - التجا به پروردگار ، هنگام حرکت در مسیر دین و مسؤولیت ، ضامن شکیبایی و موفقیت

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم

از ارتباط <و سبّح> با <و اصبر>، می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۸

۸ - ایمان به کارساز بودن خداوند و توکّل به او ، هموارکننده راه صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی ها است .

فاتّخذه وکیلًا . و اصبر ... و اهجرهم هجرًا جمیلًا

<واصبر> عطف بر <فاتّخذوه وکیلًا> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که اتکال به خدا، موجب تقویت روح صبر و مقاومت در انسان می

شود.

زمینه صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . .. فإنّک بأعیننا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

زمینه صبر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه مع الصبرین

زمینه صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۵

۵ - آگاهی از سنت های الهی و فلسفه آن ، زمینه ساز صبر و تحمل بیشتر درسختی ها و نگرانی ها

و لولا کلمه . .. فاصبر علی ما یقولون

زمینه صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۷

۷ - تخلف ناپـذیر بودن وعـده خداونـد به نصـرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضـی صبر و شـکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنانِ دین است .

إنّا لننصر رسلنا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد اللّه حقّ> در مقام

تعلیل برای <فاصبر> می باشد; یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

یعرض الذین کفروا علی النار . .. فاصبر کما صبر أولواالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

زمینه صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . .. فإنّک بأعیننا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۴

۴ - مطالعه تاریخ امت ها و پیامبران گذشته ، مایه صبر و مقاومت مبلغان الهی در برابر دشمنان دین

کذّبت قبلهم قوم نوح فکذّبوا عبدنا

زمینه صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۶

۶- شکیبایی پیامبر (ص) در قبال تجاوزات دشمن ، نیازمند امداد و توفیق الهی بود .

و اصبر و ما صبرک إلّا

بالله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۲

۲ – نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان تنزیلاً . فاصبر لحکم ربّک

از تفریع فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نزّلنا علیک القرآن) مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه صبر مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۷

۷ – تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنانِ دین است .

إنّا لننصر رسلنا . .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد اللّه حقّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد; یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۹ – ۳

۳ – تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل

آمده ملاحظه کنیم.

زیان ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

صبر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۸

۱۸ بردباری و شکیبایی ابراهیم (ع) در راه هدایت مردم و انجام تکالیف الهی

إن إبرهیم لأوّه حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲- برخورد ابراهیم (ع) با بت پرستان ، همراه با شکیبایی و سعه صدر بود .

سلم علیک سأستغفر لک ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۷

۷ - حضرت ابراهیم (ع) ، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و إنّ من شيعته لإبرهيم . .. قالوا ابنوا له بنيًا فألقوه فی الجحيم ... إنّه من

بيان داستان ابراهيم(ع) برای پيامبراسلام وايمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسير دعوت الهی باشد.

صبر ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۵ - ۱،۲،۳

۱- اسماعيل ، ادريس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعيل . .. کلّ

من الصبرین

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و إدریس و ذاالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف <صابران> معرفی کرده است.

صبر اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۱،۲،۳

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و إدریس و ذاالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف <صابران> معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰۲ - ۱۶،۲۴

۱۶ – وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

۲۴ – صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنه بغلم حلیم . .. یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل(ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

صبر الیاس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۲ – ۷

۷ – الیاس (ع) ، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و إنّ إلیاس لمن المرسلین . .. فکذّبوه ...إنّه من عبادنا المؤمنین

ذکر داستان الیاس(ع) برای پیامبر اسلام و ایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

صبر انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۴،۶،۸،۱۸

۴ پیامبران گذشته در برابر تکذیب و آزارهای مخالفان خویش پایداری می کردند.

فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا

۶ پیروزی، پایانی شیرین برای صبر انبیا در برابر تکذیب و آزار مخالفان بود.

فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا

۸ تاریخ پیامبران گذشته و بیان پایداریهای آنان، درس آموز و سازنده است.

و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا . .. حتى أتهم نصرنا

۱۸

آیاتی از قرآن در تشریح و سرگذشت انبیای پیشین و صبر و مقاومت و پیروزی آنها قبل از سوره انعام بر پیامبر خدا نازل شده است.

فصبروا علی ما کذبوا . .. و لقد جاءک من نبإی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۸

۸- پیامبران اقوام پیشین بصراحت به آنان اعلام کردند که در برابر هرگونه آزار و اذیتشان ، شکیبایی پیشه خواهند کرد .

و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۵

۵- درجات تحمّل و نیز نوع عملکرد پیامبران و اولیا ، با هم متفاوت است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۱

۱۱- پیامبران ، مأمور پایداری در مسیر تبلیغ و ماندن در میان مردم و جامعه خویش تا آخرین مرحله

و ذاالنون إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر علیه

توبیخ شدن یونس(ع) به خاطر ترک قوم خویش، قبل از این که فرمانی دراین زمینه از جانب خداوند دریافت کند; براین نکته دلالت دارد که پیامبران مجاز به ترک مأموریت و مردم خود، قبل از آمدن فرمان و رخصت از جانب خداوند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۶،۷

۶ پیامبران الهی ، الگو و مظهر صبر و پایداری در برابر دشمنان حق ستیز و تبه کار

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

۷ تفکر در

تاریخ پیامبران و صبر و پایداری آنان در برابر دشمنانشان ، نیروبخش و تقویت کننده روح مقاومت است .

و کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۳

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا . .. فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر. ..> تفریع بر جمله <إنّا لننصر رسلنا...> است.

صبر انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۲

۲ - پیامبران مردم انطاکیه ، برخوردار از صبر و پایداری بر مواضع خویش ، به رغم روبه رو شدن با تکذیب و مخالفت های سخت

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

تأکید پیامبران بر راستی ادعاهای خود، علی رغم تکذیب شدن شان، گویای برداشت یاد شده است.

صبر انبیای اولواالعزم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۳،۶

۳- برخی از رسولان الهی ، اولواالعزم و دارای صبر و شکیبایی بیشتر بودند .

فاصبر کما صبر أولوا العزم من الرسل

بنابراین که <من> در <من الرسل> برای تبعیض باشد; استفاده می شود که همه رسولان، اولواالعزم نبوده اند.

۶- تمامی رسولان صاحب شریعت ، برخوردار از صبر و استقامتی بزرگ

فاصبر کما صبر أولوا العزم من الرسل

<اولواالعزم> می تواند به معنای صاحب شریعت باشد; زیرا در معنای <عزم>، <عزیمه> به

معنای شریعت را یاد کرده اند.

صبر اولوا الالباب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۲ – ۳

۳ صبر و استقامت برای کسب رضایت خدا ، از ویژگی های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم

صبر اولیاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۸ – ۵

۵- درجات تحمّل و نیز نوع عملکرد پیامبران و اولیا ، با هم متفاوت است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

صبر ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۱ – ۱۳

۱۳ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : لمّا طال بلاء أیوب و رأی إبلیس صبره أتی إلی أصحاب له کانوا رهباناً فی الجبال فقال لهم : مرّوا بنا إلی هذا العبد المبتلی و نسأله عن بلیته . . . و قالوا یا أیوب لو أخبرتنا بذنبک فلانری تبتلی إلاّ لأمر کنت تستره . . . فعند ذلک دعا ربّه و قال : < ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیایید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو

تنهـا به خـاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شـده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خوانـد و گفت: (ربّ أنّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب)>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۴ – ۸،۹،۱۶

۸ – ایوب (ع) ، انسانی صبور و شکیبا در پیشگاه خداوند

إنّا وجدنه صابرًا

۹ – ایوب (ع) ، الگوی بزرگ صبر و شکیبایی

إنّا وجدنه صابرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، درصدد ارائه الگویی از صبر و شکیبایی برای پیامبراسلام(ص) و یاران مؤمن او است که در مکه در اوج سختی ها و رنج های ناشی از دین داری قرار داشتند.

۱۶ – صبر ایوب (ع) ، جلوه ای از عبودیت و خداخواهی او

و اذکر عبدنا أیّوب . .. نعم العبد إنّه أوّاب

صبر بر اذیتهای دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۰ – ۳

۳ – اقامه نماز و ادای زکات ، عامل شکیبایی بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

در برداشت فوق، جمله <أقیموا الصـلاه . ..> در ارتبـاط بـا <فاعفوا واصـفحوا> ملاحظه شـده است. در این لحاظ هـدف از تأکیـد بر اقـامه نمـاز و پرداخت زکـات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداونـد (لزوم عفو و گـذشت و مـدارا کردن با دشـمنان) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸- گذشت از دشمن و

نادیده گرفتن اذیت و آزارش ، امری دشوار و نیازمند شکیبایی است .

و إن عاقبتم فعاقبوا . .. و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

۹- < عن علی بن الحسین (ع) : . . . و أما حق من ساءک القضاء علی یدیه بقول أو فعل فإن کان تعمدها کان العفو أولی بک لما فیه له من القمع و حسن الأدب . . . قال عزّوجلّ : < . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین > . . . فإن لم یکن عمداً لم تظلمه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که:. .. اما حق کسی که از جانب او سخن یا عمل به تو بدی رسیده این است که: اگر بدی او عمدی باشد، گذشت از او برای تو بهتر است; زیرا این گذشت موجب منصرف شدن آن شخص از بدی کردن و ادب نیکو برای او می شود ... خدای عزّوجلّ فرمود: <... و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین> ... و اگر بدی او عمدی نبوده (با این گذشت) به او ظلم نکرده ای>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱،۲،۴،۵،۱۴

۱- پیامبر (ص) در برابر اذیت و آزار دشمنان به آن حضرت ، تنها مأمور به صبر و شکیبایی گردید و نه مجاز برای مقابله به مثل

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و اصبر

خداوند، در آیه قبل همه مسلمانان را مجاز به مقابله به مثل دانسته است; ولی در این آیه شخص پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و به او

اختصاصاً فرمان صبر و مقاومت داده است. از ارتباط این دو آیه، برداشت فوق به دست می آید.

۲- مبلغان دینی ، موظف به پایداری در راه تبلیغ و استقامت در برابر اذیت و آزار دشمنانند .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبرو ما صبرک إلاّ بالله

۴- صبر و مقاومت در برابر اذیت و آزار دشمنان دین ، مؤثرترین روش برخورد با آنان و بهترین راه تبلیغ اسلام است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبر

۵- صبر و مقاومت در برابر اذیت ها و آزار دشمنان دین ، تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر است .

و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبر و ما صبرک إلاّ بالله

۱۴- پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر . .. و لاتحزن علیهم و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۷۸

۷ – تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنانِ دین است .

إنّا لننصر رسلنا . .. فاصبر إنّ وعد

اللّه حقّ

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که جمله <إنّ وعد اللّه حقّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد; یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

۸ - صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

صبر بر اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲- توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران ، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و علی الله فلیتوکل المؤمنون . .. و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... فأوحی إلیهم ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۳

۳ - صبر در برابر گفته ها و فشار های تبلیغاتی و روانی کافران ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

فاصبر علی مایقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت،

مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر بر اذیتهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴ - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشار ها و آزار های کافران ، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند .

و الذین هاجروا . .. ثمّ قتلوا ... و إنّ اللّه لعلیم حلیم

متعلق <علیم> در جمله <و إنّ اللّه لعلیم حلیم> محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إنّ اللّه لعلیم بما فعل المشرکون بالمؤمنین من إخراجهم من دیارهم و قتلهم المهاجرین حلیم یمهلهم و لاینتقم منهم إلی حین; خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد>. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند; بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن

داری را از دست ندهند.

صبر بر اذیتهای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر بر اذیتهای مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۱

۱ - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران ، در برابر فشار ها و آزار های مشرکان و پرهیز از انتقام گیری ، امری مهم ، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکّه به مدینه)

و الذین هاجروا . .. و إنّ اللّه لعلیم حلیم . ذلک

<ذلک> خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر

فشارها

و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتنی است که در چنین مواردی معمولاً ـ از کلمه <هذا> استفاده می کنند. بنابراین به کارگیری <ذلك> که برای اشاره به دور است بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد; مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

صبر بر استهزاهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

صبر بر استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

صبر بر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۴،۷

۴ - مقاومت روحی در برابر استهزا و مضحکه کافران و حق ستیزان و پایبندی بر ارزش های دینی و الهی ، از مصداق های بارز صبر و شکیبایی

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و کنتم منهم تضحكون . إنّي جزيتهم اليوم بما صبروا

۷ - صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران ، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و كنتم منهم تضحكون . إنّى جزيتهم اليوم بما

صبروا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکیبا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام; که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

صبر بر اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در برابر فرمان های الهی

فاصبر لحکم ربّک

صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۴

۴ صبر در راه ایمان ، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۸،۹

۸ حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان ، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

صبر بر دشمنی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۸ – ۸

۸ – وانهادن کافران و تحمل عداوت

آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص)

فذرهم . .. و اصبر لحکم ربّک

بنابراین که <و اصبر> عطف بر <فذرهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

صبر بر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا

إن فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۴

۴ - مؤمنان راستین ، شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بشّر المخبتین . .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - عبادت و شب زنده داری ، نیروبخش و مقاومت آفرین ، در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر لحکم ربّک . .. و من الّیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً

صبر بر سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۱

۱ - سعه صدر ، صبر و خویشتن داری در برابر سخنان ناشایست ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اصبر علی ما یقولون

صبر بر سخنان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما

يقولون

صبر بر شکنجه های دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۴

۴- هجرت برخی از مسلمانان صدراسلام (به حبشه) ، پس از تحمل رنج و شکنجه دشمنان

للذين هاجروا من بعد ما فتنوا

يکی از معانی <فتنه> آزار و شکنجه می باشد (مفردات راغب) و برداشت فوق مبتنی بر اين معناست.

صبر بر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائيل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پيروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت كلمت ربك الحسنى على بنى إسرءيل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببيه است و <ما>، مصدريه. يعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

صبر بر ظلم فرعونيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصميم فرعون به سرکوبی بنی اسرائيل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونيان فراخواند .

قال موسى لقومه استعينوا باللّه و اصبروا

صبر بر ظلم مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۱

۱- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

و الذین هاجروا فی الله . .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

صبر بر عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلّحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره < . .. اصبروا و صابروا و رابطوا ... > فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوّکم بالسّیف، و ربطوا فی سبیل اللّه لعلّکم تفلحون.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

صبر بر عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۴ – ۲

۲ – تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فإن یصبروا فالنار مثوًی لهم و إن یستعتبوا فما هم من المعتبین

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

صبر بر فقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۸

۸ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی :] < سلام علیکم بما صبرتم > علی الفقر فی الدنیا . . . ;

از امام صادق(ع) درباره [سخن خداوند متعال:] <سلام علیکم بما صبرتم> روایت شده است که: [مراد شکیبایی ورزیدن است] بر تنگدستی در دنیا>.

صبر بر مشکلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من

ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

صبر بر مشکلات وحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۹ – ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

صبر بر مصایب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۷ – ۳،۴،۸

۳ – مؤمنانی که از سر باور به < از خدا بودن و به او بازگشتن > مصایب راه ایمان را تحمل می کنند ، از مقامی والا در پیشگاه خداوند برخوردارند .

قالوا إنا للّه و إنا إلیه راجعون. أولئک علیهم صلوت من ربهم

۴ – مؤمنانی که در مصیبت های راه ایمان صابرند ، به هدایت واقعی نایل خواهند شد .

قالوا إنا للّه و إنا إلیه راجعون . .. و أولئک هم المهتدون

۸ – مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

صبر بر مصیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۲۰

۲۰ صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمّه ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا

و صابروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا على الفرائض و صابروا على المصائب و رابطوا على الأئمّه.

کافی، ج ۲، ص ۸۱، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲ و ۶ و ۱۱.

صبر بر وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا یشرکون

با توجه به اینکه <لاتستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

صبر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیلِ زمان موسی در دوران حکومت فرعون ، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

صبر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

صبر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۷

۷ < قال [أبوعبـدالله (ع)] : إن طائفه من الملائکه عابوا ولد آدم فی اللّذات و الشـهوات . . . فإذا کان یوم القیامه و صار أهل الجنه فی الجنه ، إستأذن أُولئک الملائکه علی

أهل الجنه فیؤذن لهم فیدخلون علیهم فیسلّمون علیهم و یقولون لهم : < سلام علیکم بما صبرتم > فی الدنیا عن اللّذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . .. پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید>.

صبر پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نیکو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبرًا جمیلاً

صبر درباره هر چیزی، ممکن است به جا و نابه جا و نیکو و یا ناشایست باشد. آمدن <جمیلاً> ممکن است به همین نکته اشاره داشته باشد.

صبر پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبرپیشگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر

ناملایمات صبور و شکیبا بودند.

صبر جمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور صبری نیکو و شایسته در انجام دادن رسالت خویش

فاصبر صبرًا جمیلًا

صبر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۵

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبراسلام(ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود(ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

صبر در اجتناب از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، تـوبه ، عفو کریمـانه ، پـذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنـگ گیری ، شـرک ، زنـا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در اجتناب از زنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه

، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول اللّه (ص) : . . . یابن مسعود قول اللّه . . . < و لنبلونکم بشیء من الخوف . . . و بشر الصابرین > قلنا یا رسول اللّه

فمن الصابرون ؟ قال : الذين يصبرون علی طاعه اللّه واجتنبوا معصيه ، الذين کسبوا طيباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلا فافلحوا . . . ;

از رسول خدا(ص) روايت شده . .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرين>، به آن حضرت عرض کرديم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمايند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکيزه کسب کرده و در انفاق ميانه رو هستند و زيادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۵ – ۶

۶ آنان که بر اطاعت فرمان های خدا صبوری کنند ، از محسنانند .

واصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۶

۶ عاقبت و فرجام حيات دنيا (بهشت) برای صبرپيشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نيکوست .

فنعم عقبی الدار

صبر در اطاعت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۶۵ – ۶

۶- توحيد در عبادت و اطاعت خداوند ، امری دشوار و نيازمند صبر و تحمل است .

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سميًّا

<اصطبار>; يعنی، برای چيزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کار گيری صبر برای عبادت، گويای مشکلات و موانعی است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نيازمند بهره گرفتن از صبر است.

صبر در امتحان

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۶ – ۱۷،۲۰

۱۷ لزوم پیشه کردن صبر و تقوا در برابر آزمایش های الهی و آزار های دشمنان

لتبلونّ . .. و لتسمعنّ ... و ان تصبروا و تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

۲۰ صبر توأم با تقوا ، شرط موفقیّت در آزمایش های الهی

لتبلونّ . .. و ان تصبروا و تتّقوا فانّ ذلک من عزم الامور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۱

۱ بهشت ، از آنِ کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۷،۸،۹

۷ شکیبا سازی و توانمند کردن روحیه مردمان ، فلسفه آزمایش آنان از سوی خداوند

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران مانند زمخشری، جمله <أتصبرون> پس از ذکر <فتنه>، همانند <أيّكم> بعد از<ابتلاء> (در آیه <ليبلوكم أيّكم أحسن عملاً>) است که در مقام بیان فلسفه مطلب یاد شده در عبارت پیشین می باشد.

۸ صبر ، رمز موفقیت انسان در برابر آزمایش الهی

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

۹ انسان ها ، وظیفه دار صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های الهی

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

استفهام در جمله <أتصبرون> استفهام حقيقى نيست; بلكه در معناى <امر> به كار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹،۲۲

۱۹ - بدون كمك و عنايت خداوند ،

صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من

مسأله ذبح اسماعیل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء اللّه من الصابرین)، گویای برداشت یاد شده است.

۲۲ - اجرای فرمان های خداوند و سربلندی در آزمایش های الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

قال یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

صبر در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸،۱۳

۸ - امر به معروف و نهی از منکر ، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد .

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - < فی مجمع البیان < و اصبر علی ماأصابک > من المشقه و الأذی فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ;

در مجمع البیان از امام علی(ع) درباره <و

اصبر علی ما أصابک> روایت شـده: در برابر سـختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش>.

صبر در انتقام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۷

۷– منفعت برتر و خیر مؤمنـان به هنگـام دعوت به اسـلام ، در صبر و عـدم تعجیـل در انتقـام از دشـمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

صبر در برابر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۹ – ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

صبر در برابر مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۵ – ۲

۲ – صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزاآمیز شرک پیشگان صدراسلام ، توصیه خداوند به پیامبراکرم (ص)

سأل سائل بعذاب واقع . .. فاصبر صبرًا جمیلًا

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

صبر در برپایی نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۵ –

۴ برپا کردن نماز در اوقات مقرر آن ، نیازمند صبرپیشگی است .

و أقم الصلوه طرفی النهار . .. واصبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۵

۵ – مراقبت و مداومت بر اقامه نماز ، نیازمند صبر و مقیّد ساختن نفس بر آن است .

واصطبر علیها

صبر در تأخیر پیروزی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۸ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملی لهم . .. فاصبر لحکم ربّک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

صبر در تبلیغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۱ – ۶

۶ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ احکام و معارف الهی باشند .

إنی أخاف علیکم . .. قال یقوم لیس بی ضلله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۵

۵ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ معارف الهی باشند .

قال یقوم لیس بی سفاهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۶،۷

۶- تبلیغ دین و هدایت مردمان ، پیامدار اذیت و آزار دشمنان و نیازمند مقاومت ، شکیبایی و گذشت است .

ادع إلی سبیل ربّک .

.. و إن عاقبتم ... و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

۷- منفعت برتر و خير مؤمنـان به هنگـام دعوت به اسـلام ، در صبر و عـدم تعجيـل در انتقـام از دشـمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربّك . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۲

۲- مبلغان دينى ، موظف به پايدارى در راه تبليغ و استقامت در برابر اذيت و آزار دشمنانند .

ادع إلى سبيل ربّك . .. و لئن صبرتم لهو خير للصبرين . و اصبرو ما صبرك إلاّ بالله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۴

۴- صبر در راه تبليغ دين و هدايت مردم ، تقواپيشگى و احسان است .

ادع إلى سبيل . .. و اصبر ... إن الله مع الذين اتّقوا و الذين هم محسنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۱

۱۱- پيامبران ، مأمور پايدارى در مسير تبليغ و ماندن در ميان مردم و جامعه خويش تا آخرين مرحله

و ذاالنون إذ ذهب مغضبًا فظنّ أن لن نقدر عليه

توبيخ شدن يونس(ع) به خاطر ترك قوم خويش، قبل از اين كه فرمانى دراين زمينه از جانب خداوند دريافت كند؛ براين نكته دلالت دارد كه پيامبران مجاز به ترك مأموريت و مردم خود، قبل از آمدن فرمان و رخصت از جانب خداوند نيستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۵ - ۴۸

۵ - پیامبر (ص) ، نیازمند رهنمود و دلجویی از جانب خداوند برای پایداری در طریق تبلیغ

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

چنانکه گفته شد: تعبیر <بأعیننا> پیامدار حمایت می باشد، از این تعبیر و از فرمان <و اصبر> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۴

۴ - ارزشمندی صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، بسته به خلوص و جهت خدایی آن است .

و لربّک فاصبر

صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۷

۷ - تبلیغ پیام الهی ، نیازمند تحمل دشواری ها و مشکلات

ما یقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴ - مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - فرمان پایداری و شکیبایی از سوی خداوند به پیامبر (ص) ، در راستای تبلیغ دین

و اصبر لحکم ربّک

مراد از <لحکم ربّک> می تواند حکم رسالت و تبلیغ دین باشد. در این صورت پیامبر(ص) مأمور شده است تا در برابر اذیت و آزار تکذیب کنندگان، صبر پیشه کند و تحمل خویش را از دست ندهد.

۲ - تبلیغ دین و انجام رسالت الهی ، نیازمند شکیبایی

و اصبر لحکم ربّک

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۰ – ۷

۷ – ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر . .. و اهجرهم هجرًا جمیلاً

صبر در تبلیغ قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۵

۵ – تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن ، مستلزم صبر و شکیبایی است .

فاصبر لحکم ربّک

صبر در تعلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۹ – ۷

۷– شکیبا بودن و اطاعت از معلم ، ادب و شرط تعلّم است .

و لا أعصی لک أمرًا

صبر در تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۲۰

۲۰ صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمّه ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الأئمّه.

کافی، ج ۲، ص ۸۱، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲ و ۶ و ۱۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست ; یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عمّا نهاهم عنه>.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۴ – ۴،۵

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا درپی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم ; یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

۵ التزام به فرمان های خدا ، نیازمند صبر و استقامت است .

بما صبرتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۵

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی ، ملاك امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است .

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

صبر در تواضع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در توبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو

کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شـرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در توحید عبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۵ – ۶

۶- توحید در عبادت و اطاعت خداوند ، امری دشوار و نیازمند صبر و تحمل است .

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمیًّا

<اصطبار>؛ یعنی، برای چیزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کارگیری صبر برای عبادت، گویای مشکلات و موانعی است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نیازمند بهره گرفتن از صبر است.

صبر در تهجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، تـوبه ، عفو کریمـانه ، پـذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنـگ گیری ، شـرک ، زنـا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۲۰۰ – ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلّحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

و صابروا و رابطوا ... > فرمود: اصبروا على الصلوات الخمس، و صابروا على قتال عدوّكم بالسّيف، و ربطوا فى سبيل اللّه لعلّكم تفلحون.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۵،۲۷،۲۸،۳۱

۱۵ - صبر و مقاومت در نبرد با دشمنان دين ، وظيفه اى بر عهده مجاهدان

و الصبرين . .. حين البأس

۲۷ - استقامت و پايدارى در جنگ عليه دشمنان دين ، از مشخصه هاى ابرار

و لكن البر من . .. الصبرين فى البأساء و الضراء حين البأس

۲۸ - انجام وظايف عبادى ، اجتماعى و اخلاقى دين ، تحمل مشكلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستى و درستى ايمان است .

أولئك الذين صدقوا

در برداشت فوق <أولئك> اشاره به صفاتى است كه از جمله <و ءاتى المال . .. و حين البأس> به دست مى آيد و متعلق <صدقوا> به قرينه <من ءامن ...> ايمان به خدا و ... گرفته شده است.

۳۱ - مجاهدانى كه در نبرد با دشمنان دين استقامت ميورزند ، تقواپيشگان حقيقى هستند .

الصبرين . .. حين البأس ... أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشويق اهل ايمان به پيشه ساختن صبر و تقوا ، در رويارويى با دشمن

ان تصبروا و تتّقوا و يأتوكم من فورهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۵ – ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن

منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۶

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان ، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاًتوضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد؛ بلکه ملاک دوم به شمار آید؛ یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

صبر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

۳ - صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم

کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی

صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در دعوت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

صبر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۲،۳

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم کما أُمرت . .. واصبر

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم کما أُمرت . .. و لاترکنوا إلی الذین ظلموا ... واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های

الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست ; یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عمّا نهاهم عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا درپی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم ; یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲ - دستیابی به اهداف دینی ، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است .

اللّه الذی سخّر لکم . .. و سخّر لکم ما فی السموت ... قل للذین ءامنوا یغفروا

صبر در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴ - مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱،۳،۵،۶،۱۴،۱۶،۱۸

۱ مؤمنان ، موظّف به صبر در برابر مشکلات

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا

۳ مؤمنان ، موظّف به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان سرسخت و ستیزه جو

یا ایّها الّذین امنوا . .. صابروا

<صابروا> از

باب مفاعله، دلالت بر مقاومت طرفینی دارد و این معنا غالبا بین دو خصم تصوّر می شود.

۵ مؤمنان ، موظّفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا>، برای متعدّی کردن <صَبَرَ> به کار رفته باشد ; بنابراین <صابروا>، یعنی دیگران را به صبر وادارید.

۶ صبر در برابر مشکلات ، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکری <اصبروا> بر <صابروا>، می تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردی صبور نباشید، نمی توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و . .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقواپیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایّها الّذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلّکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۵۶ - ۵

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

<الذین . .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۸

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶،۱۴،۲۶،۲۸

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل اساسی دین

لیس البر أن تولوا وجوهکم . .. و لکن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرین فی ال

۱۴ - اهل ایمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نیز روی آوری مشکلات و ناهنجاری ها ، باید صبور و پایدار باشند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لکن البر من . .. أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۸ - انجام

وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئك الذین صدقوا

در برداشت فوق <أولئك> اشاره به صفاتی است که از جمله <و ءاتی المال . .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۲،۵،۱۵

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۱۵ لزوم تحمّل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۲

۲ مؤمنان وظیفه دار استعانت از خدا و پیشه سازی صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه ایمان

استعینوا باللّه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸،۹

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن اللّه مع الصبرين

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملایمات آن

و اصبروا إن اللّه

مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۲

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم کما أُمرت . .. واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۰،۲۶

۱۰ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و حوادث تلخ ، خصلتی زیباست .

فصبر جمیل

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد. احتمال دیگر در ترکیب <فصبر جمیل> این است که <صبر> خبر برای مبتدایی محذوف و جمیل صفت برای <صبر> باشد ; یعنی، [امری] صبر جمیل و یا [صبری] صبر جمیل و یا ... .

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۲ – ۲

۲– صبر در

برابر ناملایمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنبوّئنّهم فی الدنیا . .. و لأجر الأخره أکبر ... الذین صبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – مؤمنان راستین ، محکم و بردبار در هنگامه های سخت و دشوار زندگی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۶ – ۱۴

۱۴ – صبر بر مشکلات و داشتن روحیه ای امیدوار ، به هنگام مبتلا شدن به دشواری ها ، امری ارزشمند و پسندیده است .

و إن تصبهم سیّئه . .. إذا هم یقنطون

از مذمت شدن کسانی که با مبتلا شدن به ناگواری ها، ناامید می شوند، استفاده می شود که حفظ روحیه امیدواری، در چنین حالتی مطلوب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۶۰ – ۵

۵ – لزوم صبر و شکیبایی در برابر تلاش ها و تبلیغات سوء

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا. .. فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۱۱

۱۱ – صبر و شکیبایی بر مشکلات ، امری اساسی و نیازمند اراده ای محکم است .

و اصبر علی ما أصابک إنّ ذلک من عزم الأُمور

<عَزْم> در لغت به معنای <تصمیم قطعی قلب بر انجام دادن کار> است. (مفردات راغب) چنین معنایی، حکایت از اراده محکم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳

- تدبر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا أیوب إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن بنصب و عذاب

ابتلای ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - منافات نداشتن دعا و درخواست از خداوند برای رفع گرفتاری با مقام صبر و شکیبایی

إذ نادی ربّه أنّی مسّنی الشیطن . .. إنّا وجدنه صابرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، ایوب(ع) را که درخواست رفع گرفتاری از خود را داشت به صبور و شکیبا بودن توصیف و ستایش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

فاصبر

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا . .. فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر. ..> تفریع بر جمله <إنّا لننصر رسلنا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) مکلف به استقامت و پایداری دربرابر مشکلات و

دشواری های دعوت

فادع و استقم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۶

۶ - صبر بر ناگواری ها ، عبادت در برابر پروردگار و ایمان به قیامت ، تکلیف تمامی مؤمنان

فاصبر . .. و سبّح ... و استمع یوم یناد المناد

هر چند واژه های <اصبر>، <سبّح> و <استمع> ظاهراً خطاب به پیامبر(ص) است; ولی در حقیقت تکلیفی است برای همگان و پیامبر(ص) از آن جهت که الگوی امت است، به تنهایی مخاطب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۸

۸ - ایمان به کارساز بودن خداوند و توکّل به او ، هموارکننده راه صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی ها است .

فاتّخذه وکیلاً . و اصبر ... و اهجرهم هجرًا جمیلاً

<واصبر> عطف بر <فاتّخذوه وکیلاً> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که اتکال به خدا، موجب تقویت روح صبر و مقاومت در انسان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۷

۷ – نماز و ارتباط با خدا ، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر . .. و

اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

صبر در سختی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۶ – ۱۲،۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

۱۵ ناشکیبایی در برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کایّن من نبیّ قاتل . .. فما وهنوا ... و اللّه یحبّ الصّابرین

صبر در سلوک راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۷ – ۹

۹ – حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، درپی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر . .. و اصبر علی ما أصابک

صبر در عبادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۵ – ۵

۵- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پرستش خداوند و صبر و تحمل در راه عبادت او

فاعبده واصطبر لعبدته

صبر در عفو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۸

۸ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، تـوبه ، عفو کریمـانه ، پـذیرش حق ، دوری از اسـراف ، تنـگ گیری ، شـرک ، زنـا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در

عمل به تکلیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۵ – ۵

۵ – ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن یکذّبوک فقد کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۲۲

۲۲ – اجرای فرمان های خداوند و سربلندی در آزمایش های الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

قال یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

صبر در فراق یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۲،۱۴

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکیبا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

۱۴ شکیبایی یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، ستودنی و درخور تحسین بود .

فصبر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد ، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

صبر در فقر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۱۴

۱۴ – اهل ایمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نیز روی آوری مشکلات و ناهنجاری ها ، باید صبور و

پایدار باشند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و جزاهم بما صبروا جنّه و حریراً > قال : بما صبروا علی الفقر و مصائب الدنیا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنّه و حریرًا> روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند>.

صبر در فهم آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - بهرهوری از آیات الهی برای کسانی میسر است که در سختی فهم آنها ، صبر پیشه کنند .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار

این که در این آیه، آیات متعدد ماجرای اهل سبأ، برای صبرپیشگان و شکرگزاران دانسته شده است; می تواند بیانگر این نکته باشد که قبول آیت بودن آنها، نیاز به فهم و معرفتی درخور دارد. به تناسب ذکر صفت صبر، استفاده می شود که فهم و قبول آیات خداوندی، احتیاج به صبر دارد.

صبر در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین،

به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

صبر در مبارزه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۸ – ۹،۱۶

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان ، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

۱۶ ایمان به حاکمیت خدا بر زمین ، صبر در برابر دشمنان دین و استعانت از خدا ، جلوه هایی از تقواپیشگی است .

و العقبه للمتقین

از بشارت ضمنی موسی(ع) به حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به شرط استعانت از خدا و پیشه کردن صبر و سپس بیان این حقیقت که <حاکمیت سرانجام از آن تقواپیشگان است>، معلوم می شود شرایط ذکر شده جلوه هایی بارز از تقواپیشگی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۲

۲ – توجّه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

صبر در مشکلات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۷ – ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۲۱

۲۱ – تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض اللّه وسعه إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

صبر در مصایب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۲،۳

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۳ ایمان ، بدون تحمل مصائب ، برای ورود به بهشت کافی نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

با توجّه به اینکه خطاب به مؤمنان است ; ورود آنان را به بهشت، مشروط به تحمّل مصائب کرده است.

صبر در مصیبت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۷

۷ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و جزاهم بما صبروا جنّه و حریراً > قال : بما صبروا علی الفقر و مصائب الدنیا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنّه و حریرًا> روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند>.

صبر در معاشرت با فقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۶

۶– معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی ، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است .

و اصبر نفسک

صبر در مقابله به مثل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ –

نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنـان به هنگـام دعوت به اسـلام ، در صبر و عـدم تعجیـل در انتقـام از دشـمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

صبر در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

صبر در نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸،۱۳

۸ - امر به معروف و نهی از منکر ، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد .

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمـال دارد دسـتور به صبر پس از سه فرمـان اقـامه نمـاز و امر به معروف و نهی از منکر، هماننـد آن سه، فرمانی عام باشـد و احتمـال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشـد. در صورت دوم، نشان می دهـد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - < فی مجمع البیان < و اصبر علی ماأصابک > من المشـقه و الأذی فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع ;)

در مجمع البیان از امام علی(ع) درباره <و اصبر علی ما أصابک> روایت شده:

در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش>.

صبر در هجرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۱۹

۱۹ – هجرت در راه دین ، پیام دار مشکلات و زحمات بسیار و نیازمند به صبر و تحمل آنها است .

و أرض اللّه وسعه إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

یاد کردن از اجر و پاداش صابران، پس از ذکر مسأله هجرت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

صبر در همنشینی با اولیاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۲ – ۲

۲– صبر و تحمّل در مصاحبت با اولیای خدا و برخورداران از علوم ویژه الهی ، شرطی ضروری جهت بهره بردن از آنها است .

ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

مسلم است که حضرت موسی(ع) به جهت تعلّم، با خضر(ع) همراه گردید و او نیز شرط لازم را صبر و شتاب نکردن در پرسش دانست. در این آیه، مجدداً، بر آن شرط ضروری تأکید کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۵ – ۵

۵– صبر و شکیبایی ، شرط ضروری جهت بهره بردن از مصاحبت اولیای خاص خداوند و برخورداران از علوم الهی است .

قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

صبر در همنشینی با خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با

عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

صبر در همنشینی با علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۲

۲- صبر و تحمّل در مصاحبت با اولیای خدا و برخورداران از علوم ویژه الهی ، شرطی ضروری جهت بهره بردن از آنها است .

ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

مسلم است که حضرت موسی(ع) به جهت تعلّم، با خضر(ع) همراه گردید و او نیز شرط لازم را صبر و شتاب نکردن در پرسش دانست. در این آیه، مجدداً، بر آن شرط ضروری تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، شرط ضروری جهت بهره بردن از مصاحبت اولیای خاص خداوند و برخورداران از علوم الهی است .

قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

صبر ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۲

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر ، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان

بود . *

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنى

مراد از <من ءامن و. ..> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی انـد که از ظلم و کفر، دست برداشـته و ایمان آورنـد، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودنـد; زیرا، معنا نـدارد که او، بین عـذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیّر باشـد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نعذّبه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

صبر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۱،۲،۳

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و إدریس و ذاالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که خداونـد در مقـام تربیت و هـدایت مردم عصـر بعثت، هر سه پیـامبر را با وصـف <صابران> معرفی کرده است.

صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷ - برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری

و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

<لمّا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسراییل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

صبر رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۹

۹ - هشیاری ، نظارت دقیق و صبر و بردباری ، لازمه رهبری

فارتقبهم و اصطبر

صبر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه . .. فارتقبهم و اصطبر

صبر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی ، از ویژگی های صالحان

ربّ هب لی من الصلحین . .. ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۷

۷ - لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر عليها

وظیفه صبر شدید

بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

صبر متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۷ – ۱

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از صفات متّقین

للّذین اتّقوا . .. الصابرین ... بالاسحار

آیه فوق (الصابرین و الصادقین . ..)، بیان و توضیح دیگری برای <للّذین اتقوا> است.

صبر متوکلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۸ – ۱۸

۱۸ توکل کنندگان بر خداوند ، انسانهایی صبور و مقاومند .

فصبر جمیل والله المستعان علی ما تصفون

صبر مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۰ – ۴

۴ استواری قدم پیکارگران ، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربّنا افرغ . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدّمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور به صبر و خویشتن داری در برابر مشکلات رسالت تا فرارسیدن حکم و داوری خداوند بود .

و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱،۱۴

۱- پیامبر (

ص) در برابر اذیت و آزار دشمنان به آن حضرت ، تنها مأمور به صبر و شکیبایی گردید و نه مجاز برای مقابله به مثل

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و اصبر

خداوند، در آیه قبل همه مسلمانان را مجاز به مقابله به مثل دانسته است; ولی در این آیه شخص پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و به او اختصاصاً فرمان صبر و مقاومت داده است. از ارتباط این دو آیه، برداشت فوق به دست می آید.

۱۴- پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر . .. و لاتحزن علیهم و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۵

۵- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پرستش خداوند و صبر و تحمل در راه عبادت او

فاعبده واصطبر لعبدته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۴

۴ - نزول آیات در باره فلسفه مهلت دهی به کافران ، موجب تسلّی خاطر و صبر پیامبر (ص) در برابر فشار های تبلیغاتی کافران

و لولا کلمه سبقت . .. فاصبر علی مایقولون

<فاصبر> عطف و تفریع بر آیه قبل است; یعنی، حال که تأخیر عذاب از سر اهمال نیست بلکه

امری قـانون منـد است، بنـابراین تحمـل کن. دراین مجموعه، خداونـد با بیان فلسـفه امهال و سـنت های حاکم بر تاریـخ، زمینه تسلّی خاطر پیامبر(ص) و مؤمنان را فراهم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۴

۴ - صبر در برابر بـدرفتاری هـای مشـرکان و وانهـادن کیفر آنـان به خـدا ، توصـیه ای الهی به پیـامبر (ص) در مقطع پیش از هجرت

ادفع بالتی هی أحسن السیّئه نحن أعلم بما یصفون

برداشت فوق، با توجه به مکّی بودن سوره مؤمنون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) به صبر در برابر تبلیغات سوء کافران ، موظف بود .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

متعلق صبر، محـذوف است که به قرینه <و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الـذین کفروا. ..> می توانـد بر خوردهای ایـذایی و تبلیغاتی سوء کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۵ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار

در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم . .. و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم . ..) در حقیقت سفارش به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

و تولّ عنهم . .. و أبصر

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند، پس از سفارش به بی اعتنایی به آنان (و تولّ عنهم) در حقیقت، توصیه به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به

صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

فاصبر

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا . .. فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر. ..> تفریع بر جمله <إنّا لننصر رسلنا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۸

۸ - پیامبر (ص) ، انسانی صبور و برخوردار از عالی ترین کمالات و ارزش ها است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا و ما یلقّیها إلاّ ذوحظّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب اصلی توصیه خداوند در این آیه، پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۷

۷- رهنمود الهی

به پیامبر (ص) ، برای شکیبا بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۹ – ۱

۱ – دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۸ – ۱

۱ – فرمان پایداری و شکیبایی از سوی خداوند به پیامبر (ص) ، در راستای تبلیغ دین

و اصبر لحکم ربّک

مراد از <لحکم ربّک> می تواند حکم رسالت و تبلیغ دین باشد. در این صورت پیامبر(ص) مأمور شده است تا در برابر اذیت و آزار تکذیب کنندگان، صبر پیشه کند و تحمل خویش را از دست ندهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۸ – ۱،۲

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در برابر فرمان های الهی

فاصبر لحکم ربّک

۲ – پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و اُملی لهم . .. فاصبر لحکم ربّک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۱،۲

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور صبری نیکو و شایسته در انجام

دادن رسالت خویش

فاصبر صبرًا جمیلًا

۲ - صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزاآمیز شرک پیشگان صدراسلام ، توصیه خداوند به پیامبراکرم (ص)

سأل سائل بعذاب واقع . .. فاصبر صبرًا جمیلًا

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و پایداری در انجام دادن رسالت خویش

و لربّک فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱

۱ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر صبر و شکیبایی در برابر حکم پروردگار (تبلیغ قرآن و اجرای تعالیم آن)

فاصبر لحکم ربّک

مقصود از حکم پروردگار به قرینه آیه پیش تبلیغ قرآن و اجرای تعالیم آن است.

صبر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک . .. بما صبروا

صبر مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۴ – ۳

۳ – پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد

آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از <الذین لایرجون. ..> مشرکان اند.

صبر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱۸

۱- موسی (ع) به شکیبا بودن در برابر کار های خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد ، متعهّد گردید .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جمله <ستجدنی. ..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری

دارد.

۸- < عن جعفربن محمد (ع) : < . . . قال موسی : < ستجدنی إن شاء اللّه صابراً و لاأعصی لک أمراً > فلمّا استثنی المشیه قبِله . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: <موسی(ع) به خضر گفت: <ستجدنی إن شاء اللّه صابراً. ..> پس چون مشیّت الهی را استثنا کرد (یعنی <إن شاء اللّه> گفت) خضر، او را پذیرفت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

صبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ امید مؤمنان به امداد الهی ، پشتوانه صبر و مقاومت آنها

متی نصر اللّه الا انّ نصر اللّه قریب

جویای یاری خدا بودن (متی نصر اللّه) در حین شدت مصائب و مقاومت در برابر آنها، بیانگر نقش امیدواری به یاری خدا در تحمل مشکلات است.

۱۵ لزوم تحمّل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لما یأتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۴

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقواپیشگی است

.

يا ايّها الّذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵

۴ – مؤمنان راستین ، شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بشّر المخبتین . .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – مؤمنان راستین ، محکم و بردبار در هنگامه های سخت و دشوار زندگی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۴ – ۳

۳ – صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است .

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۷

۷– مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

صبر مؤمنان اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۴ – ۲

۲ – صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولئك يؤتون أجرهم مرّتين بما صبروا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است; یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر

اظهار شـده است; از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشـرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

صبر مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۱

۱- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

و الذین هاجروا فی الله . .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

صبر مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴ - توصیه خداونـد به مؤمنـان و مهـاجران صدراسـلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشـار هـا و آزار هـای کافران ، بردبار باشـند و خویشتن داری را از دست ندهند .

و الذین هاجروا . .. ثمّ قتلوا ... و إنّ اللّه لعلیم حلیم

متعلق <علیم> در جمله <و إنّ اللّه لعلیم حلیم> محـذوف است و تقـدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إنّ اللّه لعلیم بما فعل المشـرکون بالمؤمنین من إخراجهم من دیارهم و قتلهم المهاجرین حلیم یمهلهم و لاینتقم منهم إلی حین; خدا به آنچه که مشـرکان علیه مؤمنـان انجـام دادنـد، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهـد>. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند; بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

صبر ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نیکو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبرًا جمیلًا

صبر درباره هر چیزی، ممکن است به جا و نابه جا و نیکو و یا ناشایست باشد. آمدن <جمیلًا> ممکن است به همین نکته اشاره داشته باشد.

صبر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبرپیشگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر ناملایمات صبور و شکیبا بودند.

صبر و شکوه به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۸

۸ منافات نداشتن صبر با شکوه بردن به درگاه خداوند

فصبر جمیل . .. إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله

اظهار یعقوب(ع) به اینکه صبر زیبا و خوب است و در عین حال به درگاه خداوند شکوه برده است ، نشان می دهد که منافاتی بین این دو نیست.

صبر و عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۸

۸ کارآیی صبر ، در گرو انجام اعمال صالح است .

إلّا الذین صبروا و عملوا الصلحت

صبر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۸ - ۱۲،۱۶،۲۲

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکیبا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزندانش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزندانش می باشد.

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۲۲ < عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب(ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گِله است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸،۹،۱۴،۲۴

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

۹ یعقوب (ع) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو. ..>

علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله ...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

صبر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷،۸

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقواپیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

عوامل صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۳

۳ – اقامه نماز و ادای زکات ، عامل شکیبایی

بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا . .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

در برداشت فوق، جمله <أقیموا الصلاه . ..> در ارتباط با <فاعفوا واصفحوا> ملاحظه شده است. در این لحاظ هدف از تأکید بر اقامه نماز و پرداخت زکات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداوند (لزوم عفو و گذشت و مدارا کردن با دشمنان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۴

۱۴ امید مؤمنان به امداد الهی ، پشتوانه صبر و مقاومت آنها

متی نصر اللّه الا انّ نصر اللّه قریب

جویای یاری خدا بودن (متی نصر اللّه) در حین شدت مصائب و مقاومت در برابر آنها، بیانگر نقش امیدواری به یاری خدا در تحمل مشکلات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۹

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان ، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۴،۲۶

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو. ..> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله ...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت ، برای کسب تحمل بیشتر ، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است .

فاصبر علی ما یقولون و سبّح بحمد ربّک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۷

۷ شکیبا سازی و توانمند کردن روحیه مردمان ، فلسفه آزمایش آنان از سوی خداوند

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران مانند زمخشری، جمله <أتصبرون> پس از ذکر <فتنه>، همانند <أیّکم> بعد از<ابتلاء> (در آیه <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً>) است که در مقام بیان فلسفه مطلب یاد شده در عبارت پیشین می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۷

۷ - توجه به اعتقاد به بازگشت همه امور به خداوند ، موجب پایداری و استقامت در راه خدا

و إن یکذّبوک . .. و إلی اللّه ترجع الأُمور

یاد آوری این حقیقت که همه امور به خدا بازمی گردد پس از بیان تکذیب رسالت پیامبران از سوی کافران و استقامت و پایداری آنان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ -

۴ - توجّه به حقانیت مواضع عقیدتی خویش ، موجب تقویت روح صبر و بردباری در مسیر عقیده و دفاع از آن

فاصبر . .. إنّهم یرونه بعیدًا . و نریه قریبًا

از یادآوری مسأله حقانیت معاد برای پیامبر(ص) پس از توصیه به ایشان مبنی بر صبر و مقاومت در انجام رسالت مطلب یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۷

۷ - نماز و ارتباط با خدا ، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر . .. و اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

عوامل صبر در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما کان ربّک نسیًّا . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

عوامل صبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۵

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا للّه و إنا إلیه رجعون

<الذين . .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۷ – ۷

۷ باور به داوری برتر خدا مایه صبر مؤمنان در برابر کفرپیشگان حق ستیز

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

هدف شعیب(ع) از بیان داوری برتر خدا پس از دعوت مؤمنان به صبر تا فرارسیدن قضاوت الهی، ایجاد زمینه صبر در آنان بود.

فضیلت صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۶ – ۵

۵- صبر و شکیبایی ، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقتبم فعاقبوا . .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۵ – ۴

۴- ارزش مندی صبر و جایگاه والای صابران ، در پیشگاه خداوند

و إسمعیل . .. کلّ من الصبرین

فلسفه صبر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۷ – ۲

۲ – جلب رضای خداوند ، فلسفه و هدف صبر و پایداری پیامبر (ص) در دوران رسالت

و لربّک فاصبر

لام در <لربّک> برای تعلیل است.

فواید اخروی صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۲

۲- صبر در برابر ناملایمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنبوّئنّهم فی الدنیا . .. و لأجر الأخره أکبر ... الذین صبروا

فواید دنیوی صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۲

۲- صبر در برابر ناملایمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنبوّئنّهم فی

الدنیا . .. و لأجر الأخره أکبر ... الذین صبروا

کیفر اخروی اعراض از توصیه به صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۲۰ – ۳

۳ – انکار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

گریه و صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ گریه و اندوه ، با بردباری و شکیبایی منافاتی ندارد .

فصبر جمیل . .. و قال یأسفی علی یوسف وابیضت عیناه من الحزن

محرومان از صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۷ – ۵

۵ – کافران ، از حالت شکیبایی ، مهرورزی و عطوفت ، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند .

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

مدح صبر یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ شکیبایی یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، ستودنی و درخور تحسین بود .

فصبر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد ، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

مراتب صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر . .. و لاتحزن علیهم و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیـامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداونـد میسـر می شـد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

مراد از صبر بر آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ - < عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عز و جل < فما اصبر هم علی النار > فقال ما اصبرهم علی فعل ما یعلمون أنه یصـیّر هم إلی النار ;

از امام صادق(ع) در تفسیر سخن خداوند عز و جل که فرموده: < فما أصبر هم علی النار> روایت شده است: چه چیز آنان را شکیبا نموده بر انجام عملی که می دانند آنها را به سوی آتش می کشاند>.

۱۱ - از امام صادق (ع) درباره < فما أصبر هم علی النار > روایت شده که فرمود : < ان معناه ما اجرأهم علی النار . . . ;

چـه چیز آنهـا را بر آتش جرأت داده است>. (چه چیز به آنـان جرأت داده تـا اعمـالی انجام دهنـد که مـوجب ورود به آتش شود.)

مراد از صبر جمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

- ۱۸ - ۲۲

۲۲ < عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب(ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گِله است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۷

۲۷ < عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب : < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب: <فصبر جمیل> روایت شده است که فرمود: مراد صبر بدون گِله است>.

مصونیت از بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۲

۲ - نمازگزاران ، مبرّا از ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها

إذا مسّه الشرّ جزوعًا . .. إلاّ المصلّین

معرضان از صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۵

۵ - کافران ، از حالت شکیبایی ، مهرورزی و عطوفت ، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند .

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

ملاک ارزش صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۴

۴ - ارزشمندی صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، بسته به خلوص و جهت خدایی آن

است .

و لربّک فاصبر

منشأ صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۱۹

۱۹ – بـدون کمـک و عنـایت خداونـد ، صبر و شـکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشـته شـدن در راه خداونـد ، ممکن نیست .

إنّی أری فی المنام أنّی أذبحک . .. قال یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من

مسأله ذبـح اسـماعیل(ع) چنـان که در آیه بعـد به صـراحت آمـده است یـک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشـروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء اللّه من الصابرین)، گویای برداشت یاد شده است.

منشأ صبر اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۲ – ۱۸

۱۸ – اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر ، منوط به مشیت خدا دانست .

یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

موارد صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۱ – ۸

۸– جهاد ، بارزترین نمود صبر مؤمنان در راه خدا *

و لنبلونّکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

می توان گفت: ملاک اصـلی در تمایز مؤمنان، صبر و شـکیبایی آنان، در انجام وظایف الهی است و تقـدم <المجاهدین> بر

<الصابرین> از آن جهت است که مجاهدان، سرآمد صابران اند و جهاد بارزترین نمونه صبر است.

موانع بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۴

۴ - انفاق و اختصاص دادن مقدار

معیّنی از اموال خویش به نیازمندان جامعه ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین فی أمولهم حقّ معلوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۶ – ۲

۲ – اعتقاد به روز جزا ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین یصدّقون بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۷ – ۲

۲ – هراس و نگرانی از عذاب الهی ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۹ – ۲

۲ – تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل ، آزمندی ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ ... و الذین هم لفروجهم حفظون

نشانه های بی صبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۵ – ۷

۷ – برخورد انتقام جویانه و غیر منطقی ، نشانه ناشکیبایی و کمبود ارزش های والا

است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ الذین صبروا و ما یلقّیها إلاّ ذوحظّ

نشانه های صبر مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۴

۴ - سکوت در برابر یاوه گویان ، نمودی از بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا . .. و إذا سمعوا اللّغو أعرضوا عنه

نعمت صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۸

۸ - آرامش روحی و شکیبایی در بحران ها ، نعمتی الهی است .

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

تعبیر <سکینه> و انتساب آن به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

نیاز به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذین هاجروا . .. الذین صبروا و علی ربّهم یتوکّلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

صحابه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صحابه

آثار انفاق به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

منافقون – ۶۳ – ۱۰ – ۳

۳ – توصیه خداوند به مؤمنان ، برای جبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی اصحاب نیازمند پیامبر (ص) ، جهت خنثی کردن توطئه منافقان در انفاق به آنان

لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه . .. و أنفقوا من مّا رزقنکم

انعطاف ناپذیری صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲

۲– انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبراسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

انفاق به صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۷ – ۴

۴ – انفاق و کمک های مالی مؤمنان ، به یاران نیازمند پیامبر (ص)

هم الذین یقولون لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه

انفاق صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۲۵

۲۵ – مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا اللّه

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

ایمان صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص) ، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک ، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند .

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

در صورتی که <من> در <منهم> برای

تبعیض باشد; از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخوردارانند.

برپایی نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به برپایی نماز مأمور شدند .

و أقیموا الصلوه

تشبیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۳

۳۳- تشبیه پیامبراسلام و یاران آن حضرت در انجیل ، به زراعتی شکوفا ، پرحاصل و شگفت انگیز

و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطه فازره

<کزرع. ..> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

تقویت روحیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۸

۸ - دلداری و تقویت روحیه مؤمنان و اصحاب پیامبر (ص) از سوی خداوند

هم الذین یقولون . .. و للّه خزائن السموت و الأرض

تکلیف صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۷،۹،۱۱،۲۳،۲۴،۲۵

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک . .. علم أن لن تحصوه

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و

ممکن

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظّف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به برپایی نماز مأمور شدند .

و أقیموا الصلوه

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزکوه

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا اللّه

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

تلاوت قرآن صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۹،۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إنّ ربّک یعلم أنّک تقوم . .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

توبه صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از

ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

توطئه علیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۶

۶ - اقدام الهی برای خنثی کردن توطئه اقتصادی منافقان ، علیه پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت

هم الذین یقولون لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه حتّی ینفضّوا

تهجد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إنّ ربّک یعلم أنّک تقوم . .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

دلداری به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۸

۸ - دلداری و تقویت روحیه مؤمنان و اصحاب پیامبر (ص) از سوی خداوند

هم الذین یقولون . .. و للّه خزائن السموت و الأرض

رفع مشکلات اقتصادی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۱۰ – ۳

۳ – توصیه خداوند به مؤمنان ، برای جبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی اصحاب نیازمند پیامبر (ص) ، جهت خنثی کردن توطئه منافقان در انفاق به آنان

لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه . .. و أنفقوا من مّا رزقنکم

زکات صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزکوه

سجده صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵،۲۸

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

۲۸- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سیره صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۵

۵ سخن اصحاب پیامبر و طریقه آنان ، همان سخن و طریقه پیامبر (ص) بود .

و قل . .. إنا عملون

سخن گفتن پیامبر(ص) از جانب مؤمنان (إنا) نشانه وثوق و اطمینان آن حضرت به هم سویی آنان با اوست.

سیمای صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

شگفتی از عبادت صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۹ – ۵،۷

۵ – عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکونون علیه لبدًا

۷ – عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکونون علیه لبدًا

شگفتی از نماز صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۹ – ۵،۷

۵ – عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکونون علیه لبدًا

۷ – عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکونون علیه لبدًا

صحابه در انجیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۹،۳۲

۲۹– بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

۳۲– بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوّع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلک> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

صحابه در تورات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۹،۳۲

۲۹– بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوّع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلك> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۵ - ۵۲

۱۵ خداوند حضور مسلمانان فقیر و ضعیف را در اطراف پیامبر اکرم(ص) برای پیامبر(ص) و اسلام زیانبار نمی داند.

ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضـمیر در <حسابهم> می تواند معنوی باشد ; یعنی کسانی که خواهان طرد مؤمنان فقیر از اطراف پیامبر(ص) بودند. و مقصود از <ما علیك> یعنی چیزی به ضرر تو از ناحیه محاسبات کافران اتفاق نخواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۲

۲ حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص)، وسیله ای برای آزمایش دیگران است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم . .. و کذلک فتنا بعضهم ببعض

صحابه قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

صحابه و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

صدقه صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۲۵

۲۵ – مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا اللّه

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صفات صحابه

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹- بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوّع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلک> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

طرد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱،۳

۱ مشرکان برای دور ساختن برخی مؤمنان از اطراف پیامبر(ص) آن حضرت را تحت فشار قرار می دادند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

۳ پیامبر(ص) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

در سبب نزول این آیه آمده است که بزرگانی از مشرکان، حضور نزد پیامبر(ص) را مشروط به عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

طرد صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۳،۲۰

۱۳ خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص) نباید موجب طرد و محرومیت آنان

از محضر پیامبر(ص) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم

<حسابهم> می توانـد اضافه مصـدر به فاعل خود (هم) باشـد ; یعنی حسابگریهای مشـرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

۲۰

پیامبر اکرم(ص) نباید با طرد مؤمنان مستمند و فقیر از اطراف خویش، خود را در جرگه ظالمان قرار دهد.

فتطردهم فتکون من الظلمین

عبودیت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

علمای صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۷

۷- وجود شخصیت های شناخته شده ، عالم و آگاه به مفاهیم وحی در میان اصحاب پیامبر (ص)

قالوا للذین أوتوا العلم

می توان گفت: <الذین أوتوا العلم> بر همه مؤمنان اطلاق نشده است; بلکه نظر به افراد خاصی دارد که از جهت علمی، متمایز با دیگران بوده اند و گویندگان <ماذا قال آنفاً> به خاطر همین تشخّص و ویژگی، به آنان مراجعه می کرده اند.

عمل صالح صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص) ، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک ، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند .

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد; از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخورداراند.

آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۵،۲۸

۲۵– آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

۲۸– اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۱

۱ – تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إنّ ربّک یعلم أنّک تقوم . .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

فلسفه فقر صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۷ – ۱۳،۱۴

۱۳ – تنگدستی یاران پیامبر (ص) ، ناشی از حکمت الهی بود .

لاتنفقوا . .. و للّه خزائن السموت و الأرض و لکنّ المنفقین لایفقهون

۱۴ – منافقان ، ناتوان از درک حکمت تنگدستی یاران پیامبر (ص)

و للّه خزائن السموت . .. و لکنّ المنفقین لایفقهون

قاطعیت صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۸

۸- شدّت و قاطعیت یاوران پیامبر (ص) در برابر کافران

محمّد . .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

کافران و صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۲ – ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

سبب نزول نقل

شـده در ذیـل این آیه و نیز لحن آن، گـواه چگونگی ترکیب یـاران پیـامبر(ص) و فقر آنـان و نیز نداشـتن موقعیت اقتصـادی و شؤون اجتماعی است. و همین امر موجب اعتراض و واکنشهایی از سوی کافران ثروتمند و قدرتمند می گشته است.

کفرستیزی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبراسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

محمد(ص) و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۳

۳ پیامبر(ص) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

در سبب نزول این آیه آمـده است که بزرگـانی از مشـرکان، حضور نزد پیـامبر(ص) را مشـروط به عـدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

محمد(ص) و صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ محاسبه اعمال و برآورد تأثیر حضور و یا عـدم حضور مؤمنان فقیر و ضـعیف در کنار پیامبر(ص)، در محـدوده وظایف آن حضرت نیست.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه . .. ما علیك من حسابهم من شیء

مرجع ضـمیر در <من حسابهم> موصول در صدر آیه و مراد از آن همان مؤمنان فقیرند. و <من> بنابر گفته اهل ادب، زاید

و مفید استغراق است. یعنی حساب هیچ عمل و کاری از آنان با تو نیست،

که از جمله آنها برآورد نقش حضور و یا عدم حضور آنان در نزد پیامبر(ص) است.

مدت تهجد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۶،۷،۸،۴۶

۶ - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) میسّر و آسان نبود .

علم أن لن تحصوه

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک . .. علم أن لن تحصوه

۸ - رخصت یافتن مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به کاستن از مدّت شب زنده داری خویش و انجام آن به میزان میسور و ممکن

علم أن لن تحصوه فتاب علیکم

در گذشتن خداوند از مؤمنان شب زنده دار پس از یادآوری به کم و زیاد شدن میزان شب زنده داری آنان حاکی از رخصت دادن او، به این کمی و زیادی است.

۴۶ - < رُوِیَ عن أبی جعفر و أبی عبداللّه (علیهماالسلام) انّ السبب فی (نزول) هذه السوره أنّ النبیّ (ص) کان یقوم هو و أصحابه اللیل کلّه للصلاه حتّی تورمت أقدامهم من کثره قیامهم فشقّ ذلک علیه و علیهم فنزلت السوره بالتخفیف عنهم فی قوله تعالی : < و اللّه یقدّر اللیل و النهار علم أن لن تحصوه > أی لن تُطِیقوه ;

از امام باقر و امام صادق(علیهماالسلام) روایت شده که سبب نزول این سوره (مزّمّل) این

بود که پیـامبر(ص) و اصـحابش، تمام شب را برای نماز می ایسـتادند تا این که پاهایشان از کثرت ایسـتادن ورم کرد. و این بر پیامبر و یاران آن حضـرت مشقت بار شد; پس این سوره برای تخفیف دادن به آنان نازل شد. آن جا که خداوند متعال فرمود: <و اللّه یقدّر اللیل و النهار علم أن لن تحصوه> و <لن تحصوه> به معنای لن تطیقوه است; [یعنی، خداوند می داند که شـما توان این کار را ندارید]>.

مسؤولیت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲

۲ اصحاب پیامبر (ص) دارای مسؤولیتی فزونتر نسبت به دیگر مسلمانان

ما کان لأهل المدینه و من حولهم من الأعراب أن یتخلفوا عن رسول اللّه

از این آیه اسـتفاده می شود که اهـل مـدینه و اطراف آن به دلیل قرب بیشتر به پیامبر(ص) مسؤولیتی فزونتر از دیگران دارنـد و بدین جهت است که خداوند آنان را اختصاص به ذکر داده است.

مسیحیان و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

مشرکان و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱

۱ مشرکان برای دور ساختن برخی مؤمنان از اطراف پیامبر(ص) آن حضرت را تحت فشار قرار می دادند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

مشکلات اقتصادی صحابه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۳

۳ - وجود مشکل مالی و اقتصادی ، در میان اصحاب و یاران نزدیک پیامبر اکرم (ص)

لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه

ممانعت از انفاق به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۲

۲ - تلاش منافقان ، برای جلوگیری از انفاق مردم به اصحاب و یاران پیامبر اکرم (ص)

هم الذین یقولون لاتنفقوا علی من عند رسول اللّه

مناجات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۵

۵ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر(ص) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشیّ یریدون وجهه

مهربانی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبراسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

نفاق در صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۶

۴۶- وجود برخی از افراد ناخالص ، در میان همراهان پیامبر (ص) *

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد; احتمال می رود که قید <منهم> تعریض به کسانی باشد که منافقانه، همراه پیامبر(ص) بودند و یا در آینده منحرف خواهند شد.

نماز شب صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظّف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد; زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۸

۲۸– اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

ویژگیهای صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲

۲– انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبراسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

هماهنگی صحابه با محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۱ – ۵

۵ سخن اصحاب پیامبر و طریقه آنان ، همان سخن و طریقه پیامبر (ص) بود .

و قل . .. إنا عملون

سخن گفتن پیامبر(ص) از جانب مؤمنان (إنا) نشانه وثوق و اطمینان آن حضرت به هم سویی آنان با اوست.

یهود و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان

، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

صدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صدا

اجتناب از صدای طنّازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۲،۱۳

۲ - همسران پیامبر ، از سخن گفتن طنّازانه و با صدای جذّاب ، منع شده اند .

فلاتخضعن بالقول

۱۳ - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با لحنی مناسب و به دور از هرگونه طمع انگیزی نامحرمان موظف بودند .

و قلن قولاً معروفًا

مراد از <قولاً معروفاً> به قرینه <فلاتخضعن> می تواند سخن گفتن به گونه ای باشد که طمع بیماردلی را برانگیزاند.

اعتدال صدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۹،۱۱،۲۰

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا ، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می آید.

۱۱- لزوم رعایت اعتدال صوت در دعا و نیایش به درگاه خداوند

لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

۲۰- < إن رسول الله (ص) قال : < و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها > إنما نزلت فی الدعاء . . . ;

همانا رسول خدا(ص) فرمود: <و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها> [این آیه] فقط در مورد دعا نازل شده است . ..>.

اعتدال صدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۰،۱۲

۱۰- خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته ، جایز نیست .

و لاتجهر بصلاتک

و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <صلاه> هر نمازی باشد که نمازگزار آن را اَدا می کند.

۱۲- پیامبر (ص) ، موظف به رعایت اعتدال در قراءت نماز و پرهیز از آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

زشت ترین صدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۶

۶ - زشت ترین و ناهنجارترین صدا ها ، برای انسان ، صدای الاغ است .

إنّ أنكر الأصوت لصوت الحمير

صدا در وِرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک . .. دون الجهر من القول

<دون> به معنای پایینتر و <جهر> به معنای آشکار کردن و علنی ساختن و <من القول> بیان برای <الجهر> است. بنابراین <الجهر من القول>، یعنی بلند کردن صدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفظ و سخن پایینتر از حد جهر.

صدای ناخوشایند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۲،۳

۲ - آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهيقًا

مطلب ياد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۳ - از اهل دوزخ ، ناخوشايندترين صدا ها برمی خيزد .

لها شهيقًا

برداشت ياد شده، مبتنی بر اين مطلب است كه صدای برخاسته از دوزخ، به اعتبار اهل آن باشد، نه از خود آتش; چنان كه در آيه ۱۰۶

سوره <هود> بدان تصریح شده است.

عفت در صدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۹

۹ - باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

صداها

آثار روانی صداها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۵

۵- تأثیرپذیری عمیق روح و روان آدمی در برابر صدا ها و نغمه ها

و استفزز من استطعت منهم بصوتک

صداقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صداقت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۹

۴۹ وفاکنندگان به سوگند ، راستگویان در گفتار و دارندگان استقامت قلب و عفت در شکم و شهوت ، از راسخان در علم هستند .

و الراسخون فی العلم

رسول اللّه (ص) در پاسخ سؤال از مفهوم راسخان در علم فرمود: من برّت یمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و من عفّ بطنه و فرجه فذلک من الراسخین فی العلم

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۱.

آثار اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

آثار صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۹،۱۱

۱۹اگر مشرکان از صداقت بهره مند باشند، بر گرایش خویش به هنگام سختیها، به خدای یگانه اقرار می کنند.

قل أرءیتکم . .. أغیر اللّه تدعون إن

كنتم صدقين

۱۱ اگر مشركان در ادعاهاى پوچ و شرک آميز خود صادق هستند، بايد به هنگام سختى متوجه معبودهاى خود شوند.

أغير اللّه تدعون إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۷

۷ تنها گفتار راست و درست كه از دروغ پيراسته باشد مى تواند آموزنده بوده و مايه عبرت گردد .

لقد كان فى قصصهم عبره . .. ما كان حديثًا يفترى

جمله <ما كان . ..> به منزله تعليل براى <لقد كان ...> است ; يعنى ، چون قرآن راست و درست است ، از داستانش مى توان عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۸

۸- ارزش اعمال ، در پرتو صداقت و خلوص و عدم آميختگى آن به ريا است .

أدخلنى مدخل صدق و أخرجنى مخرج صدق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- صداقت ، شرط رسيدن به مقام نبوت است .

إنّه كان صدّيقًا نبيًّا

تقديم <صدّيقاً> بر <نبيّاً> به نكته ياد شده اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۵۶ - ۶۸

۶- نقش ویژه صداقت پیشگی در راه یابی به مقام های معنوی و الهی

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

۸- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

تقدیم <صدّیقاً> بر <نبیّاً> حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۳

۳- صداقت ، زمینه ساز رشد

و ترقی و رسیدن انسان به مقامی رفیع نزد خداوند

إنّه کان صدّیقًا . .. و رفعنه مکانًا علیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۴ – ۱

۱ – خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۳

۱۳ – اطاعت خاضعانه از خدا و صداقت ، سبب می شود که فرد ، مشمول آمرزش خداوند شوند .

و القنتین . .. و الصدقین ... أعدّ اللّه لهم مغفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۱ – ۳

۳ – راست و درست گفتاریِ ایمان آوردگان ، سبب می شود که اعمال آنان از سوی خداوند رو به صلاح رود .

یأیّها الذین ءامنوا . .. و قولوا قولاً سدیدًا . یصلح لکم أعملکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۳۰

۳۰ – ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لاتجد قومًا . .. ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

آثار صداقت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۷

۷- مقام نبوت و صدّیق بودن ابراهیم (ع) ، موجب تجلیل و یاد از او در قرآن

واذکر فی الکتب إبرهیم إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

جمله <إنّه کان صدّیقاً

نبیّاً> به منزله تعلیل برای <اذکر. ..> است.

آثار صداقت ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۵

۵- صداقت و راستی کامل ادریس (ع) و نبوت آن حضرت ، مایه گرامی داشت یاد و خاطره او در قرآن است .

واذکر فی الکتب إدریس إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

<إنّه کان صدّیقاً> به منزله علت برای <واذکر . ..> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۲

۲- صداقت کامل حضرت ادریس (ع) ، زمینه ساز نیل او به مقامی رفیع

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا . و رفعنه مکانًا علیًّا

آثار صداقت با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۸

۸- لازمه صداقت داشتن با خداوند ، تسلیم بودن در برابر تمامی دستورات دین و عمل به آن است .

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

تعبیر <فلو صدقوا اللّه> در پی <فإذا عزم الأمر> می رساند که لازمه صداقت در برابر خداوند این است که هر گاه فرمانی از جانب شارع به گونه قطعی صادر شد، بی تأمل و بدون استثنا، پذیرفته شده و مورد عمل قرار گیرد.

آثار صداقت در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۹ – ۱۰

۱۰ – صداقت در ایمان مقتضی محبت و ایثار به مؤمنان و رنجدیدگان در مسیر دین

أُولئک هم الصدقون . و الذین تبوّءو الدار و الإیمن یحبّون من هاجر إلیهم و ...

آثار صداقت در توبه

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۵

۵ پذیرش توبه گنهکاران از سوی خداوند ، در گرو اقدام های عملی آنان برای نشان دادن صداقت خود است .

أن اللّه هو یقبل التوبه عن عباده و یأخذ الصدقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۳

۳ پذیرش توبه گنهکاران از سوی خدا ، در گرو اقدام های عملی ایشان برای نشان دادن صداقت خود است .

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم . .. و قل اعملوا فسیری اللّه عملکم

آثار صداقت رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۶

۶ - برخوداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری از آنان است .

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

ادعای صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۳

۳ - اصرار و تأکید منافقان صدراسلام ، بر صداقت خویش در ایمان به خدا و رسول و فرمان بری از ایشان

و یقولون ءامنّا باللّه و بالرسول و أطعنا

مـدن فعل مضارع (یقولون) که دال بر اسـتمرار است و نیز تکرار <با> در <باللّه> و <بالرسول> و تصـریح بر فرمان بری و اطاعت، همگی حاکی از اصرار و تأکید فراوان منافقان بر صحت ادعا خویش است.

ارزش صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۷ – ۶

۶ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفارِ در

سحرگاهان ، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجّه اسلام

الصابرین . .. و المستغفرین بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۷ – ۹

۹ راستگویی ، از ارزش ها و ملاک های فضیلت و کمال است .

و من اصدق من اللّه حدیثا

توصیف خداوند به راستگوترین راستگویان، دلالت بر ارزش والای راستگویی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۵ – ۱۳

۱۳ صداقت و راستگویی از ارزش های والا

و امه صدیقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۱۱

۱۱ راستی و عدل از ملاکها و مفاهیم اساسی و ارزشی اسلام است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۵

۵ صدق و راستی ، از ارزش های والای انسانی و مهمترین صفت مؤمنان راستین

یأیها الذین ءامنوا . .. و کونوا مع الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۱ – ۸

۸– ارزش های معنوی و راستی و درستی در گفتار و عمل ، ملاکی مهم در بزرگداشت یاد و نام افراد

واذکر . .. إنّه کان صدّیقًا

نبیًّا

یادکرد از حضرت ابراهیم(ع)، به جهت مقام نبوت و صدّیق بودن او، درسی است برای همه که در تبلیغات و مطرح کردن افراد باید جنبه های معنوی و راستین شخصیت ها را مد نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۸

۸- راستی در گفتار ، مزیتی ارزنده و دارای ارزشی والا است .

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۷

۷- راستی و درستی در گفتار و عمل ، دارای ارزشی والا و از معیار های تجلیل و تمجید از افراد

واذکر فی الکتب إدریس إنّه کان صدّیقًا

ارزش صداقت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۸

۸- درست کاری اقتصادی ، دارای ارزشی برتر از مال داشتن و دارایی

ذلک خیر و أحسن تأویلا

ممکن است مفضل علیه <خیر>، کم فروشی و خیانت در سنجش کالا۔و سود حاصله از آن باشد; یعنی، رعایت عدل و انصاف و به کارگیری ترازوی کامل و سود حاصله از آن، بهتر از کم فروشی و سود به دست آمده از آن است.

اقرار به صداقت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۹

۹ – کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا . .. و صدق المرسلون

اهمیت صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء

- ۴ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ صداقت ، علم و صلاح ، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئک رفیقاً

در برداشت فوق، <الشّهداء> به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۸

۸ صدق و عدل معیار و مبنای قوانین و سنتهای خداوند در نظام هستی است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت رب> قوانین و سنتهای جاری خداوند باشد، صدق و عدل دو ویژگی شاخص آن سنتها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۹

۱۹ عفت و پاکدامنی ، امانت و صداقت ، یکتاپرستی ، کتمان نکردن دانش و مسؤولیت پذیری ، از مصادیق نیکوکاری است .

و لانضیع أجر المحسنین

از مصداقهای مورد نظر برای <المحسنین> یوسف(ع) است. بنابراین توصیفها و ویژگیهای یاد شده برای او ، مصادیق احسان و نیکوکاری در دیدگاه قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۵،۷

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کار ها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و

درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الّیل فتهجّد به نافله لک . .. و قل

ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۰ – ۴

۴ – مؤمنان ، موظف اند که در گفتار خود ، سخن ، درست و استوار بگویند .

و قولوا قولاً سدیدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۱۷

۱۷ – لزوم صداقت انسان و هماهنگی زبان و قلب او ، در آمرزش خواهی و استغفار

فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

اهمیت صداقت در دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۱ – ۶

۶– لزوم صداقت داشتن در مسیر دین و پذیرفتن فرمان جهاد ، پس از صدور آن

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم

پاداش اخروی صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

پاداش صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۴

۴ - صداقت و راستی ، پاداش الهی را به دنبال دارد .

لیجزی اللّه . .. بصدقهم

<باء> در <بصدقهم> سببی است.

درخواست صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۵،۷،۹

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا

فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کار ها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الّیل فتهجّد به نافله لک . .. و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الّیل فتهجّد به . .. و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجّد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

دعوت به صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۲

۲ خداوند ، فراخوان مؤمنان به راستی و درستی در گفتار و عمل

یأیها الذین ءامنوا . .. کونوا مع الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فقل هل لک إلی أن تزکّی

دلایل صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۳

۳ گریه و ناله ، نمی تواند دلیل صداقت و حقانیت باشد .

و جاءو أباهم عشاءً يبكون

دلایل صداقت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۲۶ - ۱۵۵ - ۲

۲ - معجزه ، دلیل صدق پیامبران و رسالت آنان

فأت بایه إن کنت من الصدقین . قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۵

۵ - اعطای معجزه به پیامبران ، در جهت رفع اتهام کذب و یا ریاست خواهی از ایشان

بل هو کذّاب أشر . سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر . إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

از آن جا که <إنّا مرسلوا الناقه> در قبال اتهام <بل هو کذّاب أشر> مطرح شده است; می توان نتیجه گرفت که اعطای معجزه، وسیله ای کارآمد برای رفع اتهام کذب از صالح پیامبر(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۲

۲$ - معجزات پیامبران ، نشانه صداقت آنان در به عهده داشتن مسؤولیت هدایت و انذار است .

و أهدیک . .. فتخشی . فأریه الأیه الکبری

<فاء> در <فأراه> برای تعقیب است و می رساند که آوردن معجزه در پی ادعای هدایت گری و نیز انذار فرعون صورت پذیرفته است. کلمه <آیه> به معنای علامت و نشانه است و مصداق مورد نظر از آن، معجزه عصا و یا مجموع عصا و یدبیضا است که نشانه رسالت حضرت موسی(ع) بود.

دلایل صداقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لايزالون مختلفين . .. و

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداونـد (تمت کلمه ربک . ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشـیده شـدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی مانـدن حق را در پی داشت موجب دوزخی شـدن انسانها و جنیان شـده و حقانیت کلمه خدا (لأملأنّ ...) را به طور کامل محقق ساخت.

دلایل صداقت زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، صـداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شـدن پیراهن یوسف (ع) از پیشِ رو دانست .

إن کان قمیصه قُدّ من قُبل فصدقت و هو من الکذبین

دلایل صداقت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسـمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

دلایل صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتينا بالملئكه إن كنت من

الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۳

۳ - شخصیت ارزشی و اخلاقی پیامبر (ص) ، خود گواه صداقت آن حضرت بود .

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوّتک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۶ - ۳

۳ - زنده ماندن پیامبر (ص) پس از ادعای نبوت ، دلیل صدق رسالت و درستی ادعای آن حضرت است .

و لو تقوّل علینا . .. لقطعنا منه بالوتین

خداوند، مجازات مرگ را برای پیامبر(ص) در صورت دروغ بستن بر خدا مقرر فرمود. این مطلب می تواند گویای این حقیقت باشد که زندگانی آن حضرت پس از ادعای نبوت، گواه صدق ادعای ایشان است.

دلایل صداقت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) برصدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱،۳

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین . قال فأت به

۳ - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال ربّ السموت و الأرض . .. قال ... لأجعلنّک من المسجونین . قال أوَلوجئتک بشیء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی وانفسی حضرت موسی را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد; ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۳ - ۲

۲ - ید بیضا ، دومین معجزه موسی (ع) و دلیل صدق رسالت وی

و نزع یده فإذا هی بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۵

۵- موسی (ع) ، ارائه دهنده برهانی آشکار ، بر صدق خویش در دعوی رسالت

إنّی ءاتیکم بسلطن مبین

دلایل صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۷ – ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا ، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشتِ سر دانست .

و إن کان . .. و هو من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۸ – ۲،۴

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع) ، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

دلایل صداقت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۴ – ۷

۷ – ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن کانت لکم الدار الأخره . .. فتمنوا الموت

روش کشف صداقت هدهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۸ – ۶

۶ – تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت . .. اذهب بکتبی هذا

زمینه صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۶

۶- ورود در کار

ها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۸ – ۶

۶ – درست کاری و صلاح افراد ، در گرو اراده و خواست خود آنان است .

هل لک إلی أن تزکّی

زمینه صداقت تائبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۴

۴ – آشکار شدن صداقت توبه کنندگان واقعی ، در میدان عمل و تکالیف دشوار

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

سوگند به صداقت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۰ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبراسلام (ص)

إنّه لقول رسول کریم

شک در صداقت صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۴ – ۷

۷ – ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئايه إن كنت من الصدقين

برداشت ياد شده از به كار گرفتن <إن> كه در موارد ترديد به كار مى رود استفاده مى شود.

صداقت ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۴۱ - ۵،۶

۵- حضرت ابراهيم (ع) از صدّيقان و از پيامبران الهى بود .

واذكر فى الكتب إبرهيم إنّه كان صدّيقًا نبيًّا

۶- حضرت ابراهيم (ع) ، شخصيتى در

اوج راستی و درستی و یگانگی در گفتار و کردار بود .

إنّه کان صدّیقًا

(مفردات راغب).

صداقت ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۳،۴

۳- حضرت ادریس (ع) ، از صدّیقان و دارای مقام نبوت بود .

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

۴- ادریس (ع) ، شخصیتی در اوج راستی و درستی و یگانگی در گفتار و عمل

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

<صدّیق> صیغه مبالغه است; یعنی کسی که از او صداقت بسیاری سر زده است و برخی گفته اند: صدّیق کسی است که در گفتار و اعتقاد صادق باشد و راستی خود را در عمل محقق سازد(مفردات راغب).

صداقت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۴،۵

۴- صداقت در وعده ، از صفات برجسته اسماعیل (ع) بود .

واذکر فی الکتب إسمعیل إنّه کان صادق الوعد

۵- صداقت در وعده ، رسالت و نبوت اسماعیل (ع) ، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

واذکر فی الکتب إسمعیل إنّه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیًّا

صداقت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۲

۱۲ < عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عز و جل : < اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین > قال : محمد و علی علیهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقین> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد>.

صداقت انبیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۶

۶ معجزات روشنگر انبیای الهی ، نشانه صدق دعوای رسالت آنان

بایه من ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۹

۹ پیامبران ، خیرخواه امت های خویش و انسانهایی امین و درستکار

و لکنی رسول . .. و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۲

۲ پیامبران الهی حریص بر راستگویی و حقگویی درباره خداوند

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند.

گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد ; یعنی: إنی حریص علی کذا حقیقاً به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۵

۵ - پیامبران الهی ، گویندگانی صادق و راستگو برای مردمان

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

صداقت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

صداقت پیروان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی ساعه العسره . .. و کونوا مع الصدقین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قدم برخی از مؤمنان در شداید جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شما نیز همانند مؤمنان، استوار و تزلزل ناپذیر باشید.

صداقت تائبان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۱

۲۱ تأييد خداوند نسبت به واقعى بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوك *

خذ من أمولهم . .. و صل عليهم ... و اللّه سميع عليم

برداشت فوق بر اين اساس است كه

آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر اساس آن فرمان به اخذ زکات و دعا داده است.

صداقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۵

۵ - راه داشتن خیانت و صداقت در جنیان

و إنّی علیه لقویّ أمین

تأکید عفریت بر امانت داری خویش، می رساند که احتمال خیانت وی وجود داشته است.

صداقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۱،۱۰،۸

۸ هیچکس از خداوند راستگوتر نیست .

و من اصدق من اللّه حدیثا

۱۰ توجّه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من اللّه حدیثا

تکیه بر اسم جلاله <اللّه> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیّت، ملازم حقانیّت تمامی اخبار اوست. یعنی چون <اللّه> است و کمال مطلق، اَخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

۱۱ توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

لیجمعنّکم الی یوم القیمه لا ریب فیه و من اصدق من اللّه حدیثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۲ – ۹،۱۰

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلّف ناپذیر است .

وعد اللّه حقّاً و من

اصدق من اللّه قیلا

۱۰ هیچ کس در راستی و درستی گفتار ، همانند خدا نخواهد بود .

و من اصدق من اللّه قیلا

صداقت در آغاز عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۱۲

۱۲– آغاز به کار از روی صداقت و اخلاص ، تضمین کننده به پایان رساندن آن همراه آن دو نیست .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

صداقت در استغفار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۱۷

۱۷ – لزوم صداقت انسان و هماهنگی زبان و قلب او ، در آمرزش خواهی و استغفار

فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

صداقت در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳ – ۲

۲ – صداقت توده های مردم در ایمان به پیامبر (ص) و آیین اسلام

ءامنوا کما ءامن الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۲۸

۲۸ – انجام وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئک الذین صدقوا

در برداشت فوق <أولئک> اشاره به صفاتی است که از جمله <و ءاتی

المال . .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

صداقت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۴

۴ - بهشت ، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <صدق> در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق; یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

صداقت در پیروی از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است .

أدعوا إلی الله علی بصیره أنا و من اتبعنی

صداقت در عذر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله . .. إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن ... إن ربّک للذین هاجروا

صداقت در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۵،۶،۷،۸،۱۱

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا

فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۶- ورود در کار ها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کار ها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الّیل فتهجّد به نافله لک . .. و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۸- ارزش اعمال ، در پرتو صداقت و خلوص و عدم آمیختگی آن به ریا است .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۱- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در فرجام عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- آغاز به کار از روی صداقت و اخلاص ، تضمین کننده به پایان رساندن آن همراه آن دو نیست .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در مدح دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۵

۵- لزوم مراعات صدق و راستی ، در تکریم و تمجید از اشخاص و خارج نشدن از مرز واقعیت

و جعلنا لهم لسان صدق عليًّا

خداوند، ابراهیم و فرزندش را از ثنایی رفیع، ولی راستین

برخوردار کرده است; یعنی آنچه که در باره آنان به عنوان ثنا و تمجید گفته می شود، راست و عین واقعیت است، نه این که مبالغه باشد. این قید دارای پیام و درسی است برای همه که در تمجیدها به افراط و یا تفریط دچار نشوند، بلکه حقیقت اظهار کنند.

صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر ، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی أشدّ وطًا و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدّ> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است; یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

صداقت رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۶

۶ - برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری ازآنان است .

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۶

۶ - برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری از آنان

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۶

۶ - برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری از ایشان

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۶

۶ - برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمانبری از ایشان

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

صداقت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

برداشت یاد شده از تفریع <اتّقوا. ..> بر <إنّی لکم رسول> به دست می آید.

صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۴ – ۵

۵ – ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن کنت من الصدقین

صداقت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۹ – ۵

۵ معجزات

روشنگر عیسی (ع) ، دلیل صدق دعوت او

انّی قد جئتکم بایه من ربّکم

چون عیسی (ع) مدعی رسالت بود، نخست می بایست آن را اثبات کند. بنابراین منظور از آیه و نشانه در <بایه من ربّکم>، نشانه نبوت اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۲،۳

۲ عیسی (ع) از زمره راستگویان و درست کرداران

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای <الصدقین> به قرینه آیات گذشته حضرت مسیح(ع) است.

۳ خداوند ، گواه بر راستگویی عیسی (ع) در انجام رسالت های الهی خویش و اظهار برائت از ادعای الوهیت

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای <صدقهم> سخنان نقل شده از عیسی(ع) در آیات پیشین است که ابلاغ توحید و یکتاپرستی، نفی ادعای الوهیت برای خویش و مادرش مریم(ع) و نداشتن هیچ نقشی در گرایش امت به شرک از جمله آنهاست.

صداقت قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۱،۹،۱۰

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر <صدقا و

عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۵

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ; بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثًا یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذّب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد; یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

صداقت کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کرداراند .

<برره> و <ابرار> به یک معنا است; جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد; زیرا جمع <برّ> است و <بَرّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بارّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بِرّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان

العرب)

صداقت کلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۰

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

صداقت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقواللّه> بر <إنّی لکم رسول أمین> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - قوم لوط ، درباره صداقت لوط (ع) و وعده عذاب او ناباور بودند .

ائتنا بعذاب اللّه إن کنت من الصدقین

صداقت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از صفات متّقین

للّذین اتّقوا . .. الصابرین ... بالاسحار

آیه فوق (الصابرین و الصادقین . ..)، بیان و توضیح دیگری برای <للّذین اتقوا> است.

صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ وجود نشانه های صدق پیامبر (ص) در تورات *

اگر چنین نشانه هایی در تورات نبود، دعوت به

حکمیت تورات برای رفع اختلاف در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص)، صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۶

۶ آگاهی پیامبر (ص) از حقایق نهفته تاریخ زکریا و مریم ، نشانگر صدق ادعای وی در ارتباط با وحی

ذلک من انباء الغیب . .. و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۳

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم ، زکریا ، یحیی و عیسی (ع) ، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلک نتلوه علیک من الایات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۲

۱۲ < عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عز و جل : < اتقوا اللّه و کونوا مع الصادقین > قال : محمد و علی علیهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقین> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و اخلاقی (صداقت ، امانت و . . .

) آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۱

۱ - تأكید خداوند ، بر اصالت سخنان پیامبر (ص) و متكی نبودن پیام های آن حضرت به هوای نفس

و ما ینطق عن الهوی

صداقت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱

۱ اعتماد كامل حضرت زكریا به صداقت حضرت مریم (س)

هنا لك دعا زكریا ربّه

پس از پاسخ مریم، حضرت زكریا تسلیم گفته او (هو من عند اللّه . ..) شد و از خدا، درخواست ذریه پاك كرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۹،۱۰

۹ مریم (ع) مادر مسیح (ع) ، بانویی بسیار راستگو

و امه صدیقه

<صدیق> به كسی گفته می شود كه بسیار راستگو باشد. (مفردات راغب).

۱۰ گفتار و كردار مریم (ع) هماهنگ با یكدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

<صدیق> به كسی گفته می شود كه سخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با كردارش ثابت كند. (این

معنا را راغب از برخی اهل لغت نقل کرده است).

صداقت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۱

۱ فرعون ، ناباور به صداقت موسی (ع) در ادعای رسالت و برخورداریش از معجزه و آیتی از جانب خدا

قال إن كنت جئت بئايه فأت بها إن كنت من الصدقين

متعلق <الصدقين> اصل رسالت

و نیز داشتن <بینه> است. یعنی: إن کنت من الصادقین فی دعوی الرساله و دعوی البینه.

صداقت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳ – ۲

۲ – مؤمنان راستین ، انسان هایی سنجیده کار و درست گفتاراند۰

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۳

۳ – کافران ، به صداقت و راستگویی مؤمنان ، باور نداشتند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۸ – ۴

۴ – مؤمنان ، دارای صفت صداقت و درستکاری اند .

لیسئل الصدقین عن صدقهم

مراد از <الصـادقین> به قرینه مقـابله با <الکافرین> مؤمنان انـد. تعبیر از مؤمنان به <الصادقین> می توانـد به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۱ – ۳

۳ – راست و درست گفتارِ ایمان آوردگان ، سبب می شود که اعمال آنان از سوی خداوند رو به صلاح رود .

یأیّها الذین ءامنوا . .. و قولوا قولاً سدیدًا . یصلح لکم أعملکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۳

۳- لزوم هماهنگی گفتار و کردارِ مؤمنان ، در راستای طاعت خداوند *

طاعه و قول معروف

در صورتی که <طاعه و قول معروف> مبتدا برای خبر محذوف باشد; از مجزا آمدن <طاعه> و <قول معروف> استفاده می شود که آنچه خداوند از انسان می خواهد، صرف طاعت عملی نیست; بلکه

باید سخن انسان همراه با عمل وی، نیک و پسندیده باشد و در ضمنِ طاعت، اظهار ناراحتی نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه . .. فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی اللّه. ..> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد; زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

صداقت مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۲

۲ - صداقت توده های مردم در ایمان به پیامبر (ص) و آیین اسلام

ءامنوا کما ءامن الناس

صداقت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

صداقت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۷،۸

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . .. و أنا لکم ناصح أمین

آوردن <ناصح> و <أمین> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل <أبلغکم>، می تواند اشاره به این نکته

داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ قوم عاد ناباور به صداقت و راستگویی حضرت هود (ع)

فأتنا . .. إن کنت من الصدقین

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود ، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ - هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت وامانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتقوا اللّه وأطیعون> بر <إنّی لکم رسول أمین> مفید مطلب یاد شده است.

صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳،۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

۵ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع) ، زنان را انسانهایی پر مکر و حیله خواند .

إنه من کیدکنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۶ – ۲

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق

> او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ظهور صداقت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۲

۲ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، این است که میزان صداقت مؤمنان بروز کند .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل الصدقین عن صدقهم

آنچه از پرسش مذکور در آیه، به ذهن خطور می کند، این است که مؤمنان، مورد سؤال قرار می گیرند تا صداقت شان معلوم شود.

عجز از صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک ... فأصمّهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصمّ> و <أعمی> در پی <فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است; اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

عزیز مصر و صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع) ، به صداقت او

پی برد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبر قال إنه من کیدکنّ

عوامل صداقت در عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۱۴

۱۴– حفظ صداقت و راستی در انجام کار ها از آغاز تا انجام ، نیازمند قدرت و توانی خدادادی

أدخلنی . .. و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

فضیلت صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۰ – ۴

۴ نبوت ، صداقت کامل ، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن ، تفضل خاص الهی

فاولئک . .. ذلک الفضل من اللّه

گواهان صداقت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۱ – ۷

۷ – گواهی أکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (ص)

و اللّه یعلم إنّک لرسوله

گواهان صداقت یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهدی بر صدق دعوای خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد منّ الله> باشد به عنوان شاهدی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوّت ما را درخواهید یافت.

ملاک صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۱

۲۱ میدان عمل ، عرصه شناخت

صداقت ادّعای آدمیان

فلما کتب علیهم القتال تولّوا

منشأ تعیین صداقت در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ تعیین راستی و درستی ایمان افراد و حسابرسی مدعیان ایمان ، از شؤون خداوند است .

بل نظنکم کذبین . .. ما أنا بطارد الذین ءامنوا إنهم ملقوا ربهم

کفرپیشگان، ایمان پیروان نوح را سطحی، بلکه آنان را در ادعای ایمان دروغگو می شمردند (بل نظنکم کاذبین). نوح(ع) در پاسخ ایشان با جمله <إنهم ملاقوا ربهم> بیان می دارد که برای انسانها روز آخرتی است و خداوند در آن روز، راستی و ناراستی ایمانها را تعیین خواهد کرد.

منشأ صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

منشأ صداقت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام

صادق و راست باشد; یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیّاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صداقت اسحاق(ع)

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد; یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیّاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صداقت یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرطنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد; یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیّاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

نشانه های صداقت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۲ – ۴

۴ – استغنا از مردم ، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان ، نشانه عدم صداقت مدعی پیامبری است .

أم تسئلهم خرجًا

نشانه های صداقت مبلغان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۶

۶ چشم ندوختن به

مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و یقوم لا أسئلکم علیه مالاً إن أجری إلّا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۴

۴ مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

یقوم لاأسئلکم علیه أجرًا . .. أفلاتعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله <لاأسئلکم> اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

نشانه های صداقت مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۶

۶ چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و یقوم لا أسئلکم علیه مالاً إن أجری إلّا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۴

۴ مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

یقوم لاأسئلکم علیه أجرًا . .. أفلاتعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله <لاأسئلکم> اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

نشانه های صداقت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ – هود – ١١ – ٥١ – ٣

٣

هود (ع) ، پاداش نخواستن از مردم را ، نشانه ای بر صداقت خویش در ادعای نبوت دانست .

لاأسئلکم علیه أجرًا إن أجری إلاّ علی الذی فطرنی أفلاتعقلون

در برداشت فوق ، جمله <أفلاـتعقلون> در ارتباط با <لاأسئلکم . ..> معنا شده است. بر این اساس ، هود(ع) به مردم می گوید: اگر در این معنا اندیشه کنید که من هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم ، خواهید فهمید که در ادعای نبوت راستگو هستم.

نشانه های صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه حتی حین > فالأیات شهاده الصبی و القمیص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . ;. .

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم . ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

واقعیت صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- حق ، درستی و راستی ، مفاهیمی واحد در فرهنگ جن و انس

و نه اموری اعتباری و نسبی *

قالوا یقومنا إنّا سمعنا کتبًا . .. یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

قرآن، گرچه بر انس نـازل شـده و هـدایت گر انسان به سوی حق و راه مسـتقیم است; اما جنیان نیز همان پیام، مفاهیم و تعالیم را، حق و راه مسـتقیم دانسـته اند. از این مطلب استفاده می شود که حق و راه مستقیم، در بینش جن و انس و در فهم و ادراک آنان واحد است.

صدقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صدقه

آثار ترک صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۲

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدّق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشـری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات،ماننـد مفاد همین است; یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسـته شـده است; مانند: <ماسـلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلّین . و لم نک نطعم المسکین>، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

آثار صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۲،۴،۷،۸

۲ خداوند ، رشددهنده اموالی که صدقه داده می شود .

و یربی الصّدقات

۴ رواج صدقه و انفاق ، عاملی جهت رشد نظام اقتصادی

و یربی الصّدقات

<یربی> از <ارباء> به معنای رشد دادن و زیاد کردن است.

۷ اهل انفاق و صدقه ، سپاسگزاران نعمت های الهی و اطاعت کنندگان فرمان او

یمحق اللّه . .. کلّ کفّار اثیم

از مقابله صدقه و ربا به

دست می آید که این دو در آثار و تبعات متضادند; بنابراین چون رباخوار ناسپاس و گنهکار است، انفاق کننده، سپاسگزار و فرمانبر خداست.

۸ صدقه و انفاق ، سپاسگزاری در برابر نعمت های الهی و پیروی از فرمان اوست .

یمحق اللّه . .. کلّ کفّار اثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - صدقه دادن در راه خدا ، مایه افزون شدن مال است ; نه سبب کم شدن آن .

إنّ المصّدّقین . .. یضعف لهم

قید <یضاعف لهم> شاید ناظر به این معنا باشد که صدقه برخلاف پندار مردم باعث کم شدن مال آنان نمی شود; بلکه باعث می گردد که مال آنان رشد کند و فزونی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلک خیر لکم

کلمه <ذلک> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خیر> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

۷ - صدقه ، مؤثرترین کار برای تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی است .

ذلک خیر لکم و أطهر

مقصود از طهارت در <و أطهر>، طهارت معنوی است و به کارگیری اسم تفضیل، بیانگر تأثیرگذاری برتر صدقه در تطهیر نفس می باشد.

آثار وجوب صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۲

۲ - وجوب

صدقه ، باعث شد مسلمانان از گفتوگوی محرمانه با رسول اکرم (ص) صرف نظر کنند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدى نجويكم صدقت

آداب صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصّدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا . .. > فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۶

۶ - مرغوب بودن کالای مورد انفاق و خلوص نیتِ انفاق کننده ، دو عنصر لازم در صدقه و انفاق

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

در صورتی که وصف <حسناً> قید تخصیصی باشد، ناظر به حسن فاعلی (خلوص نیت) و حسن فعلی (پرداخت کالای مرغوب) خواهد بود.

احکام صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵،۱۶

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

۱۶ استحباب پرداخت صدقه به مستحقان و نیازمندان

مسّنا و أهلنا الضر . .. إن الله یجزی المتصدقین

احکام صدقه نجوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - صدقه نجوا ، تنها بر کسانی واجب بود که توانایی مالی داشتند .

فإن لم تجدوا فإنّ اللّه غفور رحیم

ارزش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۵

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او) ، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

وصف <حسناً>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

امتناع از صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۴،۵

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبراکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۴ - نکوهش مسلمانان از سوی خداوند ، به خاطر صرف نظر کردن از ملاقات های محرمانه با پیامبراکرم (ص) و امتناع ورزیدن از پرداخت صدقه نجوا

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فإذ لم تفعلوا و تاب اللّه علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

اهمیت تداوم صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۲

۲ - صدقه و انفاق در راه خداوند ، باید برنامه همیشگی

مؤمنان باشد ; نه به صورت مقطعی و موقت .

إنّ المصّدّقين و المصّدّقت

تکیه بر وصف (اسم فاعل)، بیانگر آن است که صدقه دادن در بینش الهی، در صورتی ارزشمند خواهد بود که به صورت خصلتی برای مؤمنان درآید.

اهمیت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، مردان و زنان مؤمن را به انفاق کردن و پرداخت صدقه فرا می خواند .

إنّ المصّدّقين و المصّدّقت . .. لهم أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اهمیت و جایگاه ویژه نماز و صدقه ، در سلسله تعالیم دین

فلاصدّق و لاصلّى

پاداش اخروی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش به صدقه دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند ، به اعطا کنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إن الله یجزی المتصدقین

پاداش دنیوی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

- ۱۸ - ۷،۹

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان بازمی گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلک خیر لکم

کلمه <ذلک> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خیر> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

تشبیه صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

تشويق به صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲

۸ – ۲۸۱ –

۸ توجه به قیامت و خوف از آن ، بازدارنده آدمی از اعمال ناشایست (ربا و . . .) و ترغیب کننده او به اعمال شایسته (انفاق ، صدقه و . . .)

یا ایّها الّذین امنوا اتّقوا اللّه و ذروا ما بقی من الرّبوا . .. و ان تصدقوا خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۴ – ۲

۲ ارزش والای نجوا ها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

حبط صدقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۴ – ۱،۲،۸

۱ اهل ایمان نباید صدقات خود را با منّت گذاردن و آزار رسانیدن ، باطل و بی اثر سازند .

یا ایّها الّذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

۲ منّت و آزار ، باطل کننده صدقات

یا ایّها الّذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

۸ ریا و کفرِ به خدا و قیامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا . .. کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه و الیوم الاخر

حقیقت صدقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۴

۴ – صدقه و انفاق در راه خداوند ، قرض دادن به او محسوب می شود .

إنّ المصّدّقين . .. و أقرضوا اللّه

جمله <و أقرضوا اللّه>، عطف

تفسیری و بیانگر حقیقت صدقه و انفاق است. آن این که کسانی که با صدقات خود، احتیاج نیازمندان را برطرف می کنند، در واقع به خدا وام می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا اللّه

خیریت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۶

۶ - صدقه دادن به نیازمندان ، عملی سراسر خیر و نیکی در بینش الهی

ذلک خیر

در صورتی که <خیر> در مقابل <شرّ> باشد; معنای <ذلک خیر> این خواهد بود که صدقه صرفاً خیر است و هیچ بدی در آن راه ندارد.

صالحان و صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنکوننّ من الصلحین

صدقه امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - < عن علی (ع) إنّه قال : بی خفف اللّه عن هـذه الاُمّه لأنّ اللّه امتحن الصـحابه بهـذه الآیه فتقاعسوا عن مناجاه الرسول (ص) . . . و کـان معی دینار فتصـدّقت به فکنت أنا سـبب التوبه من اللّه علی المسـلمین حین عملت بالآیه و لو لم یعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الکلّ من العمل بها ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله من [کیفر سنگینی]

این امت را سبک کرد; زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدّموا بین یدی نجواکم صدقات> امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند ...و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا]صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم; آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد; زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند>.

صدقه به ابن السبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

صدقه به بدهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

صدقه به بنی هاشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲۶

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول اللّه (ص) فسألوه أن یستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا : یکون لنا هذا السهم الذی جعله اللّه للعالمین علی ها

فنحن أولی به ، فقال رسول اللّه (ص) یا بنی عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لی و لا لکم . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... >.

صدقه به خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

صدقه به فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

صدقه به فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به

نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۸ – ۱۶

۱۶ استحباب پرداخت صدقه به مستحقان و نیازمندان

مسّنا و أهلنا الضر . .. إن الله یجزی المتصدقین

صدقه به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲۶

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول اللّه (ص) فسألوه أن یستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا : یکون لنا هذا السهم الذی جعله اللّه للعالمین علی ها فنحن أولی به ، فقال رسول اللّه (ص) یا بنی عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لی و لا لکم . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... >.

صدقه به مساکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۱

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

صدقه به مؤلفه قلوبهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالك سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء . .. > که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

صدقه پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱،۱۰،۷،۳،۲

۲ سود افزونتر صدقه پنهانی برای شخص انفاق کننده ، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا الصّدقات فنعمّا هی و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

به نظر می رسد کلمه <لکم> بیانگر این معناست که صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده بهتر باشد; چون احتمال ریا و امثال آن کمتر است; نه اینکه به طور کلّی صدقه پنهانی ارزشمندتر از صدقه آشکار باشد.

۳ ارزش برتر صدقه پنهانی ، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا . .. و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

بنابراینکه کلمه <لکم> قرینه برای ارزشمندتر بودن صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده نباشد و به اطلاق آیه نظر شود.

۷ صدقه پنهانی به فقرا ، کفاره برخی گناهان

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء . .. و یکفّر عنکم من سیّئاتکم

۱۰ پرهیز از ریا و منّت و آزار ، از حکمت های ارزش برتر صدقه پنهانی

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس . .. و ان تخفوها

در آیات سابق، پاداش انفاق را در گرو <فی سبیل اللّه> بودن و پرهیز از ریا

و منّت و آزار شمرد; چون صدقه پنهانی تأمین کننده این معیار است، لذا دارای ارزش برتر خواهد بود.

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصّدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا . .. > فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

صدقه صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۲۵

۲۵ – مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا اللّه

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صدقه کفّاره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۱۰،۲۹،۴۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص

۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه ، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج ، صدقه است .

ففدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

صدقه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۵

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا اللّه

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صدقه ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۸

۱۸ عن أبی جعفر(ع) قال: . .. إن الله یقول: <و ءاتوا حقه یوم حصاده و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین> قال: کان فلان ... له حرث و کان إذا جذه تصدق به و بقی هو و عیاله بغیر شیء فجعل الله ذلک سرفا.

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <و ءاتوا حقه . ..> فرمود: شخصی زراعتی داشت که وقتی محصول آن را می چید، همه را صدقه می داد و خود و عائله اش بی چیز می ماندند. خداوند این عمل را اسراف نامیده است.

صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۴،۱۲،۱۵

۴ - خداوند ، بر هر مسلمانی که خواستار نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم

(ص) بود ، واجب کرد که پیش از آن صدقه ای بپردازد .

یأیّها الذین ءامنوا إذا نجیتم الرسول فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه

۱۲ - اجازه گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم (ص) ، بدون دادن < صدقه نجوا > برای افراد ناتوان ، برخاسته از غفران و رحمت خداوند

فإن لم تجدوا فإنّ اللّه غفور رحیم

۱۵ - < قال علی (ع) إنّ فی کتاب اللّه لآیه ما عمل بها أحد قبلی و لایعمل بها أحد بعدی و هی آیه النجوی ، کان عندی دینار فبعته بعشره دراهم فجعلت اُقدّم بین یدی کلّ نجوی اُناجی ها النبیّ درهماً ، قال : فنسخها قوله < ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجواکم صدقات > ;

حضرت علی(ع) فرمود: در قرآن آیه ای است که قبل از من هیچ کس به آن عمل نکرد و بعد از من نیز احدی احد به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه <نجوا> است. نزد من دیناری بود که آن را به ده درهم فروختم و هر دفعه که با رسول خدا(ص) نجوا داشتم، یک درهم آن را صدقه می دادم. حضرت فرمود: این حکم را آیه <ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجواکم صدقات> نسخ کرد [و دیگر در پی نجوا با رسول خدا(ص) صدقه واجب نبود]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - < عن علی (ع) إنّه قال : بی خفف اللّه عن هذه الاُمّه لأنّ اللّه امتحن الصحابه بهذه الآیه فتقاعسوا عن مناجاه الرسول (ص) . . . و کان معی دینار

فتصدّقت به فکنت أنا سبب التوبه من اللّه علی المسلمین حین عملت بالآیه و لو لم یعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الکلّ من العمل بها ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله من [کیفر سنگینی] این امت را سبک کرد; زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدّموا بین یدی نجواکم صدقات> امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند ...و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا]صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم; آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد; زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند>.

صدقه واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصّدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا . .. > فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

فضیلت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱،۳،۱۰

۱ صدقه آشکار ، عملی نیک و ارزشمند

ان تبدوا الصّدقات فنعمّا هی

۳ ارزش برتر صدقه پنهانی ، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا . .. و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

بنابراینکه کلمه

<لکم> قرینه برای ارزشمندتر بودن صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده نباشد و به اطلاق آیه نظر شود.

۱۰ پرهیز از ریا و منّت و آزار ، از حکمت های ارزش برتر صدقه پنهانی

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس . .. و ان تخفوها

در آیات سابق، پاداش انفاق را در گرو <فی سبیل اللّه> بودن و پرهیز از ریا و منّت و آزار شمرد; چون صدقه پنهانی تأمین کننده این معیار است، لذا دارای ارزش برتر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱

۱ - صدقه دادن ، امری بس پسندیده در بینش الهی

یأیّها الذین ءامنوا . .. فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه

واجب شدن صدقه و نه هر عمل پسندیده دیگر بر کسانی که می خواستند با پیامبر(ص) نجوا کنند و با آن حضرت گفت وگوی محرمانه داشته باشند; بیانگر مطلب بالا است.

فلسفه صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اقدام به انجام بهترین عمل و مؤثرترین کار برای طهارت نفس ، حکمت واجب شدن صدقه ، پیش از نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم (ص)

فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه ذلک خیر لکم و أطهر

مسلمانان صدر اسلام و صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبراکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدى نجويكم

صدقت

۳ - پرداخت صدقه ، پیش از هر بار نجوا با پیامبراکرم (ص) ، برای مسلمانان امری دشوار می نمود .

ءأشفقتم أن تقدّموا بین یدی نجویکم صدقت

مصارف صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۴

۴ اولویت تأمین زندگی نیازمندان به وسیله صدقات ، نسبت به سایر مصارف

ان تبدوا الصّدقات . .. و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

از تخصیص به ذکر <فقراء> در بین تمام مصارف که قطعاً صدقات مصارف دیگری نیز دارند اولویّت آنان استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۱۱

۱۱ وامداران تهیدست و ناتوان از پرداخت بدهی خویش ، یکی از مصارف صدقه

و ان کان ذو عسره . .. و ان تصدّقوا خیرٌ لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

موارد صدقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۰ – ۱۰

۱۰ گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، نمونه ای از صدقه

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

گذشتِ از بدهی وامداران به صدقه تعبیر شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ بخشش خونب ها از سوی خانواده مقتول ، نوعی صدقه است .

و دیه مسلّمه الی اهله الّا ان یصدّقوا

مراد از <ان یصدّقوا>، گذشت از دیه است. و خداوند از آن به صدقه دادن تعبیر کرد تا اشاره کند به اینکه گذشت از دیه نوعی صدقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ چشمپوشی از قصاص بدون دریافت بهایی در مقابل آن ، از مصادیق صدقه

فمن تصدق به فهو کفاره له

واژه <تصدق> به معنای عفو بدون عوض می باشد.

نسخ صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۵

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فإذ لم تفعلوا و تاب اللّه علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

صدقات

آثار امتناع از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱

۱ پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقی مزمن تا دم مرگ

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم إلی یوم یلقونه

<فأعقبهم> تفریع بر فراز پیشین است; یعنی، منافقان در پی امتناع از پرداخت صدقات علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند مبتلا به نفاقی شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ دلبستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دلبستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

آثار صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۸،۱۱،۲۴،۲۶

۸ پرداخت صدقه و زکات ، مایه تطهیر (پاکی روح از آلودگی) و تزکیه (رشد معنوی) انسان است .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

۲۴ از امام جواد (ع) روایت شده که فرمود : < . . . ان موالی أسئل اللّه صلاحهم او بعضهم قصروا فیما یجب علیهم فعلمت ذلک فاحببت ان اطهرهم و ازکیهم بما فعلت فی عامی هذا من امر الخمس قال اللّه تعالی < خذ من اموالهم صدقه تطهّرهم و تزکّیهم بها . . . > ;

. .. دوستان ما که از خدا صلاح آنان را مسألت

می کنم یا بعضی از آنان در تکلیف واجب خود کوتاهی کردند و من آگاه شدم. پس دوست داشتم با برنامه ای که این سال در مورد خمس اجرا کردم، آنان را تطهیر و تزکیه کنم. خداوند فرموده است: از اموال آنان صدقه بگیر تا بدین وسیله آنها را تطهیر و تزکیه کنی ...>.

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < من زعم انّ الامام یحتاج الی ما فی ایدی النّاس فهو کافر انّما النّاس یحتاجون ان یقبل منهم الامام قال اللّه عزو جل : < خذ من اموالهم صدقه تطهّرهم و تزکّیهم بها > ;

کسی که گمان کند، امام به آنچه در دست مردم است نیاز دارد، او کافر است ; بلکه مردم نیاز دارند که امام صدقه را از آنها قبول کند. خدای عز و جل فرمود: از اموال آنان صدقه بگیر، تا بدین وسیله آنان را تطهیر و تزکیه کنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۹

۹ انفاق و پرداخت صدقات از نشانه های اصلی و جلوه توبه راستین است .

أن اللّه هو یقبل التوبه عن عباده و یأخذ الصدقت

احکام صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۷،۱۶،۲۰،۲۵،۲۶،۲۷

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه

ماند گان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و . . .) ممنوع است .

إنما الصدقت للفقراء . .. و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء . .. > که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

۲۰ از امام صادق (ع) درباره قول خدای تعالی < إنما الصدقات . . . > روایت شده است که فرمود : < ان جعلت ها فیهم جمیعاً و ان جعلت ها لواحد اجزء عنک ;

صدقات را چه به مصرف همه هشت صنف برسانی و چه به مصرف یک صنف، مجزی است>.

۲۵ عبدالرحمان بن حجاج

گوید : < ان محمد بن خالد سأل اباعبدالله عن الصدقات قال : اقسم ها فیمن قال الله : و لا یعطی من سهم الغارمین الذین ینادون نداء الجاهلیه قلت : و ما نداء الجاهلیه ؟ قال : الرجل یقول : یا آل بنی فلان فیقع فیهم القتل و الدماء فلا یؤدی ذلک من سهم الغارمین و الذین یغرمون من مهور النساء . . . و لا الذین لا یبالون بما صنعوا من اموال الناس ;

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف]صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟ فرمود: شخصی ندا می کرد: <یا آل فلان> [و قبیله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار و خونریزی واقع می شد. این خسارتها از سهم <غارمین> داده نمی شود و نیز بدهکاریهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد]>.

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول الله (ص) فسألوه أن یستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا : یکون لنا هذا السهم الذی جعله الله للعالمین علی ها فنحن أولی به ، فقال رسول الله (ص) یا بنی عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لی و لا لکم . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از

آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... >.

۲۷ از ابن عباس روایت شده است : < فرض رسول اللّه (ص) الصدقه . . . فی الذهب و الورق و الابل و البقر و الغنم و الزرع و الکرم و النخل . . . ;

رسول خدا (ص) صدقه را در طلا، نقره (پول رایج)، شتر، گاو، گوسفند، محصول (زراعت)، انگور و خرما واجب کرد . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲،۵،۲۳

۲ اموال و دارایی های گوناگون انسان ، متعلق صدقه (زکات) است .

خذ من أمولهم صدقه

<مال> (مفرد اموال) اسم جنس است و شامل هر آنچه را که آدمی به دست بیاورد می شود.

۵ تنها بخشی از اموال و دارایی ها به عنوان صدقه و زکات دریافت می شود ; نه تمامی آن .

خذ من أمولهم صدقه

برداشت فوق، با توجه به استعمال <مِنْ تبعیضیه> به دست آمده است; یعنی، بخشی از اموال آنان را به عنوان صدقات اخذ کن.

۲۳ از بعضی اصحاب روایت شده که گفت : < عن بعض اصحابنا عن ابی عبداللّه (ع) قال : سألته عن قول اللّه < خذ من اموالهم صدقه . . . > جاریه هی فی الامام بعد رسول اللّه

؟ قال : نعم ;

از امام صادق (ع) پرسیدم سخن خداوند که می فرماید: <از اموال آنان صدقه بگیر . ..> در مورد امام بعد از رسول خدا (ص) نیز جاری است؟ فرمود: آری>.

اهمیت صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۷

۷ اهمیت پرداخت زکات و صدقات ، و جایگاه ویژه آن در میان تکالیف دینی

و یأخذ الصدقت

از اینکه خداوند خود را به عنوان دریافت کننده صدقه معرفی کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

بادیه نشینان و صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱،۵

۱ گروهی از بدویان بی فرهنگ در عصر بعثت ، انفاق (زکات و صدقات) را غرامت و تاوان تلقی می کردند .

و من الأعراب من یتخذ ما ینفق مغرماً

۵ نارضایتی و خشم شدید برخی از بادیه نشینان از انفاق های مالی و پرداخت مالیات به پیامبر (ص) و حکومت اسلامی

و من الأعراب . .. و یتربّص بکم الدوائر

تشویق به صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۸

۸ ترغیب گنهکاران از سوی خدا به توبه کردن از خطاهایشان و نیز دادن صدقه (زکات) در راه خدا و امیدوار بودن به پذیرفته شدن آن

أن اللّه هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

تقسيم صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۵۸ – ۵

۵ سياست گذاری امور مالی و اقتصادی جامعه

اسلامی (تقسیم صدقات ، نظارت بر آن و . . .) از شؤون پیامبر اسلام (ص)

و منهم من یلمزک فی الصدقت

تملیک صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

رهبران دینی و اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۳

۳ پیامبر (ص) و حاکم اسلامی ، موظف به گرفتن صدقه (مالیات شرعی) از مردم و منتظر نماندن برای اقدام خود مردم به پرداخت آن

خذ من أمولهم صدقه

به کارگیری امر <خذ> (بگیر) به جای مثلا <تقبل> حکایت از آن دارد که حاکم اسلامی نباید در انتظار پرداخت صدقه باشد; بلکه باید خود اقدام به أخذ آن کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۳

۳ گیرنده زکات در حقیقت ، خداست و پیامبر (ص) و حاکم اسلامی تنها وسایطند .

خذ من أمولهم صدقه . .. و يأخذ الصدقت

سرزنش بخل در صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ -

۶ بخل ورزیدن از پرداخت صدقات پس از برخورداری از مال و فضل الهی ، خصلتی است منفی و منافقانه .

فلما ءاتیهم من فضله بخلوا به

سهم عاملان صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۷

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء . .. > که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

سهم فقرا از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء . .. > که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

سهم مساکین از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا ، مساكين ، كارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالك سهم خويش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء . .. > كه براى افاده ملكيت مى باشد

استفاده شده است.

صدقات در راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

عاملان صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۹

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

عاملان صدقات در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۸

۸ وجود کارگزارانی در عصر پیامبر (ص) برای جمع آوری صدقات

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

فلسفه صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تمليک به ايشان .

و فی الرقاب . .. و ابن السبيل

با توجه به اينکه برای چهار مورد اخير، به جای لام ملکيت، حرف <فی> که بيانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۳ – ۷

۷ گرفتن صدقه (زکات) از خطاکاران نادم از سوی حاکم اسلامی باید به منظور تطهیر روح و تکامل معنوی آنان باشد .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

قبول صدقات تائبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۴ – ۴

۴ انفاق ها و صدقات گنهکاران توبه کننده ، مورد قبول و پذیرش پروردگار است .

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم . .. خذ من أمولهم صدقه ... و یأخذ الصدقت

قبول صدقات گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۳ – ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر (ص) از گنهکاران نادم ، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أمولهم صدقه . .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

گیرنده صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۴ – ۱۳،۱۴

۱۳ از امام صادق (ع) روایت شده که امام سجاد (ع) فرمود : < . . . ان الصدقه لاتقع فی ید العبد حتی تقع فی ید الرب و هو قوله < هو یقبل التوبه عن عباده و یأخذ الصدقت > ;

به تحقیق صدقه در دست عبد قرار نمی گیرد مگر اینکه [قبلا] در دست خدا

قرار گیرد و این سخن خداست که فرمود: اوست که توبه را از بندگان خود می پذیرد و صدقات را می گیرد>.

۱۴ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . الأخذ فی وجه القبول منه (اللّه عز وجل) کما قال : < و یأخذ الصدقات > ای یقبل ها من أهل ها و یثیب علی ها . . . ;

<اخذ> در یک وجه [به معنای] قبول از طرف خدای عز و جل می باشد، چنان که فرموده: <و یأخذ الصدقات>; یعنی صدقات را از اهل آن قبول می کند و برای آن ثواب می دهد . ..>.

متعلق صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۲۷

۲۷ از ابن عباس روایت شده است : < فرض رسول اللّه (ص) الصدقه . . . فی الذهب و الورق و الابل و البقر و الغنم و الزرع و الکرم و النخل . . . ;

رسول خدا (ص) صدقه را در طلا، نقره (پول رایج)، شتر، گاو، گوسفند، محصول (زراعت)، انگور و خرما واجب کرد . .. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۳ – ۲۷

۲۷ عبداللّه بن سنان گوید : امام صادق (ع) فرمود : < لما انزلت آیه الزکوه < خذ من اموالهم صدقه . . . > . . . فامر رسول اللّه (ص) منادیه فنادی فی الناس ان اللّه فرض علیکم الزکوه . . . ففرض اللّه عز

و جل علیهم من الذهب و الفضه و فرض الصدقه من الابل و البقر و الغنم و من الحنطه و الشعیر و التمر و الزبیب . . . و عفا لهم عما سوی ذلک . . . ;

چون آیه زکات نازل شد که <از اموال آنان صدقه بگیر . ..> رسول خدا (ص) به منادی خود دستور داد و او در بین مردم ندا داد که خداوند: بر شما زکات را واجب فرموده است; پس خداوند [زکات] را از طلا و نقره بر آنان واجب فرمود و نیز صدقه را از شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد ... و غیر اینها را برای مردم گذشت نمود ...>.

محمد(ص) و اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱،۳،۶

۱ فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گرفتن صدقه (زکات) از اموال مردم

خذ من أمولهم صدقه

۳ پیامبر (ص) و حاکم اسلامی ، موظف به گرفتن صدقه (مالیات شرعی) از مردم و منتظر نماندن برای اقدام خود مردم به پرداخت آن

خذ من أمولهم صدقه

به کارگیری امر <خذ> (بگیر) به جای مثلا <تقبل> حکایت از آن دارد که حاکم اسلامی نباید در انتظار پرداخت صدقه باشد; بلکه باید خود اقدام به أخذ آن کند.

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و ءاخرون اعترفوا بذنوبهم . .. خذ من أمولهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن

نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

محمد(ص) و تقسیم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۳

۳ تأیید صریح خدا نسبت به عملکرد پیامبر (ص) در مورد نحوه تقسیم صدقات میان مسلمانان

و لو أنهم رضوا ما ءاتیهم اللّه و رسوله

محمد(ص) و متعلق صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۴

۴ تعیین اموال متعلق صدقه (زکات) و مقدار آن ، بسته به نظر پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است .

خذ من أمولهم صدقه

نکره آمدن <صدقه> و عدم تعیین مقداری خاص از آن، احتمالا اشاره به این دارد که موارد فوق، مبتنی بر صلاحدید پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است.

مراد از اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . الأخذ فی وجه القبول منه (اللّه عز وجل) کما قال : < و یأخذ الصدقات > ای یقبل ها من أهل ها و یثیب علی ها . . . ;

<اخذ> در یک وجه [به معنای] قبول از طرف خدای عز و جل می باشد، چنان که فرموده: <و یأخذ الصدقات>; یعنی صدقات را از اهل آن قبول می کند و برای آن ثواب می دهد . ..>.

مسؤول

تقسیم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

مصارف صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۱۶،۱۹،۲۰،۲۵،۲۶

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّه و ابن ال

۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و . . .) ممنوع است .

إنما الصدقت للفقراء . .. و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای

لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۹ منحصر شدن مصارف صدقات از سوی خداوند در موارد هشتگانه (فقرا و . . .) نشأت گرفته از علم و حکمت اوست .

إنما الصدقت للفقراء . .. و اللّه علیم حکیم

۲۰ از امام صادق (ع) درباره قول خدای تعالی < إنما الصدقات . . . > روایت شده است که فرمود : < ان جعلت ها فیهم جمیعاً و ان جعلت ها لواحد اجزء عنک ;

صدقات را چه به مصرف همه هشت صنف برسانی و چه به مصرف یک صنف، مجزی است>.

۲۵ عبدالرحمان بن حجاج گوید : < ان محمد بن خالد سأل اباعبداللّه عن الصدقات قال : اقسم ها فیمن قال اللّه : و لا یعطی من سهم الغارمین الذین ینادون نداء الجاهلیه قلت : و ما نداء الجاهلیه ؟ قال : الرجل یقول : یا آل بنی فلان فیقع فیهم القتل و الدماء فلا یؤدی ذلک من سهم الغارمین و الذین یغرمون من مهور النساء . . . و لا الذین لا یبالون بما صنعوا من اموال الناس ;

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف]صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟ فرمود: شخصی ندا می کرد: <یا آل فلان> [و قبیله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار

و خونریزی واقع می شد. این خسارتها از سهم <غارمین> داده نمی شود و نیز بدهکاریهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد]>.

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول اللّه (ص) فسألوه أن یستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا : یکون لنا هذا السهم الذی جعله اللّه للعالمین علی ها فنحن أولی به ، فقال رسول اللّه (ص) یا بنی عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لی و لا لکم . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... >.

منافقان صدر اسلام و صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۵

۵ چشمداشت منافقان صدر اسلام به دریافت صدقات ، با وجود عدم استحقاق آنان

و منهم من یلمزک فی الصدقت فإن أعطوا منها رضوا . .. إنما الصدقت للفقراء ... و ابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۷

۷ بخل ورزی منافقان صدر اسلام از پرداخت صدقات ، روی گردانی از تعهد و اعراض از

قرار گرفتن در صف صالحان بود .

و منهم من عهد اللّه . ... و تولوا و هم معرضون

منافقان و تقسیم صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۶

۶ تصور غلط منافقان ، در مورد نبودن ملاک و معیار در تقسیم صدقات و انجام آن به دلخواه پیامبر (ص)

و منهم من یلمزک فی الصدقت . .. إنما الصدقت للفقراء ... و ابن السبیل

تعیین موارد مصرف زکات از سوی خدا، به عنوان رد منافقان عیبجو، اشعار به این دارد که: آنان گمان می کردند پیامبر(ص) در کار خویش به دلخواه و بی ملاک و معیار عمل می کند.

منافقان و صدقات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۵ – ۱

۱ پیمان بستن برخی از منافقان صدر اسلام با خدا مبنی بر پرداخت زکات و صدقه و قرار گرفتن در صف صالحان ، در صورت برخورداری از مال و فضل الهی

و منهم من عهد اللّه . .. و لنکوننّ من الصلحین

صدیقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صدیقان}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۶ – ۳

۳- حضرت ادریس (ع) ، از صدّیقان و دارای مقام نبوت بود .

إنّه کان صدّیقًا نبیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۶

۶ - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا (گواهان) ، قرار می گیرند .

و الذین ءامنوا باللّه و رسله

أَولئک هم الصدّيقون و الشّهداء

<شهيد> (مفرد <شهداء>) به معناى گواه است.

پاداش اخروى صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صديقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشى ويژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقديم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر مى كند؛ يعنى، پاداش آنان (صديقان و شهدا)، تنها از آنِ ايشان است و به كسى ديگر داده نمى شود.

تقرب صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۹ - ۷

۷ - صديقان و شهدا (گواهان) ، غنوده در جوار قرب الهى

هم الصدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

فضايل اخروى صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صديقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت داراى نورانيتى ويژه و مخصوص به خود هستند .

لهم . .. و نورهم

فضايل صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱،۱۰،۸،۷،۵،۴

۴ پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم . .. و الصالحین

تصریح به اسم جلاله <اللّه> در جمله <انعم اللّه علیهم>، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

۵ پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاصّ

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک مع الذین انعم اللّه

با توجّه به آیه قبل، که

اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و . .. قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

۷ پیامبری ، صدّیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ *

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. و الصّالحین

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم اللّه علیهم>، همان مقام نبوّت و . .. باشد.

۸ مقام برتر پیامبران بر صدّیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. و الصّالحین

ترتیب درجات از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

۱۰ مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک . .. الصالحین

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین و الصدیقین و الشّهداء و الصالحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۰ – ۳

۳ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضّل خاص الهی

من النبیّین و الصدیقین . .. ذلک الفضل من اللّه

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به انعام مستفاد از جمله <الذین انعم اللّه علیهم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۹ – ۷۸

۷ – صدیقان و شهدا (گواهان)

، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

۸ - صديقان و شهدا (گواهان) ، مورد عنايت و لطف ويژه خداوند

الصدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

اضافه <ربّ> به ضمير <هم> اضافه تشريفى و بيانگر توجه خاص و عنايت ويژه خداوند به صديقان و شهدا است.

نورانيت اخروى صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صديقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت داراى نورانيتى ويژه و مخصوص به خود هستند .

لهم . .. و نورهم

همنشينى با صديقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱،۶،۹،۱۲

۱ مصاحبت با پيامبران ، صدّيقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول (ص)

و من يطع اللّه و الرّسول . .. و الصّالحين

<صدّيق>، يعنى بسيار راستگو و شايد مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخى برآنند كه مقصود از صديقين، اولين كسانى هستند كه پيامبران را تصديق كردند و شاهدان، يا به معناى كشته شدگان در راه خدا و يا گواهان بر اعمال انسانها و يا عالمان واقعى دين است.

۶ پيروان خدا و رسول (ص) ، از همنشينان بهشتى پيامبران ، صدّيقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من يطع اللّه . .. فاولئك مع الذين انعم اللّه عليهم من النبيّين ... و الصّالحين

چون مصاحبت و همنشينى با پيامبران براى همه پيروان آنان در دنيا تحقق نمى يابد، بنابراين زمان آن، آخرت و مكانش

بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و . .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول . .. و حسن اولئک رفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۱،۲

۱ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم من النبیّین . .. ذلک الفضل من اللّه

بنابر اینکه <ذلک>، اشاره به معیّت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مبناست که <الفضل> خبر برای <ذلک> باشد.

۲ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، تفضّلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

فاولئک مع الّذین . .. ذلک الفضل من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۵

۵ مجاهدان راه خدا ، همنشین با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان

فاولئک مع الذین انعم اللّه علیهم . .. یا ایّها الّذین امنوا خذوا حذرکم

صدیقین

{صدیقین}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۰ – ۱۶

۱۶ – < قال رسول اللّه (ص) الصدیقون

ثلاثه : حبیب النجار مؤمن آل یاسین الذی قال < یا قوم اتّبعوا المرسلین . . . > . . . ;

از رسول خدا روایت شده که صدیقین سه نفرند: [اول]حبیب نجار همان مؤمن آل یاسین است که گفت: <یا قوم اتّبعوا المرسلین. ..>...>.

صراط مستقیم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صراط مستقیم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۴۲،۴۳

۴۲ هدف از بعثت انبیا و ارسال کتاب های آسمانی ، راهنمایی انسان ها به صراط مستقیم است .

فبعث اللّه . .. و اللّه یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

۴۳ خداوند هر که را بخواهد ، به صراط مستقیم هدایت می کند .

و اللّه یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۸،۹

۸ صراط مستقیم ، عبادت و پرستش خداوند است .

انّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم

۹ پرستش و عبادت خدا ، راهی است مستقیم به سوی او (کمال مطلق)

فاعبدوه هذا صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۵،۸

۵ تمسک به خدا و پیروی کامل از او ، عامل حتمی هدایت آدمی به صراط مستقیم

و من یعتصم باللّه فقد هُدی الی صراط مستقیم

فعل ماضی <هُدی> با صیغه مجهول، دلالت بر تحقق حتمی هدایت در صورت اعتصام به خدا دارد.

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن) و ارسال پیامبران ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

و

انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله و من یعتصم باللّه فقد هُدی الی صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ هدایت به صراط مستقیم ، نتیجه عمل به احکام و مواعظ الهی

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و لهدیناهم صراطا مستقیما

۲ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و رضایت از حکم وی و تسلیم او بودن ، از عوامل هدایت و دستیابی به صراط مستقیم است .

حتی یحکّموک . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون به . .. >، همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است; یعنی پذیرش حاکمیت پیامبر (ص) و...

۳ دستیابی به صراط مستقیم ، در سایه جانبازی ، هجرت ، فداکاری و تحمل مشکلات در راه خدا *

و لو انّا کتبنا . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون به> همان هجرت و جهاد باشد که در آیه ۶۶ مطرح شده است.

۴ هدایت به صراط مستقیم و دستیابی به آن ، نتیجه ثبات و پایداری در ایمان

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثبیتاً. و اذاً ... و لهدینا

در برداشت فوق، جمله <و لهدیناهم>، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

۶ خداوند ، هادی انسان ها به صراط مستقیم

و لهدیناهم صراطاً مستقیما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۵

۵

پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاصّ

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع اللّه و الرّسول فاولئک مع الذین انعم اللّه

بـا توجّه به آیه قبـل، که اطاعت کننـدگان را راه یافته به صـراط مسـتقیم می دانـد و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و . .. قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۱،۱۰،۷،۶

۶ خداوند ، مؤمنان متمسک به او را ، به راه مستقیم هدایت می کند .

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. و یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

۷ صراط مستقیم ، راه و روشی است که آدمی را به خدا برساند و به سوی او راهنما شود .

و یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

در برداشـت فـوق <صـرطاً مسـتقیماً> عطـف بیـان برای <الیه> گرفته شـده است، یعنی راه هـایی که به <اللّه> ختم شـود، صراط مستقیم است.

۱۰ هدایت به راه راست و رسیدن به خدا در گرو ایمان به خداوند و تمسک به وی

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

۱۱ هدایت به راه راست و رسیدن به خداوند ، در گرو ایمان به وی و تمسک به قرآن و پیامبر (ص)

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۳

۳۳ اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران

و نصرت آنان ، انفاق در راه خدا و وفاداری به پیمان های او ، راه میانه است .

لئن اقمتم الصلوه . .. سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۵،۱۶،۱۷،۱۹

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صرط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

۱۶ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صرط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم> خدا باشد. نیاوردن قید <باذنه>، مؤید این احتمال است.

۱۷ هدف نهایی انبیا ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم

یهدیهم إلی صرط مستقیم

از اینکه به هنگام شمارش اهداف رسالت، هدایت به صراط مستقیم در آخر آمده است، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا . .. یهدیهم إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ ایمان به آیات الهی، صراط مستقیم است.

و الذین کذبوا . .. من یشإاللّه یضللّه و من یشأ یجعله علی صرط مستقیم

برداشت فوق از قرینه مقابله استفاده شده است. یعنی وقتی تکذیب آیات خداوند گمراه ساختن باشد، نقطه مقابل آن که ایمان به آیات است صراط مستقیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۱،۲

۱ اسلام و

روحیه تسلیم در برابر پروردگار، صراط مستقیم اوست.

هذا صرط ربک مستقیما قد فصلنا الأیت

<هذا> می تواند اشاره با <للاسلام> در آیه پیشین باشد.

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۳،۴

۳ توحید در عبادت و یکتاپرستی ، دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهک للدین حنیفاً و لاتکونن من المشرکین

۴ اسلام ، دین حنیف و تنها راه مستقیم و بی انحراف برای بشریت است .

أقم وجهک للدین حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۱

۱- عبودیت و پاک بودن از هرگونه ناخالصی ، صراط مستقیم الهی است .

إلاّ عبادک منهم المخلصین . قال هذا صرط علیّ مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۹

۹- پرستش خدای یگانه و اعتقاد به توحید ربوبی ، صراط مستقیم است .

و إنّ اللّه ربّی و ربّکم فاعبدوه هذا صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۳ – ۱۶

۱۶- بندگی خدای یکتا ، راه راست ، معتدل و به دور از افراط و تفریط است .

أهدك صرطًا سویًّا

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - راه پیامبراسلام ، راهی مستقیم و به دور از کژی و انحراف

علی صرط مستقیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که عبارت <علی صراط. ..> خبر دوم برای <إنّ> و به تقدیر <إنّک لعلی صراط المستقیم> باشد; یعنی، قطعاً تو بر راهی راست قرار داری.

۲ - راه پیامبران الهی ، راهی مستقیم و به دور از کژی و انحراف

علی صرط مستقیم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که <علی صراط. ..> متعلق به <المرسلین> و به تقدیر <الذین اُرسلوا علی صراط مستقیم> باشد; یعنی، قطعاً تو از جمله آن کسانی هستی که بر صراط مستقیم فرستاده شدند.

۳ - ادیان الهی و شریعت اسلام ، راهنمای انسان ها به راه راستِ بی هیچ کجی و انحرافی

إنّک لمن المرسلین . علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۲

۲ - عبادت خداوند و پرهیز از اطاعت شیطان ، صراط مستقیم الهی

أن لاتعبدوا الشیطن . .. و أن اعبدونی هذا صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۵

۵ - راه پیامبران ، راه مستقیم و بی انحراف

و هدینهما الصرط المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - توحید ، صراط مستقیم ، به سوی معبود هستی

أنّما إلهکم إله وحد فاستقیموا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۷۸

۷

– راه پیامبر (ص) ، راهی مستقیم و به دور از هرگونه کژی و انحراف

إنّک علی صرط مستقیم

۸ – تمسک جویندگان به قرآن و وحی ، در صراط مستقیم الهی اند .

فاستمسک بالذی . .. إنّک علی صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۱ – ۱۱

۱۱ – راه وحی و پیامبر (ص) ، تنها راه مستقیم و به دور از کژی و انحراف است .

و اتّبعون هذا صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۴ – ۹

۹ – عبودیت و بندگی انسان به درگاه پروردگارِ یگانه ، تنها راه مستقیم و طریق رستگاری است .

فاعبدوه هذا صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۲ – ۲

۲ – راه اسلام ، راهی هموار ، مستقیم و دارای مقصدی روشن

أمّن یمشی سویًّا علی صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۸ – ۷

۷ – راه خدا ، راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط و اعوجاج است .

لمن شاء منکم أن یستقیم

<استقامه> به معنای اعتدال و استواء است. (لسان العرب)

آثار اعراض از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حقگرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی . .. حنیفا و ما أنا من المشرکین

آثار سلوک صراط مستقیم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۸ – ۲

۲ – تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منکم أن یستقیم

ابلیس و صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۶ – ۵

۵ ابلیس، معترف و معتقد به مستقیم بودن صراط الهی

لأقعدن لهم صرطك المستقیم

اختلاف در صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۴ – ۸

۸– اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربّك لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

ارزش صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۶ – ۱۸

۱۸ صراط مستقیم ، راهی والاتر از سبل السلام و نیازمند هدایتی ویژه

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم . .. و یهدیهم إلی صرط مستقیم

مقدم داشتن هدایت به <سـبل السـلام> بر هدایت به <صراط مستقیم>، گویای این است که برای رسیدن به صراط مستقیم باید از <سبل السلام> گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۲

۲ صراط مستقیم، ارجمند و با عظمت است.

و هدینهم إلى صرط مستقیم. ذلک هدى الله

استقامت در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۳ - ایمان به آخرت ، اهرم پایبندی انسان به ارزش های الهی و صراط مستقیم

و إنّك لتدعوهم إلى صرط مستقيم . و إنّ الذين لايؤمنون بالأخره عن الصرط لنكبون

اقرار ابلیس به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۵

۵ ابلیس، معترف و معتقد به مستقیم بودن صراط الهی

لأقعدن لهم صرطك المستقيم

انحراف از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ شرک ، انحراف از دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أن أقم وجهك للدين حنيفاً و لاتكونن من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۶

۶ - پیروی از دعوت های شیطان ، انحراف از راه مستقیم است .

و ما هو بقول شيطن . .. لمن شاء منكم أن يستقيم

اهمیت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۶

۶ صراط مستقیم، مرتبه ای عالی در مسیر هدایت است.

و هدینهم إلی صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۰ – ۵

۵– اطاعت و تسلیم هر چه بیشتر در برابر خدا و بر راه مستقیم و معتدل بودن ، عامل ارجمندی فزون تر انسان نزد او

إن إبرهیم کان أُمّه قانتًا لله حنیفًا

باز گشت به صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۱ – ۱۳،۱۶

۱۳ – فلسفه

از دست رفتن امکانات دنیوی ، در پی گناه ، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است .

ظهر الفساد فی البرّ . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار ، به صراط مستقیم ، حتی پس از تنبّه دادن شان قطعی نیست .

لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است; یعنی می خواهد بگوید: <امید است که بازگردند. >.

ثابت قدمان در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۰

۱۰- تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم ، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد .

و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

توصیف امر کننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤولیت است.

حقیقت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۲

۲ - < صراط مستقیم > همان راه خداوند است .

صرط مستقیم . صرط اللّه

دعوت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۱۲

-۱۲

دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لایقدر علی شیء . .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل. ..> و <أحدهما أبکم ... لایأت بخیر> به دست آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- عیسی (ع) ، دعوت کننده مردم به صراط مستقیم

هذا صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دعوت کننده راستین مردم ، به راه مستقیم

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم

دوری از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- کفر به ربوبیت خداوند ، گمراهی است و از صراط مستقیم فاصله بسیاری دارد .

الذین کفروا بربّهم . .. ذلک هو الضلل البعید

زمینه سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ - پیمودن صراط مستقیم ، نیازمند هدایت الهی است .

و هدينهما الصرط المستقيم

از اين كه خداونـد به عنوان امتنـان بر موسـى و هـارون (عليهماالسـلام) مسأله اعطاى صـراط مسـتقيم را مطرح فرمود، مى توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان ، نيازمند امداد هاى مادى و معنوى خداوند ، براى حركت مداوم در

طریق دین و ارزش ها

لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

تعبیر <لتکون. ..> اخباری است که حکایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از <یهدیکم> که به صورت فعل مضارع آمده استفاده می شود.

زمینه هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انذار ، دو نیاز ضروری بشر ، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إنّا أرسلنك . .. و مبشّرًا و نذیرًا

برداشت یاد شده بااستفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریع و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انذار، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم . .. و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

<آیه> به معنای معجزه است؛ زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

سالکان صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ انسانها بر اساس طینت اولی خویش سالکان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف –

۱۱ - ۱۷ - ۷

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم . .. لاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۹

۹ - برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

و إذا غشيهم موج . .. دعوا اللّه ... فلمّا نجّيهم إلى البرّ فمنهم مقتصد

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۴

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدينهما الصرط المستقيم

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

و لقد مننّا على موسى و هرون . .. و هدينهما الصرط المستقيم

۴ - در صراط مستقیم بودن ، از ویژگی های رسولان الهی

و هدينهما الصرط المستقيم

سلوك در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۷،۱۴

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه

۱۴ سلوک در صراط مستقیم (عمل به قوانین دین) و پرهیز از حرکت در راههای غیر الهی، توصیه خدا به انسانهاست.

ذلکم وصیکم به

سلوک صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۱ – ۳

۳ – بودن در صراط مستقیم ، خواسته و آرمان انسان ها

است .

و أن اعبدونی هذا صرط مستقیم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که جمله <هذا صراط مستقیم>، تعلیل برای امر به عبادت (أن اعبدونی) باشد و چون تعلیل باید به امری مسلّم و روشن انجام گیرد. پس بودن در صراط مستقیم برای آدمی، امری مسلّم و پذیرفته شده است.

سهولت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۴

۴ - صراط مستقیم الهی ، راهی آسان و هموار و بدون پیچیدگی و دشواری است .

و اللّه یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

برخی از اهل لغت در فرق <سبیل> و <طریق> با <صراط> آورده اند که: <صراط> تنها به راهی گفته می شود که آسان و هموار باشد و از هر گونه پیچیدگی و دشواری منزه باشد (فروق اللغه).

عوامل استقامت در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۴

۴ - راه یابی انسان به راه راست و پایداری بر پیمودن آن ، در گرو تصمیم و خواست خود او است .

لمن شاء منکم أن یستقیم

واژه استقامت، در معنای مداومت و ثابت قدم بودن نیز به کار می رود. (نهایه ابن اثیر)

عوامل هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۵

۵- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا ، حق گرایی ، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) در هدایت

شدنش به < صراط مستقیم >

إن إبرهیم کان أُمّه قانتًا لله حنیفًا و لم یک من

المشركين . شاكرًا لأنعمه اجتبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۸ – ۴

۴ – راه یابی انسان به راه راست و پایداری بر پیمودن آن ، در گرو تصمیم و خواست خود او است .

لمن شاء منكم أن يستقيم

واژه استقامت، در معنای مداومت و ثابت قدم بودن نیز به کار می رود. (نهایه ابن اثیر)

فرجام صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۳ – ۱۲

۱۲ – < اللّه > ، هدف نهایی < صراط مستقیم >

إلی صرط مستقیم . .. ألا إلی اللّه تصیر الأُمور

فطریت صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۱ – ۱۲

۱۲ – انسان به سرشت خویش جستجوگر راه راست است . *

و اتّبعون هذا صرط مستقیم

برداشت بالا بدین احتمال است که تعبیر <هذا صراط مستقیم> پاسخی به روح جستجوگر آدمی باشد.

گرایش به صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۹ – ۸

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی . .. حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنـای حنیف می گویـد: <حنف> تمایـل به اسـتقامت و دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شـریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ... > محسوب می شود.

گمراهی از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف

۲ - ۱۶ - ۷ -

۲ ابلیس به تلافی گمراه شدن خویش، با کمین کردن در صراط مستقیم، بر گمراه کردن مردم مصمم شد.

فبما أغویتنی لأقعدن لهم صرطك المستقیم

کلمه <باء> در <فبما أغویتنی> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۵

۵- پرستش شیطان ، انحراف از راه راست و متعادل است .

فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا . .. لاتعبد الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸ - شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلاینزعنّک فی الأمر و ادع إلی ربّک إنّک لعلی هدًی مستقیم

مراد از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۷،۸،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۷ - یکتاپرستی و تنها از خدا یاری جستن ، < صراط مستقیم > است .

إیاک نعبد و إیاک نستعین. إهدنا الصرط المستقیم

<ال> در <الصراط> می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به حقایقی باشد که در آیات پیشین مطرح شده، و از آنهاست یکتاپرستی و تنها از خدا استعانت جستن.

۸ - ایمان به خدا و صفاتش ، < صراط مستقیم > است .

الحمد للّه رب العلمین . .. إهدنا الصرط المستقیم

از حقایقی که <الصراط المستقیم> می تواند به آنهااشاره داشته باشد، ایمان به خدا و ربوبیت او و . .. است که از <الحمد للّه> تا <مالك یوم الدین> به دست می آید.

۱۳ – از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . < . .

. الصراط المستقيم > صراط الأنبياء و هم الذين أنعم اللّه عليهم ;

. .. <صراط المستقيم> راه انبیاست و آنانند که خداوند به آنها نعمت بخشیده است>.

۱۴ - < عن رسول اللّه (ص) أنه قال :] فی قول اللّه عز و جل [< إهدنا الصراط المستقيم > دین اللّه الذی نزل به جبرئیل (ع) علی محمد (ص) . . . ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که]درباره سخن خدای عز و جل[<إهدنا الصراط المستقيم> فرمود:]مراد از صراط مستقیم [دین خداست که جبرئیل آن را برمحمد (ص) نازل کرده است. ..>.

۱۵ - < عن رسول اللّه (ص) و عن علی (ع) فی معنی < صراط المستقيم > انه کتاب اللّه ;

از رسول خدا (ص) و علی (ع) روایت شده که مراد از <صراط المستقیم> کتاب خداست>.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است که : < الصراط المستقيم > أميرالمؤمنين علی (ع) ;

<صراط مستقیم> (راه) امیر المؤمنین علی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - < عن جعفر بن محمد (ع) قال : قول اللّه عز و جل فی الحمد < صراط الذين أنعمت عليهم > ; يعنی ، محمداً و ذريته صلوات اللّه عليهم ;

از امام صادق (ع) درباره <صراط الذین أنعمت علیهم> در سوره حمد روایت شده که مراد از <الذین أنعمت علیهم> حضرت محمد (ص) و ذریه او می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ حمران: سـمعت أبا جعفر(ع) یقول: فی قول الله تعالی: <و أن هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل> قال: علی (بن ابی طالب) و الائمه من ولد فاطمه، هم صراط الله فمن أباهم سلک السبل.

امـام بـاقر(ع) دربـاره صـراط در آیـه فـوق <و أن هـذا صـراطی . .. > فرمـود: مراد، علی بـن ابی طـالب(ع) و امامـان از نسـل فاطمه(س) هستند، هر کس از آنان دوری کند به راههای غیر الهی رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۶

۶ < عن رسول اللّه (ص) < الصراط المستقیم > الاسلام ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که <صراط مستقیم> اسلام است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ < عن علی ابن أبی طـالب (ع) فی قـوله < إن ربی علی صـراط مسـتقیم > یعنی انه علی حـق یجزی بالإحسـان إحسانـاً و بالسّیء سیّئاً و یعفو عمن یشاء و یغفر سبحانه و تعالی ;

از علی(ع) درباره قول خـدای تعالی <إن ربی علی صـراط مسـتقیم> روایت شده که معنای آیه این است: پروردگار بر طریق حق است، نیکی را به نیکی و بدی را به بدی پاداش می دهد و او که منزه و بلند مرتبه است از هر کس بخواهد می گذرد و او را می آمرزد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۴

۴- < عن سلام

بن المستنیرالجعفی قال : دخلت علی أبی جعفر (ع) . . . قال : قلت : ما قول الله عزّوجلّ فی کتابه : < قال هذا صراط علیّ مستقیم > قال : صراط علی بن أبی طالب (ع) . . . ;

از سلام بن مستنیر جعفی روایت شده است که گفت: وارد بر امام باقر(ع) شدم و گفتم: مقصود از سخن خداوند عزّوجلّ در کتابش چیست که می فرماید: <قال هذا صراط علیّ مستقیم>؟ فرمود: [این راه]، راه علی بن ابی طالب(ع) است. ..>.

منشأ سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۱

۱ - تصمیم انسان به آموختن و پیمودن راه راست ، در گرو اراده و خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلّا أن یشاء اللّه

مفعول محذوف <و ما تشاءون> به قرینه آیه قبل تعبیری نظیر <أن تستقیموا> است.

منشأ سهولت سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، پیمودن راه طاعت و حرکت در راه راست را ، برای انسان ها آسان ساخته است .

ثمّ السبیل یسّره

<ال> در <السبیل> بیانگر ماهیت است. کلمه <السبیل> گرچه مطلق است، ولی به قرینه سیاق آیه که در مقام بیان معذور نبودن کافران است مراد راه طاعت خداوند است.

منشأ هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۵

۵ - هدایت شدن هر کسی به صراط مستقیم الهی ، به

مشیت و خواست خداوند بستگی دارد .

و اللّه یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

موارد صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱،۲،۳،۱۷

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

۲ نیکی به پدر و مادر، عدالت در داد و ستد، پایبند بودن به پیمانهای الهی و به عدل سخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

و بالولدین إحسناً . .. و أن هذا صرطی مستقیماً

۳ احکام و قوانین الهی، صراط مستقیم است.

و أن هذا صرطی مستقیماً

۱۷ عن رسول الله(ص): . .. معاشر الناس أنا صراط الله المستقیم الذی أمرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم ولدی من صلبه ائمه یهدون إلی الحق ... .

از رسول خدا(ص) روایت شده است: . .. ای مردم! من راه مستقیم خداوند هستم که (خداوند)، به پیروی از آن دستور داده و بعد از من، علی و فرزندان من از نسل وی امامانی هستند که مردم را به سوی حق دعوت و هدایت می کنند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۷

۷ دین اسلام، راهی است مستقیم، بدون کجی و انحراف

هدينى ربى إلى صرط مستقيم دينا قيما

<دينا> عطف بيان و يا بدل براى <إلى صراط>

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۴ – ۱۲

۱۲ – توحید و یکتاپرستی ، راه هدایت و صراط مستقیم

أنّه الحقّ من ربّک . .. و إنّ اللّه ... إلی صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۷ – ۹

۹ – توحید و یکتاپرستی ، راه هدایت و صراط مستقیم است .

و ادع إلی ربّک إنّک لعلی هدًی مستقیم

موانع صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۸ – ۵

۵ وابستگی به دنیا و بی اعتنایی به مواعظ الهی و پیروی نکردن از احکام پیامبر (ص) ، مانعی برای نیل به صراط مستقیم

فلا و ربّک . .. و لو انّا کتبنا ... و لو انّهم فعلوا ... و لهدیناهم صراطا مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۲ – ۳

۳ – پیروی از شیطان ، عامل انحراف و بازماندن از صراط مستقیم

و اتّبعون هذا صرط مستقیم . و لایصدّنّکم الشیطن

وحدت صراط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ - صراط مستقیم و راه راست ، تنها یک راه است .

هذا صرط مستقیم

ویژگیهای صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۷

۷ - < صراط مستقیم > راهی است به سوی خدا که هرگز به انحراف و کجی نمی گراید .

إهدنا الصرط المستقیم. صرط الذین انعمت

علیهم

از توصیف <الذین . ..> به وسیله <غیر المغضوب ...> معلوم می شود که مراد از <صراط الذین ...> راهی است که هرگز بـه انحراف و کجی نمی گرایـد و همیـن راه به صـراط مسـتقیم نامیـده شـده است ; زیرا <صـراط الـذین> عطـف بیـان برای <الصراط المستقیم> است.

هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۴

۴ خدا ، رهنمون انسان ها به راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط است .

و یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۴،۶،۸

۴- خداوند ، حضرت ابراهیم (ع) را به < صراط مستقیم > هدایت کرد .

هده إلی صرط مستقیم

۶- انسان ، نیازمند به هدایت الهی در راهیابی به < صراط مستقیم >

هده إلی صرط مستقیم

۸- کسب فضایل معنوی و کوشش خودِ انسان ، مؤثر در توفیق یافتن او بر بودن در < صراط مستقیم >

إن إبرهیم کان أُمّه قانتًا لله حنیفًا . .. هده إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۳

۳- قرآن ، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۶ – ۱۰

۱۰– راه یابی به صراط مستقیم ، هدف اصلی از عبادت خداوند است .

فاعبدوه هذا صرط مستقیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ –

مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۴،۱۵

۱۴- آگاهی های ویژه حضرت ابراهیم (ع) ، هدایت گر انسان ها به راه راست و به دور از افراط و تفریط

إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

<سویّ> به چیزی گفته می شود که از افراط و تفریط مصون باشد(مفردات راغب). و < صراطاً سویّاً>، یعنی راهی که از تعادل کامل برخوردار و از افراط و تفریط به دور باشد.

۱۵- پیامبران ، انسان ها را به راه تام و کامل و به دور از افراط و تفریط هدایت می کنند .

فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ - پیامبر (ص) ، شخصیتی ره یافته به صراط مستقیم

إنّک لعلی هدًی مستقیم

۱۱ - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلی ربّک إنّک لعلی هدًی مستقیم

جمله <إنّک لعلی هدًی مستقیم> تعلیل برای <و ادع إلی ربّک> است؛ یعنی، چون تو برطریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۶

۶ - ابزار حسی و تعقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم . .. أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نور - ۲۴ - ۴۶ - ۳،۶

۳ - خداوند ، هدایت گر انسان ها به صراط مستقیم (راه معتدل ، میانه و متناسب)

و اللّه یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

<استقامت> (مصدر <مستقیم>) به معنای <اعتدال> و <استواء> است. به متوسط بین دو حال از نظر کمی و کیفی، بلندی و کوتاهی، سردی و گرمی و... <اعتدال> گویند و نیز هر شیء متناسب را، معتدل خوانند (لسان العرب).

۶ - آیات الهی (قرآن) ، بیانگر صراط مستقیم الهی و رهنمون کننده به این راه است .

لقد أنزلنا ءایت مبیّنت و اللّه یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

خداوند متعال، در توصیف آیاتش فرمود: <آیات روشنگر>; ولی متعلق روشنگری را (این که چه چیز را روشن می سازد) بیان نفرمود; ولی ذیل آیه (و اللّه یهدی. ..) می تواند قرینه باشد که متعلق آن، صراط مستقیم الهی و هدایت به این راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، هدایت کننده انسان ها به راه درست است .

و هو یهدی السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدینهما الصرط المستقیم

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام)

و لقد مننّا علی موسی و هرون . .. و هدینهما الصرط المستقیم

۳ - پیمودن صراط مستقیم ، نیازمند هدایت الهی است .

و هدینهما الصرط المستقیم

از این که

خداوند به عنوان امتنان بر موسی و هارون (علیهماالسلام) مسأله اعطای صراط مستقیم را مطرح فرمود، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلی سواء الصرط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۲،۱۴

۱۲ - پیامبر (ص) ، هدایت کننده انسان ها به صراط مستقیم

و إنّک لتهدی إلی صرط مستقیم

۱۴ - پیامبر (ص) ، نشان دهنده صراط مستقیم به انسان ها و خداوند توفیق دهنده آنان به حرکت در مسیر آن

نهدی به من نشاء من عبادنا و إنّک لتهدی إلی صرط مستقیم

تأمل در تفاوت دو هدایت، بیانگر معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۱،۶،۷

۱ - پیامبراکرم (ص) ، هادی و رهنمای انسان ها به راه خداوند است .

و إنّک لتهدی إلی صرط مستقیم . صرط اللّه

<صراط اللّه> بدل از <صراط مستقیم> در آیه قبل است; یعنی، <و إنّک لتهدی إلی صراط اللّه>.

۶ – تنها خداوند (مالک تمام هستی) ، می تواند راه راست و به دور از انحراف و گمراهی

را ترسیم کند .

صرط اللّه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

۷ - مکاتب غیر الهی ، عاجز و ناتوان در تعیین راه صحیح و درست برای جوامع انسانی

صرط مستقیم . صرط اللّه الذی

از این که <صراط مستقیم> به صراط خداوند، تعبیر شده است، می توان استفاده کرد که اندیشه شرک و دیگر مکاتب غیر الهی، نمی تواند راه صحیح را به انسان ارائه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۱،۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، در مراحل مختلف زندگی خویش ، بهره مند از هدایت های الهی به سوی راستی و درستی

و یهدیک صراطًا مستقیمًا

۱۱ - پیامبر (ص) ، نیازمند هدایت الهی ، برای رهنمون شدن به راه راست و صلاح

و یهدیک صرطًا مستقیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۳

۳ - هدایت انسان به راه راست و آسان ساختن سلوک آن ، مهم تر از آفرینش اندام او است .

ثمّ السبیل

حرف <ثمّ> برای تراخی است و چنانچه جمله <ثمّ السبیل یسّره>، تفسیر جمله <قدّره> و بیان گوشه ای از تقدیرات الهی درباره انسان باشد; مراد تراخی رتبی خواهد بود; یعنی، آنچه بعد از ثمّ ذکر شده است، والاتر و ارجمندتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۳

۳ - قرآن ، هدایت گر مردم به راه راست

لمن شاء منكم أن يستقيم

<استقامه> در مورد انسان به معنای ملازمت او با راه راست است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱،۲،۵،۶،۹

۱ - درخواست هدایت به صراط مستقیم ، مهمترین خواسته انسان عارف به مقام الهی است .

الحمد للّه . .. إیاک نستعین. إهدنا الصرط المستقیم

چنانچه <اهدنا الصراط المستقیم> در ارتباط با <الحمد للّه رب العالمین . ..> ملاحظه شود، حاوی این پیام است که انسان پس از شناخت خدا هدفش سلوک در صراط مستقیم خواهد بود; یعنی، همان راهی که خداوند منتهی الیه آن است.

۲ - لزوم دعا به درگاه الهی برای دستیابی به صراط مستقیم

إهدنا الصرط المستقیم

۵ - درخواست هدایت به < صراط مستقیم > شایسته ترین مورد برای استعانت از خدا

إیاک نستعین. إهدنا الصرط المستقیم

اگر <اهدنا. ..> در ارتباط با <إیاک نستعین> در نظر گرفته شود، بیانگر این معناست که هدایت به صراط مستقیم بالاترین موردی است که آدمی در نایل شدن به آن، نیازمند یاری خداوند می باشد.

۶ - انسان بدون یاری شدن از جانب خدا ، از راهیابی به صراط مستقیم ناتوان است .

إهدنا الصرط المستقیم

۹ - هدایت همگان به صراط مستقیم ، آرمان انسان موحد است .

إهدنا الصرط المستقیم

به کارگیری <اهدنا> (ما را هدایت کن) به جای <اهدنی> (مرا هدایت کن) حاوی نکته ای است که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۳،۸

۳ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند است .

صرط الذین انعمت علیهم

اطلاق نعمت و اراده کردن نعمت هدایت، بیانگر این است که گوینده، نعمتهای دیگر را در مقابل نعمت هدایت، نعمت به حساب نمی آورد،

و این، حکایت از والایی نعمت هدایت دارد.

۸ - الگوهاو نمونه های عینی راه یافتگان ، دارای نقشی مهم در نیل به صراط مستقیم و سلوک در آن است .

إهدنا الصرط المستقیم. صرط الذین انعمت علیهم

از اینکه <صراط مستقیم> به راه انسانهای هدایت یافته تفسیر شده، می توان به این نکته رسید که انسان در نیل به صراط مستقیم نیازمند الگوها و نمونه های عینی راه یافتگان است و باید سالکان این طریق را بیابد و به ایشان اقتدا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۲،۱۴،۱۵

۱۲ - قبله شدن کعبه ، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم . .. یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

جمله <للّه المشرق . ..> بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملک خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی ...> اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

۱۴ - خداوند ، هدایت کننده انسان ها به صراط مستقیم است .

یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

۱۵ - هدایت انسان ها به صراط مستقیم ، هدف از تشریع دین و جعل احکام از سوی خداوند است .

ما ولیهم عن قبلتهم . .. یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۸،۹

۸ پذیرش آیات خداوند، زمینه تعلق مشیت وی بر هدایت انسان به راه مستقیم

و الذین کذبوا بأیتنا . ..

یجعله علی صرط مستقیم

۹ عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

یجعله علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۴

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

۴ پیامبران، برگزیدگان خداوند و رهیافتگان به صراط مستقیم هستند.

و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۱،۳،۴،۵

۱ دست یافتن به صراط مستقیم، هدایت ویژه خداوند است.

و هدینهم إلی صرط مستقیم. ذلک هدی الله

۳ راه یافتن به صراط مستقیم منوط به مشیت خداوند است.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

۴ خداوند از میان بندگان خود، رهنوردانی برای طی صراط مستقیم بر می گزیند.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

۵ عبودیت به درگاه خداوند، زمینه و شرط رهیابی به صراط مستقیم است.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۷

۷ نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

کذلك نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین ... هدینه إلی صرط مستقیم ... ءاتینهم الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۶ – ۸

۸ توجه

به آیات و سنتهای خداوند و به یاد آوردن پیوسته آنها زمینه دستیابی به صراط مستقیم است.

و هذا صرط ربک مستقیما قد فصلنا الأیت لقوم یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ پیامبر(ص) هدایت یافته به صراط مستقیم

إننی هدینی ربی إلی صرط مستقیم

صفات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صفات

آثار جهل به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۳

۱۳- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

أو لم یروا أن الله الذی . .. قادر علی أن یخلق مثلهم

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

آثار شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ شناخت خداوند و صفات او ، مایه امیدواربودن به رحمت و یاری اوست .

و أعلم من الله ما لاتعلمون . .. و لاتأیئسوا من روح الله

آثار صفات اخلاقی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۷ – ۱۲

۱۲ – تأثیر خصلت های درونی و روحیات انسان ، در دیدگاه و شناخت وی

کذلك زيّن لفرعون سوء عمله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۶ – ۹

۹ – انگیزه ها و خصلت های درونی انسان ها ، عامل تأثیرگذار در مجموعه رفتار ها و شکل دهنده چگونگی آنها

إنّ الذين يجدلون فى ءايت اللّه بغير سلطن

أتیهم إن فی صدورهم إلّا کبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۳ – ۷

۷ – ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

آثار صفات انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۰ – ۱۵

۱۵– رفتار انسان متأثر از خصلت های درونی اوست .

لأمسکتم . .. و کان الإنسن قتورًا

احکام اسما و صفات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۵ – ۱۴

۱۴– از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمیًّا

چنان که گفته شد، <سمیّ> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

اختلاف در صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اختلاف اهل کتاب با مسلمانان ، درباره خدا و صفات او *

و الذین یحاجّون فی اللّه

بنابراین

که مراد از <الذین> اهل کتاب و <فی اللّه> خداوند و صفات او باشد، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

اسما و صفات در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۳

۳- ذکر صفت های خداوند (صفات کمال و جمال) از آداب دعا به درگاه اوست .

ربّنا إنک تعلم ما نخفی و ما نعلن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱،۴

۱- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

۴- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

أیًّاما تدعوا فله الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

انذار از صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۰ – ۱

۱– پیامبر (ص) ، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمه ربّی إذًا لأمسکتم

اهمیت صفات جمال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه –

۲۰ - ۳۴ - ۵

۵ - برطرف ساختن افکار انحرافی مردم در باره خداوند ، مقدم بر بیان صفات ثبوتی او است .

کی نسبّحک کثیرًا . و نذکرک کثیرًا

در کلام موسی(ع)، تسبیح که ابطال عقاید ناروا است بر ذکر خدا مقدم شده است، بنابراین رتبه تخلیه، مقدم بر تحلیه است.

ایمان به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۷

۷ - ایمان به خدا و صفات او ، مایه باور به حضور همگان در پیشگاه اوست .

الحمد للّه رب العلمین . .. إیاک نعبد

تغییر اسلوب کلام در سوره حمد، یعنی التفات از غیبت به خطاب حاوی نکاتی است، از جمله اینکه آدمی پیش از آگاه شدن به صفات خدا مانند ربوبیت او بر هستی و . .. گویا احساس نمی کند که خداوند بر همه چیز حاضر و ناظر است؛ ولی پس از باور به ربوبیت او و سایر صفاتش، خود و دیگران را در محضر خدا می یابد و او را در همه شؤونات حاضر می بیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۸

۸ - ایمان به خدا و صفاتش ، < صراط مستقیم > است .

الحمد للّه رب العلمین . .. إهدنا الصرط المستقیم

از حقایقی که <الصراط المستقیم> می تواند به آنهااشاره داشته باشد، ایمان به خدا و ربوبیت او و . .. است که از <الحمد للّه> تا <مالک یوم الدین> به دست می آید.

بهترین صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ -

نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۸،۹،۱۰

۸- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

و لله المثل الأعلی

۹- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم . .. کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت

۱۰- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

عبارت <و لله المثل الأعلی> در مقام جواب به نسبت نارواییی است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست; در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۵

۵- تنها خداوند ، دارای اسمای حسنی (بهترین نام ها) و برخوردار از برترین صفات

أیًّاما تدعوا فله الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۳

۳ - بهترین نام ها و اوصاف ، از آن خدای یگانه و زیبنده او است .

له الأسماء الحسنی

<الأسماء> جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و <الحسنی> اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحیم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و

زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

بی نظیری صفات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۷ – ۷،۱۲،۱۴

۷ – در نظر همه کائنات ، خداوند ، دارای صفات والا و بی مانند است .

و له المثل الأعلی فی السموت و الأرض

مراد از <المثل> صفات و شؤون و کمالات است.

۱۲ – عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

و له المثل الأعلی . .. و هو العزیز الحکیم

۱۴ – عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر بازآفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثمّ یعیده و هو أهون علیه و له المثل الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۸ – ۱۹

۱۹ – شریک قرار دادن موجودات مخلوق برای خداوند ، با بی همتایی او و داشتن عالی ترین صفات ، ناسازگار است .

و له المثل الأعلی . .. ضرب لکم مثلاً ... هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء ...

پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۰ – ۲

۲– پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پرسش از صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادی عنی فإنی قریب

تجلی

صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۲۴

۲۴ قابلیّت ، شرط بهره مندی از تجلّی صفات الهی

و استغفر لهم الرّسول لوجدوا اللّه توّاباً رحیماً

جمله <لوجدوا اللّه> به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیّتی در آنان نباشد، <توّاب> و <رحیم> بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود ; نه اینکه خداوند <تواب> و <رحیم> نیست.

تذکر صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمه ربّی إذًا لأمسکتم

تعدد اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۳

۳- صفات و اسمای متعدد خداوند ، به تعدد در مسمّی و به شرک در ذات او منجر نمی شود .

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أیًّاما تدعوا فله الأسماء الحسنی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که آیه، درصدد جواب مشرکان باشد که خوانده شدن خداوند با <الله> یا <رحمان> را، به معنای تعدد در مسمّی و ذات او می گرفتند.

تغییر صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۵

۵ - خداوند ، می تواند انسان ها را خوی فرشتگی بخشد و آنان را مطیع و فرمانبر خویش قرار دهد .

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه فی الأرض یخلفون

برداشت یاد شده

بنـابراین نکته است که مراد از <لجعلنا منکم ملائکه> این باشـد که، می توانیم خوی عصـیان و طغیان را از شـما باز گیریم و شما را همانند ملائکه مطیع و فرمانبردار خود قرار دهیم. علامه در <المیزان> این احتمال را پذیرفته اند.

تقدیر صفات جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۶

۶ - توانمندی های انسان و ویژگی های جسمی ، اخلاقی و رفتاری او ، دارای میزانی تعیین شده از سوی خداوند

فقدّره

حـدّ نهـایی و انـدازه هر چیزی را <قـدر> آن می گوینـد (مقـاییس اللغـه). بنـابراین، تقـدیر; یعنی، انـدازه و مقـدار چیزی را مشخص ساختن.

تکذیب صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من یدع مع اللّه . .. إنّه لایفلح الکفرون

<کافرون> می تواند در مقابل <مؤمنون> باشد و یا در مقابل <شاکرون>. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

توسل به اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا *

ربّنا إنّک رءوف رحیم

ذکر اوصاف متعدد خداوند (ربّ، رؤوف و رحیم) در این آیه که رهنمودی است به دعا کنندگان بیانگر مطلب یاد شده است.

خدا و صفات ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱ – ۱،۴

۱ – تسبیح

خداوند و دور نگه داشتن نام های او از اوصاف ناروا ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

سبّح

۴ - نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سبّح اسم ربّک

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: ۱. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست; ۲. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست; ۳. سلب نکردن صفات نیکو از آن; ۴. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او; ۵. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۳

۳- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزّه بودن او از نسیان

و ما کان ربّک نسیًّا . ربّ السموت والأرض و ما بینهما

ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما کان ربّک نسیًّا . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

ذکر صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللّهمّ فاطر السموت . .. علم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۲،۶

۲ - ذکر اوصاف خداوند و توجّه همیشگی به آنها ، از آثار تزکیه است .

تزکّی . و ذکر اسم ربّه فصلّی

شناخت اسم، بدون شناخت مسمّی حاصل نمی شود (مفردات راغب) و نمی توان تکلم به الفاظی را که ذهن برای آن معنایی تصور نکرده است، <ذکر اسم> نامید. بنابراین یاد نام های خداوند، ملازم با یاد محتوای آنها است که بر ویژگی های او دلالت دارند. عطف این آیه بر <تزکّی> در آیه قبل، بیانگر مقدمه بودن تزکیه برای <ذکر اسم> است.

۶ - یاد نام و اوصاف خداوند ، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است .

و ذکر اسم ربّه فصلّی

ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۹

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقرأ باسم ربّک

حرف <باء> در <باسم ربّک>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجّه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

زمینه ادراک صفات خدا

- فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - مطالعه جهان طبیعت ، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است .

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّه . .. و هو علی کلّ شیء قدیر

زمینه تنزیه اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سبّح اسم . .. الذی خلق فسوّی

شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۵

۵ - میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند (چون رازقیت او) برای انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته اند، برداشت یاد شده به دست می آید; زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقدور و میسر است.

صفات آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۲

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لایسمعون حسیسها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۷ – ۲،۴

۲ – آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهیقًا

مطلب یاد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۴ – آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هی تفور

صفات

ابابيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فيل - ۱۰۵ - ۳ - ۵

۵ - < عن أبی مريم عن أبی جعفر (ع) قال سألته عن قول اللّه عزّوجلّ < و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترميهم بحجاره من سجّيل > قال : كان طير سافٌّ جاءهم من قِبَل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطير مع كلّ طائر ثلاثه أحجار فی رجليه حجران و فی منقاره حجر فجعلت ترميهم بها حتّی جُدِّرَتْ أجسادهم فقتلهم [فقتلتهم خل] بها . . . ;

ابی مريم گويد: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و أرسل عليهم طيراً أبابيل . ترميهم بحجاره من سجّيل> سؤال كردم حضرت فرمود: پرندگانی كه در سطح پايين پرواز می كردند از جانب دريا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال های آنها نيز مثل چنگال های پرندگان درنده بود و با هر پرنده سه سنگ [بود]; دو سنگ در پاهايش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا اين كه در بدن های آنان آبله پديدار شد كه با همان سنگ ها آنان را نابود كردند>.

صفات ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۷،۸

۷ - ابراهيم (ع) ، انسانی حق گرا و گريزان از باطل

مله إبرهيم حنيفاً

<حنيف> به كسی گفته می شود كه از ضلالت روی برتابد و به طريق مستقيم روی آورد. (مفردات راغب)

۸ - ابراهيم (ع) ، هرگز به شرك گرايش

پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما کان من المشرکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۴ – ۱۵

۱۵ ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و بردبار بود .

إن إبرهیم لأوّه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: <لأوّاه الدعاء>: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۲ – ۵

۵- پذیرش مهمان هر چند که ناشناس باشد از خلق و خوی ابراهیم (ع) بود .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه ... قال إنا منکم وجلون

ترس و اضطراب ابراهیم(ع) از حضور مهمانان (إنا منکم وجلون) نشان می دهد که آنان برای ابراهیم(ع) ناشناخته بودند و اگر آن حضرت آنان را می شناخت هراس برنمی داشت. پذیرش مهمان ناشناخته گویای برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۷ – ۶

۶- حضرت ابراهیم (ع) از جهت فرایند جسمی و حالات روحی و نیز در روابط موجود میان انسان ها ، همانند سایر مردم بود .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. قال إنا منکم وجلون ... مسّنی الکبر ... قال فما خطبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۱ – ۱

۱- شکرگزاری در برابر نعمت های الهی ، از اوصاف و ویژگی های حضرت ابراهیم (ع)

إن إبرهيم كان . .. شاكرًا لأنعمه

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۳ – ۲

۲ – ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

و إنّ من شیعته لإبرهیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که لازمه پیرو بودنِ ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

صفات اخرویمنافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۸ – ۶

۶ – ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیحلفون له کما یحلفون لکم

صفات اشراف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۳ – ۶

۶ – تجلی خوی استکباری ، در موضع گیری اشراف علیه دعوت انبیا

لقد وعدنا . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

به ریشخند گرفتن دعوت پیامبران و افسانه خواندن آن، بیانگر مطلب یاد شده است.

صفات اشراف قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۴ – ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذين كفروا

صفات اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۳

۳ - تکذیب و گمراهی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

و أمّا إن كان من المكذّبين الضالّين

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف <المکذّبین الضالین> آمده است.

صفات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۴ – ۳

۳ – حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

کلّ ما جاء أُمّه رسولها کذّبوه

صفات انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۷ – ۱۴،۱۵

۱۴ – پیامبران ، از مسخره کردن و به بازیچه گرفتن مردم ، منزهند .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

۱۵ – پیامبران ، منزه از کردار های جاهلانه هستند .

قال أعوذ باللّه أن أکون من الجهلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۷ – ۳

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۱

۱ ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

<یغلّ> از ماده غلول و غَلل، به معنای خیانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹،۱۷

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لکم ربی

۱۷ امیدوار ساختن مردم به مغفرت و رحمت الهی و بخشوده شدن گناهانشان ، شیوه ای پسندیده و از خصلت های پیامبران است .

سوف أستغفر لکم ربی إنه هو

الغفور الرحيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۷ – ۱۴

۱۴- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمنّك واهجرنی . .. سأستغفر لك ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۴

۴- پیامبران ، برخوردار از خصلت های بشری

إذ ذهب مغضبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۳ – ۵

۵ – تسلیم و انقیاد در برابر فرمان های خداوند ، صفتی بس ارزشمند و پیامبرگونه

فلمّا أسلما و تلّه للجبین

برداشت یادشده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام تمجید از دو انسان والا و پیامبران الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۲ – ۵

۵ – صالح بودن ، برجسته ترین صفت پیامبران الهی

نبیًّا من الصلحین

توصیف اسحاق(ع) به صالح بودن در حالی که پیامبران دارای اوصاف پسندیده دیگری نیز هستند می رساند که صالح بودن مهم ترین و برجسته ترین صفت برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۱ - ۳

۳ - عبودیت و بندگی خدا ، برجسته ترین صفت رسولان الهی

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

یاد کردن از پیامبران با صفت <عبادنا> پیش از صفت <مرسلین>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۲

۲ - پیامبران ، از نظر خصوصیات و ویژگی های انسانی

همانند دیگر انسان ها هستند .

إنّک میّت و إنّهم میّتون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که یادآوری رحلت پیامبر(ص)، می تواند به خاطر این باشد که برخی از مردم، عقیده داشتند که پیامبر(ص) نباید بمیرد و باید حیات جاودانه و یا عمر طولانی داشته باشد. بر این اساس آیه شریفه، پیام آور این حقیقت کلی و عام است که همه انسان ها حتی پیامبران از نظر خصوصیات انسانی مانند روبه رو شدن با مرگ یکسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۸

۸ - ایمان به هدف و پایبندی به آرمان های خویش ، از خصوصیات پیامبران است .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - شهامت و شجاعت در ابلاغ رسالت ، از صفات برجسته پیامبران الهی

و لقد أرسلنا . ..فقال إنّی رسول ربّ العلمین

از این که موسی(ع) در کانون قدرت ستمگر عصر خویش، یک تنه نوای توحید سر می دهد و نیز با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا استفاده می شود.

صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و . . .)

خلق الإنسن من عجل . .. یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <و یقولون متی . ..> عطف بر

جمله <سأوریکم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لاتتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۸

۸ - انسان ، موجودی برخوردار از اختیار انتخاب راه نجات یا هلاکت خویش

و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

آوردن کلمه <بأیدیکم> (با دستان خویش) رسای به این است که آدمی در نجات و هلاکت خویش، برخوردار از انتخاب و اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۸

۸ قدرت و حکومت ، خصلت های درونی انسان را نمایان می سازد .

و اذا تولی سعی فی الأرض لیفسد فیها و یهلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۶

۶ بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خداوند و کار های خیر

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۶ – ۱۶

۱۶ محدودیّتِ توانِ انسان

و لا تحمّلنا ما لا طاقه لنا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۳ – ۱۱

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و

التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفیه لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۵

۵ بشر در دستیابی به خواسته ها و تمایلات خود ، موجودی عجول و ناشکیباست .

و لو یعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخیر

<الخیر> به معنای هر چیز خوب و دلخواه است و <استعجال> منصوب به نزع خافض می باشد و تقدیر آن <کاستعجالهم بالخیر> است; یعنی، اگر خداوند نیز همانند انسانها که در رسیدن به خواسته های خود عجول و ناشکیبا هستند بی درنگ به مجازات بزهکاران می پرداخت و . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۳

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۳ – ۳،۴،۵

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر الحق

۴ انسان ، عنصری سست پیمان و عهدشکن

لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

۵ انسان ، موجودی بیدادگر و خودکامه

إذا هم یبغون فی الأرض بغیر الحق

<بغی بنا حق> کنایه

از ستم کردن به دیگران و تجاوز به حقوق آنان است. به کار گیری فعل مضارع (یبغون) که مفید استمرار است بیانگر وجود خوی خودکامگی و قانع نبودن به حق خود و تجاوز به حقوق دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۲،۵،۶

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلها و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

۵ علاقه و دلبستگی شدید انسان به نعمتهایی که در اختیار دارد .

ثم نزعنها منه

کلمه <نزع> به معنای کندن است. به کار گیری این کلمه در سلب نعمت ، برای رساندن دلبستگی شدید انسان به موهبتهای دنیوی است.

۶ انسان از نظر روحی و روانی ، موجودی ضعیف و ناتوان است .

و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه إنّه لیئوس کفور

ذوق (ریشه لغوی أذقنا) به معنای چشیدن غذا برای درک مزه آن است. قرآن، اعطای نعمت را به چشانیدن غذا تشبیه کرده است تا به این نکته اشاره کند که: انسان از نظر روحی و روانی، ضعیف است به گونه ای که حتی با دستیابی به اندکی

از موهبتهای دنیوی و از دست دادن آن، نمی تواند خویشتن داری کند و سرانجام به کفر و ناامیدی کشیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۳،۱۴

۱۳- انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

<ظلوم> و <كفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۴،۵

۴- انسان ، موجودی مجادله گر و ستیزه جو درباره خالق خویش است .

فإذا هو خصيم

<خصم> (مصدر <خصیم>) به معنای جدال و منازعه است (لسان العرب). درباره متعلق <خصیم> دو احتمال وجود دارد:B۱ متعلق آن خداوند باشد. ۲ حذف متعلق قرینه عمومیت و اطلاق باشد; یعنی، خصیم بودن از خصوصیات انسان است. برداشت فوق به قرینه صدر آیه گذشته که از خداوند خالق سخن می گوید بنابر احتمال اول است.

۵- جدال و ستیزه جویی ، از جمله ویژگی های انسان است .

فإذا هو خصيم مبين

برداشت فوق، بر طبق احتمال دوم در متعلق خصیم است; یعنی، متعلق خصیم حذف شده تا دلالت کند که انسان پیوسته سعی در جدال و ستیزه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۳،۷

۳- انسان ، در برابر خبر های ناگوار انفعال پذیر است .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا

۷- توانمندی انسان بر فرو خوردن خشم و کنترل احساسات خویش

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا و هو کظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۴

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۴- سرشت انسان ، آمیخته با عجله و شتابزدگی است .

و کان الإنسن عجولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۴

۴- خصلت های درونی آدمی ، پایه رفتار و کردار اوست .

و لاتمش فی الأرض مرحًا

<مرحاً> حال برای ضمیر فاعلی <لاتمش> است و بر تأثیر آن حالت، در رفتار و راه رفتن دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۹،۱۰

۹- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و کان الإنسن کفورًا

<کفور> صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جمله <و کان الإنسان کفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۱،۶

۱– انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

<نئا> به معنای <بَعُـد> (دوری می شود) است و <أعرض و نئا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

۶– انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به <مسّه الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۰ – ۴،۵،۱۳،۱۴

۴– انسان ها ، حتی با مالك بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار ، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمه ربّی إذًا لأمسکتم خشیه الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و کان الإنسان قتوراً) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملکون) تمامی انسانها باشند.

۵– انسان ها ، هر چند دارای ثروت و مکنت فراوان باشند ، باز هم گرفتار بخل بوده و دست از آن برنمی دارند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمه ربّی إذًا لأمسکتم خشیه الإنفاق

۱۳– انسان ها ، دارای روحیه خست و بخلند .

و کان الإنسن قتورًا

<قتور> صیغه مبالغه از <قتر> به معنای خودداری از پرداخت نفقه و اکتفا کردن به حداقل و قُوت ناچیز است (مفردات راغب).

بخل ، دارای ریشه در نهاد بشر و خصلتی نیرومند در نوع انسانها

و کان الإنسن قتورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۶،۷

۶- انسان ، مجادلگرترین موجود هستی است .

و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

<جدل> یعنی: <گفتوگو به گونه نزاع و برتری طلبی> (مفردات راغب). البته، غالباً، جدال، در جایی به کار می رود که این نزاع و گفتوگو، با سخنان باطل و بی اساس باشد.

۷- انسان ، موجودی مباحثگر و نیازمند مشاهده دلایل و بیان های مختلف برای پذیرش حق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

بیان مجادلگری انسان، پس از اشاره به ارائه مثال ها و بیان های مختلف در قرآن، گویا به این نکته اشاره دارد که برای این موجود مجادلگر، سخن بسیار و با طرح های مختلف باید گفته شود تا او قانع شده و به راه هدایت، رهنمون گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۱،۲

۱- طبیعت آدمی ، بسیار عجول و شتابزده است .

خلق الإنسن من عجل

تعبیر <انسان از شتاب آفریده شده> کنایه از این است که شتاب در سرشت آدمی عجین شده است; وگرنه انسان از نطفه و . .. آفریده شده است; نه از شتاب.

۲- آدمی تحت تأثیر گرایش های طبیعی انسانی قرار دارد ; نه صرفاً متأثر از شرایط بیرونی .

خلق الإنسن من عجل

از این که خلقت بشر از خمیر مایه عجله و شتاب دانسته شده است، استفاده می شود که انسان ها فقط از شرایط

و محیط خارجی (جامعه، تربیت و. ..) تأثیر نمی پذیرند، بلکه غرایز انسانی نیز در آنان مؤثرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند ; نه از منطق و برهان .

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۵

۵ - انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحیاکم . .. إنّ الإنسن لکفور

<کفور> صیغه مبالغه و مشتق از ریشه <کفر> است. <کفر> گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین <کفور> در جمله یاد شده، می تواند در مقابل <شکور> (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۹

۹ انسان ، موجودی نیکو گزین و در اندیشه به دست آوردن بهترین ها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

خداوند، مردم را به گزینش بهترین راه و روش زندگی، با مقایسه میان دو نوع طرز تفکر و روش زیستن، فراخوانده است. این فراخوانی، گویای این نکته است که گزینش بهترین و برترین، امری طبیعی و مشترک میان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۱۰ - ۵۱ -

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم یستبشرون ... و لئن أرسلنا ریحًا ... من بعده یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۲

۲ - انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزّقّوم

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است; ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۴،۵

۴ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیبًا إلیه

<إنابه> (مصدر <منیباً>) به معنای رجوع است و <منیباً إلیه>; یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

۵ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه منیبًا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۴

۴ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۱۳

۱۳ – ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن أکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۹ – ۴

۴ – سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها (شرور)

و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱

۱ – غرور و خودبینی آدمی ، پس از رفع گرفتاری و رسیدن به کمترین رفاه

و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضرّاء مسّته لیقولنّ هذا لی

<رحمت> به قرینه <ضرّاء> کنایه از رفاه و آسایش است. از تنکیر <رحمه> که برای تقلیل است و نیز از واژه <أذقنا> (چشاندیم) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۱ – ۶

۶ – انسان ، موجودی کم ظرفیت در ملایمات و ناملایمات

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض . .. و إذا مسّه الشرّ فذو دعاء عریض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۱۵،۱۶

۱۵ – انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوته بین و ناسپاس است .

و

إنّا إذا أذقنا . .. و إن تصبهم ... الإنسن کفور

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوته نظری او است.

۱۶ - انسان ، گرفتار تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها و إن تصبهم سیّئه . ..فإنّ الإنسن کفور

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند; گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است; ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۹

۹ - خصلت های روحی انسان ، دارای تأثیر عمیق بر شناخت های وی *

مستکبِرًا کأن لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً>، در صورتی که مشعر به علیت باشد، می فهمانند که <کبر> به عنوان یک روحیه و خصلت بر دریافت های معرفتی و حسّی انسان تأثیر می گذارد و چه بسا آن را خنثی می کند (کأن لم یسمعها).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۴

۴ - انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها *

لکلّ أوّاب حفیظ

واژه <أوّاب> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و

نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۴

۴ - لزوم توجه به روحیه تنوع طلب انسان ، در راستای انگیزش او به سوی ارزش ها *

ذواتا أفنان

از این که خداوند برای ترغیب انسان ها به ایمان و حق پذیری، بر نعمت های متنوع تکیه کرده است، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۸

۸ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا اللّه . .. یضعف لهم و لهم أجر کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - انسان ، موجودی بس بی صبر و

ناشکیبا

إنّ الإنسن خلق هلوعًا

<هلوع>، در دو معنا به کار می رود: ۱ جزوع (بی صبر و ناشکیبا)**;** ۲ حریص و آزمند (العین). برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

۲ - انسان ، موجودی حریص و آزمند

إنّ الإنسن خلق هلوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - انسان هنگام مبتلا شدن به شرّ و بدی ، بسیار بی صبر و ناشکیبا است .

إذا مسّه الشرّ جزوعًا

<جزع> ضد صبر است**;** یعنی، بی صبری و ناشکیبایی (العین و قاموس المحیط).

۲ - بی صبری و ناشکیبایی در برابر بدی ها و شرور ، از ویژگی های انسان است .

إذا مسّه الشرّ جزوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعًا

۲ - بخلورزی و خودداری از رسیدن خیر به دیگران ، از ویژگی های انسان

و إذا مسّه الخیر منوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۵ – ۲

۲ – انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ يطمع أن أزيد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۵ – ۶

۶ – انسان ها ، هنگام برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فأمّا الإنسن إذا . ..

نعّمه فيقول ربّى أكرمن

اکرام در فعل های <أكرمه> و <أكرمن>، به یک معنا نیست; زیرا لحن آیه شریفه گوینده <ربّى أكرمن> را نکوهش کرده; با آن که اکرام را در <أكرمه> پذیرفته است. بنابراین در <أكرمه> مراد <رساندن نفع بدون خواری و ذلت> است که در <مفردات راغب> از معانی اکرام شمرده شده و در <أكرمن> مقصود <با عظمت شمردن و بی عیب دانستن> است که در <قاموس> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۱

۱ - رفتار برخی از انسان ها ، بسان کسی است که خود را شکست ناپذیر و تواناترین موجود می پندارد .

أيحسب أن لن يقدر عليه أحد

فاعل <یحسب> ضمیری است که به <الإنسان> در آیه قبل برمی گردد و به قرینه آیات بعد، روی سخن با مؤمنان حقیقی نیست; بلکه کافران و یا آنها و منافقان مورد نظر هستند. بنابراین باید گفت: عموم <الإنسان>، یا عموم عرفی است و مراد بیشتر مردمی است که در زمان نزول این آیات، در مکه بوده و از زمره مؤمنان حقیقی نبودند و یا ارجاع ضمیر به آن، به صورت استخدام بوده و تنها بخشی از افرادِ مرجع ضمیر، مقصود هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۱۰

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسن لربّه لكنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند.

اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۱۰ – < قال رسول اللّه (ص) : < إنّ الإنسان لربّه لكنود > قال : لكفور الذی يأكل وحده ، و يضرب عبده و يمنع رِفْدَه ;

رسول خدا(ص) [آيه] <إنّ الإنسان لربّه لكنود> را تلاوت كرده فرمود: [<لكنود> يعنی]ناسپاس، همان كه به تنهايی غذا می خورد و غلام خود را می زند و از بخشش امتناع میورزد>.

صفات اولوا الالباب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۲ – ۷

۷ – شرح صدر و برخورداری از نور و برهان های الهی ، از اوصاف صاحبان عقل و خردناب است .

لكن الذين اتّقوا . .. إنّ فی ذلك لذكری لأُولی الألبب . أفمن شرح اللّه صدره للإ

برداشت ياد شده بر اين ديدگاه استوار است كه آيه شريفه، تفريع بر دو آيه پيشين بوده و بيان برای آن دو باشد كه در اوصاف تقواپيشگان و صاحبان عقل و خردناب است.

صفات اولياء الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۶۳ – ۱

۱ ايمان و تقواپيشگی ، از صفت اوليای خداست .

ألا إن أولياء اللّه . .. الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۷۴ – ۳

۳– پذيرفتن عذرخواهی خطاكاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اوليای الهی است .

لاتؤاخذنی بما نسيت . .. فانطلقا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغبًا و رهبًا و کانوا لنا خشعین

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۴،۵

۴ - نترسیدن از مرگ و مشتاق لقای خدا بودن ، نشان اولیا و دوستان خداوند است .

فتمنّوا الموت

۵ - خداوند توسط پیامبر (ص) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود (این که آنان دوستان خدایند) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یأیّها الذین هادوا. .. فتمنّوا الموت إن کنتم صدقین

صفات اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دلبستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . .. إذا هم فیه مبلسون

<حتّی> غایت برای <ما یتضرّعون> و <فتح> (مصدر <فتحنا>) به معنای گشودن است. <إبلاس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است; یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از

عذاب سخت (بسيار دردناك) بر[روى] آنان بگشاييم. به ناگاه ايشان در آن[حال، از هر سبب نجات بخشى]نوميد خواهند شد.

صفات اهل كتاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۳،۴

۲ شادمانى عالمان اهل كتاب از كتمان حقايق كتب آسمانى براى مردم

و اذ اخذ اللّه ميثاق . .. و لا تكتمونه ... لا تحسبنّ الّذين يفرحون بمآ اتوا

برخى برآنند كه مراد از <الّذين>، اهل كتاب هستند ; چنانچه در آيه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان كتمان حقايق و پشت سر انداختن كتابهاى آسمانى و ميثاق الهى است.

۳ خودپسندى و شهرت طلبى عالمان اهل كتاب

لا تحسبنّ الّذين يفرحون بمآ اتوا و يحبّون ان يحمدوا بما لم يفعلوا

۴ شادمانى عالمان اهل كتاب از بيان برخى حقايق كتاب هاى آسمانى (آنچه با دنياخواهى آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الّذين يفرحون بمآ اتوا

مراد از <مآ اتوا>، مى تواند بيان حقايقى از كتاب باشد كه به قرينه <و اشتروا به ثمناً>، با دنياطلبى آنان برخوردى نداشته است.

صفات اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۵

۵- مردم شهرى كه موسى و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمى دور از خوى مهمان دوستى و غريب نوازى ، دور بودند .

فأبوا أن يضيّفوهما

صفات اهل يقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و

لجاجت پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّنا الأیت لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صـداقت پیامبر به همگان ارائه شـده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

صفات بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۵

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

صفات برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، گروهی نیرومند ، کارآمد و عهده دار رتق و فتق امور پدرشان یعقوب بودند .

و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

<عصـبه> به جماعتی گفته می شود که تعـداد آنان از ده نفر افزون تر باشـد و با یکدیگر پیوند داشـته و هم دیگر را پشتیبانی کننـد. لازمه این معنا نیرومنـد و کارآمـد بودن آن گروه است. رابطه جمله <و نحن عصـبه> با خطا پنداشـتن محبت افزون تر یعقوب به یوسف و بنیـامین، گویای این است که: برادران یوسف، نیرو و توان خویش را در جهت منافع یعقوب(ع) به کار می بردند و امور او را سامان می دادند.

صفات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۶۳ - ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا ، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحیط)؛ که در در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۲ مشی و راه رفتن بندگان خالص خدا ، در کمال وقار و آرامی ، و به دور از سرعت و شتابزدگی است .

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا ، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <یبیتون>) به معنای شب زنده داری است؛ چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۵ – ۶،۸

۶ بندگان خالص خدا ، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابها کان غرامًا

برداشت فوق، بـا توجه به این نکته است که بنـدگان خالص خـدا، با آن که مردمی شب زنـده دار و عابدانـد، اما باز از عـذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

۸ بندگان خالص خدا ، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابها کان غرامًا

برداشـت یـاد شـده بـا تـوجه به این نکته است که عـذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمـان است. بنـابراین ترس عبادالرحمـان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۷ – ۱،۲

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شـریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاسـتن از اموال است; چه آن که این اموال برای زندگی شخصـی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قتر> (مصدر <یقتروا>) به معنای

سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳،۷

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لایقتلون النفس التی حرّم اللّه إلاّ بالحقّ

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلایند .

و لایزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱،۳،۵،۷،۹

۱ بندگان خالص خدا ، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد ، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن . .. و الذین لایشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشیء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می

گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذكّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

فعل <خرّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا ـ به پایین است (لسان العرب) و <صمّاً> و <عمیاناً> حال برای فاعل <یخرّوا> است. گفتنی است فعل <لم یخرّوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

۲ پندپذیری و درس آموزی از آیات الهی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا ذكّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۴ – ۱،۴،۱۳،۱۴،۱۶

۱

بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

درباره <من> در <من أزواجنا. ..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد>. ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۴ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

۱۳ بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانشان ، الگو و مقتدای مردم تقواپیشه باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقواپیشگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقواپیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای بالایی برخوردارند حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقواپیشگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقواپیشگان، شایسته باشند.

۱۶ بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود

از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن يعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلى اللّه

<إنابه> (مصدر <أنابوا>) به معنای رجوع است و <أنابوا إلى اللّه>; یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

صفات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۷

۷ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، ویژگی ها و خصوصیات روحی اسلاف و گذشتگان خویش را دارا بودند .

إذ قلتم يموسى لن نصبر على طعام وحد

نسبت دادن کردارها و گفتارهای گذشتگان بنی اسرائیل به بنی اسرائیل عصر بعثت و گفتن <إذ قلتم> به جای <إذ قالوا> گویای این است که: بنی اسرائیل عصرهای بعد در روحیات و رفتارهای اجتماعی، همسان گذشتگان خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۴

۲۴ - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

و أنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله <و أنتم معرضون> (شما]از عهدها و پیمانها [رویگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به

سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنّا لن ندخلها . .. قال رجلان من الذين يخافون انعم اللّه عليهما ادخلوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۰ – ۷

۷ بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. کلما جاءهم رسول بما لاتهوی انفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۶ – ۸

۸ – بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. أضلّهم السامریّ ... ألم یعدکم ربّکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است؛ به نظر می رسد آنان از بینش و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۱ – ۴

۴ – بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح . .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع)

و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

صفات بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۵ – ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۳ – ۲،۱۲

۲ ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا . .. و جنّه عرضها السّموات و الارض

۱۲ بهشت موعود اهل تقوا ، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از <عرض>، وسعت باشد، نه عرض مقابلِ طول.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۱۰،۱۲

۱۰ بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۵ – ۱۱

۱۱

بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

<نعیم> به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۳،۴،۵

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن <جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

۴- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جنّت تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن <جنات> می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

۵- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۵

۵- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جنّت عدن . .. لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ – < عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال : إنّ اللّه خلق الجنّه . . . و لم ترها عین و لم یطلع علیها مخلوق . . . و هو قول اللّه تعالی : < فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین > ;

از امـام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: خداونـد، بهشت را آفریـد و هیـچ چشـمی آن را ندیـده و هیـچ مخلوقی از آن آگاه نگشته است . .. و آن، این سخن خداوند است که می

فرماید: فلاتعلم نفس ما أَخفی لهم من قرُّه أعین>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۱ – ۷

۷ – اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تتنزّل علیهم الملئکه . .. و أبشروا بالجنّه ... و لکم فیها ما تدّعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۴

۴– جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۵ – ۱

۱ – بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۷

۷ – بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۴ – ۲

۲ - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

<دانیه> از ریشه <دُنُوّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانیه علیهم ظلالها>; یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۶

۶ -

بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّت تجری من تحتها الأنهر

حرف <من> برای ابتـدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوسـتان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه <اشجار>، مراد از <من تحتها>، <من تحت اشجارها> باشد.

صفات بهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۹ – ۸

۸ حسـین بن میسـرقال: سألت أبا عبدالله(ع) عن جنه آدم(ع) فقال: جنه من جنان الدنیا تطلع فیها الشـمس و القمر و لو کانت من جنان الآخره ما خرج منها أبدا.

حسـین بن میسـر گوید از امام صادق(ع) درباره بهشت آدم سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که خورشـید و ماه در آن طلوع می کرد و اگر از باغهای بهشتی بود، هرگز آدم(ع) از آن خارج نمی شد.

صفات بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۱۳

۱۳ عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

و قالوا الحمد للّه الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۲ – ۵

۵– بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًّا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق

صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشیّ> نظریات گوناگونی ابراز شده است; از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۱

۱ - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عین

صفات بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض. .. قالوا للذین کرهوا ... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیماردلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

صفات پدیده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ عن الرضا(ع): إن إبراهیم(ع) وقع إلی ثلاثه اصناف، صنف یعبد الزهره . .. <فلما جن علیه اللیل> فرأی الزهره، قال <هذا ربی> علی الانکار و الاستخبار <فلما افل> الکوکب <قال لا احب الآفلین> لأن الافول من صفات المحدث لا من صفات القدم ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخود کرد ; گروهی که ستاره زهره را می پرستیدند ... <چون شب، ابراهیم(ع) را فروگرفت> و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> و چون ستاره غروب کرد گفت: <غروب

کنندگان را دوست ندارم> ; زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم ... .

صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۹،۱۵

۹ تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

۱۵ مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان ، از خصلت های نیکو و پسندیده است .

فما لبث أن جاء بعجل حنیذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۵

۵ بردباری ، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجّه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او ، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إن إبرهیم لحلیم أوّه منیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۶

۶ رعایت عفّت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتی ارزشمند و نیکوست .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

<بالغیب> (در نهان) می تواند حال برای ضمیر فاعلی و نیز برای ضمیر مفعولی در <لم أخنه> باشد. بنابراین <لم أخنه بالغیب> ; یعنی، به او خیانت نکردم آن گاه که وی [از چشم ما] نهان بود و یا من از

او در نهان بودم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ مهمان نوازی ، خصلتی نیک و ارزشمند است .

ألا ترون . .. أنا خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و حوادث تلخ ، خصلتی زیباست .

فصبر جمیل

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد. احتمال دیگر در ترکیب <فصبر جمیل> این است که <صبر> خبر برای مبتدایی محذوف و جمیل صفت برای <صبر> باشد ; یعنی، [امری] صبر جمیل و یا [صبری] صبر جمیل و یا ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین . .. لاتثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ یاری به خویشان و وابستگان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های نیکوکاران است .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاكاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیكو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لكم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۷

۲۷

گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطا های ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۲ – ۱۰،۱۲،۱۴

۱۰ انفاق کردن خصلتی نیکوست چه پنهانی انجام گیرد و چه آشکارا .

أنفقوا مما رزقنهم سرًّا و علانیه

۱۲ انجام دادن کار های شایسته به جبران بدی ها و گناهان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. والذین ... یدرءون بالحسنه السیئه

<درأ> (مصدر یدرءون) به معنای دفع کردن و برطرف کردن است. مراد از <السیئه> می تواند بدیها و گناهانی باشد که شخص نیکوکار مرتکب شده و محتمل است مقصود از آن بدیها و ستمهایی باشد که دیگران در حق او انجام داده اند، برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۴ خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین ... یدرءون بالحسنه السیئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره ۱۲ آورده شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۲ – ۲

۲– سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر ، از آداب و اخلاق پسندیده

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۶

۲۶– مواسات و بهرهوری گروهی ، از اموال

هم ، از اوصاف پسندیده مردان الهی است .

بورقکم هذه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۴ – ۲۳

۲۳– یاد خداوند ، در صورت فراموش کردن کاری و انتظار کمک از او برای شناسایی و انجام دادن کاری بهتر ، خصلتی پسندیده و مورد فرمان او است .

واذکّر ربّک إذا نسیت و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشدًا

<هذا> در برداشت بالاـ اشاره به مفعول محذوف <نسیتَ> است و مفاد آیه، این است که: <هرگاه، کاری را فراموش کردی، یاد خدا کن و بگو: <امید است که پروردگارم، مرا، به کاری مفیدتر از این، راهنمایی کند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۶ – ۶

۶– انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی قد بلغت من لدنّی عذرًا

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۷ – ۱۴

۱۴– گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمنّک واهجرنی . .. سأستغفر لک ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴

۶- صداقت در وعده ، خصلتی نیکو و بسیار ارزشمند است .

واذکر فی الکتب . .. إنّه کان صادق الوعد

ستودن اسماعیل به <صادق الوعد> بودن علاوه بر تمجید از موصوف، تمجید از وصف نیز به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۵

۵ - عزم و تصمیم جدی برای عمل به توصیه های خداوند ، خصلتی ارزشمند است .

و لقد عهدنا إلی ءادم . .. فنسی و لم نجد له عزمًا

تعبیر <نیافتیم> به جای <نبود>، گویای آن است که دراین موارد، وجود عزم، مطلوب و مورد انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۵

۵- ترس از عذاب اخروی ، خصلتی ارزشمند و مورد توصیه خداوند

یأیّها الناس اتّقوا ربّکم إنّ زلزله الساعه شیء عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۸

۸ - تقوا و خداترسی ، خصلتی ارزشمند در پیشگاه الهی

فإنّها من تقوی القلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۲

۲ - ترس و خشیت از خدا ، خصلتی ارزشمند در بینش قرآنی

الذین إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲ – ۵

۵ – داشتن خشوع و تذلل در نماز ، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که

خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۵

۵ - حکمت و سنجیده کاری ، خصلتی پسندیده و ارجمند در پیشگاه خداوند

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - مهمان نوازی ، خصلتی نیکو و خلقی الهی است .

و أنت خیر المنزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۷ - ۲

۲ - ترس از خدا ، خصلتی ارجمند در نزد پروردگار

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۳

۳ - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۰

۳۰ – عفت و پاکدامنی برای زنان ، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۸

۸ جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا ، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند ، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

آمدن

صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف <عباد الرحمان> که در چند آیه از آنها یاد شده است می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۶

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۴

۴ - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت <قلب سلیم> اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۴

۴ - اجلال و گرامی داشت میهمانان ، خصلتی پسندیده و پیامبرگونه

حدیث ضیف إبرهیم المکرمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۷ – ۳

۳ – هراس و نگرانی از عذاب الهی ، خصلتی

شایسته و عملی بایسته

و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تمجید از مؤمنانی است که دارای چنین خصلت ها و اوصافی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۲ - ۲

۲ - امانت داری و پایبندی به عهد و پیمان ، از خصلت های شایسته و بایسته

و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون

صفات پسندیده زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفّت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الّتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که

خداونـد، در مقام توصـیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صـفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

صفات پسندیده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی أولئک عنها مبعدون

<الحسـنی> مؤنث <أحسن> و صـفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی اللّه . .. امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یـاد شـده بـا تـوجّه به این نکته است که خداونـد، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شـیعه و پیرو نوح پیـامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم

- ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

صفات جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۳

۳ - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدّروها تقدیرًا

نصب <تقدیراً>به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قدّروا> است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

صفات جسمانی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

۵ - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أنّ الماء قسمه بینهم

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

صفات جسمانی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۳،۱۴

۱۳ قوم عاد برخوردار از اندامی بزرگتر و نیرومندتر نسبت به دیگر اقوام

و زادکم فی الخلق بصطه

۱۴ برخورداری قوم عاد از اندامی درشت و نیرومند ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

و اذکروا إذ . .. و زادکم فی الخلق بصطه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۳

۳ - قوم عاد ، مردمانی تناور و بلند قامت بودند . *

کأنّهم أعجاز نخل منقعر

تشبیه قوم عاد به <نخل> می تواند نظر به مطلب بالا داشته باشد.

صفات جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۳

۳ - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

صفات جسمی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۶

۶ - قوم عاد ، مردمی بلندقامت و پرقدرت *

إرم ذات العماد

چنانچه <ارم> نامِ قوم عاد باشد، توصیف آنان به <ستون دار>، کنایه از نیرومندی و قامت رشید آنان خواهد بود. گفتنی است که در این برداشت، <عماد> به معنای عمود و ستونی گرفته شده است که خانه را بر آن استوار می کنند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۵

۵ - قوم عاد ، مردمی بی نظیر در قدرت و قامت *

ذات العماد . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

در برداشت یاد شده، <ارم> نام قوم عاد گرفته شده است; در نتیجه <الّتی. ..> توصیف گر آن قبیله، به نبود امثالِ آنها در شهرها خواهد بود.

صفات جلال

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۲ – ۲،۳

۲ – خداوند ، منزه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنک

۳ – خداوند ، منزه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء . .. قالوا سبحنک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانک> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنشان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانک> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۶ – ۱،۴،۷،۹،۱۳

۱ – خداوند ، منزه از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

۴ – گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

<سبحان> به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ یعنی: <سبحت اللّه تسبیحاً>. کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

۷ – خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر – که از تقدیم <له> بر <ما فی السماوات . ..> به دست می آید – استفاده می شود.

۹ – مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل له ما فی السموت و الأرض

جمله <له

ما فی السماوات . ..> برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

۱۳ - عبادت و اطاعت هستی برای خدا ، دلیل منزه بودن او از داشتن فرزند است .

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵

۵ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات . ..> همانند جمله <له ما فی السماوات ...>، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۱

۲۱ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما اللّه بغفل عما یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۹ – ۶

۶ – اعمال انسان ها هرگز مورد

غفلت خداوند نیست .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

اَنّ اللّه غنیّ حمید

<حمید> در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بیدک الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ خداوند ، مُنزّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۴،۱۰

۴ مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین. و للّه ما فی السموات و ما فی الارض

۱۰ بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین . .. و الی اللّه ترجع الامور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴ – ۱۴

۱۴ ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ اللّه شیئا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران

- ۳ - ۱۸۱ - ۱،۹،۱۵

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

به گفته بسیاری از مفسّرین، مراد از <الّذین قالوا>، یهودیان هستند.

۹ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ الّذین . .. انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء سنکتب ما قالوا

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۶

۶ نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۷،۲۴،۲۵،۲۷

۱۷ پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب. الّذین ... ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

۲۴ خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

۲۵ خردمندان ، خداوند را از هر کاستی مبرّا و منزّه می دانند .

لایات لاولی الالباب. الّذین ... سبحانک

۲۷ منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۳۶،۳۹

۳۶ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن

او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله <له ما فی السموت . ..> دلیل و برهانی است برای جمله <سبحنه ان یکون له ولد> یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

۳۹ کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزه بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما اللّه اله وحد سبحنه ان یکون له ولد . .. کفی باللّه وکیلا

جمله <کفی . ..> دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۷

۷ خداوند منزه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

از صفات <قاهر>، <حکیم> و <خبیر>، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۶،۹،۱۰

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

۹ خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزه است.

و خرقوا له بنین و بنت . .. سبحنه و تعلی عما یصفون

۱۰ خداوند منزه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره

او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۳،۴،۶،۱۱

۳ خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۴ وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . .. و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدرکه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲،۵

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

۵ خداوند منزه از

اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

بـا تـوجه به اینکه <أن اللّه . .. > در مقـام اسـتدلال بر این حقیقت است که گرفتـاری کـافران به عـذاب حریـق سـتمی به آنها نیست، بایـد مراد از ظلاـم نبودن خـدا، نفی کمترین ظلم از سـاحت قـدس وی باشـد، و گر نه اسـتدلال تمـامی نیست. و بسـیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

۱۶ خداوند ، منزه و فراتر از داشتن شریک است .

سبحنه و تعلی عما یشرکون

۱۷ از علی (ع) روایت شـده که فرمود : < امـا مـا لاـ یعلمه اللّه ، فلا یعلم اللّه أن له شـریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولـداً و شرحه فی القرآن : < قل اتنبئون اللّه بما لا یعلم > . . . ;

. .. اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و

نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟> ...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۴ – ۱،۶

۱ خداوند ، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد .

إن اللّه لایظلم الناس شیئاً

۶ از امام هادی (ع) روایت شده است : < . . . من زعم ان اللّه عزوجل أجبر العباد علی المعاصی و عاقبهم علی ها . . . فقد ظلّم اللّه فی حکمه و کذّبه و رد علیه قوله : . . . < إن اللّه لایظلم الناس شیئاً > . . . ;

. .. هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: <خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند> رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۴ – ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۸ – ۳

۳ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه هو الغنی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنّهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

۲ خداوند ، مردمان را به طرف گناهان (شرکورزی ، انکار پیامبران و . . .) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرکو . ..) وانمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۱،۵

۱ خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما کان ربک لیهلک القری بظلم

حرف <باء> در <بظلم> برای ملابست است. براین اساس جمله <ما کان ...> چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما کان ربک لیهلک القری بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از <رب> که به معنای مدبر و مربی است – استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربک بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک مبرّاست .

و سبحن الله و ما أنا من المشرکین

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبح و یا نسبح) می باشد ; یعنی: اسبح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هذه سبیلی> است ; یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۶

۶ خداوند منزه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبّح الرعد بحمده و الملئکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و یجعلون لله البنت سبحنه

۴- فرزند (دختر) داشتن برای خداوند نقص است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

ذکر تنزیه <سبحانه> برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد

فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

۵- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۷

۷- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان مبرّاست .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۴

۴- خداوند ، برخلاف پندار واهی مشرکان ، هیچ گاه برای آنان ، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توبیخ و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، بسیار برتر و منزه تر از شریک داشتن است .

سبحنه و تعلی عمّا یقولون علوًّا کبیرًا

۳- خداوند ، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا . .. سبحنه و تعلی عمّا یقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۲

۱۲- خداوند ، منزه از تحیز ، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است .

أو تأتی بالله . .. قل سبحان ربّی

چون درخواست مشرکان از پیامبر(ص) (أو تأتی بالله) مستلزم جسمانیت، جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله <سبحان ربّی>

می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۸ – ۱

۱- پروردگار ، منزه از هر کاستی و نقص در بینش آگاهان به معارف آسمانی

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یقولون سبحن ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۱ – ۵،۸

۵- خداوند ، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر ، مبرّا و بی نیاز است .

لم یتخذ ولدًا و لم یکن له شریک . .. و لم یکن له ولیّ

۸- خداوند ، تنها فرمانروای هستی و مبرّا از داشتن هرگونه شریک در جهانداری

و لم یکن له شریک فی الملک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶- خداوند ، در قیامت ، به هیچ کس ، ظلمی روا نخواهد داشت .

و لایظلم ربّک أحدًا

۱۷- حضور نفس اَعمال انسان در قیامت ، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است .

و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لایظلم ربّک أحدًا

بیان حضور اعمال و تجسّم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اَعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن اَحکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اَسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

۱۸- مبرّا بودن خداوند از هرگونه ظلم و بی عدالتی ، مقتضای ربوبیّت او است .

و لایظلم ربّک أحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۰

مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- خداوند ، پاک و منزه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۳،۵،۶

۳- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است .

ذلک عیسی ابن مریم . .. ما کان للّه أن یتّخذ من ولد

<ولد> نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. <من> زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

۵- خداوند ، منزه از هرگونه نقص و نیاز است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد سبحنه

۶- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۶

۶- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزندی عیسی(ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لا یظلمون شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۸،۱۰

۸- خداوند ، از هرگونه فراموشی منزه است .

و

ما كان ربّك نسيًّا

<نسيّاً> صيغه مبالغه است و مبالغه در كلامِ منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله <و ما كان...> مراد این است كه: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش كار نیست.

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّك . .. و ما كان ربّك نسيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۲،۴

۲- مبرّابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تكاد السموت يتفطّرن . .. أن دعوا للرحمن ولدًا

۴- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولدًا

گزینش وصف <الرحمان> (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت <أن دعوا. ..> دلیل در آن كنجانده است**;** زیرا همه موجودات از جمله فرزندهای پنداری مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۱،۴

۱- فرزندگزینی خداوند ، كاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ينبغي للرحمن . .. ولدًا

زمانی از كلمه <إنبَغی> استفاده می شود كه كاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و <ما ینبغی> امكان آن را نفی می كند.

۴- فرزندگزینی ، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن مبرّا است .

و ما ينبغی للرحمن أن يتّخذ ولدًا

گزينش فرزند با فراگيری

رحمت سازگار نیست; زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد; در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد; زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، دارای همه کمالات و منزه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند; بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۷،۸

۷ - خداوند ، منزه از هرگونه فراموشی است .

و لاینسی

۸ - ربوبیت خداوند بر هستی ، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است .

لایضلّ ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۵

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیّوم

<قیّوم> به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۴،۶

۴- منزه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزند

قالوا اتّخد الرحمن ولدًا سبحنه

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون <سبحوه>) است.

۶- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا سبحنه

<رحمان> صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می

تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۷ – ۵

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . .. فلاتظلم نفس شيًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۹ – ۳

۳- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو کان هؤلاء ءالهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد <لو> امتناعی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۱۰ – ۳،۵

۳ – کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

۵ – خدا ، پروردگاری عادل و مبرّا از ستم کردن به بندگان خود

و أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۷ – ۶

۶ – راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقش

و ما کنّا عن الخلق غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . .. و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۱،۲،۸

۱ - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ اللّه من ولد

۲ - خدا ، مبرّا از شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۸ - ساحت خدای یگانه

هستی ، مبرّا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن اللّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا . .. فتعلی اللّه الملک الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۶

۶ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه است .

سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله بل أُولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۵۸

۵ خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم یتّخذ ولدًا

<ولداً> نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در

ابتـدای آیه، می توانـد مقـدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیـده فرزندگزینی و شـریک داشـتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۸ – ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ درنمی یابد .

الحیّ الذی لایموت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۰۹ – ۴،۷

۴ – ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنّا ظلمین

۷ – مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. ذکری و ما کنّا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبح عقاب بلابیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸ – ۱۰،۱۱

۱۰ – خدا ، منزه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن اللّه ربّ العلمین

۱۱ – خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

أن بورک من فی النّار . .. و سبحن اللّه ربّ العلمین

مطرح شـدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسـی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشـتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱

۱ - ستایش ها ، همه از آنِ خداوند است .

و قل الحمدللّه

<ال>

در <الحمد للّه> جنسيه و مفيد استغراق است. بنابراين <الحمد للّه>; يعنى، <كلّ حمد للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹،۱۰

۹ - خدا ، كمال مطلق و به دور از هر عيب و نقص

سبحن اللّه

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرينش و تدبير خلق منزه و برتر است .

و ربّك يخلق . .. سبحن اللّه و تعلى عمّا يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۳

۲۳ - ساحت قدس الهى ، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

فما كان اللّه ليظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - تنها خداوند ، بسى برتر و والاتر از شريك داشتن است .

و أنّ اللّه هو العلىّ الكبير

ضمير فصل <هو> و <ال> جنس در <العلىّ> و <الكبير> كه هر دو خبر <أنّ> هستند دلالت بر حصر مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و كاستى منزه و مبرا است .

سبحن الذى

۵ – حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شـناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوجَ کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت

یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - ساحت مقدس خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزه و مبرا است .

فسبحن الذی

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، منزه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا . .. سبحن اللّه عمّا یصفون

۲ - ساحت خداوند ، منزه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه (شریک بودن) با جن

أصطفی البنات . .. و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا ... سبحن اللّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۶

۶ - منزه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد اللّه أن یتّخذ ولدًا . .. سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و مااللّه یرید ظلمًا للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۷،۱۴

۷ - خداوند ، مبرّا از هر شریک و همانند

قل أئنّکم لتکفرون . .. تجعلون له أندادًا

از استفهام در <أئنّکم> مطلب بالا استفاده می شود.

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک ربّ العلمین

تعبیر <ذلک> که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۴

۴ - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما ربّک بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ . .. و لئن أذقنه رحمه ... و إذا أنعمنا علی الإنسن ...

و إذا مس

از این که خداونـد رحمت و نعمت را به خود نسـبت داده; ولی شـرور را به خویشـتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دسـت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخّر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۵

۵ - بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزوج کلّها . .. و جعلوا له من عباده جزءًا

عبـد و مخلوق خداونـد، نمی توانـد جزء وجود او به حساب آیـد; زیرا هیـچ موجودی نمی توانـد خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشـد. بنابراین دو تعبیر <عباده> و <جزءاً>، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شـریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۳

۳ - فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند ; و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقّروه و تسبّحوه

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسبیح> به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفعیینا بالخلق الأوّل

از استفهام انکاری (أفعیینا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۴،۵،۶،۷

۴ خداوند ، منزّه از کم ترین ظلم و اعمال کیفر های ناروا ، بر بندگان

و ما أنا بظلّم للعبید

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدّمت. ..> باشد; یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد; زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت

باشد.

۷- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و

دور از ساحت خدا *

ما یبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که <و ما أنا بظلاّم. ..> تعلیل <ما یبدّل...> باشد; یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۸ – ۵،۶

۵ – آفرینش جهان ، با همه گسترد گی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

۶ – خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود; طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۷ – ۹

۹ – خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإکرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۸ – ۹

۹ – خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

تبرک اسم ربّک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد

شده بدان احتمال است که <ذی الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الإکرام> بیانگر صفات جمال باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۰ – ۳،۴

۳ – ساحت خداوند ، مبرّا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

۴ – خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۴ – ۱

۱ – ساحت خداوند ، منزه و مبرّا از هر عیب و نقص

فسبّح باسم ربّک العظیم

<تسبیح> به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۶ – ۱

۱ – ساحت خداوند ، منزه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

فسبّح باسم ربّک العظیم

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱ – ۱

۱ – ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سبّح للّه ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملک القدّوس

وصف <القدوس>، در پی <الملک>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر

۱۰ - ۲۴ - ۵۹ -

۱۰ - هر یک از مظاهر هستی ، گواهی بر مبرّا بودن آفریدگار آن ، از هر عیب و کاستی

یسبّح له ما فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از <تسبیح>، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <سبّح>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، مبرّا از هر نقص و عیب

یسبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <یسبّح>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۲،۴

۲ - خدا ، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

۴ - همسرگزینی و فرزندداری ، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

و سبّحه

<تسبیح> (مصدر <سبّحه>) به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲

۹ -

۹ - < علی بن الحسن بن علی بن فضّال عن أبیه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول اللّه عزّوجلّ < و جاء ربّک و الملك صفّاً صفّاً > فقال : إنّ اللّه تعالی لایوصف بالمجیء و الذهاب تعالی عن الإنتقال إنّما یعنی بذلك و جاء أمر ربّک و الملك صفّاً صفّاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند <و جاء ربّک و الملک صفّاً صفّاً> پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فسبّح بحمد ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۶،۹،۱۱،۱۵،۱۶

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّه الصمد

<صمد>; یعنی، <مُصْمَت> و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

اللّه الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر

کلمه <صمد> باشد.

۱۱ – < قال الباقر (ع) حدّثنی أبی زین العابـدین عن أبیه الحسـین بن علی (ع) أنّه قال : الصـمد الذی لا جوف له و الصـمد الذی قد انتهی سُؤْدَدُه و الصمد الذی لایأکل و لایشرب و الصمد الذی لاینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لایزال ;

امـام باقر(ع) از پـدرش زین العابـدین(ع) از امام حسـین(ع) روایت کرده که فرمود: صـمد کسـی است که درون خالی نـدارد. صمد کسـی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسـیده است. صـمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهدبود>.

۱۵ – < سأل رجل علیّاً (ع) عن تفسیر هذه السوره فقال : . . . الصمد بلاتبعیض بَدَد ;

مردی از امام علی(ع) درباره تفسـیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضـرت فرمود: . .. صـمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است>.

۱۶ – < قـال وَهْب بن وَهْب القرشـی و حـدّثنی الصـادق جعفربن محمـد عن أبیه الباقر عن أبیه (ع) أنّ أهل البصـره کتبوا إلی الحسـین بن علی (ع) یسألونه عن الصـمد فکتب إلیهم . . . ان اللّه سبحانه قد فسّر الصمد فقال : < اللّه أحد . اللّه الصمد > ثمّ فسّره فقال < لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد > . . . هو اللّه الصمد الذی لا من شیء و لا فی شیء و لا علی شیء ;

وهب ۱۵۲بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از

طریق پـدرش امام باقر(ع) از امام سـجاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصـره به امام حسـین(ع) نامه نوشـتند و از ایشان معنای صمد را پرسـیدند; امام به آنان نوشت: . .. به درستی که خداوند سـبحان خود صـمد را تفسیر نموده و فرموده <اللّه أحد . اللّه صمد>، آن گاه آن را تفسـیر کرده و فرموده است: <لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد> ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

۲ - خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

صفات جلال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۷،۱۱،۱۲،۲۶

۷ هیچگاه خواب سبک (چُرت) و سنگین ، خداوند را فرانمی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نَوم

۱۱ ناسازگاریِ غفلت از تدبیرِ عالم با قیّومیت خداوند .

الحیّ القیوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله <لا تأخذه . .. > به منزله بیانی است برای صفت <قیوم>.

۱۲ هیچ دگرگونی و تغییری در ساحت قُدس خداوندی راه ندارد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

۲۶ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیّومیّت خداوند

الحیّ القیّوم . .. وسع کرسیّه السّموات و الارض

تمام مطالبی که پس از صفت <القیّوم> آمده است، می

تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

صفات جمال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۰ – ۱۳

۱۳ – خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان (اقامه نماز ، پرداخت زکات و . . .)

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

هدف از آوردن قید <لأنفسکم> (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۷ – ۵،۹

۵ – آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات . ..> همانند جمله <له ما فی السماوات ...>، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

۹ – خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۱۳

۱۳ – خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۳

۳ - خداوند

حقیقتی است بی همتا و بی مانند

و من الناس من یتخذ من دون اللّه أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۹

۹ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگانِ آزاررسان

قول . .. و اللّه غنیّ حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲ - ۷

۷ خداوند ، بی نیاز از دیگران

اللّه . .. الحیّ القیّوم

قیوم (قائم به ذات)، یعنی کفایت ذات در قوام خویش; و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۶

۱۶ بی نیازی مطلق خداوند از جهانیان

فانّ اللّه غنیّ عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۴،۷،۱۲

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزيز الحكيم

۱۲ خداوند ، < عزيز > (پيروز شكست ناپذير) و < حكيم > است .

من عند اللّه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، كمال مطلق و منزه از هر عيب و نقص

دعويهم فيها سبحنك اللّهم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸ – ۴

۴ – خداوند ، دارای همه کمالات و منزه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند; بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۰ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . .. و أنّ اللّه هو العلیّ الکبیر

<حقّ> به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و <العلیّ> مفید صفات سلبی و <الکبیر> افاده کننده سعه وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۵ – ۷

۷ – خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بحمد ربّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱ – ۲

۲ – خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد للّه

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها

. .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۴

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱

۱ - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۲

۲ - بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

فإن استکبروا فالذین عند ربّک یسبّحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقّروه و تسبّحوه

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسبیح> به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۹ - ۲۷ - ۵۵

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و يبقى وجه ربّك ذو الجلل و الإكرام

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإكرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۹

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

تبرك اسم ربّك ذى الجلل و الإكرام

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه <ذى الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الإكرام> بيانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۸

۸ - تمامى صفات كمال ، در والاترين مرتبه آن مخصوص ذات خدا است .

له الأسماء الحسنى

برداشت بالا، با توجه به اين نكته است كه تقدم <له> كه افاده حصر مى كند و واژه <حسنى> كه افعل تفضيل است بيانگر مرحله عالى و برتر صفات و كمالات مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱۰،۱۵

۱۰ - خداوند ، بى نياز از ايمان انسان ها

و استغنى اللّه

متعلق و مورد استغناى خداوند در آيه شريفه، مى تواند دو چيز باشد: ۱ استغناى خداوند از ايمان انسان ها به او; ۲ استغناى

الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایـل روشن از سوی پیـامبران، بـاز هم معجزات و دلایـل دیگری به بشـر عرضه دارد؛ زیرا همین مقدار برای هدایت بشر کافی است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۱۵ - خداوند بی

نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و اللّه غنیّ حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <حمید>، صفت برای <غنی> باشد; نه صفت مستقل برای <اللّه>.

صفات جمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۶۸

۶ بی نیازی مطلق خداوند از غیر

هو الحیّ القیّوم

برخی در معنای کلمه <قیّوم> گفته اند: <هو القائم بذاته>. (روح المعانی) و لازمه قیام به ذات، بی نیازی از غیر است.

۸ خداوند ، لحظه ای از تدبیر و قوام بخشیدن به عالم هستی غافل نیست .

الحیّ القیّوم لا تأخذه سنه و لا نَوم

صفات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

صفات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۳

۱۳ جهنّم ، بَد جایگاهی است .

فحسبه جهنّم و لبئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲

۲ جهنم ،

دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب النار قالوا ربنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۴

۴– جهنّم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۹ – ۴

۴– دوزخ ، چاهی است عمیق .

جهنّم یصلونها

<جهنّم> معرب <جهنام> و به معنای چاهی عمیق است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۰

۱۰– جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷ – ۲۳

۲۳ – دوزخ ، دارای آتشی شعلهور و فروزان

عذاب الجحیم

<جحیم> اسم مکان از <جحمه> (شعله و افروزندگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعلهور و افروخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۷ – ۲۴

۲۴ – جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۷ – ۴،۵

۴- منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ،

با نقطه مرکزی آن از نظر شدّت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

۵- مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدّت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۰ – ۶

۶ – طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلّی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۶

۱۶ – دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۹

۹ – دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعلهور است .

أصحب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی

برافروخته و شعلهور است .

لأصحب السعير

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۵

۵ - < حریق > از اوصاف جهنم *

و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۲

۲ - عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۱

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است; به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِیَتِ النار>; یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

صفات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحب

النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۴

۴ – کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۷ – ۳

۳ – حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم . .. تدعوا من أدبر و تولّی

صفات حورالعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۴ – ۴

۴– همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنـانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بـدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

صفات حیوانات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۹،۱۳،۱۴

۹– هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین كفروا یتمتّعون و یأكلون كما تأكل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذّت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین كفروا یتمتّعون و یأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است كه تشبیه كافر به حیوان، از آن جهت باشد كه

حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

۱۴- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالاـ بـدان احتمـال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشـد که حیوان در خوردن و لـذّت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت گسترده خداوند ، پایه و اساس مشیت و اراده او

إن شاء إنّ اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۸

۸ خداوند ، بخشاینده گناهان و ستم کاری های مردم است .

و إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۲

۲ خداوند ، حقیقتی بزرگ و بلند مرتبه است .

الکبیر المتعال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۸،۹،۱۰،۱۲

۸- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

و لله المثل الأعلی

۹- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

و یجعلون لما لایعلمون نصیبًا ممّا رزقنهم . .. کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت

۱۰- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

عبارت <و لله المثل الأعلی> در مقام جواب به نسبت ناروایی

است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست; در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

۱۲- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

و لله المثل الأعلی و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أکثرهم لایعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لایعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، هیچ گونه ترسی از بندگان خود ندارد .

ضرب لکم مثلاً . .. تخافونهم کخیفتکم أنفسکم

این که در مَثَل، برای نفی شریک از خداوند، موضوع ترس انسان ها رااز هم و نترسیدن آنها را از بَردگان شان مطرح کرده است، می تواند رساننده نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . .. و أنّ اللّه هو العلیّ الکبیر

<حقّ> به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و <العلیّ> مفید صفات سلبی و <الکبیر> افاده کننده سعه

وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۵

۵ - خالقیت

و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

از این که در آیه شریفه، خالقی که روزی دهنده نباشد، نفی شده است; به دست می آید که میان دو صفت <خالقیت> و <رازقیت> ارتباط ناگسستنی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد; ولی رازق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۵

۵ - ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذلکم اللّه ربّکم خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو

صفات خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکًا و أنت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله <و أنت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ - التجا به ربوبیت الهی و برشمردن صفات رحمت آفرین او ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ اغفر و ارحم و أنت خیر الرحمین

صفات خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۹

۹ – خواهر موسی ، دختری زیرک و

راز نگه دار بود .

هل أدلّکم علی من یکفله

صفات داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۵

۵- داوود (ع) ، پیامبری جنگوجو و رزمنده در میدان های جنگ حق علیه باطل *

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آموزش صنعت اسلحه سازی و ساختن زره از سوی خداوند به داوود(ع)، حاکی از این است که آن حضرت، اهل رزم بوده و در میدان های جنگ حضور می یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۷ – ۸

۸ – داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذاالأید

<أید> به معنای قوت و شدت است و <ذاالأید>; یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

صفات درختان بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یابن رسول الله أخبرنی عن الشجره التی اکل منها آدم و حوا ما کانت؟ فقد اختلف الناس فیها فمنهم من یروی انها الجنیه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجره الحسد، فقال(ع): کل ذلک حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أباالصلت ان شجره الجنه تحمل انواعا فکانت شجره الحنطه و فیها عنب و لیست کشجره الدنیا ... .

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یابن رسول الله(ص) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند ; عده ای

می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد ; یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ... .

صفات دشمنان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۱ – ۲

۲ دشمنان پیامبران ، همواره از سنخ مجرمان و تبه کاران بودند .

لکلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین

صفات دنیاطلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۰ – ۶

۶ – طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . .. و تقول هل من مزید

بـا توجه به این که دوزخ و بهشت، مقـام ظهور و تجلّی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تـدارک دیـده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

صفات دود آتش جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۳۱ – ۱

۱ – دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللّهب

<لاظلیـل> صـفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مسـتمر است (صـحاح اللغه). بر این

اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص

و بدون دود است.

صفات ذات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۶ – ۵

۵ خداوند ، قائم به ذات خویش و دارای حیات ازلی

إن اللّه له ملک السموت و الأرض یحیی و یمیت

تنها مالک، فرمانروا و حیات بخش جهان هستی خداوند است; پس جز او عاملی برای حیات وجود ندارد و در نتیجه ذات او قائم به خویش و حیات او ازلی است.

صفات رستگاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۳ – ۱۰

۱۰ – امربه معروف ، پنددهی و پندپذیری ، از خصلت های برجسته انسان های کامیاب

لفی خسر . إلاّ الذین ... تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

<تواصوا>، از باب تفاعل و بیانگر آن است که مؤمنان، در کنار توصیه به دیگران، از توصیه های آنان نیز بهره می برند.

صفات رهبران دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۱ – ۹

۹ گوش فرادادن به سخنان همه طیف های جامعه و داشتن سعه صدر در برابر آنان ، خصلتی شایسته و بایسته برای رهبران و مسؤولان جامعه اسلامی

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۳ – ۶

۶- محبت و دل سوزی عمیق نسبت به دیگران ، از ضروری ترین و مطلوب ترین صفات رهبران الهی است .

و حنانًا من لدنّا

با توجه به این که <حنانًا> اولین صفتی است که پس از <آتیناه الحکم> ذکر شده است، مطلب فوق از آن استفاده

می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۲ – ۸

۸ – اطمینان و تزلزل ناپذیری در بحران ها ، از صفات ضروری رهبر جامعه ایمانی

قال أصحب موسی إنّا لمدرکون . قال کلّاإنّ معی ربّی سیهدین

صفات رهبران مستکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۹

۱۹– رهبران مستکبر حتی در قیامت هم از خوی استکباری خویش دست برنخواهند داشت .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا لو هدینا الله لهدینکم

مفسران برای هدایت در این آیه دو احتمال ذکر کرده اند: یکی هدایت در برابر گمراهی و دیگری راهنمایی جهت نجات از عذاب. برداشت فوق با توجه به احتمال دوم است; به اضافه اینکه مستکبران به جای اینکه نجات پیروان خود را به خدا موکول کنند، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات خود آنها را نیز نجات خواهند داد.

صفات رهبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۸ – ۸

۸ لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(ص) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

صفات زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۱۸

۱۸ زلیخا ، زنی زیرک ، طرّاح و هوشیار بود .

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت

إليهنّ . .. و ءاتت كل وحده منهنّ سكّينًا ... فلما رأينه

صفات زنان شايسته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسليم در برابر خداوند ، ايمان به او ، فرمانبرى از او ، توبه ، عبادت و روزه دارى ، از اوصاف زنان شايسته در نگاه وحى

أزوجًا خيرًا منكنّ مسلمت مؤمنت قنتت تئبت عبدت سئحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معناى اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سياحت> (ماده <سائحات>) به معناى سير در زمين به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا كه روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپرى مى كنند، به آنان <سائح> مى گويند (برگرفته از لسان العرب).

صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۵ - ۸

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شايسته و از ارزش هاى والا و ملاك هاى برترى *

خيرًا منكنّ . .. سئحت

مقصود از <سائحات> مى تواند هجرت كنندگان باشد; زيرا مهاجران، همان كسانى اند كه براى حفظ دين خود و انجام تكاليف الهى، به سرزمينى ديگر سفر مى كنند و بيشتر زنان مسلمان و همه همسران پيامبر(ص)، از مهاجران بودند و اين خود از افتخارات هر مسلمانى به شمار مى آمد.

صفات زندان يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانى كه يوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهديد شد ، موجب خوار گشتن و حقير پنداشتن او مى

شد .

لیسجنن و لیکونًا من الصغرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است ; زیرا یوسف(ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

صفات شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیذّکّر . .. و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیذکّر> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاواتمندان آمد تا بر عجولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

صفات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۵

۵- شیاطین ، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها .

و سخّرنا . .. من الشیطین من یغوصون له

صفات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لاتتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن یدعون شیطناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع

البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۵ – ۱۳

۱۳– تزیین ضد ارزش ها ، برای متمایل ساختن انسان ها به آن ، خصلتی شیطانی است .

الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

چنانچه <تسویل> به معنای زیبا نمایش دادن زشتی ها باشد.

صفات شیطانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۴ – ۱۵

۱۵ – خود بزرگ بینی از خصلت های نکوهیده و شیطانی

أبی و استکبر

صفات صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۲۹،۳۲

۲۹– بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

۳۲– بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوّع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلک> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

صفات ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۳

۳ – خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم . .. خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

صفات عبدالله بن ام مکتوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۹ – ۱

۱ – ابن ام مکتوم مسلمانی خداترس بود

و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیدهای کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق <خشیت> در این آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

صفات عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۳

۱۳ حنان بن سدیر گوید : < سألت اباعبدالله عن العرش و الکرسی فقال : إن للعرش صفات کثیره مختلفه . . . فقوله : < رب العرش العظیم > یقول : الملک العظیم ;

از امام صادق (ع) درباره عرش و کرسی سؤال کردم، فرمود: برای عرش صفات مختلف زیادی است . .. قول خدا که می فرماید: <رب العرش العظیم> مقصود، ملک عظیم است>.

صفات علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۲

۲ عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیّون> را به معنای عالمان تقواپیشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۶

۶ - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱،۱۱،۱۳

۱ – انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه <إنّ الذین. ..> در مقام بیان جمله <إنّما یخشی اللّه من عباده العلماء> است; یعنی، در توصیف عالمان خداترس می باشد.

۱۱ – اخلاص و انگیزه خدایی داشتن ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین ... و أنفقوا ممّا رزقنهم سرًّ

۱۳ – امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

صفات عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۶۰ – ۶

۶ – خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

صفات غافلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

رعد - ۱۳ - ۲۸ - ۴

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذکر الله تطمئن القلوب

صفات فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۶

۱۶ - انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاغ اللّه قلوبهم و اللّه لایهدی القوم الفسقین

صفات فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۶

۶- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

صفات فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۱

۱ - فرعون ، مردی طغیان گر و سرکش در برابر خداوند بود .

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

مراد از <طغیان فرعون> به قرینه رسالت موسی(ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۳ – ۱

۱ – فرعون ، مردی سرکش و خدانشناس بود .

اذهبا إلی فرعون إنّه طغی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۶ – ۴

۴ – فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه –

۲۰ - ۷۱ - ۶

۶ - فرعون ، حاکمی مستبد ، مغرور و متکبر بود .

قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۲

۲ - فرعون ، دارای طبعی خسیس و سخت گیر در اعطای مال و منال به خدمتگذاران و حامیان خود

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

شرط ساحران مبنی بر دریافت مزد و پاداش از فرعون، در مقابل دفاع از او، می تواند به خاطر مشاهده روح خسّت و تنگ نظری در وجود وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۵

۵- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إنّه کان عالیًا من المسرفین

برداشت بالا بنابراین نکته است که <المسرفین> نظر به اسراف گران جامعه فرعونی داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱ - فرعون زمان موسی (ع) ، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنّه طغی

<طغیان>; یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزکّی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

صفات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۳

۳ - فرعونیان ، برای تصمیم در باره امور مهم و اساسی ، روش مشورتی داشتند .

فتنزعوا أمرهم بینهم

بروز تنازع در میان فرعونیان،

نشان از آن دارد که آنان خود را تابع بی چون و چرای فرعون نمی دانستند; بلکه در امور مهم برای خود حق نظر و رأی، قائل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷ - فرعونیان در عصر موسی (ع) ، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

از مصداق های بارز <مسرفان>، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۵

۵- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إنّه کان عالیًا من المسرفین

برداشت بالا بنابراین نکته است که <المسرفین> نظر به اسراف گران جامعه فرعونی داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۶

۶ - فرعونیان ، دارای اقتدار و توان بالا

فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

آورده شدن اوصاف <عزیز> و <مقتدر> برای خداوند در این آیه، تعریض به قدرت ظاهری فرعونیان دارد.

صفات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

۳ - تنها وصف شایسته برای قرآن ، وصف < تذکردهنده > است ; نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون . .. و ما هو بقول شیطن ... إن هو إلّا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی شریف و پرفایده است .

قرءان مجید

<مجید>، به

معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجِدَتِ الابل> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

صفات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۴

۴ قوم ثمود ، مردمی سخت دلبسته به دنیا و تمتعات آن

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أیام

روشن است که مقصود صالح(ع) از این فرمان (تمتعوا . ..) این نیست که قوم ثمود را به بهره برداری از تمتعات دنیا فرابخواند؛ بلکه به قرینه جمله بعد، اعلام سه روز مهلت است. بیان مهلت سه روزه به سه روز بهره گیری از تمتعات دنیا، اشاره به رویه قوم ثمود دارد؛ یعنی، آنچه خواهان آن هستید و بدان دل بسته اید و به خاطر آن به آیین الهی نمی گرایید، تنها تا سه روز دیگر ادامه خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح ، از ستمگری های قوم ثمود بود .

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود ، معلوم می شود ظلم در <الذین ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

صفات قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ قوم عاد ، مردمی قوی و نیرومند بودند .

و یزدکم قوّه إلی قوّتکم

صفات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۸

۸ - قوم نوح ، دچار خوی استکبار و خودبرتربینی

و استکبروا استکبارًا

صفات قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۷ – ۳

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز اللّه الخبيث من الطيب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۳

۱۳– جهنّم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال

الضعفؤا للذين استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۶

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جمیعًا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

صفات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۱ – ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۹ – ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۶ – ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام ... ثم لا یتوبون و لا هم یذّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۸ – ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده

، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شکّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . .. و ما أظنّ ... لکنّاْ هو اللّه ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند ; نه از منطق و برهان .

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمل من دون ذلک هم لها عملون

<ذلک> اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أُولئک یسارعون فی الخیرات); یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دلبستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . .. إذا هم فیه مبلسون

<حتّی> غایت برای <ما یتضرّعون> و <فتح> (مصدر <فتحنا>) به معنای گشودن است. <إبلاس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک

به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر[روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن[حال، از هر سبب نجات بخشی]نومید خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۲ – ۱۱

۱۱ – نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۷ – ۹

۹ – هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه . .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۲ – ۲

۲ – دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوًی للکافرین) کافران می باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۵

۵ – کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبراند .

حقّت کلمه العذاب علی الکفرین . .. فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۲

۲ – کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلکنا أشیاعکم

<أشیاع> جمع <شیعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است; یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۵

۵ – عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۱ – ۲

۲ – دلبستگی به دنیا و ر ها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بل تحبّون العاجله . و تذرون الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۱ – ۱،۲

۱ – تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق و لاصلّی

۲ – صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدّق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است; یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است; مانند: <ماسلککم فی سقر . قالوا

لم نك من المصلّين . و لم نك نطعم المسكين>، (سوره مدثر، آيات ۴۲ ۴۴).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳۲ - ۱

۱ - تكذيب حقايق دين و روى گردانى از پذيرش آنها ، از نشانه هاى كفر و اوصاف كافران

و لكن كذّب و تولّى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودباليدن ، از نشانه هاى كفر و از اوصاف كافران است .

ثمّ ذهب إلى أهله يتمطّى

مفسّران واژه <يتمطّى> را به معناى <تبختر> دانسته اند; زيرا اين واژه يا از ماده <مط>(كشيدن پاها و گام ها) است و يا از ماده <مطا>(پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگى به دنيا و بى اعتنايى به قيامت و حيات اخروى ، از نشانه هاى كافران و گناه پيشگان است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا . .. إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يومً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - كافران ، بى اعتنا به مرگ ، قبر و قيامت خود و بى توجّه به نشانه هاى خدا در خلقت خويش

كلاّ

<كلاّ> مى توانـد براى ردع و باز داشـتن از توهّمى باشـد كه آيات پيشـين، زمينه ساز پيـدايش آن بود و آن اين كه با وجود زمينه هاى توجّه به خداوند در آفرينش انسان از نطفه

تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

صفات کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۷

۷ – کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲ – ۲

۲ – سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۱ – ۳

۳ – کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

صفات کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۲

۲– کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا عليهم بابًا من السّماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكّرت أبصرنا

صفات کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۴

۴– حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمنتم أن یخسف بکم . .. أم أمنتم أن یعیدکم

فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

صفات گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳،۴،۶،۸

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

۴ - میانسال بودن - نه گوساله جوان و نه گاوی پیر - از مشخصه های تعیین شده برای گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلك

<فارض> به معنای پیر و بزرگ سال است. <بقره بکر> یعنی، ماده گاوی جوان که هنوز باردار نشده است (لسان العرب). <عوان> هم به معنای میانسال است.

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بین ذلك فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمورٌ به> آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

۸ - از امام صادق (ع) درباره آیه < قال إنه یقول إن ها بقره لافارض و لابکر > روایت شده که فرموده اند : و < الفارض > التی قد ضرب ها الفحل و لم تحمل و < البکر > التی لم یضرب ها

الفحل . . . ;

<فارض> گاو ماده ای است که جفت گیری کرده ولی باردار نشده است و <بکر> گاو ماده ای است که جفت گیری نکرده است . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند; ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

۴ - تأکید موسی (ع) بر اینکه ، صفات بیان شده برای گاوی که باید ذبح شود ، صفاتی تعیین شده از جانب خداوندست نه از ناحیه خود او

قالوا إنه یقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱،۲،۹

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علینا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و

چون با <علی> متعدی شده، متضـمن معنای التباس و اشـتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر ...>; یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسـی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشـتند گاو مورد نظر برای ذبـح باید به گونه ای توصـیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

۹ - از رسول خـدا (ص) روایت شـده که : < أنهم أمروا بأدنی بقره و لکنهم لما شدوا علی أنفسـهم شدد اللّه علیهم و ایّم اللّه لو لم یستثنوا ما بینت لهم ، إلی آخر الأبد . . . ;

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند; لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء اللّه> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شـد . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۱،۲،۳،۶

۱ - گـاوی که برای شـخم زنی رام نشـده و برای کشتزاران آبکشـی نکرده ، از ویژگی های گاوی که قوم موسـی به ذبـح آن مأمور شدند .

قال إنه یقول بقره إنّها بقره لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

<ذلول> به معنای رام و مطیع است. <إثاره> (مصـدر تثیر) به معنای زیر و رو کردن می باشـد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

- ۲

گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلّمه لاشیه فیها

<مسلّمه> یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۳ - قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و . . .) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الئن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است; یعنی، حق کامل و تمام.

۶ - قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الئن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . ..; هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

صفات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است

.

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا . .. إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يومً

صفات متقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۳ – ۱

۱ – ايمان به غيب (خدا و . . .) ، اقامه نماز و انفاق از صفات اهل تقواست .

هدًى للمتقين. الذين يؤمنون ... ينفقون

<غيب> به معناى پنهان و ناپيداست و چون ايمان به آن ارزشهاى دينى شمرده شده، مقصود از <غيب> هر پنهان و نهانى نيست، بلكه مراد از آن، به مناسبت فرازهاى بعد، خدا و فرشتگان و مانند آنهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۴ – ۱،۲،۵

۱ – ايمان به قرآن و معارف و احكام نازل شده بر پيامبر (ص) ، از صفات متقين است .

هدًى للمتقين . .. الذين يؤمنون بما انزل إليک

۲ – تقوا پيشگان ، مؤمن به كتاب هاى آسمانىِ اديان گذشته و معارف و احكام آنها

و الذين يؤمنون بما انزل إليک و ما انزل من قبلک

۵ – يقين به جهان آخرت از صفات اهل تقواست .

و بالأخره هم يوقنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۷ – ۲۹،۳۰،۳۱

۲۹ – آنان كه ابعاد اعتقادى دين را باور دارند و از اموال خويش براى دستگيرى مستمندان بهره مى گيرند و وظايف عبادى و اجتماعى خويش را انجام مى دهند ، تقواپيشگان حقيقى هستند .

و لكن البر من ءامن . .. و أولئك هم المتقون

۳۰ – کسانی که علی رغم فقر و تنگدستی و گرفتار بودن به

مشکلات ، بر ایمان خویش استوارند ، تقواپیشگان حقیقی هستند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء . .. أولئک هم المتقون

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواپیشگان حقیقی هستند .

الصبرین . .. حین البأس ... أولئک هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۶

۶ تقواپیشگان ، رعایت کنندگان حقوق زنان مُطلّقه در میان افراد جامعه

حقّاً علی المتّقین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است ; ولی حکم را بر متّقین بار نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۲

۲ تقواپیشگان ، فریفته تمایلات شهوانی و مادی نیستند .

زیّن . .. ذلک متاع الحیوه الدّنیا ... للّذین اتقوا عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ اقرار به ایمان و دعای مستمر تقواپیشگان به درگاه خداوند

للّذین اتقوا . .. الّذین یقولون ربّنا

استمرار، از فعل مضارع <یقولون> برداشت شده است. و <الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

۲ تقوا پیشگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصونیّت از عذاب دوزخند .

للّذین اتقوا . .. فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

۳ نگرانی دائمی متّقین ، از کردار خویش و عذاب الهی

للّذین اتقوا . .. یقولون ربّنا ... فاغفرلنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

استمرار و دوام، از فعل مضارع <یقولون> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱،۷،۸،۹

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از صفات متّقین

للّذین اتّقوا . .. الصابرین ... بالاسحار

آیه فوق (الصابرین و الصادقین . ..)، بیان و توضیح دیگری برای <للّذین اتقوا> است.

۷ دوام سحرخیزی ، از شیوه های تقواپیشگان

للّذین اتّقوا . .. و المستغفرین بالاسحار

کلمه <الاسحار>، جمع و دارای الف و لام استغراق است و بر این معنا دلالت می کند که تقواپیشگان، در تمامی سحرها استغفار می کنند.

۸ هفتاد مرتبه استغفار در سحرگاهان ، شیوه تقواپیشگان .

للّذین اتقوا . .. و المستغفرین بالاسحار

امام صادق (ع): من قال فی و تره اذا أوتر <استغفر اللّه ربّی و اتوب الیه> سبعین مرّه . .. کتبه اللّه عنده من المستغفرین بالأسحار ... .

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۴ ; خصال صدوق ،ص ۵۸۱، ح ۳، باب السبعین ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۶۲.

۹ نماز خواندن در سحرگاهان ، از اوصاف متّقین

للّذین اتقوا . .. و المستغفرین بالاسحار

امام صادق (ع) درباره <و المستغفرین بالاسحار> فرمود: المصلّین وقت السحر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۱۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۷

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقواپیشگان

امّه قائمه یتلون ءایت اللّه .

.. و اللّه علیم بالمتّقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متّقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۴ – ۱،۲،۳،۴

۱ انفاق در حال توانمندی و تنگدستی ، از ویژگی های تقواپیشگان

اعدّت للمتّقین. الّذین ینفقون فی السّرّآء و الضّرّاء

مراد از <فی السّرّآء و الضّرّاء>، حالت تنگدستی و توانمندی است، و در برداشت فوق، توصیف انفاق کننده گرفته شده است، نه وصف برای مورد انفاق.

۲ انفاق در حالت رفاه و آسایش و نیز رنج و سختی جامعه ، از ویژگی های تقواپیشگان

اعدّت للمتّقین. الّذین ینفقون فی السّرّآء و الضّرّاء

بنابر اینکه مراد از <السّرّآء و الضّراء> بیان حالت جامعه و مردم، یعنی مورد انفاق باشد، نه بیانِ حالت انفاق کننده.

۳ فرو بردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدّت للمتّقین . .. و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدّت للمتّقین. الّذین ینفقون ... و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۵ – ۱۸

۱ یاد خدا و طلب آمرزش (توبه) شیوه پارسایان ، در صورت ارتکاب کاری ناشایست (زنا یا مطلق گناه کبیره) و یا ستم بر خویش

اعدّت للمتّقین . .. و الّذین اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذکروا اللّه فاستغفر

برخی

گفته انـد مراد از <فاحشه>، زنا و مقصود از ظلم در این آیه، سایر گناهان چه صـغیره و چه کبیره است. برخی دیگر گفته اند که مراد از <فاحشه>، گناهان کبیره و مقصود از ظلم، گناهان صغیره است.

۸ عدم عناد و اصرار آگاهانه تقواپیشگان ، بر گناه

و الّذین اذا فعلوا فاحشه . .. لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون

چون به مجرد ذکر خـدا توبه می کننـد، معلوم می شود گناهشان از روی عناد نیست، بلکه به جهت غفلت از یاد پروردگارشان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۱

۱ – عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه ، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقواپیشگان

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّه . .. الذین یستمعون القول .

<الـذین اتّقوا ربّهم> بیـان تفصـیلی برای آن دسـته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصـیف شـده انـد؛ یعنی، <الـذین اجتنبوا الطاغوت. .. الذین یستمعون القول...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۱۰

۱۰ – احسان ، نشانه اصلی تقوا و صفت برجسته تقواپیشگان است .

أُولئک هم المتّقون . .. ذلک جزاء المحسنین

توصیف تقواپیشگان به صفت احسان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۳ – ۲

۲ – متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او *

من خشی الرحمن بالغیب

از این که وصف <الرحمان> مفعول

<خشی> قرار گرفته است، می توان به مطلب فوق ره برد; زیرا در نظر ابتدایی، وصف <منتقم،قهار و. ..> متناسب با خشیت است و این که وصف <رحمت> به کار گرفته شده است، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۹ - ۴

۴ - برائت ذمّه از حقوق دیگران ، از نشانه های تقواپیشگان است .

الأتقی . الذی ... و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال مستأنفه بودن این آیه است که در این صورت بر اوصاف پیشین، وصف جدیدی را افزوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱

۱ - برخورداران درجه والای تقوا ، تنها برای جلب توجّه و عنایت خداوند ، اموال خود را انفاق می کنند .

الأتقی . .. إلّا ابتغاء وجه ربّه

استثنا در این آیه، منقطع است; یعنی، حق نعمتی بر گردن او نیست; لکن <ابتغاء> وجود دارد; یعنی، شخص <أتقی> در انفاق خود، نمی خواهد پاسخ نعمت دیگران را داده باشد. او تنها به این انگیزه انفاق می کند که خداوند، به او رو کرده و وی را مورد لطف خود قرار دهد. <وجه> به معنای <صورت و چهره> و کنایه از توجّه و عنایت است.

صفات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجرانِ

مجاهد

انّ الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه اولئک یرجون رحمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۳

۳ آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. التّئبون ... و الحفظون لحدود اللّه

صفات محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۲

۲۲ جان فشانی و تحمل هر گونه سختی (تشنگی ، گرسنگی و حرارت های جبهه جنگ) در راه خدا ، از نشانه ها و اوصاف محسنان است .

لا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ . .. فی سبیل اللّه ... إن اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین . .. لاتثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱،۱۱

۱ - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم

زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسنان است .

هدًی و رحمه للمحسنین . الذین یقیمون ... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع <یقیمون> و <یؤتون> دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که <زکات> در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اِعانه های مالی است. گفتنی است در صورتی که جمله <الذین یقیمون...> جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

۱۱ - توجّه به خدا و بر طرف ساختن نیاز های نیازمندان ، دو خصلت همگام در وجود محسنان است .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

صفات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱

۱ پیامبر (ص) دارای اخلاقی خوش و اهل مدارا با مردمان ، به دور از هر گونه سنگدلی و خشونت

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب

کلمه <لنتَ> از مصدر <لین> به معنای مهربانی و خوشخویی است و <فظّا> به معنای جفاکار و بد خلق است و <غلیظ القلب> به معنای سنگدل و بی رحم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۵،۶

۵ پیامبر (ص) جویای رضایت و خشنودی خداوند

و ما کان لنبیّ ان یغلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه

به دلیل آیه قبل (و ما کان لنبیّ ان یغلّ)، از مصادیق بارز و مورد نظر برای <افمن اتّبع . .. >، پیامبر اکرم (ص) است.

۶ جویای رضای الهی از سوی پیامبر (ص) ،

دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبیّ ان یغلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه

جمله <افمن اتّبع رضوان اللّه> به منزله دلیل و تعلیل برای جمله <و ما کان لنبیّ ان یغلّ> است ; یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۸

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه . .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

جمله های <یأمرهم و . .. > حال برای ضمیر مفعولی در <یجدونه> است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۵،۷

۵ گوش فرادادن به سخنان گوناگون مردم ، با شکیبایی و سعه صدر کامل ، از خصلت های پیامبر اکرم (ص)

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

۷ پیامبر (ص) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان

باطل و بیهوده

و یقولون هو أذن قل أذن خیر لکم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه <أذن> به <خیر> اضافه حقیقی باشد ; نه از باب اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر(ص) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۴

۴ رأفت پیامبر (ص) نسبت به همه مردم و تلاش آن حضرت برای هدایت همگان

إن تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر اللّه لهم

لحن سخن الهی، حاکی از تمایل آن حضرت به استغفار برای منافقان است. استغفار برای مردمانی چون منافقان، نشانگر رأفت و رحمت گسترده آن حضرت نسبت به عموم مردم و تلاش او برای هدایت همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۲

۲ پیامبر (ص) از میان خود انسان ها و دارای خصلت های طبیعی یک انسان

رسول من أنفسکم

تعبیر <من أنفسکم> به جای <منکم> می تواند اشاره به این جهت باشد که نه تنها پیامبر(ص) از میان شماست ; بلکه او برخوردار از نفس و روح انسانی همانند دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹- بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به

تنوّع دو بیـان دارد. به تعـبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خـبر برای <ذلـک> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیـل> است.

صفات مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۳

۳ - تقوا ، یکتاپرستی و دوری از شرک ، از اوصاف بندگان مخلَص

ألاتتّقون . أتدعون بعلًا و تذرون أحسن الخلقین . اللّه ربّکم ... إلاّ عباد اللّه

صفات مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۶

۶ - بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أو من ینشّؤا فی الحلیه

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نسیتند.

صفات مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - انسان رفاه مند سرمست ، موجودی خودخواه و طلبکار از خداوند

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

تعبیر <إنّ لی عنده> نشان می دهد که انسان سرمست و رفاه مند حقی برای خود نزد خدا قائل است; نه این که صرفاً امید به تفضل، إنعام و مغفرت الهی داشته باشد.

صفات مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمرًا تهجرون

صفات مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دلبستگی کافران و

مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . .. إذا هم فیه مبلسون

<حتّی> غایت برای <ما یتضرّعون> و <فتح> (مصدر <فتحنا>) به معنای گشودن است. <إبلاس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر[روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن[حال، از هر سبب نجات بخشی]نومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۸

۸ - تأثیر مقطعی و ناپایدار آیات الهی بر روح مستکبران *

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا کأن لم یسمعها

بنابراین که واژه <ثمّ> دال بر تراخی زمانی باشد، می توان چنین برداشت کرد که آیات الهی، تأثیر گذرا و مقطعی در کافران دارد؛ اما در نهایت انگیزه های استکباری آنان، مانع از تأثیرگذاری آن آیات در وجود آنها می شود.

صفات مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

صفات مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است

که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

صفات مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ - وجود روحیه تحقیق و بررسی بین مسلمانان صدراسلام

و یسَلونک

صفات مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

صفات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس . .. و من الذين أشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ مخالفت مشركان با رسالت پيامبر (ص) و قرآن كريم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنكشى آنان

و إذا تتلى عليهم ءاياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا أو بد

با توجه به اينكه آيات الهى، آشكار و واضح بود و

در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن كاد ليضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا عليها

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۸ - ۳

۳ - پندارگریی و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إنّ الذين لايؤمنون بالأخره . .. إن يتّبعون إلّا الظنّ

با توجه به حصر در <إن يتّبعون إلّا الظنّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۴

۴ - مشرکان ، مستورسازنده حقیقت اند .

قل يأيّها الكفرون

به کار بردن عنوان <کافر> که به معنای پوشاننده و انکارکننده امری معلوم است تعریض به مخاطبان است که بین من و شما، این شما هستید که حقیقت را پوشانده اید.

صفات مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ – لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذکّروا لا یذکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۵ – ۳

– ۳

ایمان نداشتن به جهان آخرت ، از اوصاف مهم و شناخته شده مشرکان صدراسلام

الذین لایؤمنون بالأخره

توصیف مشرکان به ایمان نداشتن به آخرت و انتخاب این وصف از میان اوصاف دیگر آنان، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

صفات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۷

۱۷ - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (اللّه) است .

اللّه ربّکم

<ربّکم> صفت برای <اللّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . .. لا إله إلّا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۵

۵ - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلّا هو

صفات مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شایـد منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشـتن به قیامت نباشـد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژ گی های آن مردد بودند.

صفات مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۲

۲ - روح آلوده و فسادگر ، افزون طلب و اشباع ناپذیر است . *

و لقد رودوه عن ضیفه

با این که تمامی قوم لوط، مبتلا به فساد اخلاق بودند و برای انجام اعمال زشت و انحراف جنسی خویش، محدودیتی نداشتند; با این حال چشم از میهمانی تازه وارد بر پیامبری که همواره در ستیز با ایشان بود، برنداشتند.

صفات مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۳

۳- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند .

و أن الذین لایؤمنون بالأخره . .. و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الإنسان> مطلق انسانها نباشد چنانکه برخی از مفسّران گفته اند ; بلکه الف و لام <الإنسان> برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذین لایؤمنون بالأخره. ..) آمده است.

صفات مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

صفات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۸

۸ – تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذّبین . ..إنّ المتّقین ... إنّا کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقواپیشگان و محسنان در

آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

صفات مکذبان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۱

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود ، از کسی سرمی زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

<ذلک>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دَعٌّ> (مصدر <یَدُعُّ>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلک الذی...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

صفات مکذبان کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان مجازات های الهی ، نه خود به تغذیه مسکینان کمک می کنند و نه دیگران را به آن وادار می سازند .

و لایحضّ علی طعام المسکین

تعبیر <حضّه علی الامر>; یعنی، او را بر آن کار وادار ساخت (مصباح). مراد از <طعام المسکین>، <بذل طعام المسکین> است و ممکن است طعام[اسم مصدر و]به معنای اطعام باشد; مانند <عطاء> به معنای <اعطاء>. (البحرالمحیط)

صفات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۹

۹ منکران معاد ، گرفتار خود بزرگ بینی و استکبار در درون جان خویش

و قال الذین لایرجون لقاءنا . .. لقد استکبروا فی أنفسهم

صفات ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۷ – ۴

– ۴

در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان ، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشّر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که <مَثَل> در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

صفات منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۱

۱ - منافقان مردمی نیرنگباز و فریبکارند .

یخدعون اللّه و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۱،۶

۱ - منافقان ، مردمی فسادپیشه و تبهکارند .

ألا إنهم هم المفسدون

۶ - اهل ایمان ، باید منافقان را همواره مفسده گر و تبهکار بدانند .

ألا إنهم هم المفسدون

بیان فسادگری منافقان با جمله اسمیه مقرون به حرف تنبیه (ألا = آگاه باشید) و نیز حرف تأکید (إنّ)، گویای این است که منافقان با دروغ پردازیها مسلمانهایی را به این پندار رسانده بودند که ایشان مردمی اصلاح طلب هستند. بنابراین می توان گفت از اهداف جمله <ألا> این است که: مسلمانان هرگز در مفسده گر

بودنِ منافقان، تردید نکنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳ – ۵،۸،۱۰

۵ – خود بزرگ بینی و تحقیر مؤمنان راستین ، از صفات اهل نفاق است .

أنؤمن کما ءامن السفهاء

۸ – منافقان ، خود مردمی سفیه و بی خردند .

ألا إنهم هم السفهاء

مقرون بودن خبر به <ال> و نیز وجود ضمیر فصل در جمله <ألا إنهم . ..> از حصر حکایت دارد و این حصر به اصطلاح <حصر> اضافی است. بنابراین معنای جمله چنین است: منافقان بی خردند، نه مؤمنان راستین.

۱۰ – منکر شمردن معروف ها و معروف دانستن منکرات ، از ویژگی های منافقان

إذا قیل . .. و إذا قیل لهم ءامنوا ... قالوا أنؤمن کما ءامن السفهاء

از اینکه فساد را اصلاح گری می شمرند و ایمان را سفاهت می پندارند، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۶ – ۱

۱ سرسختی ، تکبر و غرور ریاکارانِ مدعی اصلاح (منافقان) ، در مقابل دعوت به تقوا

و من الناس من یعجبک . .. و اذا قیل له اتق اللّه اخذته العزه بالاثم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۲ – ۴،۶

۴ دوگانگی برخورد منافقان با پیامبر (ص) و رهبران الهی ، به هنگام سختی ها و آسایشها

فکیف اذا . .. ثمّ جاؤک یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً

منافقان تا قبل از گرفتاری، از پیامبر (ص) اعراض کرده و به طاغوتها می گرایند، و آنگاه که به مشکلات برخورند، از

پیامبر (ص) عذرخواهی می کنند.

۶ دروغ ، سوگند به خدا ، توجیه اعمال ناروا و عذرتراشی ، از شگرد های منافقان

یصدّون عنك صدودا . .. ثمّ یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

به دلیل <یصدّون عنک> معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذرتراشی برای اعمال ناروایشان بوده است ; نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۲

۲ فرصت طلبی ، طمعکاری و برخورد های طلبکارانه ، از ویژگی های اهل نفاق است .

الذین یتربّصون بكم فإن كان لكم فتح من اللّه . .. و نمنعكم من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۹،۱۱،۱۴

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن ، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلی الصّلوه قاموا كسالی

<کسالی> جمع <کسلان> است ; و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلی الصّلوه> است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

۱۱ ریاکاری در نماز و عبادت ، از صفات منافقان و نشانه نفاق

و إذا قاموا إلی الصّلوه قاموا كسالی یراءون الناس

۱۴ غفلت از خداوند و كم به یاد او بودن ، از صفات منافقان

و لایذكرون اللّه إلاّ قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱،۱۳

۱ منافقان ،

متحیر و سرگردان میان کفر و ایمان

مذبذبین بین ذلک لا إلی هؤلاء و لا إلی هؤلاء

<ذلک> اشاره به ایمان و کفر است. <مذبذب> به شییء معلق گفته می شود که دایم به این سو و آن سو حرکت می کند و استقراری ندارد.

۱۳ تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین ، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: . .. یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم اللّه.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۵

۵ منافقان ، گروهی فرصت طلبند .

إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۹

۹ منافقان ، دارای روحیه ای شرک آلود

یحلفون باللّه لکم لیرضوکم و اللّه و رسوله أحق أن یرضوه

کوشش منافقان در جلب رضایت مردم (لیرضوکم) و غفلت از رضایت خدا (و اللّه و رسوله أحق أن یرضوه)، نشانگر روحیه شرک آلود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۸

۸ بی شرمی منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازی و تزویر ، حتی پس از افشای اسرار درونی و توطئه های آنان

و لئن سألتهم لیقولن إنما کنا نخوض و نلعب قل أباللّه و ءایته و رسوله کنتم تستهزءو

جمله <قل أباللّه . ..

> می تواند رد ادعای منافقان در مورد <نخوض و نلعب> باشد ; یعنی، آنان هنوز هم با این سخنان در مقام تزویرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۰،۱۷

۱۰ منافقان ، مردمی دارای خصلت بخل و امتناع از انفاق در راه خدا

المنفقون و المنفقت . .. و یقبضون أیدیهم

۱۷ ترویج زشتی ها و فساد (منکر) و پیشگیری از تحقق نیکی ها و ارزش ها و فراموشی خدا و فرمان های او ، از عملکرد ها و اوصاف منافقان

المنفقون . .. یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون أیدیهم نسوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ عملکرد ، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان ، کاملاً متفاوت و متضاد است .

المنفقون و المنفقت . .. یأمرون بالمنکر ... و المؤمنون و المؤمنت ... یأمرون بالمع

با توجه به تقابل این آیه با آیه ۶۷ که در مورد خصلتهای منافقان بود برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ خیانت در برابر خدمت ، از خصلت های منافقان است .

و ما نقموا إلا أن أغنيهم اللّه و رسوله

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۵ – ۴،۶

۴ مشروط نمودن انجام فرایض و صالح شدن ، به برخورداری از مال و ثروت ، خصلتی است منافقانه .

و منهم من عهد اللّه . .. لنکوننّ من الصلحین

۶ اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد اللّه . .. لنکوننّ من الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۷ – ۸

۸ دروغ گویی ، شیوه مستمر منافقان

و بما کانوا یکذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۹ – ۷

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذین یلمزون المطوّعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۱ – ۳،۱۲

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول اللّه

۱۲ منافقان ، دارای روحیه رفاه طلبی

و قالوا لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۳

۳ تظاهر به آمادگی برای جهاد و فداکاری ، پس از پایان یافتن دشواری های نبرد ، خصلتی است منافقانه .

فإن رجعک اللّه إلی طائفه منهم فاستئذنوک للخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۸

۸ منافق ، دارای خصلت حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۱۹

۱۹ دروغ گویی ، خصلت منافقان است .

و اللّه یشهد إنهم لکذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۶ – ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام ... ثم لا یتوبون و لا هم یذّکّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۷ – ۶

۶ – نافرمانی و روی گردانی از خـدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و یقولون ءامنّا باللّه . .. ثمّ یتولّی فریق منهم من بعد ذلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۸ – ۳

۳ – نپذیرفتن داوری پیامبر (ص) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۹ – ۴

۴ – اندیشه سودجویانه ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

و إذا دعوا إلى اللّه و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . و إن يكن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۱،۲،۴،۷،۱۰

۱ - منافقان صدراسلام ، به بيمار دلى مبتلا بودند .

أفى

قلوبهم مرض

همزه در <أفی> برای استفهام است; ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله

۱۰ - نسبت دادن جرم و گناه خویش به دیگران و چهره مظلومانه به خود گرفتن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله بل أُولئک هم الظلمون

منافقان خدا و رسول او را به ستم و اجحاف کردن در داوری هایشان متهم می کردند. در مقابل خداوند نیز با تأکید فراوان، آنان را ظالم معرفی کرده است این مطلب می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۳

۳ - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض. .. قالوا للذین کرهوا ... سنطیعکم

با توجه به ارتباط

این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیماردلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرّکم باللّه الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۹

۹ - منافقان ، عناصری دروغگو و بیگانه با صدق و راستی

ألا إنّهم هم الکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۹،۵،۴

۴ - تلاش منافقان ، برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق آلود خود

إذا جاءك المنفقون قالوا نشهد إنّک لرسول اللّه

۵ - شهادت صریح و أکید به رسالت پیامبر (ص) در حضور آن حضرت ، از شگرد های منافقان برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق خود از آن حضرت

إذا جاءك المنفقون قالوا نشهد إنّک لرسول اللّه

۹ - دروغ گویی ، از ویژگی ها و خصلت های منافقان

و اللّه یشهد إنّ المنفقین لکذبون

تکیه بر وصف <کاذبون> نشانگر آن است که دروغ گویی، برای منافقان خصلتی ثابت و جدایی ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱،۳

۱ - منافقان ، دارای ظاهری فریبنده و قیافه ای زیبا

و إذا رأیتهم تعجبک أجسامهم

۳ - منافقان ، دارای زبانی شیوا و

کلامی جذاب

و إن یقولوا تسمع لقولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۱،۷،۹

۱ - منافقان ، عناصری نصیحت ناپذیر

و إذا قیل لهم تعالوا . .. لوّوا رءوسهم

۷ - منافقان ، عناصری منحرف و باطل گرا

و رأیتهم یصدّون

<صدّ> (مصدر <یصدّون>) بر دو معنا اطلاق می شود: الف) میل و انحراف، ب) منع و بازداشتن. در آیه شریفه، ظاهراً معنای اول اراده شده است.

۹ - استکبار و خودبرتربینی ، از خصلت های عناصر نفاق پیشه

و هم مستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۲

۱۲ - منافقان ، عناصری نادان و بی بهره از معارف بلند الهی

و للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین و لکنّ المنفقین لایعلمون

صفات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۵

۵ تأثیرپذیری موجودات ، دلیل عدم صلاحیت آنان برای خدایی و پرستش

ان یدعون من دونه الا اناثاً

صفات موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱،۴،۷،۸

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربّیّون> جمع <ربّی> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۴ مصیبت ها و مشکلات ، آنگاه که در راه خدا باشد ، هرگز مردان الهی را به ضعف و ناتوانی و تسلیم در برابر دشمنان

نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّه و ما ضعفوا و ما استکانوا

۷ یادآوری پایمردی و مقاومت خداپرستان پیشین ، از روش های قرآن برای ایجاد روحیّه مقاومت در مبارزه با دشمنان دین

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. فی سبیل اللّه

۸ قدرت روحی ، استقامت و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن ، از ویژگی های مردان الهی

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا . .. وما استکانوا

<وهن> به معنای فتور و سستی است، و کلمه <ما استکانوا>، از ماده <سکن>، به معنی خضوع است ; یعنی در برابر دشمن، خاضع و ذلیل نمی شوند و تسلیم نمی گردند.

صفات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۱

۱ - موسی (ع) قبل از رسالت خویش ، لکنت زبان داشت .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) برخوردار از توان جسمی فوق العاده و دشمن شکن

فوکزه موسی فقضی علیه

صفات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجرانِ مجاهد

انّ الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه اولئک یرجون رحمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۹

۹ مؤمنان به خدا

و قیامت از ازدواج زن مُطلّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّه و الیوم الاخر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۷ – ۱

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۵ – ۱۵،۱۸

۱۵ اطاعت از خدا و انبیا و طلب مغفرت ، از ویژگی های مؤمنان

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

۱۸ احساس و اظهار عجز از جانب مؤمنان ، نسبت به انجام وظایف خود در برابر پروردگار

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

طلب آمرزش از سوی مؤمنان با وجود پذیرش دستورات الهی و اطاعت، حاکی از عجز ایشان نسبت به وظایف خویش در برابر خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۶ – ۸،۱۰،۱۴،۱۵،۲۰

۸ مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی ، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه ، خود را مستحق مؤاخذه می دانند .

ربّنا لا تؤاخذنا ان نیسنا او اخطأنا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

۱۰ التزام مؤمنان به ترک معاصی و انجام تکالیف الهی

و قالوا سمعنا و اطعنا . .. ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا

توجه به پیشامد خطا و نسیان در تکالیف الهی

و درخواست عفو در مورد آن، گویای مراقبت مؤمنان از اعمال و رفتار خویش است.

۱۴ توجه مؤمنان به تاریخ گذشتگان و درس آموزی از آن

ربّنا و لا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الّذین من قبلنا

۱۵ درخواست مؤمنان از خداوند مبنی بر تحمیل نکردن عقوبت های طاقت فرسا بر آنان

و لا تحمّلنا ما لا طاقه لنا به

چون در بخشهای قبلی تکالیف مشقّتبار مطرح شده و نفی گردیده است (لا یکلّف اللّه نفساً الاّ وسعها)، الزاماً این بخش از آیه می تواند مشقّت و دشواری در غیر تکالیف باشد که همان عقوبت و عذاب است.

۲۰ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شؤون ولایت الهی

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا

جمله <انت مولینا> به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است; یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و . ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ یاری کردن دین خدا ، مشخّصه ایمان آورندگان به خدا و تسلیم شدگان در برابر اوست .

نحن انصار اللّه امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

جمله <امنا باللّه . .. > به منزله برهانی است از جانب حواریون برای دعوای یاری خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۰

۱۰ توکّل بر خداوند ، از ویژگی های مؤمنان

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۳ – ۶،۷،۱۵،۱۷

۶ مؤمنان واقعی ، از

زیادی دشمن و آمادگی آنها برای جنگ ، هراسی به خود راه نمی دهند .

الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس . .. فزادهم ایماناً

۷ اجتماع دشمنان دین برای نبرد با مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص) ، موجب افزایش ایمان و اعتقاد آنان به حقّانیّت راهشان می گردد .

الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم . .. فزادهم ایماناً

مراد از ضمیر فاعلی در <زادهم>، اجتماع دشمنان است که از <انّ النّاس قد جمعوا لکم> استفاده می شود. یعنی اجتماع مشرکان برای نبرد، باعث افزونی ایمان پیروان خدا و رسول شد.

۱۵ امیدواری مؤمنان به نصرت الهی و پیروزی در غزوه حمراءالاسد

و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

اکثر مفسران این آیه و آیات پیشین را درباره غزوه حمراءالاسد می دانند. مشرکان فاتح نبرد احد در راه بازگشت به مکّه از اینکه کار مسلمانان را یکسره نکردند، پشیمان شدند و آهنگ هجوم به مدینه را داشتند. پیامبر (ص) پس از اطلاع، مسلمانان را برای دفاع تا حمراءالاسد حرکت داد. این غزوه به غزوه حمراءالاسد معروف شد.

۱۷ نهراسیدن از کثرت دشمن و توکّل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. و قالوا حسبنا اللّه و نعم الوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۸،۹

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الّذین قال لهم النّاس . .. فانقلبوا بنعمه من اللّه و

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکتِ در نبرد حرکت کردند.

۹ مؤمنان واقعی ، در پی جلب رضایت کامل الهی

و اتّبعوا رضوان اللّه

<رضوان>، یعنی رضایت بسیار (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۷

۱۷ شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین ، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱

۱ نبرد در راه خدا ، از ویژگی های بارز مؤمنان واقعی

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۲

۲ منافقان در صورت توبه ، اصلاح گذشته ، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه از او ، در زمره مؤمنان واقعی قرار می گیرند .

الا الذین تابوا . .. فأولئک مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۹

۹ عشق به خدا و محبوب وی شدن ، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران ، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف یأتی اللّه بقوم . .. اعزه علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۱۵

۱۵ عملکرد ، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان ، کاملاً متفاوت و متضاد است .

المنفقون و المنفقت . .. یأمرون بالمنکر ... و المؤمنون و المؤمنت ... یأمرون بالمع

با توجه به

تقابل این آیه با آیه ۶۷ که در مورد خصلتهای منافقان بود برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۲،۴

۲ انفاق از روی میل و رغبت ، خصلت مؤمنان راستین

یلمزون المطوّعین من المؤمنین

<تطوّع> (مصدر مطّوّعین) به معنای دادن چیزی همراه با میل و رغبت است. <المطوعین فی الصدقات>; یعنی، کسانی که صدقات را با طیب نفس و با میل و رغبت می پردازند.

۴ تلاش عملی و قرار دادن تمامی توان جسمی خود برای رفع نیاز حاجتمندان جامعه در صورت نبود امکانات مالی از اوصاف مؤمنان راستین است .

و الذین لایجدون إلا جهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ مؤمنان راستین ، پذیرای هر سختی و دشواری در راه خدا

و قالوا لاتنفروا فی الحر

از اینکه خداوند منافقان را به خاطر گریز از جهاد در هوای گرم، به بهانه سختی و دشواری آن، مذمت کرده است، استفاده می شود که مؤمنان راستین از چنین خصلتی به دور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۶

۶ خشنودی قلبی از خدا و پذیرش قوانین و مقررات الهی از روی میل و رغبت و نه از روی اکراه و بی میلی از اوصاف مؤمنان راستین است .

و السبقون الأولون . .. و الذین اتبعوهم بإحسن رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ –

۱،۵،۶،۲۰ - ۱۱۲

۱ مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التّئبون العبدون الحمدون

۵ مؤمنان راستین ، دارای حرکت و جنب و جوش در راستای بندگی خدا و نه مردمی راکد و زمین گیر

السئحون

گاهی واژه <السائح> درباره آبی به کار می رود که همواره در گذرگاهی جاری باشد، توصیف اهل ایمان به این صفت می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

۶ مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

السئحون

<سیح و سیاحت> (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

۲۰ < عن جعفر بن محمد (ع) انه سئل عن قول اللّه تعالی : < ان اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بانّ لهم الجنه . . . > هذا لکل من جاهد فی سبیل اللّه أم لقوم دون قوم ؟ فقال ابوعبداللّه (ع) : . . . أنزل اللّه عز و جل علیه بعقب ذلک : < التائبون العابدون الحامدون . . . > فابان اللّه عز و جل بهذا صفه المؤمنین الذین اشتری منهم أنفسهم و أموالهم . . . ;

روایت شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: اینکه خدای تعالی می فرماید: <به تحقیق خدا از مؤمنان نفسها و مالهایشان را خریده است که در مقابل به آنان بهشت بدهد> آیا شامل همه کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند یا برای گروه خاصی است و نه همه گروهها؟ امام فرمود: . .. خدای عز و جل به دنبال آیه مزبور،

این آیه را بر رسول خود نازل فرمود: <التائبون العابدون الحامدون ... > و بدین وسیله صفات مؤمنانی را که نفسها و مالهایشان را خریده است بیان نمود ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۹ – ۵

۵ صدق و راستی ، از ارزش های والای انسانی و مهمترین صفت مؤمنان راستین

یأیها الذین ءامنوا . .. و کونوا مع الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۰ – ۷

۷ اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرّا هستند .

و ما کان لنفس أن تؤمن . .. و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۷ – ۳

۳– هوشیاری ، فراست و ژرف اندیشی ، از اوصاف مؤمنان راستین

إن فی ذلک لأیت للمتوسّمین . .. إن فی ذلک لأیه للمؤمنین

از اینکه خداوند در آیه قبل داستان قوم لوط را آیه برای ژرف اندیشان هوشیار قرار داد و در این آیه همین داستان را آیه برای مؤمنان دانسته است، می توان استفاده کرد که ژرف اندیشان همان مؤمنان راستینند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۸ – ۳

۳– مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شکّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . .. و ما أظنّ ... لکنّاْ هو اللّه ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را

با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۵،۶

۵ - مداومت در اقامه نماز و مواظبت بر انجام درست و کامل آن ، یکی دیگر از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

و المقیمی الصلوه

<إقامه> (مصدر <مقیمین>) به معنای انجام دادن درست و کامل است. به کارگیری وصف (مقیمین) بیانگر این نکته است که خواندن نماز، خصلتی است که از مؤمنان جدا نمی شود. بنابراین معنای <المقیمی الصلوه> چنین می شود: آنان که همواره نماز را درست و کامل به جا می آورند; نه آن را ترک می کنند و نه در انجام درست و کامل آن، کوتاهی میورزند.

۶ - انفاق مال و دستگیری از نیازمندان ، از برنامه های زندگی مؤمنان راستین

و بشّر المخبتین . .. و ممّا رزقنهم ینفقون

به کارگیری فعل مضارع (ینفقون) بیانگر این حقیقت است که انفاق و رسیدگی به کار نیازمندان، کار یک روز و یا چند روز مؤمنان راستین نیست; بلکه برنامه ای است که آنان در طول زندگی، خود را موظف به انجام آن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، انسان هایی سنجیده کار و درست گفتاراند٠

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

- ۲۳ - ۴ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، آنانی اند که زکات مال را همواره می پردازند .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم للزکوه فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، انسان هایی عفیف و پاک دامن اند .

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم لفروجهم حفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱،۴

۱ - < حرف شنوا و مطیع هستیم > ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

فعل مضارع <یقولوا> همراه با فعل <کان> بر استمرار و کلمه <إنّما> که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

۴ - لبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۴

۴ - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقواپیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا . .. أن یقولوا سمعنا و أطعنا ...

و من يطع اللّه

برداشت فوق، از ارتباط ميان اين آيه و آيه پيشين كه درصدد بيان اوصاف مؤمنان راستين است به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - پرهيز از ظلم و دورى از ستم در روابط اقتصادى ، ويژگى مؤمنان راستين است .

و إنّ كثيرًا من الخلطاء ليبغى . .. إلاّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و قليل ما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲

۲ - عبادت شبانه با سجده و قيام ، دغدغه خاطر داشتن از روز قيامت و اميد به رحمت الهى ، از اوصاف و نشانه هاى مؤمنان راستين

أمّن هو قنت ءاناء الّيل ساجدًا و قائمًا يحذر الأخره و يرجوا رحمه ربّه

آيه شريفه به قرينه مقابله با آيه قبل كه درباره انسان هاى كافر بود درصدد بيان اوصاف و نشانه هاى مؤمنان راستين است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهيز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران كفر و شرك ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئيس گمراه گر گفته مى شود. اين كلمه در قرآن، هم به اين معنا آمده و هم در بت و صنم به كار رفته است. چنانچه اين واژه در آيه شريفه در معناى نخست به كار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن يعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنى است آيه

شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلی اللّه

<إنابه> (مصدر <أنابوا>) به معنای رجوع است و <أنابوا إلی اللّه>; یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - < عن موسی بن جعفر (ع) . . . ما من مؤمن یرتکب ذنباً إلاّ ساء ذلک و ندم علیه . . . فإن لم یندم علی ذنب یرتکبه فلیس بمؤمن و لم تجب له الشفاعه و کان ظالماً و اللّه تعالی یقول : < ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع > ;

از امام کاظم(ع) روایت شده است: . ..هیچ مؤمنی نیست که پس از ارتکاب گناه ناراحت و پشیمان نشود... و اگر بر گناه خود پشیمان نشود، مؤمن نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و او ظالم است. خداوند تعالی می فرماید: ماللظالمین من حمیم و لاشفیع یطاع >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۲

۲ - بغض و دشمنی (تبرّا) نسبت به کافران حق ستیز ، از اوصاف مؤمنان راستین

الذین یجدلون فی ءایت اللّه. .. کبر مقتًا... عند الذین ءامنوا

تذکر خداوند به این که مؤمنان نیز نسبت به مجادله گران بغض و دشمنی دارند; در واقع در صدد مدح آنان و نیز بیان اوصاف پسندیده ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۹

۹ - چشم پوشی از خطای دیگران ، به هنگام خشم ، از صفات مهم اهل ایمان

للذین ءامنوا . .. الذین ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

اهمیت این صفت، از تخصیص به ذکر یافتن آن، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۹ - ۴

۴ - اهل ایمان ، نه متجاوزاند و نه تجاوز را از سوی دیگران می پذیرند .

و الذین إذا أصابهم البغی هم ینتصرون

<إنتصار> به معنای یاری طلبیدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ; نه غوطهور در لذّت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصالحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۶

۲۶- آثار روح عبودیت و اعمال ارزشی ، آشکار در سیمای اهل ایمان

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سجده، مظهر روحیه بندگی و نیایش انسان به درگاه الهی است و این روحیه در پرتو مظاهر آن، در اندام ظاهری انسان (چهره) تأثیر می گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۲

۲ - اخوت و برادری ، بارزترین صفت در

زندگی اجتماعی مؤمنان

إنّما المؤمنون إخوه

با توجه به این که حصر <إنّما> ناظر به خبر است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۳

۳ - مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۳

۳ - مؤمنان راستین ، دور از سرمستی ، و گریان و اندوهناک در برابر انذار های الهی

و تضحکون و لاتبکون

از توبیخ کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان بر خلاف ایشان از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۳

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه و ما نزل من الحقّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند; دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۱

۱ - تعیین کردن مقدار معیّنی از اموال خود برای انفاق ، از اوصاف مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أمولهم حقّ معلوم

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۵ – ۱

۱ – اختصاص دادن مقدار معیّنی از اموال خود به سائلان و محرومان جامعه ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أمولهم . .. للسائل و المحروم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۶ – ۱

۱ – تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۷ – ۱

۱ – ترس و نگرانی از عذاب پروردگار ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۹ – ۱

۱ – پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین هم لفروجهم حفظون

<فروج> (جمع <فَرْج>) کنایه از شرمگاه و <حفظ> (مصدر <حافظون>) به معنای صیانت و نگه داری است; یعنی، آنان که دامن های خود را [پاک]نگه می دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۲ - ۱

۱ - رعایت امانت و پایبندی به عهد و پیمان خویش ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۳

۱ -

۱ - ادای شهادت و گواهی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم بشهدتهم قائمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۱

۱ - اهمیت دادن به نماز ، مواظبت بر انجام دادن به موقع آن و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۵

۵ - < عن الحارث بن الدلهاث مولی الرّضا (ع) قال : سمعت أباالحسن (ع) یقول : لایکون المؤمنُ مؤمناً حتّی یکونَ فیه ثلاثُ خصال سنّه من ربّه و سنّهٌ من نبیّه و سنّه من ولیّه ، فالسنّه من ربّه : کتمان سرّه ، قال اللّه عزّوجلّ : < عالم الغیب فلایظهر علی غیبه أحداً إلاّ من ارتضی من رسول > . . . ;

حارث بن دلهاث گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود: مؤمن، مؤمن نیست مگر این که سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از ولیّ و امامش. اما سنّت پروردگارش، نهان داشتن سرّ خویش، خدای عزّوجلّ فرمود: <عالم الغیب فلایظهر علی غیبه أحداً إلاّ من ارتضی من رسول>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۴

۴ - نماز ، نشانه ایمان و از اوصاف مؤمنان است .

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

صفات مؤمنان به نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۴ - ۶

۶ - کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند ، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند .

أرءیت إن کان علی الهدی . أو أمر بالتّقوی ... ألم یعلم بأنّ اللّه یری

صفات مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱،۲،۵

۱ - ایمان به خدا و رسول او ، دو رکن ایمان و از اوصاف مؤمنان راستین است .

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّه و رسوله

حصر در <إنّما المؤمنون. ..> اضافی و از باب قصر موصوف بر صفت است و براساس آنچه که در شأن نزول آن آمده آیه شریفه، در ارتباط با منافقان نازل شده است. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: <ایمان حقیقی، دارای دو رکن اساسی است: ایمان به خدا و ایمان به رسول او، و مؤمنان راستین دارای چنین اوصافی اند>.

۲ - حضور در کنار پیامبر (ص) و رهبری جامعه اسلامی برای امور مهم اجتماعی و مشاوره و کنکاش پیرامون یک مسأله عمومی ، از اوصاف مؤمنان راستین

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّه و رسوله و إذا کانوا معه علی أمر جامع لم یذهبو

<أمر جامع> به مسأله ای گفته می شود که در خور این باشد که مردم به خاطر آن اجتماع کنند و به مشاوره و فراگیری و حل و فصل آن بپردازند. کلمه <مع> نیز افاده کننده معنای مشارکت است.

۵ - اجازه خواستن از پیامبر (ص) و رهبر امت اسلامی برای ترک حضور در امور اجتماعی و حل و

فصل مسائل عمومی ، از اوصاف مؤمنان راستین است .

إنّ الذین یستئذنونک أُولئک الذین یؤمنون باللّه و رسوله

صفات مهاجران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۸ – ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجرانِ مجاهد

انّ الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّه اولئک یرجون رحمت اللّه

صفات مهتدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵ – ۴

۴ – برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، هدایت یافتگانند .

یقیمون الصلوه . .. أولئک علی هدًی من ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۱۸

۱۸ – هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

و إن کانت لکبیره إلا علی الذین هدی اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۷

۷– ایمان و استغفار ، از نشانه های هدایت یافتگان است .

أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم

صفات ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۶ – ۱۷

۱۷ گردنفرازی و فخرفروشی از خصلت های نکوهیده

انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۹

۱۹ جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إنی أعظك أن تکون من الجهلین

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۷

۷- جدال و مخاصمه ، صفتی بس مذموم و ناپسند برای انسان

فإذا هو خصیم مبین

آوردن <إذا> ی فجائیه می تواند نشان دهنده ناپسند بودن جدال و مخاصمه باشد، خصوصاً با توجه به اینکه انتظار از مخلوق، تسلیم بودن در مقابل خالق است و جدال و مخاصمه خلاف انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیه قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱

۱ - خود بزرگ بینی و تحقیر دیگران ، صفتی نکوهیده در نزد خداوند

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم . ..ثانی عطفه

<ثَنی> (مصدر <ثانی>) به معنای پیچاندن و برگرداندن و <عطف> به معنای پهلو است. پیچاندن پهلو، کنایه از تکبر و تحقیر دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۶

۶ - ستم به دیگران ، کاری است بسیار زشت و ناروا .

و أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۲ – ۷

۷ – بد گمانی نسبت به مؤمنان ، امری ناپسند و مورد سرزنش خداوند

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيرًا و قالوا هذا إفك

مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۸ – ۳

۳ – اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . .. فأمّا من ... استغنی

مراد از <استغنی> به قرینه جمله <صدّق بالحسنی> در آیات پیشین ممکن است استغنای از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

صفات نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۳ – ۲

۲ – ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

و إنّ من شیعته لإبرهیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که لازمه پیرو بودنِ ابراهیم(ع) در سیر و سلوك زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوك نوح پیامبر(ع) است.

صفات نهرهای بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۶

۶ بهشت دارای نهرهایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اِسناد جریان به خود نهرها، همانند <جری المیزاب>، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

صفات نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۷،۲۰،۲۶،۲۷

۱۷ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لکن البر من ءامن باللّه . .. و النبیین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ،

مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لکن البر من . .. و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لکن البر من . .. أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لکن البر من . .. الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

صفات هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۲

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد ; یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

صفات همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱،۲،۳،۶،۸

۱ حرمت ازدواج مؤمنان با زنان مشرک ; مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمنَّ

۲ باید ایمان معیار اصلی در انتخاب همسر باشد ; نه زیبایی و یا حرّیت (برده نبودن)

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمنّ و لامه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم . .. و لعب

مصداق بارز <اعجاب> در انتخاب همسر، زیبایی و دلربایی است.

۳ کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک ; هر چند زیبا و دلربا باشد .

و لاَمَه مؤمنه خیر من مشرکه و

لو اعجبتکم

۶ حرمت ازدواج زنان مؤمن با مشرکان ; مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا

۸ برده مؤمن برای همسریِ زن مسلمان شایسته تر است از آزاد مرد مشرک ; هر چند ظاهری فریبنده داشته باشد .

و لعبد مؤمن خیر من مشرك و لو اعجبتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۲

۲ عقیم نبودن ، از ویژگی های زن شایسته و کامل

نساؤکم حرث لکم

از خصوصیات مهم زن، قابلیّت بارور شدن او برای بقای نسل است; بنابراین چنانچه زن نازا باشد، از این ویژگی مهم عاری است و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.

صفات همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۲،۴،۵

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از <قاصرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندك چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

۵ - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

<عیناء> (مفرد <عِین>) به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر

هستند .

کأنّهنّ بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه> و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

۲ - رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است .

کأنّهنّ بیض

۳ - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۴

۴ - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>); یعنی، زنان فراخ چشم.

صفات یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۰ – ۴

۴ – یهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرتربین

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۹

۹ - یهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظالمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرتربین

إن کانت لکم الدار الأخره . .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳،۷

۳ - یهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أیدیهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

۷ - یهود ، مردمی ستم پیشه اند .

و اللّه علیم بالظلمین

از مصداقهای <الظالمین> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱،۲،۷

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند ; که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه <لا تؤمنوا>، به معنای عدم اعتماد باشد; نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرتربینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الّا لمن تبع دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

۵

بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه <النّاس>، غیر یهودیان هستند ; به قرینه آیه بعد: <ام یحسدون النّاس>، بنابر این معنای جمله <فاذاً . .. > چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا ، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب . .. فقست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود ، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلک بأنّهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم>; می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۳

۳ - یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرتربین

إن زعمتم أنّكم أولياء للّه من دون الناس

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۷ – ۱،۲

۱ – یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لایتمنّونه أبدًا

۲ – یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لایتمنّونه . .. و اللّه علیم بالظّلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۸ – ۲

۲ – قوم یهود ، مردمی هراسان از مرگ

قل إنّ الموت الذی تفرّون منه

صفات یهود دوران مریم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۷ – ۵

۵– مردم بیت المقدس در زمان مریم (س) ، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند .

لقد جئت شیئًا فریًّا

عینیت صفات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸۲ – ۶

۶ – اتحاد و یکی بودن اراده ، قول و فعل خداوند

إنّما أمره إذا أراد شیئًا أن یقول له کن فیکون

مراتب صفات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۳ – ۱۰

۱۰ سبقت رحمت و نعمت خدا بر نقمت او

لم یک مغیرا نعمه أنعمها

مسیحیان و صفات صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۰

۳۰– آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

مسیحیان و صفات محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

ملاک صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۱۳

۱۳ - ملاک شایستگی اسامی و اوصاف برای خداوند ، دلالت آنها بر بی عیب بودن خداوند و سازگاری شان با مقام والای او است .

سبّح اسم ربّک الأعلی

منشأ صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۲

۲- داشتن ایمان راستین و منزلت نیکو و متصف بودن به خصال پسندیده ، بسته به تقدیر الهی است .

إنّ الذین سبقت لهم منّا الحسنی

جمله <سبقت لهم منّا> بیانگر مقدر شدن <الحسنی> (نیکوبودن) از پیش به وسیله خداوند است؛ یعنی، کسانی که ما از قبل برای آنان مقدر کردیم. ...

نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۴

۱۴- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمیًّا

چنان که گفته شد، <سمیّ> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است; ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

نقش صفات اخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸

یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۲،۲۴

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزینند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۶

۶- روحیات و خصلت های درونی انسان ، دارای ظهوری آشکار در سبک گفتار وی

و لتعرفنّهم فی لحن القول

خداوند با تأکید بیان کرده است که: می توان منافقان را از شکل و محتوای سخنشان شناخت، از این سخن معلوم می شود که منافق، با تمام تلاش برای پنهان داشتن اسرار خود، ناخود آگاه سرّ درونش بر شیوه گفتارش تأثیر می گذارد.

ویژگیهای صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۶

۶- تشبیه خدا به سایر موجودات ، ناشی از ناآگاهی انسان به تمایز ذات و صفات خدا از غیر اوست .

فلاتضربوا لله الأمثال . .. أنتم لاتعلمون

با توجه به اینکه منظور از <أنتم لاتعلمون> نفی علم مطلق نیست; زیرا بدیهی است که انسانها در زمینه های مادی زندگی خود دانشهایی دارند; بلکه نفی علم مربوط می شود به همان زمینه ای که در آیه مطرح است; یعنی، قابل مقایسه نبودن ذات و صفات خدا با

سایر مخلوقات، برداشت فوق به دست می آید.

هماهنگی با صفات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۱۳

۱۳– انگیزه اهل دعا و استغاثه در عصر بعثت ، جلب رضایت خداوند و قرار گرفتن در حالتی مناسب با صفات او بود .

یدعون . .. یریدون وجهه

مراد از <وجه> در <یریدون وجهه> نه معنای حقیقی <وجه> است زیرا، خداوند، دارای صورت نیست و نه کنایه از ذات خداوند است زیرا، نمی توان آن را اراده کرد بنابراین، یا کنایه از رضایت خداوند است، به این مناسبت که انسان ها، در هنگام رضایت، صورت خود را به سوی مخاطب خود برمی گردانند و یا کنایه از صفات خدا است که اهل دعا، یا خود را مشمول آن قرار می دهند و یا در برابر هر صفتی نظیر عزّت و علم خداوند، وضعیّتی مناسب، نظیر ذلّت و ناآگاهی به خود می گیرند.

یهود و صفات صحابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۰

۳۰– آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

یهود و صفات محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۰

۳۰– آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

صفات ارزشمند

{صفات ارزشمند}

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۷

۷ هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادتمند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت ، از خصلت های والا و ارزشمند

عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

صفات جلال

{صفات جلال}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۴

۴ - خداوند در مؤاخذه بندگان ، هرگز از حق تجاوز نمی کند .

فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

در باره فرق <ظلم> و <هضم> احتمالاتی داده شده است; از جمله این که ظلم; یعنی، بیش از حق مطالبه کردن و هضم; یعنی، از حق کم گذاشتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۳

۳ - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی اللّه الملک الحقّ

<حقّ> نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۳

۳- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزّه بودن او از نسیان

و ما کان ربّک نسیًّا . ربّ السموت والأرض و ما بینهما

ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما کان ربّک نسیًّا . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در

جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

صفات جلال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۲ – ۲،۳

۲ – خداوند ، منزه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنک

۳ – خداوند ، منزه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء . .. قالوا سبحنک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانک> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنشان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانک> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۶ – ۱،۴،۷،۹،۱۳

۱ – خداوند ، منزه از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

۴ – گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

<سبحان> به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است; یعنی: <سبحت اللّه تسبیحاً>. کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

۷ – خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم <له> بر <ما فی السماوات . ..> به دست می آید - استفاده می شود.

۹ - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا

اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل له ما فى السموت و الأرض

جمله <له ما فى السماوات . ..> برهانى است براى رد پندار نارواى يهود و نصارا.

۱۳ - عبادت و اطاعت هستى براى خدا ، دليل منزه بودن او از داشتن فرزند است .

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. كل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵

۵ - آفرينش آسمان ها و زمين ، بدون مثال و الگويى از پيش ، دليل منزه بودن خدا از اختيار كردن فرزند و نياز داشتن به آن

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. بديع السموت و الأرض

برداشت فوق بر اين اساس است كه <بديع السماوات . ..> همانند جمله <له ما فى السماوات ...>، دليل و برهانى براى تنزيه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شريک منزه دانسته و تنها او را پرستش مى كنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهى دارد .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۱

۲۱ – اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما اللّه بغفل عما یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره

- ۲ - ۱۴۹ - ۶

۶ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

اَنّ اللّه غنیّ حمید

<حمید> در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بیدک الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ خداوند ، مُنزّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۴،۱۰

۴ مالکیّت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین. و للّه ما فی السموات و ما فی الارض

۱۰ بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین . .. و الی اللّه ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۴

۱۴ ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ اللّه شیئا

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۱ – ۱،۹،۱۵

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع اللّه قول الّذین قالوا انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء

به گفته بسیاری از مفسّرین، مراد از <الّذین قالوا>، یهودیان هستند.

۹ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ الّذین . .. انّ اللّه فقیر و نحن اغنیاء سنکتب ما قالوا

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۲ – ۶

۶ نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۱ – ۱۷،۲۴،۲۵،۲۷

۱۷ پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب. الّذین ... ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

۲۴ خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

۲۵ خردمندان ، خداوند را از هر کاستی مبرّا و منزّه می دانند .

لایات لاولی الالباب. الّذین ... سبحانك

۲۷ منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک

جلد – نام سوره – سوره – آیه –فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱

- ۳۶،۳۹

۳۶ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله <له ما فی السموت . ..> دلیل و برهانی است برای جمله <سبحنه ان یکون له ولد> یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوك و عبد اوست و کسی که مالك تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

۳۹ کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزه بودنش از داشتن شریك و فرزند

انما اللّه اله وحد سبحنه ان یکون له ولد . .. کفی باللّه وکیلا

جمله <کفی . ..> دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۷

۷ خداوند منزه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

از صفات <قاهر>، <حکیم> و <خبیر>، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۶،۹،۱۰

۶ شریك پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

۹ خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزه است.

و خرقوا له بنین و بنت . .. سبحنه و تعلی عما

یصفون

۱۰ خداوند منزه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۳،۴،۶،۱۱

۳ خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۴ وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . .. و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدرکه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲،۵

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما

قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

۵ خداوند منزه از اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

بـا تـوجه به اینکه <أن اللّه . .. > در مقـام اسـتدلال بر این حقیقت است که گرفتـاری کـافران به عـذاب حریـق سـتمی به آنها نیست، بایـد مراد از ظلاـم نبودن خـدا، نفی کمترین ظلم از سـاحت قـدس وی باشـد، و گر نه اسـتدلال تمـامی نیست. و بسـیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۷

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ – ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۸ – ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

۱۶ خداوند ، منزه و فراتر از داشتن شریک است .

سبحنه و تعلی عما یشرکون

۱۷ از علی (ع) روایت شـده که فرمود : < امـا مـا لاـ یعلمه اللّه ، فلا یعلم اللّه أن له شـریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولـداً و

شرحه فی القرآن : < قل اتنبئون اللّه بما لا یعلم > . . . ;

. .. اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی)

خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟> ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۱،۶

۱ خداوند ، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد .

إن اللّه لایظلم الناس شیئاً

۶ از امام هادی (ع) روایت شده است : < . . . من زعم ان اللّه عزوجل أجبر العباد علی المعاصی و عاقبهم علی ها . . . فقد ظلّم اللّه فی حکمه و کذّبه و رد علیه قوله : . . . < إن اللّه لایظلم الناس شیئاً > . . . ;

. .. هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: <خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند> رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۳

۳ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ،

مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه هو الغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنّهم یثنون صدورهم لیستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

۲ خداوند ، مردمان را به طرف گناهان (شرکورزی ، انکار پیامبران و . . .) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرکو . ..) وانمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۱،۵

۱ خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما کان ربک لیهلک القری بظلم

حرف <باء> در <بظلم> برای ملابست است. براین اساس جمله <ما کان ...> چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما كان ربک لیهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از

<رب> که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربک بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک مبرّاست .

و سبحن الله و ما أنا من المشرکین

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبح و یا نسبح) می باشد ; یعنی: اسبح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هذه سبیلی> است ; یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۶

۶ خداوند منزه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبّح الرعد بحمده و الملئکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و یجعلون لله البنت سبحنه

۴- فرزند (دختر) داشتن برای خداوند نقص است .

و يجعلون لله البنت سبحنه

ذکر تنزیه <سبحانه> برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او

می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

۵- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۷

۷- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان مبرّاست .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۴

۴- خداوند ، برخلاف پندار واهی مشرکان ، هیچ گاه برای آنان ، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توبیخ و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، بسیار برتر و منزه تر از شریک داشتن است .

سبحنه و تعلی عمّا یقولون علوًّا کبیرًا

۳- خداوند ، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود .

أفأصفکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملئکه إنثًا . .. سبحنه و تعلی عمّا یقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۲

۱۲- خداوند ، منزه از تحیز ، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است .

أو تأتی بالله . .. قل سبحان ربّی

چون درخواست مشرکان از پیامبر(ص) (أو تأتی بالله) مستلزم جسمانیت،

جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله <سبحان ربّی> می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۸ – ۱

۱- پروردگار ، منزه از هر کاستی و نقص در بینش آگاهان به معارف آسمانی

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یقولون سبحن ربّنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۱ – ۵،۸

۵- خداوند ، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر ، مبرّا و بی نیاز است .

لم یتخذ ولدًا و لم یکن له شریک . .. و لم یکن له ولیّ

۸- خداوند ، تنها فرمانروای هستی و مبرّا از داشتن هرگونه شریک در جهانداری

و لم یکن له شریک فی الملک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶- خداوند ، در قیامت ، به هیچ کس ، ظلمی روا نخواهد داشت .

و لایظلم ربّک أحدًا

۱۷- حضور نفس اَعمال انسان در قیامت ، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است .

و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لایظلم ربّک أحدًا

بیان حضور اعمال و تجسّم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اَعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن اَحکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اَسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

۱۸- مبرّا بودن خداوند از هرگونه ظلم و بی عدالتی ، مقتضای ربوبیّت او است .

و لا يظلم

ربّک أحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۱ – ۱۶

۱۶– خداوند ، پاک و منزه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۵ – ۳،۵،۶

۳– خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است .

ذلک عیسی ابن مریم . .. ما کان للّه أن یتّخذ من ولد

<ولد> نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. <من> زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

۵– خداوند ، منزه از هرگونه نقص و نیاز است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد سبحنه

۶– لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۰ – ۶

۶– خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إنّا نحن نرث الأرض و من علیها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزندی عیسی(ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۰ – ۱۱

۱۱– خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لایظلمون شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹

- ۶۴ - ۸،۱۰

۸- خداوند ، از هرگونه فراموشی منزه است .

و ما کان ربّک نسیًّا

<نسیّاً> صیغه مبالغه است و مبالغه در کلامِ منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله <و ما کان...> مراد این است که: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک . .. و ما کان ربّک نسیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۲،۴

۲- مبرّابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تکاد السموت یتفطّرن . .. أن دعوا للرحمن ولدًا

۴- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولدًا

گزینش وصف <الرحمان> (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت <أن دعوا. ..> دلیل در آن کنجانده است; زیرا همه موجودات از جمله فرزندهای پنداری مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۱،۴

۱- فرزندگزینی خداوند ، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ینبغی للرحمن . .. ولدًا

زمانی از کلمه <إنبَغی> استفاده می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و <ما ینبغی> امکان

آن را نفی می کند.

۴- فرزندگزینی ، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن

مبرّا است .

و ما ينبغى للرحمن أن يتّخذ ولدًا

گزينش فرزنـد با فراگيرى رحمت سازگار نيست; زيرا فرزنـد خداونـد، بايـد هم جنس او بوده و در الوهيت مانند او باشد; در نتيجه بايد به رحمت او نيازى نداشته باشد; زيرا لازمه آن، فراگير نبودن رحمت الهى و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، داراى همه كمالات و منزه از هر نقص و كاستى است .

له الأسماء الحسنى

اسـمى كه حاكى از نقص و عيب باشـد، مصداق <أسـماء حسـنى> نبوده و بر خداوند تطبيق نمى كند; بنابراين او از هر عيبى مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۷،۸

۷ - خداوند ، منزه از هرگونه فراموشى است .

و لاينسى

۸ - ربوبيت خداوند بر هستى ، به دور از هرگونه ناآگاهى و فراموشى است .

لايضلّ ربّى و لاينسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۵

۵ - بى نيازى مطلق خداوند از غير خود

القيّوم

<قيّوم> به كسى گفته مى شود كه قائم به ذات بوده و در وجود، متكى به غير نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۴،۶

۴- منزه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و بر گزیدن فرزند

قالوا اتّخد الرحمن ولدًا سبحنه

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون <سبحوه>) است.

۶- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا سبحنه

<رحمان> صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و

گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۵

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . .. فلاتظلم نفس شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۳

۳- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو کان هؤلاء ءالهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد <لو> امتناعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

۵ - خدا ، پروردگاری عادل و مبرّا از ستم کردن به بندگان خود

و أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقش

و ما کنّا عن الخلق غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . .. و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۱،۲،۸

۱ - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ اللّه من ولد

۲ - خدا ، مبرّا از

شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۸ - ساحت خدای یگانه هستی ، مبرّا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن اللّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا . .. فتعلی اللّه الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۶

۶ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه است .

سبحنك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أم یخافون أن یحیف اللّه علیهم و رسوله بل أُولئك هم الظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲ – ۵۸

۵ خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم یتّخذ ولدًا

<ولداً> نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا و لم یکن له شریک

فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ درنمی یابد .

الحیّ الذی لایموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۴،۷

۴ - ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنّا ظلمین

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. ذکری و ما کنّا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبح عقاب بلابیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - خدا ، منزه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن اللّه ربّ العلمین

۱۱ - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

أن بورک من فی النّار . .. و سبحن اللّه ربّ العلمین

مطرح شـدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسـی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشـتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱

- ستایش ها ، همه از آنِ خداوند است .

و قل الحمدللّه

<ال> در <الحمد للّه> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <الحمد للّه>; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹،۱۰

۹ - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن اللّه

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزه و برتر است .

و ربّک یخلق . .. سبحن اللّه و تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۳

۲۳ - ساحت قدس الهی ، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

فما کان اللّه لیظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

و أنّ اللّه هو العلیّ الکبیر

ضمیر فصل <هو> و <ال> جنس در <العلیّ> و <الکبیر> که هر دو خبر <أنّ> هستند دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۱،۵

۱ – ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزه و مبرا است .

سبحن الذی

۵ – حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن

پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - ساحت مقدس خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزه و مبرا است .

فسبحن الذی

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، منزه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا . .. سبحن اللّه عمّا یصفون

۲ - ساحت خداوند ، منزه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه (شریک بودن) با جن

أصطفی البنات . .. و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا ... سبحن اللّه عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۶

۶ - منزه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد اللّه أن یتّخذ ولدًا . .. سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۷ – ۱۱،۱۰

۱۰ – خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

۱۱ – ساحت خداوند ، از داشتن

هر گونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و مااللّه یرید ظلمًا للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۷،۱۴

۷ - خداوند ، مبرّا از هر شریک و همانند

قل أئنّکم لتکفرون . .. تجعلون له أندادًا

از استفهام در <أئنّکم> مطلب بالا استفاده می شود.

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک ربّ العلمین

تعبیر <ذلک> که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۴

۴ - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما ربّک بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ .

.. و لئن أذقنه رحمه ... و إذا أنعمنا على الإنسن ... و إذا مس

از این که خداونـد رحمت و نعمت را به خود نسبت داده; ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخّر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۵

۵ - بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزوج کلّها . .. و جعلوا له من عباده جزءًا

عبـد و مخلوق خداونـد، نمی توانـد جزء وجود او به حساب آیـد; زیرا هیـچ موجودی نمی توانـد خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشـد. بنابراین دو تعبیر <عباده> و <جزءاً>، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۳

۳ - فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند ; و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله

<لم يعى بخلقهنّ> راه نيافتن تعب و خستگى در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهى ، آراسته به همه كمالات و پيراسته از تمامى كاستى ها

و توقّروه و تسبّحوه

<توقير> به معناى تعظيم و بزرگ داشت و مى توانـد اشاره به صـفات جمال داشـته باشـد. <تسبيـح> به معناى منزّه شـمردن ذات حق از عيب و كاستى است كه مى تواند بيانگر صفات سلبى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نيافتن عجز و خستگى در خداوند ، به خاطر آفرينش موجودات

أفعيينا بالخلق الأوّل

از استفهام انكارى (أفعيينا بالخلق)، مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۴،۵،۶،۷

۴ خداوند ، منزّه از كم ترين ظلم و اعمال كيفر هاى ناروا ، بر بندگان

و ما أنا بظلّم للعبيد

۵ كيفر هاى اخروى نتيجه قهرى عملكرد خود كافران ، و نه ظلمى از سوى خدا بر ايشان

قدّمت إليكم بالوعيد . .. و ما أنا بظلّم للعبيد

۶- كيفر گمراهان قبل از اتمام حجت ايشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إليكم بالوعيد . .. و ما أنا بظلّم للعبيد

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدّمت. ..> باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

۷-

تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا *

ما یبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالاـ بدان احتمال است که <و ما أنا بظلاّم. ..> تعلیل <ما یبدّل...> باشد; یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۸ – ۵،۶

۵ – آفرینش جهان ، با همه گسترد گی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

۶ – خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود; طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۷ – ۹

۹ – خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإکرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۸ – ۹

۹ – خداوند ، آراسته به

صفات جلال و جمال *

تبرک اسم ربّک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذی الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الإکرام> بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۳،۴

۳ - ساحت خداوند ، مبرّا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

۴ - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزه و مبرّا از هر عیب و نقص

فسبّح باسم ربّک العظیم

<تسبیح> به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

فسبّح باسم ربّک العظیم

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سبّح للّه ما فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملك القدّوس

وصف <القدوس>، در پی <الملك>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّا

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - هر یک از مظاهر هستی ، گواهی بر مبرّا بودن آفریدگار آن ، از هر عیب و کاستی

یسبّح له ما فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از <تسبیح>، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <سبّح>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، مبرّا از هر نقص و عیب

یسبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <یسبّح>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۲،۴

۲ - خدا ، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

۴ – همسر گزینی و فرزندداری ، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

و أنّه تعلی جدّ ربّنا ما اتّخذ صحبه و لا ولدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۶ – ۵

۵ – ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

و سبّحه

<تسبیح> (مصدر <سبّحه>) به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۹

۹ - < علی بن الحسن بن علی بن فضّال عن أبیه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول اللّه عزّوجلّ < و جاء ربّک و الملك صفّاً صفّاً > فقال : إنّ اللّه تعالی لایوصف بالمجیء و الذهاب تعالی عن الإنتقال إنّما یعنی بذلك و جاء أمر ربّک و الملك صفّاً صفّاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند <و جاء ربّک و الملك صفّاً صفّاً> پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فسبّح بحمد ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۶،۹،۱۱،۱۵،۱۶

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

اللّه الصمد

<صمد>; یعنی، <مُصْمَت> و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

اللّه الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل

قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه <صمد> باشد.

۱۱ - < قال الباقر (ع) حدّثنی أبی زین العابدین عن أبیه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهی سُؤْدَدُه و الصمد الذی لایأکل و لایشرب و الصمد الذی لاینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لایزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهدبود>.

۱۵ - < سأل رجل علیّاً (ع) عن تفسیر هذه السوره فقال : . . . الصمد بلاتبعیض بَدَد ;

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . .. صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است>.

۱۶ - < قال وَهْب بن وَهْب القرشی و حدّثنی الصادق جعفربن محمد عن أبیه الباقر عن أبیه (ع) أنّ أهل البصره کتبوا إلی الحسین بن علی (ع) یسألونه عن الصمد فکتب إلیهم . . . ان اللّه سبحانه قد فسّر الصمد فقال : < اللّه أحد . اللّه الصمد > ثمّ فسّره فقال < لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد > . . . هو اللّه الصمد الذی لا من شیء و لا فی شیء و

لا على شىء ;

وهب ۱۵۲بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند; امام به آنان نوشت: . .. به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده <اللّه أحد . اللّه صمد>، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: <لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد> ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۱،۲

۱ – خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

۲ – خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

صفات جلال خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۵ – ۷،۱۱،۱۲،۲۶

۷ هیچگاه خواب سبک (چُرت) و سنگین ، خداوند را فرانمی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نَوم

۱۱ ناسازگاریِ غفلت از تدبیرِ عالم با قیّومیت خداوند .

الحیّ القیوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله <لا تأخذه . .. > به منزله بیانی است برای صفت <قیوم>.

۱۲ هیچ دگرگونی و تغییری در ساحت قُدس خداوندی راه ندارد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

۲۶ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیّومیّت خداوند

الحیّ القیّوم . .. وسع کرسیّه

السّموات و الارض

تمام مطالبی که پس از صفت <القیّوم> آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

صلاح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صلاح

آثار صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۷،۸

۷ نیکوکار و صالح بودن، از معیارهای فضیلت یافتن پیامبران بر همه جهانیان است.

نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین ... فضلنا علی العلمین

۸ پیشه ساختن احسان و صلاح، زمینه ساز ارتقای درجه در پیشگاه خداوند است.

نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین ... فضلنا علی العلمین

چون دو صفت احسان و صلاح به عنوان ممیزات پیامبران در آیات پیشین مطرح شده بود، چنین برمی آید که این دو صفت دارای نقش اساسی در بالا بردن درجه و مقامات معنوی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۷

۷ نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

کذلک نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین ... هدینه إلی صرط مستقیم ... ءاتینهم الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۹

۹- صلاح پیشگی ، از شرایط لازم برخورداری از عفو و آمرزش خداوند

إن تكونوا صلحين فإنه كان للأوّبين غفورًا

آثار گرایش به صلاح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۲۴

۲۴- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی ، نمودی از کمال عقلی انسان

حتّی إذا بلغ أشدّه و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . .. و أن أعمل

صلحًا ترضیه

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر <أربعین سنه> ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که <بلغ أشدّه> می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱،۷

۱- احسان به والدین ، روحیه شکر ، توبه ، صلاح جویی و تسلیم ، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أُولئک الذین نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن. ..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحیات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۷ - احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصّینا الإنسن . .. أوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحًا ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و. .. یاد شده است; در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <اُولئک> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

اهمیت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ صداقت ، علم و صلاح ، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئک رفیقاً

در

برداشت فوق، <الشّهداء> به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۷

۲۷ گرایش طبیعت مردم به صلاح و رعایت عدالت در امور اقتصادی است .

و لاتفسدوا فی الأرض بعد إصلحها

آنچه در برداشت فوق آمده احتمالی است که درباره <بعد إصلحها> گفته شده است.

حقیقت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۶

۶- صلاح ، امری درونی و قلبی و نه صرفاً ظاهری و ادعایی

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم إن تکونوا صلحین

<صلاح> نوعی شرط برای پذیرش توبه تلقی شده است. قبل از طرح صلاح و توبه، هشدار داده شده که خداوند به درون شما آگاهی دارد. چنین هشداری می تواند بیانگر این نکته باشد که صلاح امری درونی است.

زمینه صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۴

۴ - دستیابی به اوج صلاح ، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

مقدم آوردن <حکمًا> می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۸

۱۸- توفیق در ره یابی به صلاح و خودسازی ، نیازمند امداد و الهام الهی

قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک . .. و أن أعمل صلحًا

<أوزعنی> (از مصـدر <ایزاع>) به معنـای الهـام کردن و توفیق و بازداشـتن از انحراف است. این خود می رسانـد که توفیق شگرگزاری و خودسازی را نیز، باید از خداوند طلب کرد و

از او الهام گرفت.

زمینه صلاح اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰- پیروی از مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی ، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الأخره لمن الصلحین . .. اتّبع ملّه إبرهیم حنیف

زمینه صلاح جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴ - راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و أنّا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

عوامل صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پرودگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

منافقان و صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۸

۸ منافقان ، دارای روحیه اعراض از صلاح و انجام وظیفه

لنكوننّ من الصلحين . .. و تولوا و هم معرضون

صلاحیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صلاحیت

آثار صلاحیت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۵

۵- صالح بودن ، شرط دستیابی به مقام امامت است .

کلاًّ جعلنا صلحین . و جعلنهم أئمه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند پیش از آن که مقام امامت را برای ابراهیم(ع) و . .. قرار دهد، آنان را صالح گردانید و آن گاه این منصب را به آنان سپرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۴

۴ - تأثیر انذار ها و اخطار های به حقّ ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۳

۳ - تأثیر انذار ها و اخطار های به حقّ ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

إنّما تنذر من اتّبع الذکر و خشی الرحمن

آثار صلاحیت ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . .. و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهم من الصالحین> تعلیل برای جمله پیشین است; یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . .. و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهم من الصالحین> تعلیل برای جمله پیشین است; یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۹

۹- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثِّر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک أن یبلغا أشدّهما و یستخرجا کنزهما

آثار صلاحیت ذوالکفل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۶ – ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . .. و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصلحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهم من الصالحین> تعلیل برای جمله پیشین است; یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۵ – ۳

۳- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع) ، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

و أدخلنه فی رحمتنا إنّه من الصلحين

برداشت یاد شده به خاطر این است که جمله

<إنّه من الصالحين> تعليل برای جمله <و أدخلناه فی رحمتنا> است.

آثار صلاحيت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تأثير انـذار ها و اخطار ها هرچنـد به حق و از جانب حق مداران باشد در گرو وجود شايسـتگی ها و زمينه های لازم برای پذيرش در نهاد آدمی است .

إنّما تنذر الذين يخشون ربّهم بالغيب و أقاموا الصلوه

صلاحيت انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۶،۷

۶ انتخاب رسول از سوی خداوند بر اساس علم کامل او به شايستگی رسولان انجام می گيرد.

الله أعلم حيث يجعل رسالته

۷ صلاحيت و شايستگی، اساس دستيابی انبيا به مقام رسالت است.

الله أعلم حيث يجعل رسالته

صلاحيت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۴

۴ انسان ها ذاتا شايسته دريافت نعمت های خداوند هستند .

لم يک مغيرا نعمه أنعمها علی قوم

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضيح آن به دست می آيد.

صلاحیت برای نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۴،۶

۴ انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتهایی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم اللّه بذنوبهم . .. ذلک

بأن اللّه لم يک مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

از نکـاتی کـه می تـوان از ارتبـاط ایـن آیه و آیه قبـل به دست آورد این است که فرعونیـان و امتهـای پیش از آنهـا در ابتـدای تشکلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

صلاحیت پدران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

صلاحیت فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

صلاحیت همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيّتهم

منشأ صلاحیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۲ – ۷

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاًّ جعلنا صلحین

منشأ صلاحیت اسحاق(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۷

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاًّ جعلنا صلحین

منشأ صلاحیت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۷

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاًّ جعلنا صلحین

نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴۱

۴۱ ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه واسع علیم

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زبدگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۷

۷ رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیّت است .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۵ – ۴

۴ – لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

اللّه یصطفی من الملئکه رسولاً و من الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۲ – ۹،۱۰

۹ – هدایت نشدن برخی از مردمان

به وسیله پیامبر (ص) ، ناشی از فقدان بصیرت ، شایستگی ها و زمینه های لازم در وجود خود آنان بود ; نه برخاسته از ضعف تبلیغی حضرت رسول (ص)

و ما یستوی الأعمی و البصیر . .. الأحیاء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیات گذشته، کافران را همچون کوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذیری و دل بیدار معرفی کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانی پیامبر(ص) در هدایت کردن آنان را مطرح فرمود.

۱۰ - تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها هرچند از سوی پیامبران باشد در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یستوی الأعمی و البصیر . .. الأحیاء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶،۷

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۷ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

صلاحیت ها

آثار صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تأثیر انذار ها و اخطار ها هرچند به حق و از جانب حق مداران باشد در گرو وجود شایستگی ها و

زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴۱

۴۱ ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذلك فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه واسع علیم

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زبدگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۷

۷ رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیّت است .

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۴

۴ - لزوم ملاك قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

اللّه یصطفی من الملئکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - هدایت نشدن برخی از مردمان به وسیله پیامبر (ص) ، ناشی از فقدان بصیرت ، شایستگی ها و زمینه های لازم در وجود خود آنان بود ; نه برخاسته از ضعف تبلیغی حضرت رسول (ص)

و ما يستوى الأعمى و البصير . .. الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فى الق

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته

است که خداوند در آیات گذشته، کافران را همچون کوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذیری و دل بیدار معرفی کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانی پیامبر(ص) در هدایت کردن آنان را مطرح فرمود.

۱۰ - تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها هرچند از سوی پیامبران باشد در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یستوی الأعمی و البصیر . .. الأحیاء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶،۷

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

۷ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّت . .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

صلح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صلح}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۸

۸ اسلام ، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۲،۳،۷

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ،

در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إنّا فتحنا لك فتحًا مبينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لك فتحًا مبينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱،۲،۶،۷

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروخفتن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

ليغفر لك اللّه ما تقدّم من ذنبك و ما تأخّر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست; زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود; ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازشناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس

از آن *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷ - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد; یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود; اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و ینصرک اللّه نصرًا عزیزًا

<ینصر. ..> بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است; یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- فتح - ۴۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إنّا فتحنا لک فتحًا . .. هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد; از ارتباط <أنزل السکینه> با <إنّا فتحنا. ..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إنّا فتحنا لک . .. هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

برداشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۶،۹

۶ - صلح حدیبیه ، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان ، در تنگنا و رنج *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر ... لیدخل المؤمنین و ...و یعذّب المنفقین و ا

در صورتی که <یعذّب. ..> با صدر سوره (إنّا فتحنا...) در ارتباط باشد; احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد; بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی

قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک ... و یعذّب المنفقین و ... الظانّین باللّ

چنانچه <و یعذّب. ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد; آیه شریفه می تواند بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد; ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم

آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۱۱،۱۲،۱۸

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد; یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته; اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ. ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۰،۱۲

مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ; اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم

تعبیر <لم تعلموهم>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و ألزمهم کلمه التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۵،۱۶،۱۷

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت *

لقد صدق اللّه

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلك> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قريباً> نظر به صلح حديبيه دارد; يعنى، خداوند مى دانست كه جز در سايه صلحى،

همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

يأيّها الذين ءامنوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

احکام صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۲،۴،۵

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمه قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا . .. > استفاده می شود.

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه

پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۶

۶- جواز صلح با دشمن ، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که <و أنتم الأعلون> بیانگر مورد نهی باشد; از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود; یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

اسلام و صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۸

۸ اسلام ، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

اهداف صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند *.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا

و مانند آن بپذیرند.

اهمیت صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۰ – ۱۴

۱۴ جایگاه مهمّ حفظ روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق

بین الملل اسلامی

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق . .. و القوا الیکم السلم فما جعل ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۹

۹ جایگاه مهم روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السّلم . .. فخذوهم و اقتلوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۵

۳۵ اسلام ، فراخوان مردم به برقراری صلح و امنیت اجتماعی در میان خویش *

یأیها الذین ءامنوا . .. ان تعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۲

۲ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه های سلامت ، امنیت و صلح ، به وسیله پیامبر (ص) و قرآن

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

مقصود از ضمیر <به>، پیامبر(ص) نیز می تواند باشد. زیرا پیامبر (نور) و قرآن (کتاب مبین) پیگیر هدفی واحد هستند و به منزله یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا . .. و توکل علی اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۱۸

۱۸ – ایجاد صلح و امنیت از اهداف پیامبران الهی است .

والسلم علی من اتبع الهدی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۹ - ۱،۴،۸

۱ - مسلمانان ، موظف به برقراری صلح و از میان بردن جنگ ها و درگیری های داخلی گروه های مسلمان

و إن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بینهما

۴ - در جریان درگیری و جنگ دو گروه از مسلمانان ، نخست باید آنان را به مسالمت واداشت و در مرحله بعد با متجاوز برخورد کرد .

و إن طائفتان . .. فأصلحوا ... فإن بغت

۸ - گردن نهادن گروه های مؤمن متخاصم به صلح ، تکلیفی الهی است .

فقتلوا الّتی تبغی حتّی تفیء إلی أمر اللّه

تعبیر <إلی أمر اللّه> به جای تعبیر <إلی السلم> بیانگر این معنا است که دستور صلح و مسالمت، صرفاً رهنمود اخلاقی نیست; بلکه تکلیفی شرعی است.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجّه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است; احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه. ..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است; زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش

الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

تقدم صلح بر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۲

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

توکل بر خدا در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

– انفال – ۸ – ۶۱ – ۷،۸

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا . .. و توکل علی اللّه

۸ توکل بر خدا در پذیرش صلح ، موجب عقیم ماندن اهداف پنهانی کافران از پیشنهاد صلح

فاجنح لها و توکل علی اللّه

دشمنان صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۸ – ۱۳

۱۳ هشدار الهی بر اینکه شیطان ، عامل ایجاد تفرقه و مخالف صُلح و وحدت جامعه ایمانی است .

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین

ذکر خدا در صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۱ – ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا . .. و توکل علی اللّه

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح

حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلّفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۳،۱۶

۳ - صلح و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزا ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم . .. لایسخر قوم من قوم ... و لا تلمزوا أن

۱۶ - صلح ، برادری و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزاگری ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم . .. لایسخر قوم من قوم ... و لا تلمزوا أن

زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

سرزمین های صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۵

۵ – امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به عنوان غنایم

و أورثکم . .. و أرضًا لم تطئوها

شرایط صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۰ – ۱۶

۱۶ جنگ اهل ایمان و نیز صلح

آنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

فان اعتزلوکم . .. فما جعل اللّه لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ جنگ و صلح مؤمنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۲

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا . .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی

و زنـدگانی مسـالمت آمیز بـا مسـلمانان و گـاهی به منظور حیله گری و تجدیـد قوا. آیه قبـل (إن جنحوا ...) بیـانگر احکـام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۶

۶- جواز صلح با دشمن ، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که <و أنتم الأعلون> بیانگر مورد نهی باشد؛ از مفهوم آیه شـریفه مطلب بالا اسـتفاده می شود؛ یعنی، در صورت برتری قوای سـپاه اسـلام، صـلح بـا دشـمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صـلح بی مانع است.

شرایط صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا . .. و توکل علی اللّه

صلح با غیر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۴

۴ بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم

صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۱

۱ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

و إن

یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس که <إن یریدوا . .. > توضیحی باشد برای <فاجنح لها>. یعنی ای پیامبر(ص) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه ۵۸ معلوم می شود اگر قرائن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا . .. > استفاده می شود.

۵ پذیرش

صلح و متارکه جنگ در حیطه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی اللّه

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حیله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حیله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

صلح با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لک فتحًا . .. و یتمّ نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

با توجّه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است; احتمال می رودکه نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۷ – ۱۷

۱۷– صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

صلح با مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۵ – ۲

۲– تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ . .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرّشان از سر مسلمانان دفع گردید.

صلح بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

صلح دربهشت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۳ – ۹

۹ – بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیاز ها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إنّ لك ألاّتجوع . .. اهبطا ... بعضكم لبعض عدوّ

چون موضوع دشـمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیـده. چنین برمی آیـد که در مسـکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین

عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

صلح طلبی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۲

۲ - پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

صلح طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ ادعای نیکوکاری ، مُدارا و صلح جویی ، توجیه ناروای منافقان در مورد مراجعه به حکم طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

۱۱ ادعای نیکوکاری و صلح جویی از شگرد های منافقان

ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۴

۴ دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً. اولئک الّذین یعلم اللّه ما فی قلوبهم

صلح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقاتلوهم> است ; یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوندبه اعمال

این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

عوامل صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱،۷،۱۹

۱ خداوند کسانی را که در پی جلب رضایت اویند در راه های سلامت ، امنیت و صلح قرار می دهد .

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

مراد از هدایت، رساندن به راههای سلامت است، نه فقط راهنمایی به آن. چون صرف راهنمایی برای همه انسانها موجود است، چه در پی رضایت الهی باشند و یا نباشند.

۷ صلح و امنیت ، در سایه هدایت های انبیای الهی

یهدی به اللّه من اتبع رضونه سبل السلم

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا . .. یهدیهم إلی صرط مستقیم

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ - اديان الهى ، هدايتگر مردم و وسيله رسيدن آنان به صلح و امنيت است .

والسلم على من اتبع الهدى

فسخ معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۴،۵

۴ اعلام الغاى اعتبار پيمان صلح به طرف معاهده لازم است .

براءه . .. إلى الذين عهدتم

۵ لغو اعتبار پيمان هاى صلح و عدم تعرض ، از اختيارات رهبر جامعه اسلامى است .

براءه من اللّه و رسوله إلى الذين عهدتم

فلسفه صلح حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۲،۲۰،۱۵

۱۵- تدبير صلح حديبيه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جانِ مؤمنان ناشناخته مكه

و لولا رجال مؤمنون . .. أن تطوهم

۲۰- مصونيت مؤمنان مكه و بهره مندى آنان از رحمت الهى ، از اهداف برقرارى صلح حديبيه

ليدخل اللّه فى رحمته من يشاء

از ارتباط جمله <ليدخل . ..> با آيه قبل، مطلب بالا استفاده مى شود; زيرا <ليدخل ...> غايت براى جواب محذوف است; يعنى، ما بدين سبب اجازه جنگ نداديم تا مؤمنان مكه آسيب نبينند و از رحمت الهى بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیرو های فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال . .. لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیـدی از مردم به جرگه مؤمنـان باشـد; زیرا در پرتو فرصت جدیـد، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را

می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند; اما باصلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث. ..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱،۲،۹،۱۳،۱۴

۱ - تخلّف برخی از اعراب بادیه نشین در سفرِ منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود; استفاده می شود که تخلّف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی

پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا ـ با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از

همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با

پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی اللّه عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹ - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان اللّه بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان اللّه. ..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر

اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته رابه یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷ - نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹ - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول

آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است؛ به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافعی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷ - ۵

۵ انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱،۲،۴،۸،۱۰

۱ انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

و إن نكثوا أيمنهم من بعد عهدهم

٢

شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

و إن نكثوا أيمنهم من بعد عهدهم

۴ بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است .

و إن نكثوا أيمنهم من بعد عهدهم

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نكثوا أيمنهم . .. فقتلوا أئمه الكفر

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نكثوا أيمنهم من بعد عهدهم و طعنوا فى دينكم فقتلوا

معاهده صلح در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷ - ۶

۶ وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم عند المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۳

۳ وجود پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

قوماً نكثوا أيمنهم

مغضوبیت صلح ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۹ – ۱۵

۱۵ – صلح ناعادلانه مبتنی بر مماشات با متجاوز مورد تأیید و رضایت الهی نیست .

فإن بغت . .. فأصلحوا بينهما بالعدل ... إنّ اللّه يحبّ المقسطين

از مفهوم آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

مکر در صلح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۱ –

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا . .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حیله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

منشأ صلح اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲

۲- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر

نافذ خداوند

و هو الذی کفّ . .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرّشان از سر مسلمانان دفع گردید.

منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلک> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد; یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

نعمت

صلح با اهل مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۴ – ۴

۴ – درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

برداشت بالاـ بدان احتمال است که تعبیر <ببطن مکّه> اشاره به <عمره القضا> داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

نعمت صلح حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲ – ۵،۶،۹

۵ – صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ – صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ – صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لک فتحًا . .. و یتمّ نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

با توجّه به این

که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است; احتمال می رودکه نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد; یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد; اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

نقض معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۱

۱ ابطال اعتبار پیمان های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پیامبر (ص) در پی نقض آن توسط مشرکان معاهد

براءه من اللّه و رسوله إلی الذین عهدتم من المشرکین

<برائت> به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق <برائت> به قرینه <الذین عاهدتم> پیمانهای منعقد شده میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پیمان کنایه از الغا و بی اعتبار نمودن آن است.

صلح حدیبیه

{صلح حدیبیه}

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱ – ۹

۹ – < فی روایه طویله عن الصادق (ع) انّها نزلت بعد الصلح فی الحدیبیه ;

در یک روایت طولانی از امام صادق(ع) روایت شده که آیه فتح بعد از صلح حدیبیه، نازل شده است>.

آثار صلح حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱ – ۲،۳،۷

۲– صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳– نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷ – وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲ – ۱،۲،۶،۷

۱ – صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروخفتن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

با توجه به این که در این

آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست; زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود; ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازشناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷ - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد; یعنی، صلح حدیبیه راه را

با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود; اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و ینصرک اللّه نصرًا عزیزًا

<ینصر. ..> بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است; یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إنّا فتحنا لک فتحًا . .. هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد; از ارتباط <أنزل السکینه> با <إنّا فتحنا. ..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إنّا فتحنا لک . .. هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

برداشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند

در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۶ – ۶،۹

۶ – صلح حدیبیه ، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان ، در تنگنا و رنج *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر ... لیدخل المؤمنین و ...و یعذّب المنفقین و ا

در صورتی که <یعذّب. ..> با صدر سوره (إنّا فتحنا...) در ارتباط باشد; احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد; بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ – رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک ... و یعذّب المنفقین و ... الظانّین باللّ

چنانچه <و یعذّب. ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد; آیه شریفه می تواند بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد; ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۱۸

۱۸ – سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف،

انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۱۱،۱۲،۱۸

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره

به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ. ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۰،۱۲

۱۰- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ; اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم

تعبیر <لم تعلموهم>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و ألزمهم کلمه التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۷ – ۵،۱۶،۱۷

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت *

لقد صدق اللّه

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلک> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد; یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۴

۴ – اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

یأیّها الذین ءامنوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۰ – ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجّه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد

صلح حديبيه صورت گرفته است; احتمال می رود که نوید <فسيؤتيه. ..> بر صلح حديبيه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است; زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حديبيه و پيروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بيعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنين إذ يبايعونک . .. و أثبهم فتحًا قريبًا

بنابراين که مراد از <فتحاً قريباً> به قرينه سياق آيات صلح حديبيه باشد، برداشت ياد شده به دست می آيد.

زمان صلح حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزديک ميان صلح حديبيه و فتح خيبر

سيقول المخلّفون

با توجه به <سين> در <سيقول> و پيوستگی آيات صلح حديبيه با جنگ خيبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمينه صلح حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حديبيه و فتح خيبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قريبًا . و مغانم کثيره ... و کان اللّه عزيزًا حکيمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آيه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

عبرت از صلح حديبيه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۰ – ۱۸

۱۸ – رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در

جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۵،۲۰،۲۲

۱۵- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جانِ مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون . .. أن تطوهم

۲۰- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله <لیدخل . ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا <لیدخل ...> غایت برای جواب محذوف است; یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیرو های فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال . .. لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد; زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام

*

إنّا فتحنا لک فتحًا مبينًا

اهميت صلح حديبيه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی انديشيدند; اما باصلح حديبيه، آنان در حقيقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذيرفتند و اين در صحنه سياسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بيعت مجدد مسلمانان با پيامبر (ص) ، در شرايط بحرانی قبل از صلح حديبيه

إنّ الذين يبايعونک إنّما يبايعون اللّه

از قرينه های موجود در آيه شريفه، استفاده می شود که بيعت مورد نظر، بيعت خاصی بوده است و از تعبير <فمن نکث. ..> بحرانی بودن آن شرايط استفاده می شود و شأن نزول نيز مؤيد اين ديدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱،۲،۹،۱۳،۱۴

۱ - تخلّف برخی از اعراب باديه نشين در سفرِ منتهی به صلح حديبيه ، از همراهی و ياری پيامبر (ص)

سيقول لک المخلّفون من الأعراب

با توجه به اين که آيات پيشين درباره <فتح مبين> (صلح حديبيه) بود; استفاده می شود که تخلّف اين گروه از اعراب، در رابطه با همين سفر است که به صلح حديبيه منتهی گشت.

۲ - پيش بينی آيات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشيمانی باديه نشينانی که از همراهی پيامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سيقول لک المخلّفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حديبيه ، معترف به گناه خويش و متقاضی عفو و استغفار پيامبر (ص)

سيقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

- عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض

و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی اللّه عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این

برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹ - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان اللّه بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان اللّه. ..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم

به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته رابه یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷ - نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹ - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ،

در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود; از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است; به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافعی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد

صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلک> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد; یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص)

*

فتحنا لک فتحًا . .. و یتمّ نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

بـا تـوجّه به این که صـلح حـدیبیه، در شـرایط دشوار صورت گرفته است; احتمـال می رودکه نعمت شـمرده شـدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدیـد قوا پدیـد آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صـراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت یـاد شـده بـدان احتمـال است که <لوقـاتلکم> نظر به گذشـته داشـته باشـد; یعنی، خداونـد گرچه فتـح مبین (صـلح حدیبیه) را برای شـما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد; اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

صلح نامه

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷

- فتح – ۴۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

صلح نامه حدیبیه

{صلح نامه حدیبیه}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۲،۳

۲ – عدم شمول < عهدنامه حدیبیه > نسبت به بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به اهل مکه

یأیّها الذین ءامنوا إذا جاءکم المؤمنت

از شأن نزول استفاده می شود که آیه شریفه، به مضمون پیمان حدیبیه نظر دارد. طبق این پیمان مؤمنان مدینه ملزم بودند تا کسانی که پس از آن تاریخ، از مکه به مدینه هجرت می کنند، به مکیان عودت دهند.

۳ – عهدنامه حدیبیه ، شامل پیمان مسلمانان با اهل مکه در استرداد مهاجران آتی به آنان

یأیّها الذین ءامنوا إذا جاءکم المؤمنت

با استفاده از شأن نزول، از مفهوم آیه دانسته می شود که آنچه در مضمون عهدنامه آمده است، تنها شامل مردان می باشد. بنابراین مسأله استرداد مهاجرین، امری مسلّم بوده است.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که

خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

صله رحم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تحقیق و تالیف : رسول ملکیان اصفهانی

صله رحم

آثار قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۱

۱۱- رعایت نکردن عدالت در جامعه ، خودداری از احسان و قطع رابطه با خویشاوندان ، زمینه ساز رواج فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی در جامعه است . *

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و ا

برداشت فوق، از مقابله عدل و . .. با فحشا و ... استفاده گردید; یعنی، اگر عدل و ... در جامعه باشد، زمینه رواج فحشا و ... از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۲

۲- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان ، موجب خشم و نفرین الهی

تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم . أولئک الذین لعنهم اللّه

اهمیت صله رحم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۷ – ۱۲

۱۲ – از امام باقر (ع) روایت شده که

فرمود : < قال لی أبی علی بن الحسین . . . إیاك و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال اللّه عز و جل < الذین . . . یقطعون ما امر اللّه به أن یوصل . . . أولئك هم الخاسرون > ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . .. از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز ... خدای عز و جل فرمود: <آنان که ... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده ... ایناننند زیانکاران>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۶،۲۰

۱۶ لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان (صله رحم)

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به و الارحام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام النّاس، انّ اللّه عز و جل امر بصلتها و عظّمها الا تری انّه جعلها معه.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۲۵.

۲۰ هشدار خداوند به مردمان بی تقوا و قاطع رحم

و اتّقوا اللّه . .. و الارحام انّ اللّه کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲،۵

۲- عدل ، احسان و صله رحم ، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است .

و نزّلنا علیك الكتب . .. إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۵- سیاست اسلام بر تحکیم

پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله یأمر . .. و إیتایءِ ذی القربی

زیان قطع صله رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < قال لی أبی علی بن الحسین . . . إیاك و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال اللّه عز و جل < الذین . . . یقطعون ما امر اللّه به أن یوصل . . . أولئک هم الخاسرون > ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . .. از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز ... خدای عز و جل فرمود: <آنان که ... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده ... اینانند زیانکاران>.

سرزنش قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

عوامل قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، براثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

قطع رحم در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، براثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه

ليس من أهلك إنه عمل غير صلح

گناه قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ < دخل عمرو بن عبيد على أبى عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس . . . قال : اُحبّ أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل ، فقال : . . . منها : . . . نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : < اُولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار > . . . ;

عمرو بن عبيد بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . .. و گفت: دوست دارم گناهان كبيره را از كتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود:... يكى از آن گناهان ... عهدشكنى و قطع رحم است ; چون خداوند عزوجل مى فرمايد: اُولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < قطع رحم > ، گناهى بزرگ و در رديف فسادانگيزى در زمين

تفسدوا فى الأرض و تقطّعوا أرحامكم

از اين كه <تقطّعوا أرحامكم> در كنار <تفسدوا فى الأرض> قرار گرفته و از ميان همه گناهان اختصاص به ذكر يافته است; بزرگى گناه آن استفاده مى شود.

صنعت از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

صنعت

اهميت صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۴

۴ - توصيه به انجام كار صنعتى و متناسب و به اندازه عمل كردن در آن ، از جمله تعاليم دينى و در قلمرو آن

أن اعمل سبغت و قدّر فى السرد

اهمیت صنعت

کشتی سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۱ – ۴

۴ – اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۳

۳- صنعت زره سازی ، از دستاورد های داوود (ع) است .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس

با توجه به این که آیات در مقام بر شمردن ویژگی های پیامبران و نیز لطف خاص خداوند به داوود(ع) است، چنین استفاده می شود که این صنعت سابقه نداشته است و در غیر این صورت، ذکر این مورد چندان مناسبتی نداشت.

تاریخ صنعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۷ – ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۶

۶ مردم عصر بعثت آشنا با گداختن و ذوب فلزات در کوره های آتش ، برای تهیه زیورآلات و اسباب زندگی

و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه أو متع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۶ – ۱۰

۱۰– صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود

داشته است .

قال انفخوا حتّی إذا جعله نارًا قال ءاتونی أُفرغ علیه قطرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۵ – ۱۲

۱۲ – صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فی زجاجه الزجاجه کأنّها کوکب دریّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۷

۷ – وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب بپندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۱ – ۶

۶ – وجود صنعت آهنگری و ساخت و ساز ابزار آهنی در عصر داوود (ع)

أن اعمل سبغت و قدّر فی السرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۸

۸ – وجود صنعت مسگری در دوران سلیمان (ع)

و أسلنا له عین القطر

<قطر> به معنای نوعی مس مـذاب است (مفردات راغب و المنجـد). گفتنی است که <اساله> (مصدر <أسـلنا>) به معنای سیلان و جریان است و کاربر آن در اشیای جامد، معنای ذوب را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلی الفلك

المشحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳۷ – ۶

۶ – صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

صنعت در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۷

۷ – وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجّه . .. قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب بپندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

صنعت ذوب فلز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۶ – ۱۰

۱۰– صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود داشته است .

قال انفخوا حتّی إذا جعله نارًا قال ءاتونی أُفرغ علیه قطرًا

صنعت سد سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۶ – ۴

۴ - مردم سبا ، از صنعت سدسازی برخوردار بودند و با آن ، آب ذخیره می کردند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم

عوامل موثر در انتقال صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- نقش پیامبران در انتقال صنعت و علوم تجربی به انسان

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

منشأ رشد صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲

- ۳۲ - ۷

۷ - پیشرفت صنعت و تمدن بشری ، در عین انتساب به بشر ، ناشی از اراده و قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

صورت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صورت

بریانی صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

پیدایش صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۳

۳ - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

جمله <فی أیّ صوره. ..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلک> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

چرخش صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

حساسیت صورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۳

۳ - صورت انسان دارای حساسیت و موقعیتی خاص در میان سایر اعضای وی است

.

یوم تقلّب وجوههم

اختصـاص به ذکر <وجه> از میـان سـایر اعضـای بـدن، بـا این که با به این سو و آن سو گردانـدن صورت، اعضای دیگر هم گردانده می شود، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

درخشندگی صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۵

۵ - < قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره > یعنی مشرقه تنتظر ثوابَ ربّها ;

امـام رضـا(ع) دربـاره سـخن خـدای عزّوجلّ: <وجوه یومئـذ ناضـره . إلی ربّها ناظره> فرمود: یعنی (صورت هایی درآن روز) درخشیده است و در انتظار ثواب پروردگارشان اند>.

درخشندگی صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۱

۱ - چهره تابناک مؤمنان در روز قیامت ، تنها متوجه خدا بوده و آنان مجذوب جمال اویند .

وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره

تقدیم <إلی ربّها> می تواند برای افاده حصر باشد.

رنگ صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۶

۶ - مجرمان در قیامت ، با چهره هایی کبود و رنگ باخته محشور خواهند شد . *

و نحشر المجرمين يومئذ زرقًا

ممکن است مراد از <أزرق> یا <زرقاء> (مفرد <زرقا>) رنگ لاجوردی باشد که به آن، کبود آسمانی و یا نیلگون نیز اطلاق می شود. این وصف گرچه غالباً برای توصیف چشم به کار می رود، ولی در غیر چشم نیز کاربرد دارد (لسان العرب).
برداشت یاد شده بر این

اساس است که <زرقاً> بیانگر حالت جسمی مجرمان باشد.

زشتی صورت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۱

۱ – زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلمّا رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قبیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زشتی صورت مکذبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۱

۱ – زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلمّا رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قبیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زیبایی صورت ابرار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۴ – ۲

۲ – تلألؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

سوزاندن صورت بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۴

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون. ..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

شستن

صورت در وضو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

صورت اخروی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۸ – ۳

۳ – چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

وجوه یومئذ مسفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۰ – ۴

۴ – چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و وجوه یومئذ علیها غبره

صورت اخروی پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۸ – ۲

۲ – انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

صورت اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۸ – ۲

۲ – انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

صورت اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۱ – ۶

۶ – کافران و منکران معاد ، در

رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبدّل أمثلكم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم; برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

صورت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۶

۶ - کافران و منکران معاد ، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبدّل أمثلكم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم; برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این

آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

صورت اخروی موعظه پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

صورت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

صورت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۸ – ۱،۵

۱ – خداوند ، شکل هر انسان را مطابق خواست خویش ، ترسیم کرده است .

فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

۵ – هیئت و سیمای هر انسان ، جلوه گاه کرم و ربوبیت الهی است .

بربّک الکریم . .. فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

صورت انسان ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره –

آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۲

۲ حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان *

و نفخ فی الصور

<صور> در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۳

۳ - چهره های انسان ها در قیامت ، بیانگر فرجام آنها است .

وجوه یومئذ ناضره . .. و وجوه یومئذ باسره

صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱،۲

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْح> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است; یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۷

۷ – < عن حذيفه ان النبى قال : إنّ اللّه إذا قال لأهل النار < اخسئوا فيها و لاتكلّمون < عادت وجوههم قطعه لحم ليس فيها أفواه ولامناخير تردّد النفس فى أجوافهم ;

حذيفه از رسول خدا(ص) روايت كرده [كه آن حضرت فرمود:] آن گاه كه خداوند به اهل آتش مى گويد: <اخسئوا فيها و لاتكلّمون>.

صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می کند>.

صورت دهی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثمّ> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحلی طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

صورت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه مسودًّا

صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۱

۱ - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<نضره>در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحیط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

ضربه بر صورت منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد –

۴۷ - ۲۷ - ۱۰،۱۲،۱۳

۱۰- صورت و پشت منافقان همدل با کافران ، آماج ضربات ملائکه به هنگام مرگ

فکیف إذا توفّتهم الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

۱۲- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، به هنگام مرگ ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان *

إذا توفّتهم الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به <وجوهم> و <أدبارهم>، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد و در هر دو چهره نیز خائن است; لذا از دو سو عذاب می شود.

۱۳- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان *

قالوا . .. سنطیعکم ... یضربون وجوههم و أدبرهم

ضمیر <هم> احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً ـ رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

ضربه به صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

نشانه های صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۶

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون

بسیمهم

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۶ - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان ، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

یعرف المجرمون . .. فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

نقش صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۳

۳ - چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

وجوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۴

۴ - چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و وجوه یومئذ علیها غبره

نورانیت صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - وفور ، خرمی و طراوت نعمت های آخرت ، نیکوکاران را شاداب و دارای رخساری درخشان خواهد ساخت .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان، <نضره> به معنای زیبایی و <نضره النعیم> به معنای درخشندگی آن است (مفردات راغب). مراد از آن به قرینه <تعرف فی وجوههم>، تابناکی چهره بر اثر نعمت وافر است.

۲ - تلألؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

ورود با صورت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱

۱ - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر

صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

صومعه ها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صومعه ها

احترام صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - لزوم حفظ احترام صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد و جلوگیری از تخریب و انهدام آنها

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع و بیع و صلوت و مسجد

محافظت از صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع و بیع ... و مسجد

<صوامع> جمع <صومعه> و <بیع> جمع <بیعه> و <صلوات> جمع <صلاه یا صَلوْه> است. <صومعه> مرداف <دیر> جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. <بیعه> به کلیسای نصارا گفته می شود. <صلاه یا صلوه> کنیسه یهودیان است; یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

صیحه آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - زندگی نسل انسان ها در دنیا ، با یک صیحه و فریاد سهمگین به پایان خواهد رسید .

و یقولون متی هذا الوعد . .. ما ینظرون إلّا صیحه وحده تأخذهم

<صیحه> به معنای صدای بلند و سهمگین است و مقصود از آیه شریفه، با توجه به آیه قبل

که در آن کافران از زمان برپایی قیامت سؤال می کردند بیانِ نشانه های برپایی قیامت و شرایطی است که در آن، رستاخیز برپا می شود.

۲ – برپایی قیامت ، پس از یک صیحه و فریاد مرگ بار آغاز می شود .

و یقولون متی هذا الوعد . .. ما ینظرون إلاّ صیحه وحده تأخذهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۰ – ۱،۲

۱ – با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از هرگونه توصیه و اندک سفارشی ، ناتوان خواهند شد .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه

نکره آمدن <توصیه> می تواند برای تقلیل باشد.

۲ – با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

ترسناکی صیحه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۰ – ۳،۴

۳ – میان وقوعِ صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین حاکی از حقیقت یاد شده است.

۴ – انسان ها به وقت شنیدن صیحه و فریاد سهمگین در آستانه برپایی قیامت ، از هرگونه تحرک و عملی ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده . .. فلایستطیعون

توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ناتوانی انسان ها از توصیه و مراجعه به کسان خود، به عنوان مثال و مصداق آمده و مقصود اصلی بیان ناتوانی کامل بشر در برابر مشیت خداوند به برپایی قیامت باشد.

حتمیت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۲

۲ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ

بنابراین که <بالحقّ>، نشانگر حتمیت و تخلف ناپذیری باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

حقانیت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۳

۳ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

۳ – فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد; تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای

تشریفاتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۶ – ۳

۳ – پیدایش صیحه ای رعدآسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْد>; یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اوّلین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

عذاب با صیحه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۱۶

۱۶ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <. .. عذابا من فوقکم> هو الدخان و الصیحه <او من تحت ارجلکم> و هو الخسف <او یلبسکم شیعا> و هو اختلاف فی الدین و طعن بعضکم علی بعض <و یذیق بعضکم بأس بعض> و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی أهل القبله ... .

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از <عذابا من فوقکم>، دود و صیحه آسمانی و مراد از <أو من تحت أرجلکم>، فرو رفتن در زمین و مراد از <یلبسکم شیعا>، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از <و یذیق بعضکم بأس بعض> این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است . .. .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۷ – ۱،۱۰

۱ کفرپیشگان قوم ثمود ، با غرشی مهیب

به هلاکت رسیدند .

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

۱۰ < عن أبی عبدالله (ع) (فی إهلاک قوم صالح) : . . . لما کان نصف اللیل أتاهم جبرئیل (ع) فصرخ بهم صرخه خرقت تلک الصرخه أسماعهم و فلقت قلوبهم و صدّعت أکبادهم . . . فأصبحوا فی دیارهم و مضاجعهم موتی أجمعین ثم أرسل الله علیهم مع الصیحه النار من السماء فأحرقتهم أجمعین . . . ;

از امام صادق(ع) [درباره هلاکت قوم صالح] روایت شده است: چون نیمه شب فرا رسید، جبرئیل نزد آنان آمد. پس فریادی بلند بر سرشان زد که گوشهای آنان را پاره کرد و قلبهایشان را شکافت و جگرهایشان را درید; در نتیجه صبحگاه آن شب، همه آنان در خانه ها و بسترهایشان مرده بودند. سپس خداوند همراه با آن فریاد آتشی از آسمان فرستاد که همه را سوزاند ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۷،۱۲

۷ کفرپیشگان قوم شعیب ، با غرشی مهیب به هلاکت رسیدند .

و أخذت الذین ظلموا الصیحه

۱۲ صیحه و غرشی که مردم مدین را فرا گرفت ، توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از آنان سلب کرد .

و أخذت الذین ظلموا الصیحه فأصبحوا فی دیرهم جثمین

<فی دیارهم> متعلق به <جاثمین> است و دلالت بر این دارد که: قوم شعیب در خانه هایشان به هلاکت رسیدند. بیان این معنا حکایت از آن دارد که صیحه و غرّش مهیب، آن چنان بود که مردم مدین نتوانستند از خانه ها که طبعاً آدمی در این موارد آن را ترک می

کند بیرون آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۱

۱ جوشش آب های سیل آسا ، بارش باران های طوفان زا ، زیر و زبر شدن آبادیها ، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر ، نمونه هایی است از عقوبت های الهی و عذاب های استیصال .

و کذلک أخذ ربک

<ذلک> اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است; از قبیل طوفان نوح ، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و . . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳ - ۱،۳

۱- قوم لوط ، در پی اصرار بر تداوم انحراف جنسی خود ، صبحگاهان گرفتار صدایی وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

قال هؤلاء بناتی . .. فأخذتهم الصیحه مشرقین

<صیحه> به معنای صدا بلند کردن و فریاد است و چون این صدا همراه با فزع و ترس است، از این رو به صدای وحشتناک و غرش سهمگین تعبیر شده است. <شرق> (مصدر مشرقین) به معنای طلوع خورشید است. وزن فاعلی آن به معنای آنان داخل صبح شدند است.

۳- صدای وحشتناک و غرش سهمگین ، از اسباب و عوامل عذاب الهی

فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۱

۱- خداوند ، شهر قوم لوط را در پی صدایی وحشتناک ، زیر و رو و واژگون کرد .

فأخذتهم الصیحه . .. فجعلنا علیها سافلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

- ۸۳ - ۲

۲- صدای وحشتناک و غرش سهمگین ، از اسباب و عوامل عذاب های الهی

فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۳

۳- عذاب الهی (صیحه) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین . فأخذتهم الصیحه ... فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبو

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی، خانه های سنگی بنا کرده بودند؛ ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنی عنهم . ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین خانه ها سُکنی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۲

۲ - نابودی جامعه پس از نوح ، تنها با یک فریاد مرگ بار (صیحه)

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

<صیحه> مصدر عددی و به معنای یک فریاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۱،۱۰،۷

۷ - برخی از اقوام مکذِّب انبیا (قوم ثمود) با صیحه و صدایی مهیب و وحشت ناک ، عذاب و نابود شدند .

و عادًا و ثمودًا . .. فکلاًّ أخذنا بذنبه ... و منهم من أخذته الصیحه

۱۰ - رخداد های ناگوار طبیعی ، مانند طوفان شن و صدا های مهیب و فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، ممکن است عذاب الهی باشند .

فكلًّا أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصبًا

و منهم من أخذته الصيحه و منهم من

۱۱ - نـابود کردن قوم عـاد و ثمود بـا طوفـان و صـدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

و قرون و فرعون و همن . .. و ما کانوا سبقین . فکلاًّ أخذنا بذنبه فمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۱،۲

۱ - عذاب و هلاکت مردم انطاکیه ، تنها با یک صیحه و بانگ سهمناک بود .

إن کانت إلاّ صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که درصدد بیان مجازات و عذاب مردم انطاکیه است عقوبت و نابودی می باشد.

۲ - مردم انطاکیه ، با صیحه و بانگ سهمناک به حال خموشی و سکون مرگ بار درآمدند .

فإذا هم خمدون

<خمود> در اصل به معنای خاموش شدن زبانه آتش است و جمله <إذا هم خامدون> کنایه از مردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و ما ینظر هؤلاء إلاّ صیحه وحده

<ینظر> (از مصـدر <نظر>) به معنای <انتظار> است و مقصود از <صـیحه> عـذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه <واحده> نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

۳ - صیحه (بانگ سهمگین) ، از عذاب های الهی در دنیا

و ما ینظر هؤلاء

إلّا صیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۲،۴

۲ - صیحه (صدای سهمگین) آسمانی ، وسیله نابودی قوم ثمود

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده

۴ - خشک شدن قوم ثمود ، همانند علف های خشک دامداران ، با یک صدای مهیب آسمانی

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

<هشیم> به گیاه خشک و <محتظر> به کسی گفته می شود که برای دام آغل درست کند. بنابراین <هشیم المحتظر>; یعنی، علف خشکی که دامدار برای دامش تهیه می کند.

عظمت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور . .. إن کانت إلّا صیحه وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

عظمت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۲

۲ - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن کانت إلّا صیحه وحده فإذا هم جمیع لدینا محضرون

نقش صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۴

۴ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، دارای نقش در خروج آدمیان از خاک *

یسمعون الصیحه . .. ذلک یوم الخروج

بنابراین که تقدم لفظی <صیحه> بر <خروج>، بیانگر تأثیر صیحه در

سر برآوردن آدمیان از خاک باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ویژگیهای صیحه آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۰ – ۳

۳ – میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین حاکی از حقیقت یاد شده است.

صید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صید

اجتناب از صید ماهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

احکام صید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱ – ۸،۹

۸ حرمت صید و شکار در حال احرام

غیر محلی الصید و انتم حرم

<صید> مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه <حُرُم> (جمع حرام) می تواند از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند و می تواند از <حَرَم> گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹

خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ; یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۴

۲۴ حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۷،۳۶،۳۵،۳۴،۳۳،۳۲،۳۱،۲۵،۲۴،۲۲،۱۹،۱۷،۱۵،۱۳

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیه ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لابأس قال اللّه عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک

مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم اللّه

مراد از <علمکم اللّه> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد

شد .

و اذكروا اسم اللّه عليه

بنابر اينكه دستور تسميه (بردن نام خدا)، بيان شرط حليت باشد نه يك حكم تكليفى. برداشت فوق را روايت منقول از امام صادق(ع) تأييد مى كند: ... اذا صاد و قد سمى فليأكل و ان صاد و لم يسم فلايأكل و هذا <مما علمتم من الجوارح مكلبين>.

كافى، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذيب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۱ رعايت مقررات الهى در خوردنى ها و شكار حيوانات ، نشانه تقوا و پرهيزگارى است .

احل لكم الطيبت . .. و اذكروا اسم اللّه عليه و اتقوا اللّه

۳۲ آموزش سگ ، بهنگام فرستادن براى شكار ، كافى در صدق شكارى بودن و حليت صيدش

و ما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن مما علمكم اللّه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شكارى روايت شده: . .. و ان كان غير معلم يعلمه فى ساعته حين يرسله فيأكل منه فانه معلم . ...

كافى، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

۳۳ حرمت صيد كشته شده به وسيله حيوانى غير از سگ تعليم ديده

و ما علمتم من الجوارح مكلبين . .. فكلوا مما امسكن عليكم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صيد به وسيله پرندگان شكارى، سگ و يوزپلنگ فرمود: لاتأكل صيد شىء من هذه الا ما ذكيتموه الا الكلب المكلب . .. .

كافى، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۹; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۷.

۳۴ حليت صيد يوزپلنگ تعليم ديده

احل . .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال اللّه <مکلبین>.

تفسیر عیاشی،

ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

۳۶ خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) وامام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودنند : ... وان ادرکته وقد قتاه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره ۳۶ و ۳۷ با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۲; استبصار، ج ۴، ص ۶۷، ح ۱ تا ۱۰.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لابأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم یأکل الکلب منه فاذا اکل الکلب منه قبل ان تدرکه فلاتأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۷

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در

این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

استفاده از صید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۶

۳۶ استفاده از حیوانی که بر اثر خفگی ، زده شدن ، پرت شدن و ضربه دیدن از شاخ حیوانی دیگر بمیرد و یا درنده ای آن را بکشد ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

امتحان با صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۴

۴ انواع شکار ها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و . . .) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۹

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

انگیزه صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم . .. و اتقوا اللّه

فرمان به تقواپیشگی (اتقوا اللّه) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا

. ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

اهمیّت ترک صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم . .. و اتقوا اللّه

فرمان به تقواپیشگی (اتقوا اللّه) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا . ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

بسمله در صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۴،۲۵،۳۸

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم اللّه علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم

یسم فلایأکل و هذا <مما علمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. اذا صاد و قد سمّی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <ممّا علّمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

پرنده صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ پرندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و ما کان من طیر یکون فی البر و یبیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ... .

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

تقسیم صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۱

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها *

فکلوا مما امسکن علیکم

<من> در <مما امسکن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

تقوا در

صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۶

۲۶ لزوم رعایت تقوا در صید و خوراکیها

احل لکم الطیبت . .. فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه و اتقوا اللّه

شرایط حلیت صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۷،۲۳

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

شرایط صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۴،۲۵،۳۲،۳۷،۳۸

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم اللّه عليه

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه ضمير در <عليه> به <ما علمتم من

الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم اللّه علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <مما علمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۲ آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: . .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم . ...

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لابأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم یأکل الکلب منه فاذا اکل الکلب منه قبل ان تدرکه فلاتأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله

سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. اذا صاد و قد سمّی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <ممّا علّمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

صید باز شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

صید تفریحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۰

۲۰ - < عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی ، عن ابی جعفر (ع) محمد بن علی الرضا (ع) قال : سألته . . . یابن رسول اللّه ! ما معنی قوله عز و جل < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه > قال : العادی السارق و الباغی یبغی الصید بطراً أو لهواً لالیعود به علی عیاله ;

عبدالعظیم حسنی گوید: از امام جواد(ع) از معنای <باغی> و <عادی> در آیه فوق پرسیدم، امام فرمودند: عادی;

یعنی، دزد و باغی کسی است که به خاطر خوش گذرانی یا سرگرمی به شکار می رود نه برای انتفاع خانواده خود>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۶ – ۵

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

صید جایز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۲۴

۲۴ حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتم فاصطادوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴ – ۱۲،۳۰

۱۲ جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده <مکلبین> که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۴۱.

۳۰ توجه به حسابرسی سریع خداوند ، زمینه حصول تقوا در انسان

و اتقوا اللّه إنّ اللّه سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱،۲،۳

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

صید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱ – ۱۴،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸

۸ حرمت صید و شکار در حال

احرام

غیر محلی الصید و انتم حرم

<صید> مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه <حُرُم> (جمع حرام) می توانـد از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که برای انجام حـج و یا عمره محرم می شونـد و می تواند از <حَرَم> گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ; یعنی حیوان شکار شده.

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشـت فـوق بر ایـن اسـاس اسـت کـه مراد از <حُرُم> <داخلـون فی الحرم> باشـد گفتنی است مراد از حَرَم بر اسـاس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

۱۲ حلیت بهره برداری از چهارپایان ، مشروط به پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است . *

أحلت . .. غیر محلی الصید

بنابر اینکه <غیر محلی>، حال برای ضـمیر در <لکم> باشـد و با توجه به اینکه حال، عامل خود را مقیـد می کند ; بنابراین، حلیت چهارپایان حلال گوشت، در فرض پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسـفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صـید و شـکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود

أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴،۲۴

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حليت چهارپايان و حرمت صيد در حال احرام) ، از شعاير الهی است . *

أحلت لكم بهيمه الانعم . .. لاتحلوا شعر اللّه

از مصاديق شعاير الهی، با توجه به آيه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

۲۴ حرمت صيد و شكار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴

۴ حرمت استفاده از حيوانی كه طعمه و شكار درندگان شده و بميرد .

حرمت . .. و ما اكل السبع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۵،۳۳،۳۵

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شكار ، موجب حرمت حيوان صيد شده خواهد شد .

و اذكروا اسم اللّه عليه

بنابر اينكه دستور تسميه (بردن نام خدا)، بيان شرط حليت باشد نه يک حكم تكليفی. برداشت فوق را روايت منقول از امام صادق(ع) تأييد می كند: ... اذا صاد و قد سمی فليأكل و ان صاد و لم يسم فلايأكل و هذا <مما علمتم من الجوارح مكلبين>.

كافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذيب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۳ حرمت صید کشته شده به وسیله حیوانی غیر از سگ تعلیم دیده

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .

.. فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صید به وسیله پرندگان شکاری، سگ و یوزپلنگ فرمود: لاتأکل صید شیء من هذه الا ما ذکیتموه الا الکلب المکلب . .. .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۷.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱،۲،۱۶

۱ حرمت کشتن شکار در حال احرام

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لاتقتلوا الصید و انتم حرم . .. عفا اللّه عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله <عفا اللّه عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۷،۱۵،۱۶

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۱۵ پرندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و ما کان من طیر یکون فی البر و یبیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ... .

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد ، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

امام صادق(ع): کل شیء یکون اصله فی البحر و یکون فی البر و البحر فلاینبغی للمحرم ان یقتله فان قتله فعلیه الجزاء کما قال اللّه عزوجل.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید حرام بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۳ – ۹،۱۴

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلك نبلوهم

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب

شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

<کذلک> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتیهم حیتانهم . .. > به دست می آید.

صید حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲،۳۴

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال اللّه <مکلبین>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵،۲۱،۲۳

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنـده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشـد که تشبیه را افاده کنـد، نمی توانـد <جوارح> را مقیـد به خصوص سـگان شـکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها

*

فکلوا مما امسکن علیکم

<من> در <مما امسکن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

صید خشکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۶ – ۷،۸،۱۰،۱۵

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرایی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّٰه

از مصادیق

مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم . ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

۱۵ پرندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و ما کان من طیر یکون فی البر و یبیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ... .

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۵

۱۵ شکار در حال احرام ، علیرغم هشدار الهی به پرهیز از آن ، موجب عذاب دردناک

بشیء من الصید . .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

به قرینه آیه بعد، مراد از شکار ممنوع شکار در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱،۳،۱۹،۲۰

۱ حرمت کشتن شکار در حال احرام

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام

حج و یا عمره محرم می شوند.

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفّاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم اللّه منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفّاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۰ تکرار صید در حال احرام ، موجب عذاب و انتقام الهی

و من عاد فینتقم اللّه منه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . .. اذا اصاب آخر فلیس علیه کفّاره و هو ممن قال اللّه عزوجل <و من عاد فینتقم اللّه منه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۴، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۸، ح ۳۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۷،۸،۱۵،۱۶

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است

که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۵ پرندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و ما کان من طیر یکون فی البر و یبیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ... .

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد ، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

امام صادق(ع): کل شیء یکون اصله فی البحر و یکون فی البر و البحر فلاینبغی للمحرم ان یقتله فان قتله فعلیه الجزاء کما قال اللّه عزوجل.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۴،۱۸

۴ انواع شکار ها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و . . .) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

يأيها الذين ءامنوا ليبلونكم اللّه بشىء

من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲،۳،۱۷

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره

۱۷ صید های انجام شده پیش از تشریع کفاره شکار ، جریمه ای ندارد .

فجزاء مثل ما قتل . .. عفا اللّه عما سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۳

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۹ – ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از

چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ماتکتمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرُم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

صید دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۴،۵

۴ جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در <طعامه> به <البحر> برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای <مایؤکل> خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صـید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

صید دریایی در احرام

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱،۲

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

صید دوزیستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد ، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

امام صادق(ع): کل شیء یکون اصله فی البحر و یکون فی البر و البحر فلاینبغی للمحرم ان یقتله فان قتله فعلیه الجزاء کما قال اللّه عزوجل.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۲،۱۳،۱۵،۱۷،۱۸،۲۳،۲۴،۲۵،۳۵،۳۶،۳۷،۳۸

۱۲ جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده <مکلبین> که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم

سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۴۱.

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیه ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لابأس قال اللّه عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و

معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف <ما علمتم>، عطف خاص بر عام است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم اللّه علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا

<مما علمتم من الجوارح مكلبين>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴; تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

۳۶ خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) وامام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادرکته وقد قتاه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره ۳۶ و ۳۷ با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۲; استبصار، ج ۴، ص ۶۷، ح ۱ تا ۱۰.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لابأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم یأکل الکلب منه فاذا اکل الکلب منه قبل ان تدرکه فلاتأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّه علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. اذا صاد

و قد سمّی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلایأکل و هذا <ممّا علّمتم من الجوارح مکلبین>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

صید شیر شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

صید ماهی در ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۴ – ۵

۵ پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان

و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّه مهلکهم أو معذبهم عذاباً شدیداً

صید ماهی در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - از امام سجاد (ع) روایت شده است : < . . . أما القرده فکانوا قوماً من بنی اسرائیل . . . اعتدوا فی السبت فصادوا الحیتان فمسخهم اللّه قرده . . . ;

. .. اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۲،۶

۲ خداوند یهودیان متمرد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

<بئیس> به معنای شدید است.

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ –

اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱،۳

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس . .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذین ظلموا . .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

صید ماهی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

صید ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم . .. و اتقوا اللّه

فرمان به

تقواپیشگی (اتقوا اللّه) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا . ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

صید وحوش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید یوزپلنگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۴

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال اللّه <مکلبین>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

کفّاره صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۹ – ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ماتکتمون>

با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

کفّاره صید آهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید الاغ وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۲۷،۲۶،۲۵،۲۴،۱۰،۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً

بلغ الكعبه

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . .. و کل شیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفّاره شکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. <ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال

احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال إنّما یکون الجزاء مضاعفاً فیما دون البدنه حتی یبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلاتضاعف لأنه أعظم ما یکون ، قال اللّه عزّوجلّ : و من یعظّم شعائر اللّه فإنّهامن تقوی القلوب ;

از امام صادق(ع) روایت شده است[که در باره کفّاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از

شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزّوجلّ می فرماید:<و من يعظم شعائر اللّه...>».

كفّاره صيد شتر مرغ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۲۶

۲۶ شتر ، كفّاره شـكار شتر مرغ ، گاو ، كفاره شكار الاغ وحشى گوسفند ، كفاره شكار آهو و گاو كفاره گاو وحشى در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضيح آيه فوق فرمود: فى النعامه بدنه و فى حمار وحش بقره و فى الظبى شاه و فى البقره بقره.

تهذيب شيخ طوسى، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

كفّاره صيد گاو وحشى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۲۶

۲۶ شتر ، كفّاره شـكار شتر مرغ ، گاو ، كفاره شكار الاغ وحشى گوسفند ، كفاره شكار آهو و گاو كفاره گاو وحشى در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضيح آيه فوق فرمود: فى النعامه بدنه و فى حمار وحش بقره و فى الظبى شاه و فى البقره بقره.

تهذيب شيخ طوسى، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

كيفر صيد در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی

مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لاتقتلوا الصید و انتم حرم . .. عفا اللّه عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله <عفا اللّه عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹